



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

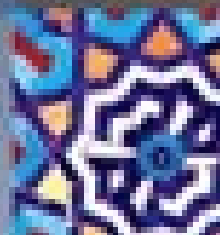
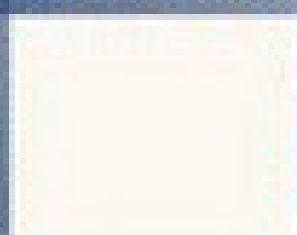
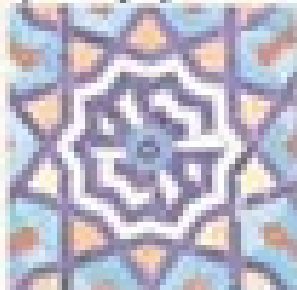
www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

کتاب ششم انداز چگونگی تعمیر

در دانش معماری و هنر

نجم الدین طبسی

چهارم تنظیم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)

نویسنده:

نجم‌الدین طبسی

ناشر چاپی:

بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)
۱۵	مشخصات کتاب
۱۵	پیشگفتار
۱۷	دورنمایی از جهان پیش از ظهور
۱۷	اشاره
۱۷	حکومت
۱۸	اشاره
۱۸	استبداد حکومت‌ها
۱۸	ترکیب دولت‌ها
۱۹	نفوذ زنان بر حکومت‌ها
۱۹	فرمانروایی کودکان
۱۹	تزلزل حکومت‌ها
۱۹	ناتوانی قدرت‌ها از اداره کشورها
۱۹	اخلاق پیش از ظهور
۲۰	اشاره
۲۰	سردی عواطف انسانی
۲۰	فساد اخلاقی
۲۱	گسترش اعمال منافی عفت
۲۱	آرزوی کمی تعداد فرزند
۲۱	افزایش خانواده‌های بی‌سرپرست
۲۱	امنیت پیش از ظهور
۲۲	هرج و مرج و ناامنی

- ۲۲ نامنی راه‌ها
- ۲۲ جنایات هولناک
- ۲۳ آرزوی مرگ زندگان
- ۲۴ به اسارت رفتن مسلمانان
- ۲۴ فرورفتن در زمین
- ۲۴ افزایش مرگ‌های ناگهانی
- ۲۴ ناامیدی جهانیان از نجات
- ۲۴ نداشتن دادرسی و پناه
- ۲۵ جنگ، کشتار و فتنه‌ها
- ۲۶ وضعیت اقتصادی جهان در عصر ظهور
- ۲۶ اشاره
- ۲۷ کمبود باران و باریدن باران‌های بی‌موقع
- ۲۷ خشک شدن دریاچه‌ها و رودها
- ۲۷ شیوع گرانی، گرسنگی، فقر و کساد تجارت
- ۲۸ مبادله زنان در مقابل مواد غذایی
- ۲۸ روزنه‌های امید
- ۲۸ اشاره
- ۲۸ مؤمنان حقیقی
- ۲۹ نقش عالمان و دانشمندان (شیعه)
- ۲۹ نقش شهر قم در آخرالزمان
- ۲۹ اشاره
- ۲۹ قم حرم اهل بیت
- ۳۰ شهر قم حجت بر دیگران
- ۳۰ مرکز نشر فرهنگ اسلامی

- تأیید خط فکری قم ۳۰
- اشاره ۳۰
- یاوران مهدی ۳۱
- ایران، کشور امام زمان ۳۱
- تمجید از ایرانیان ۳۱
- زمینه سازان ظهور ۳۲
- انقلاب جهانی مهدی ۳۲
- قیام امام زمان ۳۲
- اشاره ۳۳
- اعلان ظهور ۳۳
- شعار پرچم قیام ۳۴
- خرسندی جهانیان از قیام ۳۴
- نجات محرومان ۳۴
- نقش زنان در قیام امام ۳۵
- اشاره ۳۵
- بررسی سابقه زنان عصر ظهور در کتاب‌های تاریخی ۳۵
- اشاره ۳۵
- صیانه ۳۶
- ام ایمن ۳۶
- زبیده ۳۷
- سمیه مادر عمار یاسر ۳۷
- ام خالد ۳۷
- حبابه والبیه ۳۸
- قنواء دختر رشید هجری ۳۸

۳۹	نقش زنان در دوران پیامبر
۴۰	رهبر قیام
۴۰	اشاره
۴۰	خصوصیات جسمی
۴۰	سن و چهره
۴۱	مشخصات بدنی
۴۱	کمالات اخلاقی
۴۱	اشاره
۴۱	ترس از خدا
۴۲	زهد
۴۲	لباس
۴۲	اسلحه
۴۳	چهره شناسی امام
۴۳	کرامات
۴۳	اشاره
۴۴	سخن گفتن پرنده
۴۴	جوشش آب و آذوقه از زمین
۴۵	طی الارض و نداشتن سایه
۴۵	وسیله انتقال
۴۵	کندی حرکت زمان
۴۵	قدرت تکبیر
۴۶	عبور از آب
۴۶	شفای بیماران
۴۶	عصای موسی در دست

- ۴۶ ندای ابر
- ۴۷ سپاهیان امام
- ۴۷ اشاره
- ۴۷ فرماندهان سپاه
- ۴۷ اشاره
- ۴۷ حضرت عیسی
- ۴۷ شعیب بن صالح
- ۴۸ اسماعیل فرزند امام صادق و عبدالله بن شریک
- ۴۸ عقیل و حارث
- ۴۸ جبیر بن خابور
- ۴۸ مفضل بن عمر
- ۴۸ اصحاب کهف
- ۴۸ ملیت سپاهیان
- ۴۸ اشاره
- ۴۹ ایرانیان
- ۴۹ اشاره
- ۵۰ قم
- ۵۰ خراسان
- ۵۰ طالقان
- ۵۰ عرب‌ها
- ۵۱ پیروان ادیان گوناگون
- ۵۲ جابلقا و جابرسا
- ۵۲ تعداد سپاهیان
- ۵۲ اشاره

۵۳	نیروهای مخصوص
۵۴	ارتش مهدی
۵۴	گارد حفاظت
۵۴	اجتماع سپاهیان
۵۵	شرایط پذیرش و آزمایش سپاهیان
۵۶	ویژگی‌های سپاهیان
۵۶	اشاره
۵۶	عبادت و پارسایی
۵۶	عشق به امام و فرمانبرداری از او
۵۷	سپاهیان قدرتمند و جوان
۵۷	سپاهیان محبوب
۵۸	عاشقان شهادت
۵۸	جنگ‌های حضرت
۵۸	اشاره
۵۸	پاداش مجاهدان و شهیدان
۵۸	تجهیزات جنگی
۵۹	جهان‌گشایی امام برای نجات بشر
۶۲	سرکوبی شورش‌ها
۶۲	پایان جنگ‌ها
۶۳	امدادهای غیبی
۶۳	اشاره
۶۳	رعب و ترس، سلاح امام
۶۳	فرشتگان و جنیان
۶۴	فرشتگان زمین

۶۵	تابوت موسی
۶۶	شیوه رفتار امام با دشمنان
۶۶	اشاره
۶۶	قاطعیت امام در رویارویی با دشمنان
۶۶	اشاره
۶۶	جنگ و کشتار
۶۷	اعدام و تبعید
۶۷	قطع دست
۶۷	برخورد با گروه‌های مختلف
۶۸	اشاره
۶۸	قوم عرب
۶۸	اهل کتاب
۶۹	فرقه‌های باطل و منحرف
۶۹	مقدس نماها
۷۰	ناصبی‌ها
۷۰	منافقان
۷۱	شیطان
۷۱	احیای سنت محمدی
۷۱	اشاره
۷۲	احکام جدید
۷۲	اعدام زناکار و منع کننده از زکات
۷۳	قانون ارث
۷۳	کشتن دروغگویان
۷۳	پایان حکم جزیه

۷۳	انتقام از بازماندگان قاتلان امام حسین
۷۴	حکم رهن و وثیقه
۷۴	سود تجارت
۷۴	کمک برادران دینی به یک دیگر
۷۴	حکم قطایع
۷۴	حکم ثروت‌ها
۷۵	اصلاحات اجتماعی و تجدید ساختمان مساجد
۷۵	تخریب مسجد کوفه و تعدیل قبله آن
۷۵	تخریب مساجد در مسیر جاده و مشرف
۷۵	ویران کردن مناره‌ها
۷۵	تخریب سقف مساجد و منبرها
۷۶	بازگرداندن مسجد الحرام و مسجد النبی به اندازه اصلی
۷۶	قضاوت
۷۶	حکومت عدل
۷۷	نظر مرحوم طبرسی
۷۷	حکومت
۷۷	دولت حق
۷۷	اشاره
۷۹	حکومت بر دل‌ها
۷۹	پایتخت حکومت
۸۰	کارگزاران دولت مهدی
۸۱	مدت حکومت
۸۱	رشد دانش و فرهنگ اسلامی
۸۱	اشاره

۸۲	شکوفایی دانش و صنعت
۸۴	گسترش فرهنگ اسلامی
۸۴	اشاره
۸۴	آموزش قرآن و معارف اسلامی
۸۴	ساختن مساجد
۸۵	رشد معنویت و اخلاق
۸۶	امنیت
۸۶	اشاره
۸۷	امنیت عمومی
۸۸	امنیت راه‌ها
۸۸	امنیت قضایی
۸۹	اقتصاد
۸۹	اشاره
۹۰	شکوفایی اقتصاد و رفاه اجتماعی
۹۰	اشاره
۹۰	تقسیم اموال و بخشش دارایی‌ها
۹۱	ریشه کن شدن فقر از جامعه
۹۱	رسیدگی به محرومان و مستضعفان
۹۲	عمران و آبادانی
۹۲	کشاورزی
۹۳	اشاره
۹۳	فراوانی باران
۹۳	فراوانی محصولات کشاورزی
۹۴	گسترش دام پروری

- ۹۴ بازرگانی
- ۹۵ بهداشت و درمان
- ۹۵ اشاره
- ۹۵ گسترش بیماری‌ها و مرگ‌های ناگهانی
- ۹۶ بهداشت
- ۹۶ درمان
- ۹۷ شهادت یا رحلت امام
- ۹۷ اشاره
- ۹۷ چگونگی شهادت امام
- ۹۸ پاورقی
- ۱۲۵ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)**مشخصات کتاب**

سرشناسه: طبسی نجم‌الدین - ۱۳۳۴

عنوان و نام پدیدآور: چشم‌اندازی به حکومت مهدی عج / نجم‌الدین طبسی

وضعیت ویراست: ویرایش ۲

مشخصات نشر: قم بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰).

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص

فروست: بوستان کتاب قم شماره کتاب ۹۱۸

شابک: ۹۶۴-۳۷۱-۰۵۶-۰۵۰۰-۴۱۱۵ ریال یادداشت: ویرایش قبلی این کتاب در سال ۱۳۷۳ تحت عنوان "چشم‌اندازی از حکومت

مهدی عج" توسط انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی منتشر شده است یادداشت: ص ع لاتینی شده. Najm - Al - Din

.Tabasi. chesmandazibe hokumate mahdi = An outlook on the mahdi government

یادداشت: چاپ چهارم ۱۳۸۲/۱۲۵۰۰ ریال: ۹-۳۶۷-۳۷۱-۹۶۴ ISPN

یادداشت: کتابنامه ص [۲۱۶] - ۲۲۴؛ همچنین به صورت زیرنویس

عنوان دیگر: چشم‌اندازی از حکومت مهدوی عج

موضوع: مهدویت

موضوع: مهدویت -- انتظار.

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات اسلامی بوستان کتاب قم رده بندی کنگره: BP۲۲۴/ط۲۵ چ ۵ ۱۳۸۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۰-۲۳۶۱۹

پیشگفتار

منطقه شوش دانیال تازه از چنگال کافران بعثی آزاد شده بود و مردم کم کم به شهر باز می‌گشتند. من که در آن زمان افتخار حضور در جمع عزیزان رزمنده را داشتم، در آن فرصت در مسجد جامع آن شهر تاریخی، درس‌هایی را درباره امام زمان (عج) بر اساس کتاب بحار الانوار علامه مجلسی بیان کردم. در آن هنگام بدین نکته توجه کردم که درباره امام زمان (عج) گرچه مباحث گوناگونی، مانند: راز طول عمر، فلسفه غیبت، عوامل ظهور و... مطرح شده است، ولی درباره چگونگی قیام، سیستم حکومتی و شیوه زمامداری آن حضرت، آن‌چنان که شایسته است، تحقیق و پژوهشی به عمل نیامده است. از این رو، بر آن شدم تحقیقی در این زمینه داشته باشم؛ شاید بتوانم برای سؤالاتی که کم و بیش برای همگان مطرح است، پاسخی بیابم. یکی از پرسش‌هایی که ذهن بیش‌تر انسان‌ها را به خود مشغول داشته، آن است که امام (عج) چگونه نظام‌های سیاسی گوناگون را - که دارای افکار و توانایی‌های مختلفی هستند - از میان برمی‌دارد و نظام واحد جهانی تشکیل می‌دهد؟ سیستم و برنامه حکومتی آن حضرت چگونه است که در آن ظلم و ستمی در جهان نخواهد بود؛ فساد صورت نمی‌گیرد و گرسنه‌ای یافت نمی‌شود؟ این اندیشه چهار سال مرا به تحقیق و پژوهش در موضوع یاد شده واداشت، و نتیجه آن، کتابی شد که در پیش روی دارید. در بخش نخست این کتاب، اوضاع جهان پیش از ظهور امام (عج) - که آکنده از جنگ و کشتار، ویرانی و قحطی، مرگ و بیماری، ظلم و ستم و ناامنی و تجاوز

است - مورد بررسی قرار گرفته، نتیجه گیری می شود که مردم در آن هنگام از مرام‌ها، مکتب‌ها و حکومت‌های گوناگون - که هر کدام ادعای رعایت حقوق بشر، سعادت انسان و نجات آنان را داشته‌اند - مأیوس شده، از بهبود اوضاع نابسامان جهان ناامید گشته‌اند و در انتظار ظهور مصلحی به سر می‌برند تا نجات بخش آنان باشد. بخش دوم کتاب، به چگونگی قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) می‌پردازد؛ نهضتی که از کنار کعبه با اعلام آن حضرت آغاز می‌گردد. یاران و پیروان حقیقی از سراسر جهان به او می‌پیوندند. ستاد فرماندهی شکل می‌گیرد، سپاهیان منظم شده، فرماندهان منصوب می‌شوند و عملیات در سطح وسیعی آغاز می‌گردد. امام مهدی (عج) ظهور می‌کند و به ریشه کن کردن ستم و ستمگر از جامعه می‌پردازد. این جامعه، محدود به سرزمین حجاز، خاورمیانه و آسیا نیست؛ بلکه به وسعت کره زمین است. اصلاح چنین جامعه‌ای که پر از ظلم و فساد است، کاری بس دشوار و مدّعی - آن در حقیقت - ادعای معجزه‌ای بزرگ دارد و این معجزه به دست او تحقّق می‌یابد. سومین بخش کتاب، به حکومت آخرین امام (ع) اشاره دارد. آن حضرت برای اداره جهانی رهیده از ستم و فساد و نیز تحقق حاکمیت اسلام، دولتی قوی و کارآمد، از یاران توانمند زمان خویش و بزرگانی چون حضرت عیسی (ع)، سلمان فارسی، مالک اشتر، صالح و... از سیلف صالح تشکیل می‌دهد. هر چند نقش آنان را در براندازی حکومت‌های جور نمی‌توان نادیده گرفت، ولی نقش اصلی آنان در سازندگی و اصلاح جهان در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است. آن چه در این پیش گفتار به اختصار ذکر شد، با بهره‌گیری از ده‌ها کتاب از - شیعه و سنی - و بررسی صدها روایت، به صورت مبسوط و مستدل در کتابی که در پیش رو دارید، آمده است. امید است این کتاب که دورنمایی - هر چند نارسا - از جامعه اسلامی پس از ظهور عدالت‌گستر آل محمد (ص) را ترسیم کرده است، مقبول امام زمان (عج) و مورد استفاده مسلمانان ایران و منتظران واقعی امام زمان (عج) قرار گیرد و آنان را برای فراهم کردن زمینه ظهور آن حضرت آماده‌سازد. از خداوند بزرگ خواهانیم که مرجع بزرگوار امام خمینی (ره) را که جلوه‌ای از حکومت مهدی (عج) را در ایران به ما نشان داد با انبیا و معصومین محشور فرماید و خادمان به اهل بیت و مملکت اهل بیت را موفق و در حراست از این امّ القری‌ای اسلام مؤید بدارد. در این جا تذکر چند نکته ضروری است: ۱. ما مدّعی آن نیستیم که در این کتاب مطلب تازه‌ای ارائه کرده‌ایم؛ زیرا روایات آن را عالمان گذشته جمع آوری نموده، در برخی موارد، نتیجه‌گیری نیز کرده‌اند؛ اما ویژگی این کتاب، در این است که سعی شده به دور از اصطلاحات خاص و نزاع‌های دینی، مطالب را در قالبی نو، ساده و در خور فهم عموم ارائه کند. ۲. برداشت‌هایی که از روایات صورت گرفته و به جایی استناد داده نشده است، نظر شخصی نویسنده می‌باشد. از این رو، ممکن است که با دقت و تحقیق بیشتر و مقایسه روایات با یکدیگر، مطالب دیگری برداشت شود. ۳. هم چنین مدّعی نیستیم که تمامی روایات مورد استناد در این کتاب، صحیح و غیر قابل‌خداشه است؛ بلکه سعی بر این بوده است که آن چه محدثان و مؤلفان معتبر در کتاب‌های‌شان آورده‌اند، نقل شود. هم چنین جز در پاره‌ای از موارد، از سند روایات بحثی به میان نیامده است؛ زیرا در مقام اثبات یا نفی آن نبوده‌ایم. علاوه بر آن که در بسیاری از موارد، با تواتر اجمالی به صدور روایت قطع پیدا می‌کنیم؛ به ویژه در روایاتی که از طریق اهل بیت (ع) رسیده است. ۴. روایات این کتاب پیش از تألیف و تدوین کتاب معجم احادیث [۱] الامام‌المهدی (ع) جمع آوری شده است. از این رو، مشتاقان به تحقیق بیشتر در این زمینه را به آن کتاب که بحمدالله پس از این کتاب موفق به جمع آوری و تألیف و نشر آن شدم ارجاع می‌دهیم. ۵. در بسیاری از روایات کلمه الساعه و القیامه به ظهور حضرت مهدی (عج) تفسیر شده است. از این رو، روایاتی که به عنوان شرایط یا علائم الساعه و القیامه آمده، در این کتاب به عنوان علائم ظهور آورده شده است. ۶. برخی از مطالب کتاب نیاز به تحقیق بیشتر دارد؛ هر چند سعی شده درباره آنها توضیح داده شود. امید است با عنایات الهی کتاب را در چاپ‌های بعدی با تحقیق بیشتر تری منتشر نماییم. در خاتمه به مصداق من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق، لازم است از برادران و دوستان به‌ویژه از دو برادر بزرگوارم، حجج اسلام محمد جواد و محمد جعفر طبسی برای رهنمودهای‌شان و از حجج اسلام علی رفیعی و سیدمحمد حسینی شاهرودی برای بازنویسی و تنظیم مطالب کتاب، تشکر و قدردانی کنم. قم - نجم الدین

طیسی ۱۳۷۳ ه.ش

دورنمایی از جهان پیش از ظهور

اشاره

آن‌گاه که در روشنایی قرار داریم، از ارزش آن کم‌تر آگاه می‌گردیم و زمانی به ارزش واقعی آن پی می‌بریم که در ظلمت و تاریکی قرار گرفته باشیم. هنگامی که خورشید جهان افروز در پهنه آسمان می‌درخشد، کم‌تر بدان توجه داریم، ولی آن‌گاه که در پس ابرها قرار گیرد و برای مدتی نور و گرما را از موجودات دریغ ورزد، به ارزش آن، آگاه می‌گردیم. ضرورت ظهور خورشید ولایت را آن‌گاه احساس خواهیم کرد که از شرایط و اوضاع نابسامان پیش از ظهور آگاه شویم و شرایط سخت روانی آن دوران را درک کنیم. ترسیمی کلی از آن دوران - که برگرفته از روایات است - به شرح زیر می‌باشد: پیش از ظهور امام زمان (عج) فتنه و آشوب، هرج و مرج، نابسامانی، ناامنی و ظلم و بیداد، نابرابری و اجحاف، قتل و کشتار و تجاوز، همه‌جا را فرا می‌گیرد و زمین سرشار از ستم و بی‌عدالتی می‌شود. جنگ‌های خونین میان ملت‌ها و کشورهای جهان آغاز شده، زمین از کشته‌ها انباشته می‌گردد. کشتار ناحق به حدی زیاد است که هیچ‌خانه و خانواده‌ای یافت نمی‌شود که یک یا چند عزیز خود را از دست ندهد. مردان و جوانان بر اثر جنگ‌ها از بین می‌روند، تا آن‌جا که هر سه نفر، دو نفر کشته می‌شوند. امتیث مالی و جانی از میان ملت‌ها رخت بر می‌بندند، راه‌ها و جاده‌ها ناامن می‌گردد، ترس، وحشت و هراس بشر را فرا می‌گیرد، مرگ‌های زودرس و ناگهانی فراوان می‌شود. کودکان معصوم با بدترین شکنجه‌ها، به دست فرمانروایان ستمگر کشته می‌شوند، در خیابان‌ها و معابر عمومی به زنان باردار تجاوز می‌گردد، بیماری‌های واگیر و مرگ‌بار - شاید بر اثر تعفن پیکر کشته شدگان یا به کارگیری سلاح‌های میکروبی و شیمیایی - گسترش می‌یابد. کمبود مواد غذایی، گرانی و قحطی، زندگی مردم را فلج می‌کند و زمین از پذیرش بذر و رشد و شکوفایی سر باز می‌زند. باران‌ها قطع شده، یا بی‌هنگام فرومی‌آید و زیان می‌رساند. بر اثر قحطی، زندگی چنان سخت می‌شود که برخی از مردم برای تأمین قوت لایموت خود، زنان و دختران خود را در برابر اندکی غذا واگذار می‌کنند. در آن شرایط دشوار، ناامیدی، بشر را فرا می‌گیرد و مرگ بهترین هدیه الهی به انسان‌ها تلقی می‌شود و تنها آرزوی مردم، پایان یافتن زندگی است. در آن هنگام چون شخصی از میان پیکر کشته شدگان و از کنار گورستان‌ها بگذرد، آرزو می‌کند: کاش یکی از آنان بود تا از زندگانی ذلت‌بار آسوده می‌گشت. در آن هنگام هیچ قدرت و سازمان و تشکیلاتی وجود ندارد که بتواند آن همه نابسامانی، تجاوز و کشتار را مهار کند و ستمکاران و قدرتمندان را به سزای کردار ننگینشان برساند. هیچ فریادی برای رهایی مردم به گوش نمی‌رسد. همه مدعیان نجات بشر، خائن و دروغ‌گو از کار در می‌آیند و انسان‌ها تنها ظهور مصلحی الهی و معجزه‌ای خدایی را انتظار می‌کشند. در آن هنگام که ناامیدی همه را فرا گرفته است، لطف و رحمت الهی، مهدی موعود را، پس از سال‌ها غیبت و انتظار، برای نجات انسانیت ظاهر می‌کند و سروش آسمانی در همه جهان به گوش می‌رسد که: «ای اهل عالم! دوران فرمانروایی ستمگران به سر آمد و حکومت عدل الهی فرا رسید و مهدی ظهور کرد». این ندای آسمانی، روح امید را در پیکره بی‌رق انسان‌ها می‌دمد و به محرومان و ستمدیدگان مزده رهایی می‌دهد. آری، با درک این زمینه‌هاست که می‌توان، به ضرورت ظهور مصلح الهی پی برد، و اهمیت و ارزش حکومت عدالت گستر مهدی (عج) را درک کرد. در این‌جا اوضاع نابسامان پیش از ظهور امام (ع) را در پنج فصل، از دیدگاه روایات بررسی می‌کنیم.

اشاره

قوانین ادیان و مکتب‌ها، هنگامی در جامعه اجرا می‌شود که حکومتی از آن پشتیبانی کند. از این رو، هر گروهی در پی به دست آوردن حکومت، برای اجرای اهداف خویش است. اسلام نیز - که برترین آیین آسمانی است - در پی تشکیل حکومت اسلامی بوده، پیدایش و حفظ حکومت حق را از بزرگ‌ترین فرایض می‌داند. پیامبر گرامی اسلام (ص) همه کوشش‌های خویش را برای تشکیل حکومت اسلامی به کار گرفت و در شهر مدینه به پایه ریزی آن پرداخت. پس از رحلت آن حضرت - هر چند امامان معصوم (ع) و عالمان، آرزوی تشکیل حکومت اسلامی را داشته‌اند - جز در موارد انگشت‌شماری، حکومت‌ها الهی نبوده است و تا زمان ظهور حضرت مهدی (ع) نیز بیش‌تر حکومت‌ها بر باطل خواهند بود. در روایاتی که از پیامبر (ص) و ائمه (ع) به ما رسیده است، چشم‌انداز عمومی حکومت‌ها، پیش از قیام مهدی (عج) ترسیم شده است که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

استبداد حکومت‌ها

یکی از مسائلی که جامعه بشری پیش از ظهور امام (ع) از آن رنج می‌برد، بیدادگری و ستمی است که به وسیله حکومت‌ها بر مردم می‌رود. رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید: «زمین از ستم و بیداد پُر می‌شود؛ تا جایی که در هر خانه‌ای ترس و جنگ وارد می‌گردد». حضرت علی (ع) می‌فرماید: «زمین پر از ستم و بیداد می‌گردد؛ تا آن که ترس و اندوه در هر خانه‌ای وارد شود». [۲]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «حضرت قائم (ع) قیام نمی‌کند، مگر در دورانی پر از بیم‌وهراس». [۳]. این بیم و ترس چیزی است که غالباً از حکومت زمامداران ستمگر و خودسر جهان سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا پیش از ظهور آن حضرت، ستمگران بر جهان فرمانروایی می‌کنند. امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید: «مهدی (ع) هنگامی قیام می‌کند که زمام کارهای جامعه در دست ستمکاران باشد». [۴]. ابن عمر می‌گوید: مرد شرافتمند و دارای مال و فرزند (در آخر الزمان) به سبب رنج‌ها و گرفتاری‌هایی که از سوی فرمانروایان می‌بیند، آرزوی مرگ می‌کند. [۵]. نکته قابل توجه این است که پیروان پیامبر (ص) تنها از تجاوز و هجوم قدرت‌های بیگانه رنج نمی‌برند، بلکه از سوی حکومت‌های خودکامه و مستبد خودشان نیز در فشار و رنجند؛ آن‌چنان که زمین با همه گستردگی‌اش بر آنان تنگ می‌شود و به جای احساس آزادی، خود را در زندانی بزرگ احساس می‌کنند. هم‌اکنون در جهان اسلام جز ایران - که با عنایت خداوند و امام زمان (عج) در آن فقیه عادل حکومت می‌کند - باقی رهبران کشورهای اسلامی با اسلام و مسلمانان میانه خوبی ندارند و با آنان بیگانه‌اند. در روایات، در این زمینه چنین آمده است: رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «در آخر الزمان بلای شدیدی - که سخت‌تر از آن شنیده نشده باشد - از سوی فرمانروایان اسلامی بر امت من وارد خواهد شد؛ به گونه‌ای که فراخای زمین بر آنان تنگ خواهد گشت و زمین از بیداد و ستم لبریز گردد؛ آن‌چنان که مؤمن برای رهایی از ستم، پناهگاهی که بدان پناهنده شود، نمی‌یابد». [۶]. در پاره‌ای از روایات به ابتلای مسلمانان به رهبران خودکامه تصریح گشته، در پی حکمرانی آن فرمانروایان ستمگر، ظهور مصلح کل، نوید داده شده است. در این دسته از روایات، از سه گونه حکومت - که پس از رسول گرامی اسلام بر سر کار می‌آیند - سخن به میان آمده است. این سه گونه حکومت عبارتند از: خلافت، امارت و ملوک و پس از آن، جباران حاکم می‌شوند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «پس از من خلفایی بر سر کار خواهند آمد؛ بعد از خلفا، امرایی و پس از امرا، پادشاهان و پس از آنان جباران و ستمگران؛ سپس مهدی (عج) ظهور می‌کند». [۷].

ترکیب دولت‌ها

هنگامی مردم در آسایش و راحتی به سر می‌برند که کارگزاران حکومت، افرادی صالح و کاردان باشند؛ ولی وقتی که افراد

ناشایست بر مردم فرمانروا شدند، طبیعی است که انسان‌ها از رنج و عذاب به ستوه آیند؛ درست همان وضعیتی که پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) پیش می‌آید. در این هنگام، دولت‌ها را افرادی خیانتکار، فاسق و ستمکار تشکیل می‌دهند. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «زمانی خواهد آمد که فرمانروایان، ستم پیشه؛ فرماندهان، خیانتکار؛ قاضیان، فاسق و وزیران، ستمگر می‌گردند». [۸].

نفوذ زنان بر حکومت‌ها

یکی دیگر از مسائلی که در حکومت‌های آخرالزمان مطرح است، سلطه و نفوذ زنان می‌باشد که یا به گونه مستقیم بر مردم فرمانروایی می‌کنند و یا فرمانروایان را به زیر سلطه خود می‌برند. این مطلب، پیامدهای ناگواری را به دنبال دارد. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «زمانی خواهد رسید که افراد فاسد و زناکار به ناز و نعمت می‌رسند و فرومایگان مقام و موقعیتی پیدا می‌کنند و انسان‌های با انصاف ضعیف می‌شوند». سؤال شد: این دوره در چه وقت خواهد بود؟ فرمود: «هنگامی که زنان و کنیزان بر امور مردم مسلط گردند و خردسالان به فرمانروایی برسند». [۹].

فرمانروایی کودکان

حاکمان باید افرادی باتجربه و مدیر باشند تا مردم در راحتی و آسایش قرار گیرند. اگر به جای آنان، کودکان یا کوته فکران، سرپرستی کارها را در دست گیرند، باید از شرّ فتنه‌ای که رخ می‌دهد، به خدا پناه می‌برد. در این باره به ذکر دو روایت بسنده می‌کنیم: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «از اوّل سال هفتاد و حکومت کودکان، به خدا پناه ببرید». [۱۰]. سعید بن مسیب می‌گوید: «فتنه‌ای رخ می‌دهد و ابتدای آن بازی کودکان خواهد بود». [۱۱].

تزلزل حکومت‌ها

حکومتی قادر است به مردم کشورش خدمت کند که دارای ثبات سیاسی باشد؛ زیرا در صورتی که در حال تغییر باشد، قادر به انجام کارهای بزرگ در کشور نیست. حکومت‌ها در آخرالزمان در حال تزلزلند و گاهی حکومتی در آغاز روز بر سر کار می‌آید، ولی هنگام غروب از کار برکنار می‌شود. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «چگونه خواهید بود، هنگامی که بدون امام هدایتگر و بدون علم و دانش بمانید و از یک دیگر بیزاری جوید؟ و این ۱ زمانی باشد که آزمایش شوید و افراد خوب و بد شما از هم جدا گردند و غربال و زیر و رو شوید. آن وقت که شمشیرها در رفت و آمد باشد و جنگ شعله ور. حکومتی در آغاز روز، روی کار می‌آید و با کشتار در آخر روز برکنار و سرنگون می‌شود». [۱۲].

ناتوانی قدرت‌ها از اداره کشورها

پیش از ظهور امام زمان (عج) حکومت‌های ستمگر به ضعف می‌گرایند و این زمینه‌ای می‌شود تا حکومت جهانی حضرت مهدی را بپذیرند. امام سجاد (ع) درباره آیه شریفه (حتی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصراً و أقلّ عدداً؛ [۱۳] تا آن گاه که ببینند، آن چه وعده داده شده است و به زودی خواهند دانست چه کسی یاوران کم‌تری دارد و ناتوان‌تر است.)، فرمود: «وعده‌ای که در این آیه داده شده است، مربوط به حضرت قائم (ع) و اصحاب و یاوران و دشمنانش است. آن گاه که امام زمان (ع) قیام کند، دشمنانش ناتوان‌ترین دشمنان خواهند بود و کم‌ترین نیروها و تجهیزات را خواهند داشت». [۱۴].

اخلاق پیش از ظهور

اشاره

سست شدن بنیان خانواده، خویشاوندی، دوستی، و سردی عواطف انسانی و بی‌مهری از ویژگی‌های بارز آخرالزمان است.

سردی عواطف انسانی

رسول گرامی اسلام (ص) وضعیت آن روزگار را از نظر عاطفی چنین بیان می‌دارد: «در آن روزگار، بزرگ‌ترین تران به زیردستان و کوچک‌ترین تران رحم نمی‌کنند و قوی بر ضعیف ترحم نمی‌نماید. در آن هنگام، خداوند به او (مهدی) اذن قیام و ظهور می‌دهد». نیز آن حضرت می‌فرماید: «قیامت برپا نمی‌شود تا آن که زمانی فرا رسد که مردی (از شدت فقر) به اقوام و بستگان خود مراجعه کند و آنان را به خویشاوندی سوگند دهد تا بلکه به او کمک کنند؛ ولی چیزی به او نمی‌دهند. همسایه از همسایه خود کمک می‌طلبد و او را به حق همسایگی سوگند می‌دهد؛ ولی همسایه کمکش نمی‌کند». [۱۵]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «از نشانه‌های قیامت، بدرفتاری با همسایه و گسستن پیوندهای خویشاوندی است». [۱۶]. از آن‌جا که در برخی از روایات «الساعه» به ظهور حضرت تأویل شده است [۱۷] روایات «أشراط الساعه» را به نشانه‌های ظهور تفسیر کردیم.

فساد اخلاقی

هرگونه انحراف و فسادی ممکن است به گونه‌ای قابل تحمل باشد، جز فساد جنسی که برای انسان‌های غیرتمند و شرافتمند، بسیار ناگوار و غیرقابل تحمل است. از انحراف‌های بسیار زشت و خطرناکی که جامعه پیش از ظهور امام زمان (عج) به آن گرفتار می‌شود، بی‌امنی خانوادگی و ناموسی است. در آن روزگار، فساد و بی‌بند و باری اخلاقی، به‌طور گسترده‌ای گسترش می‌یابد. قبح و زشتی کردارهای حیوانی گروهی انسان‌نما، بر اثر گسترش فساد و تکرار آن از بین می‌رود و حالت عادی و طبیعی به خود می‌گیرد. فساد چنان فراگیر می‌شود که کم‌تر کسی می‌تواند و یا می‌خواهد از آن جلوگیری کند. جشن‌های دو هزار و پانصد ساله سلطنتی در سال ۱۳۵۰ شمسی و در زمان سلطنت محمدرضا پهلوی، با عنوان جشن هنر شیراز که در آن صحنه‌های بسیار زشتی از زندگی حیوانی نمایش داده شد، اعتراض و خشم جامعه اسلامی ایران را برانگیخت؛ ولی در روزگار پیش از ظهور، خبری از این اعتراض‌ها نیست و تنها اعتراض، این است که چرا در وسط چهارراه‌ها چنین اعمال زشتی صورت می‌گیرد. این بالاترین نهی از منکری است که انجام می‌شود و چنین شخصی، عابدترین فرد زمان خود است. اینک نظری به روایات می‌افکنیم تا عمق فاجعه از بین رفتن ارزش‌های اسلامی و گسترش فساد در آن روزگار را درک کنیم. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «قیامت برپا نمی‌شود تا آن که زنی را در روز روشن و به‌طور آشکار (و در پیش روی همگان از چنگ صاحبش) گرفته، در وسط راه به او تعدی کنند؛ ولی احدی این کار را نکوهش نکند و از آن جلوگیری ننماید. بهترین آن مردم، کسی است که می‌گوید: ای کاش کمی از وسط راه کنار می‌رفتی و کارت را انجام می‌دادی». [۱۸]. هم‌چنین حضرت می‌فرماید: «سوگند به آن که جان محمد (ص) در دست اوست، این امت از بین نمی‌روند تا آن که مرد بر سر راه زنان می‌ایستد (و چون شیر درنده) به آن تجاوز می‌کند. بهترین آن مردم، کسی است که می‌گوید: ای کاش او را پشت این دیوار پنهان می‌کردی و در ملأ عام، این عمل را انجام نمی‌دادی». [۱۹]. در بیانی دیگر می‌فرماید: «آن مردمان چون حیوانات، در وسط راه بر هم می‌شورند و با هم می‌ستیزند و آن‌گاه یکی از آنان به مادر، خواهر و دختر او در وسط راه و در حضور همگان تجاوز می‌کند، سپس آنان را در معرض تعدی دیگران قرار می‌دهد و یکی پس از دیگری عمل زشت را انجام می‌دهند؛ ولی کسی این کردار زشت را نکوهش نمی‌کند و تغییر نمی‌دهد. بهترین آنان کسی است که می‌گوید: اگر از جاده و از نظر مردم دور می‌شدید، بهتر بود». [۲۰].

گسترش اعمال منافی عفت

محمد بن مسلم می‌گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ امام فرمود: «هنگامی که مردها خود را شبیه زنان کنند و زنان شبیه مردان شوند. آن‌گاه که مردان به مردان اکتفا کنند یعنی لواط کنند و زنان به زنان». [۲۱]. روایت دیگری به همین مضمون از امام صادق (ع) نقل شده است. [۲۲] ابوهیره نیز از پیامبر (ص) نقل می‌کند: «قیامت برپا نمی‌گردد تا آن که مردان برای انجام عمل زشت بر یک‌دیگر سبقت بگیرند؛ چنان‌که نسبت به زنان چنین می‌کنند». [۲۳]. روایات دیگری نیز به همین مضمون آمده است. [۲۴].

آرزوی کمی تعداد فرزند

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «رستخیز بر پا نمی‌شود، تا آن که کسی که پنج فرزند دارد، آرزوی چهار فرزند کند و آن که چهار فرزند دارد، می‌گوید: کاش سه فرزند داشتم و صاحب سه فرزند آرزوی دو فرزند دارد و آن که دو فرزند دارد، آرزوی یک فرزند نماید و کسی که یک فرزند دارد، آرزو کند که: کاش فرزندی نداشت». [۲۵]. در روایت دیگری می‌فرماید: «روزگاری خواهد آمد که غبطه مرد کم فرزند را بخورید، چنان‌که امروز غبطه فرزند و ثروت زیادتر را می‌خورید؛ تا آن‌جا که یکی از شما، از کنار قبر برادرش می‌گذرد و خود را بر قبر او می‌غلطاند؛ آن‌گونه که حیوانات خود را بر خاک چراگاه می‌غلطانند و می‌گوید: ای کاش من به جای او بودم و این سخن نه به سبب شوق دیدار خداوند و یا به دلیل اعمال نیکی است که از پیش فرستاده است؛ بلکه به جهت بلاها و گرفتاری‌هایی است که بر او فرود می‌آید». [۲۶]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «قیامت بر پا نمی‌شود، مگر آن که فرزند کم گردد». [۲۷]. در این روایت «الولد غیضاً» آمده است که معنای آن سقط جنین و جلوگیری از بارداری است؛ ولی کلمه «غیظاً» که در روایت دیگری آمده است به معنای غم و مشقت و محنت و غضب است. یعنی مردم در آن دوران با سقط جنین و جلوگیری از افزایش فرزند، مانع زیاد شدن فرزندان می‌شوند. یا فرزند داشتن موجب غم و اندوه و خشم خواهد بود و شاید این به علت مشکلات سخت اقتصادی، گسترش بیماری‌ها در کودکان و نبودن امکانات، تبلیغ و تشویق به کنترل جمعیت و یا عامل دیگر باشد.

افزایش خانواده‌های بی‌سرپرست

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «از نشانه‌های قیامت این است که مردان کم می‌شوند و زنان بسیار. تا آن‌جا که هر پنجاه زن یک سرپرست خواهند داشت». [۲۸]. شاید این وضعیت بر اثر افزایش تلفات جانی مردان باشد که در جنگ‌های پی در پی و طولانی صورت می‌گیرد. نیز آن حضرت می‌فرماید: «قیامت بر پا نمی‌شود، مگر آن که روزگاری فرا رسد که به دنبال یک مرد، حدود سی زن به راه افتد و هر کدام از او تقاضا کند که با او ازدواج نماید». [۲۹]. حضرت در روایت دیگری می‌فرماید: «خداوند دوستان و برگزیدگان خود را از دیگران جدا می‌کند تا این که زمین از منافقان و گمراهان و فرزندان آنان پاک شود. زمانی فرا رسد که پنجاه زن با یک مرد روبه‌رو شده، یکی می‌گوید: ای بنده خدا! مرا بخر و دیگری می‌گوید: به من پناه ده». [۳۰]. آنس می‌گوید: پیامبر (ص) فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود، مگر آن که زمانی فرا رسد که (بر اثر تلفات مردان و کثرت زنان) زنی کفشی را در راه بیابد و (از روی دریغ و افسوس) گوید: این کفش از آن مردی بوده است؛ در آن روزگار، برای هر پنجاه زن، یک سرپرست خواهد بود». [۳۱]. آنس می‌گوید: آیا نمی‌خواهید حدیثی را که از پیامبر (ص) شنیدم، نقل کنم؟ پیامبر (ص) فرمود: «مردان از بین خواهند رفت و زنان باقی می‌مانند». [۳۲].

امنیت پیش از ظهور

هرج و مرج و ناامنی

بر اثر تجاوز قدرت های بزرگ، امتیّت از میان حکومت های کوچک و ملت های ضعیف رخت بر خواهد بست و دیگر آزادی و امتیّت مفهومی نخواهد داشت. قدرت های حاکم بر جهان آن چنان عرصه را بر ملل ضعیف تنگ می کنند و تجاوز به حقوق ملت ها را تا آن جا گسترش می دهند که مردم اجازه نفس کشیدن هم نمی یابند. پیامبر اکرم (ص) آن دوران را چنین ترسیم می کند: «به زودی امت ها (پیروان دیگر آیین ها و مکاتب) بر ضد شما وارد عمل خواهند شد؛ آن گونه که گرسنگان به ظروف غذا حمله ور می شوند». شخصی گفت: از آن جهت که در آن زمان در اقلیت به سر می بریم، این گونه مورد هجوم قرار خواهیم گرفت؟ پیامبر فرمود: «تعداد شما در آن زمان بسیار خواهد بود، ولی چون خس و خاشاک روی سیل خواهید بود. خداوند، مهابت و عظمت شما را از دل دشمنانتان خارج ساخته، بر دل های تان سستی خواهد افکند». کسی پرسید: ای رسول خدا! این وهن و سستی به علت چیست؟ فرمود: «دنیا دوستی و ناخوش داشتن مرگ». این دو خصلت زشت که رسول مکرم از آن یاد کرده است، کافی است که ملتی را از رسیدن به آزادی و دفاع از ارزش های خود باز دارد و آنان را به زندگی ذلت بار تحت هر شرایطی انس دهد؛ هر چند با از دست دادن دین و اصول مکتب باشد. رسول خدا (ص) می فرماید: «ظهور مهدی (عج) هنگامی خواهد بود که دنیا آشفته و پُراز هرج و مرج گردد و گروهی به گروه دیگر یورش برند [۳۳] نه بزرگ به کوچک رحم کند و نه نیرومند بر ضعیف ترخم نماید. در چنین هنگامی خداوند به او اجازه قیام می دهد». [۳۴].

ناامنی راهها

دامنه هرج و مرج و ناامنی به راهها نیز کشیده خواهد شد و بی رحمی گسترش می یابد. در این زمان خداوند، مهدی را بر خواهد انگیخت و دژهای گمراهی را به دست توانمند او فتح می کند. مهدی موعود (عج)، تنها به گشودن قلعه های استوار نمی پردازد؛ بلکه دل های بسته به روی حقایق و معنویت را نیز می گشاید و برای قبول حقایق آماده می سازد. رسول خدا (ص) خطاب به دختر گران قدرش می فرماید: «سوگند به آن خدایی که مرا به حق برانگیخت، به راستی مهدی این امت از نسل حسنین (ع) است. هنگامی که جهان را هرج و مرج و نابسامانی فرا گیرد و فتنه ها (یکی پس از دیگری) آشکار گردد. جاده ها و راهها ناامن شود و برخی بر عده ای هجوم برند؛ نه بزرگ بر کوچک ترخم کند و نه کوچک بر بزرگ احترام گذارد؛ در چنین هنگامه ای خداوند، شخصی از نسل این دو (امام حسن و امام حسین (ع)) را برمی انگیزد تا دژهای گمراهی را (درهم شکند و) فتح کند و دل هایی را که پرده جهل و ناآگاهی آنها را فرو پوشانده (و از درک حقایق محجوب ساخته است) بگشاید. او در آخر الزمان به پا می خیزد - همان گونه که من در اوّل زمان به پا خاستم - و دنیا را پر از عدل و داد می کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده است». [۳۵].

جنایات هولناک

جنایات ستمگران و جلّادان در طول تاریخ بسیار سهمگین و وحشتناک بوده است. صفحات تاریخ پر از ستم ها و ظلم ها و جنایاتی است که فرمانروایان ستمگر و خون آشام بر ملت های محروم روا داشته اند که چنگیز، هیتلر و آتیلا نمونه هایی از آنان هستند. اما جنایاتی که پیش از ظهور امام مهدی (عج) در جهان رخ می دهد، از هولناک ترین جنایاتی است که می توان تصور کرد. اعدام کودکان خردسال به وسیله چوبه های دار، سوزاندن کودکان و فروردن آنان در مایعات گداخته، قطعه قطعه کردن آدم ها با اره و میله های آهنی و آسیاب ها، حوادث تلخی است که پیش از برپایی حکومت عدل جهانی، به وسیله حکومت هایی که خود را مدافع حقوق بشر می دانند، رخ می دهد. با بروز چنین وحشی گری هایی است که اهمیّت حکومت حضرت مهدی (عج) - که به تعبیر

روایات، پناه محرومان است - آشکار می‌گردد. علی (ع) حوادث تلخ آن روزگار را چنین ترسیم می‌کند: «همانا سفیانی، گروهی را مأمور می‌کند تا کودکان را در محلی جمع کنند؛ آن‌گاه روغن را برای سوزاندن آنان داغ می‌کند؛ کودکان می‌گویند: اگر پدران ما با تو مخالفت کردند، گناه ما چیست، که باید سوزانده شویم؟ او دو تن به نام‌های حسن و حسین را از میان کودکان بیرون می‌کشد و به دار می‌آویزد. پس از آن به سوی کوفه می‌رود و همان رفتار (وحشتناک پیشین) را با کودکان آن‌جا انجام می‌دهد و دو کودک به همان نام‌ها را بر در مسجد کوفه به دار می‌زند و از آن‌جا بیرون می‌رود و باز جنایت می‌کند و در حالی که در دستش نیزه‌ای قرار دارد، زنی باردار را دستگیر می‌کند و آن را به یکی از یارانش می‌سپارد و فرمان می‌دهد که در وسط خیابان به او تجاوز کند. او پس از تجاوز، شکم زن را می‌درد و جنینش را بیرون می‌آورد و هیچ کس نمی‌تواند چنین وضعیت هولناکی را تغییر دهد». [۳۶]. امام صادق (ع) در خبر لوح می‌فرماید: «... خداوند رحمت خویش را به وسیله فرزند دختر پیامبر (ص) کامل می‌گرداند؛ همان کسی که کمال موسی، ابهت عیسی و صبر و استقامت ایوب پیامبر را داراست. دوستان من، در دوران (پیش از ظهور) او خوار و ذلیل باشند و سرهای‌شان، همانند سرهای اهالی ترک و دیلم (برای حکام و ظالمان) هدیه برده می‌شود. آنان کشته شوند و سوزانده گردند و ترسان، وحشت زده و هراسناک باشند. زمین از خونشان رنگین شود و ناله و فریاد در میان زنانشان زیاد گردد. آنان دوستان واقعی من هستند. او به وسیله آنان هر فتنه کور و تاریکی را دفع می‌کند و زلزله‌ها (و ناآرامی‌ها) را بر طرف می‌سازد و زنجیرها و بندهای اسارت را از ایشان بر می‌دارد. درود خداوند بر آنان باد که ایشان همان هدایت شدگانند». [۳۷]. ابن عباس می‌گوید: «سفیانی و فلانی خروج می‌کنند و با هم می‌جنگند؛ به گونه‌ای که (سفیانی) شکم زنان را می‌درد و کودکان را در دیگ‌های بزرگ می‌گدازد و می‌سوزاند». [۳۸]. ارطاط می‌گوید: سفیانی هر کس را که با او مخالفت کند، می‌کشد. با اره‌ها مخالفانش را به دو نیم می‌کند و با دیگ‌ها آنان را نابود می‌سازد. این ستم‌ها، شش ماه به طول می‌انجامد. [۳۹].

آرزوی مرگ زندگان

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، دنیا به پایان نمی‌رسد تا آن که زمانی فرا رسد که مرد به هنگام عبور از گورستان، خود را روی قبر انداخته، می‌گوید: ای کاش من به جای صاحب این قبر بودم. در حالی که مشکل او بدهکاری نیست؛ بلکه گرفتاری‌ها و فشار روزگار و ظلم و جور است». [۴۰]. از ذکر کلمه رجل در روایت، دو مطلب استفاده می‌شود: یکی این که گرفتاری‌ها و مشکلات آن دوران و به دنبال آن آرزوی مرگ، به طایفه، ملت و گروه خاصی اختصاص ندارد و همه از حوادث ناگوار در رنج و عذاب خواهند بود. دوم این که تعبیر مرد نشان دهنده شدت فشار و سختی آن روزگار است؛ زیرا غالباً مرد در برابر مشکلات و نابرابری‌ها بیش‌تر از زن مقاومت می‌کند و از این که مردان تاب و تحمّل مشکلات و رنج‌های آن روزگار را ندارند، استفاده می‌شود که مشکل بسیار بزرگ و کمرشکن است. ابو حمزه ثمالی می‌گوید: امام باقر (ع) فرمود: «ای ابا حمزه! حضرت قائم (عج) قیام نمی‌کند، مگر در دورانی که خوف و ترس شدید و مصیبت‌ها و فتنه‌ها (بر جامعه) حاکم باشد و گرفتاری و بلا دامنگیر مردم شود و پیش از آن، بیماری طاعون شیوع یابد، درگیری شدید و مهلکی میان عرب اتفاق افتد، اختلاف شدیدی بین مردم حاکم شود، از هم گسیختگی در دین و آیین آنان رخ دهد و وضعیت مردم تغییر کند تا جایی که هر آرزومندی هر شب و روز - از آن چه که از درنده خوبی مردم و تجاوز آنان به حقوق یک دیگر می‌بیند - آرزوی مرگ می‌کند». [۴۱]. حدیفه صحابی، از پیامبر (ص) نقل می‌کند: «به یقین زمانی بر شما فرا می‌رسد که انسان در آن روزگار، آرزوی مرگ می‌کند؛ بدون آن که از جهت فقر و تنگ دستی در فشار باشد». [۴۲]. ابن عمر می‌گوید: به یقین زمانی بر مردم بیاید که مؤمن در اثر شدت گرفتاری‌ها و بلاهای روی زمین، آرزو کند که ای کاش که خود و خانواده‌اش بر کشتی سوار می‌شدند و در دریا به سر می‌بردند. [۴۳].

به اسارت رفتن مسلمانان

حذیفه بن الیمان می‌گوید: پیامبر (ص) ضمن بر شمردن مشکلاتی که مسلمانان با آن رو به رو خواهند شد، فرمود: «در اثر فشارهایی که بر آنان وارد می‌شود، آزاده‌ها را می‌فروشند و زنان و مردان به بردگی اقرار می‌کنند. مشرکان، مسلمانان را به استخدام و مزدوری خود درمی‌آورند و آنان را در شهرها می‌فروشند و کسی بر این امر دل‌گیر نمی‌شود؛ نه نیکان و نه بدان و فاجران. ای حذیفه! گرفتاری بر اهل آن دوران ادامه می‌یابد؛ به گونه‌ای که مایوس می‌شوند و به فرج و گشایش گمان بد می‌برند. در این موقع خداوند، مردی از پاکان عترت من و نیکان فرزندانم را که عادل، مبارک و پاک می‌باشد، می‌فرستد و از ذره‌ای چشم‌پوشی و اغماض نمی‌کند. خداوند دین، قرآن، اسلام و اهل آن را به کمک او، عزیز و شرک را ذلیل می‌کند. او همواره از خداوند بیمناک است و هرگز به خویشاوندی خود با من ۱ مغرور نمی‌شود؛ سنگی را روی سنگ نمی‌گذارد و احدی را شلاق نمی‌زند، مگر به حق و برای اجرای حد. خداوند به سبب او، بدعت‌ها را محو و فتنه‌ها را نابود می‌کند و در حق را باز و درهای باطل را می‌بندد و اسیران مسلمان را - در هر نقطه‌ای که هستند - به وطن خودشان بازمی‌گرداند». [۴۴].

فرورفتن در زمین

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «به یقین، بر این امت، روزگاری فرا رسد که روز را به شب رسانند، در حالی که از یک دیگر بپرسند، زمین امشب چه کسانی را فرو برد، هم‌چنان که از یک دیگر می‌پرسند از فلان قبیله چه کسانی زنده مانده‌اند و آیا از فلان خاندان کسی زنده مانده است؟». [۴۵]. شاید این سخنان کنایه از جنگ و کشتار در آخرزمان باشد که با استفاده از سلاح‌های پیشرفته و کشتار جمعی، هر روز تعداد زیادی کشته می‌شوند و شاید بر اثر کثرت گناه، زمین اهلش را فرو می‌برد.

افزایش مرگ‌های ناگهانی

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «از نشانه‌های رستاخیز، بیماری فلج و مرگ ناگهانی است». [۴۶] نیز می‌فرماید: «قیامت بر پا نمی‌گردد، تا این که مرگ سفید ظاهر شود». گفتند: یا رسول‌الله! مرگ سفید چیست؟ فرمود: «مرگ ناگهانی». [۴۷]. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «پیش از ظهور قائم (عج) مرگ سرخ و سفید وجود دارد... مرگ سفید طاعون است». [۴۸]. امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «قائم (عج) قیام نمی‌کند، مگر در روزگاری که ترس شدید حاکم باشد و پیش از آن نیز طاعون شیوع یابد». [۴۹].

ناامیدی جهانیان از نجات

رسول خدا (ص) می‌فرمود: «ای علی! ظهور مهدی در هنگامی است که شهرها دگرگون شده، بندگان خدا ضعیف می‌شوند و از فرج و ظهور مهدی مایوس می‌گردند. در این هنگام مهدی قائم از فرزندان من ظاهر می‌گردد». [۵۰]. ابو حمزه ثمالی می‌گوید: امام باقر (ع) فرمود: «قیام و ظهور مهدی (عج) به هنگام ناامیدی و یأس مردم از گشایش در کارها و فرج حضرتش می‌باشد». [۵۱]. علی (ع) در این باره می‌فرماید: «به یقین از اهل بیت من، کسی به جانشینی من خواهد نشست و جانشینی او پس از دورانی سخت و مصیبت‌بار خواهد بود؛ دورانی که بلا و گرفتاری در آن شدت می‌یابد و امیدها از بین می‌رود». [۵۲].

نداشتن دادرسی و پناه

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بلا- و گرفتاری چنان بر این امت فرود می‌آید که انسان هیچ پناهگاهی که از ظلم به آن پناه برد،

نمی‌یابد». [۵۳]. نیز می‌فرماید: «در آخرالزمان بلائی شدیدی بر امت من از سوی حکومت‌های‌شان نازل می‌شود؛ به گونه‌ای که مؤمن پناهی نمی‌یابد که از ستم به آن پناه آورد». [۵۴]. در روایت دیگری می‌فرماید: «بر شما بشارت باد به مهدی از فرزندان فاطمه. وی از جانب مغرب ظاهر می‌شود و زمین را از عدل پر می‌کند». گفته شد: ای رسول خدا! (این ظهور) در چه زمانی خواهد بود؟ حضرت فرمود: «هنگامی که قاضیان رشوه گیر و مردم فاجر شوند». عرض شد: مهدی چگونه خواهد بود؟ فرمود: «از اهل و خاندان خود (جدا شده) تنهایی اختیار می‌کند و از وطن خود دور می‌باشد و در غربت زندگی می‌کند». [۵۵]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «آن چه که به انتظارش هستید، نخواهید دید، مگر زمانی که چون (ماده) بُز مرده‌ای شوید که در زیر چنگال‌های درنده‌ای قرار گرفته است که برایش فرق نمی‌کند بر کجا دست گذارد. در آن هنگام نه محلی دوردست از تجاوز دارید که به سوی آن بالا روید و نه پناهی دارید که به آن تکیه دهید». [۵۶].

جنگ، کشتار و فتنه‌ها

از روایات استفاده می‌شود که پیش از قیام حضرت مهدی (عج) جنگ و کشتار همه‌جا را فرا می‌گیرد. برخی از روایات سخن از فتنه‌ها دارد، تعدادی از روایات، از جنگ‌های پیاپی خبر می‌دهد و روایاتی درباره کشتار انسان‌ها به وسیله جنگ و بیماری‌های ناشی از آن چون طاعون، سخن به میان می‌آورد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «پس از من چهار فتنه به شما خواهد رسید: در فتنه اول، خون‌ها مباح شمرده می‌شود و کشتار زیاد می‌گردد. در فتنه دوم، خون‌ها و اموال حلال می‌شود و قتل و غارت اموال بسیار می‌گردد. در فتنه سوم، خون‌ها و مال‌ها و نوامیس مردم مباح شمرده می‌شود و علاوه بر قتل و غارت، ناموس انسان‌ها نیز در امان نمی‌ماند. در فتنه چهارم، - که فتنه‌ای است کر و کور و بسیار سخت و چون کشتی متلاطم و مضطرب در دریا - هیچ کس از آن فتنه پناهی نمی‌یابد. فتنه از شام به پرواز درمی‌آید و عراق را فرا می‌گیرد و دست و پای جزیره - حجاز - به آن آغشته می‌شود. گرفتاری‌ها مردم را از پای درمی‌آورد و چنان می‌شود که کسی توانایی چون و چرا ندارد و از هر سوایی که فروکش می‌کند از سوی دیگر شعله ور می‌گردد». [۵۷]. در حدیث دیگری می‌فرماید: «پس از من فتنه‌هایی پدید می‌آید که راه نجاتی از آن نخواهد بود. در آنها جنگ، فرار و آوارگی است. پس از آن فتنه‌هایی خواهد بود که از فتنه‌های پیشین شدیدتر است. هنوز فتنه‌ای فروکش نکرده که فتنه دیگری شعله‌ور می‌شود تا جایی که هیچ خانه‌ای از خانه عرب‌ها باقی نمی‌ماند که این آتش در آن نرفته‌باشد و هیچ مسلمانی نمی‌ماند که آن فتنه به او نرسیده باشد. آن‌گاه مردی از خاندان من ظهور می‌کند». [۵۸]. نیز می‌فرماید: «به زودی پس از من فتنه‌ای رخ خواهد داد که اگر از هر سو آرام گیرد، از دو سوی دیگر گسترش می‌یابد تا این که منادی از آسمان فریاد می‌زند: امیر و فرمانده شما حضرت مهدی است». [۵۹]. در این روایات سخن از فتنه‌ای است که پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) فراگیر خواهد شد، ولی در روایات دیگر با صراحت از جنگ‌های خانمان سوز سخن به میان آمده است که به ذکر آن می‌پردازیم. عمار یاسر می‌گوید: پیام و دعوت اهل بیت پیامبران در آخرالزمان این است که از هرگونه درگیری پرهیز کنید تا زمانی که رهبران از اهل بیت را ببینید؛ آن‌گاه که تُرک‌ها با رومیان مخالفت کنند و جنگ‌ها در زمین بسیار شود». [۶۰]. تعدادی از روایات، از قتل و کشتاری سخن می‌گویند که پیش از ظهور مهدی (عج) به وقوع می‌پیوندد. برخی از این روایات، تنها کشتار را یادآور می‌شود و برخی وسعت کشتار را نیز مشخص می‌کند. امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید: «پیش از ظهور امام زمان (عج) کشتارهای پیاپی و بی‌وقفه رخ خواهد داد». [۶۱]. ابوهیره می‌گوید: در شهر مدینه کشتاری خواهد شد که در آن، منطقه «احجارالزیت» [۶۲] از هم می‌پاشد و فاجعه «حَرّه» [۶۳] در برابر آن، مانند ضربه تازیانه‌ای بیش نیست؛ آن‌گاه که - پس از کشتار - به اندازه دو فرسنگ از مدینه دور شوند، با حضرت مهدی (عج) بیعت می‌شود. [۶۴]. ابوقبیل می‌گوید: شخصی از بنی‌هاشم زمام حکومت را به دست می‌گیرد و تنها بنی‌امیه را قتل عام می‌کند؛ به طوری که جز عده اندکی، کسی از آنان بر جای نمی‌ماند. پس از آن، فردی از بنی

امیه خروج می‌کند و در مقابل هر نفر، دو تن را می‌کشد؛ چنان‌که جز زنان کسی باقی نمی‌ماند. [۶۵]. رسول خدا (ص) چنین می‌فرماید: «سوگند به خدایی که جانم در دست (قدرت) اوست، دنیا پایان نمی‌یابد تا این که زمانی فرا رسد که نه قاتل بداند برای چه دست به قتل زده است و نه علت کشته شدن مقتول مشخص باشد و هرج و مرج همه جا را فرا می‌گیرد؛ در چنان زمانی، قاتل و مقتول به جهنم می‌روند». [۶۶]. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «پیش از ظهور قائم (عج) جهان دچار دو نوع مرگ می‌شود: مرگ سفید و سرخ. مرگ سرخ با شمشیر (اسلحه) است و مرگ سفید با طاعون است». [۶۷]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «برای قائم آل محمد، دو غیبت است که یکی طولانی‌تر از دیگری است. در آن دوران، مردم را مرگ و کشتار فرا می‌گیرد». [۶۸] جابر می‌گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم: در چه زمانی این امر (قیام مهدی (عج)) روی خواهد داد؟ امام در پاسخ فرمود: «ای جابر! چگونه این امر تحقق یابد در حالی که هنوز بین حیره [۶۹] و کوفه تعداد کشته‌ها زیاد نشده است». [۷۰]. امام صادق (ع) فرمود: «پیش از ظهور قائم (عج) دو نوع مرگ پدیدار می‌گردد: مرگ سرخ و مرگ سفید. به اندازه‌ای از انسان‌ها کشته می‌شوند که از هر هفت نفر، پنج تن نابود می‌گردند». [۷۱]. امیرمؤمنان (ع) فرمود: «حضرت مهدی (عج) ظهور نمی‌کند، مگر این که یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم بمیرند و یک سوم باقی بمانند». [۷۲]. از امیرالمؤمنین (ع) پرسیدند: «آیا برای ظهور حضرت مهدی (عج) علامت و نشانه‌ای است؟ فرمود: «نعم، قتل فظیح و موت سریع و طاعون شنیع». [۷۳]. و به نقل ارشاد القلوب [۷۴] «قتل ذریع» یعنی با سرعت و عالمگیر. و به نقل مدینه المعجز: [۷۵] «قتل رضیع» یعنی لثیم و پست. و به نقل حلیه الابرار: [۷۶] قتل «فضیح» یعنی ناگوار. معنای روایت چنین است: «آری، برای ظهور حضرت (ع) نشانه‌هایی است، از جمله کشتارهای عالمگیر و ناگوار و پست و مرگ‌هایی سریع و پی در پی و شیوع طاعون». محمد بن مسلم می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: «امام زمان ظهور نمی‌کند، مگر این که دو سوم مردم جهان از بین بروند». عرض شد: اگر دو سوم مردم کشته شوند، پس چه تعداد خواهند ماند؟ فرمود: «آیا راضی نیستید (و دوست ندارید) از یک سوم باقی‌مانده باشید؟». [۷۷]. امام صادق (ع) فرموده است: «امر (ظهور) تحقق نمی‌یابد تا این که نه دهم (۹۱۰) مردم نابود شوند». [۷۸]. علی (ع) می‌فرماید: «... در آن روزگار از مردم جز یک سوم (۱۳) آنان، کسی بر جای نمی‌ماند». [۷۹]. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «از هر ده هزار نفر، نه هزار و نه صد تن به قتل می‌رسند و جز تعداد اندکی، جان سالم به در نمی‌برند». [۸۰]. ابن سیرین می‌گوید: حضرت مهدی (عج) ظهور نمی‌کند تا این که از هر نه نفر، هفت تن کشته شوند. [۸۱]. از مجموع روایات نکات زیر استفاده می‌شود: ۱. پیش از ظهور مهدی (عج)، کشتارهایی رخ می‌دهد و تعداد زیادی از انسان‌ها کشته می‌شوند و افرادی که باقی می‌مانند کمتر از کشته شدگان هستند. ۲. تعدادی از کشته شدگان در جنگ کشته می‌شوند و تعدادی دیگر به واسطه بیماری‌های مسری که به احتمال قوی از کشته‌های به‌جا مانده جنگ، تولید شده است، جان می‌سپارند. هم‌چنین احتمال دارد که این گروه به وسیله سلاح‌های شیمیایی و میکروبی که بیماری تولید می‌کنند، جان دهند. ۳. در میان اقلیتی که باقی می‌مانند، شیعیان و دوست داران امام زمان (عج) هستند؛ زیرا آنان هستند که با مهدی (عج) بیعت می‌کنند. نیز در سخن امام صادق (ع) آمده بود که آیا راضی نیستید از یک سوم باقی‌مانده باشید؟

وضعیت اقتصادی جهان در عصر ظهور

اشاره

از روایات این فصل استفاده می‌شود، که بر اثر گسترش فساد و تباهی‌ها و از بین رفتن رحم و عاطفه و ایجاد جنگ، جهان از نظر اقتصادی در وضعیت بدی به سر خواهد برد؛ به طوری که آسمان نیز بر آنان رحم نمی‌کند و نزول باران که رحمت الهی است نیز برای آنان به غضب تبدیل شده، ویرانگر می‌شود. آری، در آخر الزمان باران کم می‌شود و یا در غیر موسم فرود می‌آید و باعث

نابودی کشاورزی می‌گردد. دریاچه‌ها و رودخانه‌ها خشک می‌گردد و زراعت‌ها به بار نمی‌نشیند و تجارت از رونق می‌افتد. فقر و گرسنگی گسترش می‌یابد تا آن‌جا که افراد برای سیر کردن شکم خود، دختران و زنان‌شان را به بازار می‌آورند و آنان را با کمی غذا عوض می‌کنند.

کمبود باران و باریدن باران‌های بی‌موقع

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «زمانی بر مردم فرا رسد که خداوند باران را در فصل و موسمش حرام می‌گرداند و باران نازل نمی‌شود و آن را در غیر موسمش فرو می‌فرستد». امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «... باران در فصل گرما و تابستان می‌بارد». [۸۲]. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «پیش از ظهور حضرت قائم (عج) سالی خواهد بود که باران‌های بسیاری می‌بارد و میوه‌ها را از بین می‌برد و خرماها را بر نخل‌ها فاسد می‌کند؛ پس در آن دوران دچار شک و شبهه نشوید». [۸۳]. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «... باران‌ها کم می‌شود تا جایی که نه زمین بذری را می‌رویاند و نه آسمان بارانی می‌بارد؛ در این هنگام مهدی (عج) ظهور می‌کند». [۸۴]. عطاء بن یسار می‌گوید: «از نشانه‌های قیامت این است که باران می‌بارد، ولی زراعتی نخواهد رویید». [۸۵]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «... زمانی که حضرت قائم (عج) و اصحابش قیام کنند، آب بر روی زمین نایاب است و مؤمنان با ناله و زاری از درگاه الهی، آب طلب می‌کنند تا آن که خداوند بر آنان آب نازل می‌کند و آنان می‌نوشند». [۸۶].

خشک شدن دریاچه‌ها و رودها

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «شهرهای مصر در اثر خشکی رود نیل، ویران می‌شوند». [۸۷]. ارباط می‌گوید: «در آن هنگام، فرات، رودخانه‌ها و چشمه‌ها خشک می‌شوند». [۸۸]. نیز آمده است: «آب دریاچه طبرستان خشک می‌شود و نخل‌های خرما ثمر نمی‌دهد و آب چشمه «زعر» - که در شام است - به زمین فرو می‌رود». [۸۹]. هم‌چنین آمده است: «... رودخانه‌ها خشک می‌شوند و گرانی و قحطی سه سال، به درازا می‌کشد». [۹۰].

شیوع گرانی، گرسنگی، فقر و کساد تجارت

مردی از پیامبر (ص) پرسید: ای رسول خدا (ص)! قیامت چه وقت بر پا خواهد شد؟ فرمود: «کسی که مورد سؤال قرار گرفته (خود پیامبر) از سؤال کننده (آن مرد) در این زمینه آگاه‌تر نیست، ولی قیامت دارای نشانه‌هایی است: یکی از آنها تقارب بازارهاست». پرسید: تقارب بازارها چیست؟ فرمود: «کساد بازارها و تجارت و بارش باران بدون آن که گیاهان و محصولاتی بروید». [۹۱]. امیرمؤمنان (ع) به ابن عباس فرمود: «تجارت و معاملات زیاد می‌شود، ولی بهره‌ای اندک نصیب مردم می‌گردد و پس از آن قحطی سختی رخ می‌دهد». [۹۲]. محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: «پیش از ظهور حضرت قائم (عج) از سوی خداوند برای مؤمنان نشانه‌هایی است». گفتم: خدا مرا فدای تو گرداند؛ آن نشانه‌ها کدام است؟ فرمود: «آنها همان گفته خداوند است که فرمود: «ولنبلوکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات و بشر الصابرين؛ [۹۳] و شما (مؤمنان) را (پیش از ظهور قائم (عج)) به چیزی از ترس و گرسنگی و کمی دارایی‌ها و جان‌ها و میوه‌ها می‌آزماییم؛ پس صابران را مژده ده» آن‌گاه فرمود: «خداوند مؤمنان را به سبب ترس از پادشاهان بنی فلان در دوران پایانی حکومت‌شان می‌آزماید و مراد از گرسنگی، گرانی قیمت‌هاست و منظور از کمی دارایی‌ها، کساد تجارت و کمبود درآمد است و مقصود از نقصان جان‌ها، مرگ‌های فراوان و سریع و پی در پی است و مراد از کمبود میوه‌ها، کمبود عایدات و محصولات کشاورزی است. پس صابران را بشارت باد به تعجیل ظهور قائم (عج) در آن هنگام». [۹۴]. و به نقل از اعلام الوری، قلّة المعاملات به معنای کساد بازار و کمی داد

و ستد است. [۹۵]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «... در آن هنگام که سفیانی خروج می‌کند، مواد غذایی کم‌شده، قطحی به مردم می‌آورد و باران کم می‌بارد». [۹۶]. ابن مسعود می‌گوید: هنگامی که تجارت‌ها از بین برود و راه‌ها ویران گردد، مهدی (عج) ظهور می‌کند. [۹۷]. شاید وضعیت بد بازار در آن زمان، معلول ویرانی مراکز تولید و صنعت، کم شدن نیروی انسانی، کاهش قدرت خرید، قحطی، ناامنی راه‌ها و... است. در مسند احمد آمده است: پیش از ظهور مهدی (عج) سه سال مردم دچار گرسنگی شدید می‌شوند. [۹۸]. ابوهریره می‌گوید: وای بر اعراب از شری که به آنان نزدیک می‌شود؛ گرسنگی شدیدی رخ می‌دهد و مادران از گرسنگی فرزندان خود، به گریه می‌افتند. [۹۹].

مبادله زنان در مقابل مواد غذایی

عمق فاجعه قحطی و گرسنگی پیش از ظهور به اندازه‌ای است که گروهی مجبور می‌شوند دختران خود را برای خوراک اندکی معامله کنند. ابو محمد از مردی از اهل مغرب روایت می‌کند: مهدی ظهور نمی‌کند تا آن که شخص (از شدت فقر و تنگ دستی) دختر یا کنیز زیبای خود را به بازار می‌آورد و می‌گوید: کیست که این دختر را از من بخرد و در برابر آن خوراک بدهد؟ در این شرایط است که مهدی (عج) ظهور می‌کند. [۱۰۰].

روزنه‌های امید

اشاره

در بحث‌های گذشته با بخشی از روایات درباره وضعیت جهانی پیش از ظهور امام عصر (ع) آشنا شدیم. هر چند در این روایات سخن از نابسامانی‌ها و مشکلات است - به حدی که شاید انسان‌هایی را به یأس بکشاند - اما روایات دیگری نیز وجود دارد که به نکات روشن و روزنه‌های امید برای شیعیان و انسان‌های مؤمن و متعهد اشاره دارد. برخی از این روایات درباره مؤمنانی است که هیچ‌گاه زمین از آنان خالی نمی‌شود و آنان در شرایط سخت پیش از ظهور نیز در سراسر جهان حضور دارند. تعدادی از روایات به نقش دانشمندان اسلامی و عالمان در زمان غیبت اشاره می‌کند که هر چند گاه باعث دگرگونی در جامعه می‌شوند و آنان را به عنوان حافظان دین معرفی می‌کند. در بعضی از سخنان معصومین (ع) از نقش ویژه شهر قم پیش از ظهور امام زمان (عج) یاد شده است و روایاتی نیز از حضور فعال ایرانیان، پیش و پس از ظهور امام سخن می‌گوید.

مؤمنان حقیقی

گاهی با روایاتی رو به رو می‌شویم که در پاسخ کسانی آمده است که گمان می‌کرده‌اند، روزگاری پیش خواهد آمد که جامعه از وجود انسان‌های مؤمن تهی می‌شود. امام (ع) این گمان را نفی کرده، از وجود مؤمنان در هر روزگاری خبر داده است. زید زراء می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: می‌ترسم ما از مؤمنان نباشیم. امام فرمود: «چرا چنین فکر می‌کنید؟» گفتم: زیرا می‌بینم در میان ما کسی نیست که برادرش را بر درهم و دینار مقدم دارد؛ ولی این را می‌بینم که درهم و دینار را بر برادر دینی - که ولایت امیر مؤمنان (ع) ما را دور یک دیگر گرد آورده - ترجیح می‌دهیم. امام صادق (ع) فرمود: «این چنین نیست که می‌گویی، شما اهل ایمان هستید؛ اما ایمان شما کامل نمی‌شود مگر هنگامی که قائم آل محمد (عج) قیام کند؛ در آن هنگام خداوند خرد شما را کامل می‌کند و شما مؤمنان کامل می‌شوید. سوگند به آن خدایی که جانم در دست قدرت اوست، در سراسر جهان، انسان‌هایی هستند که همه دنیا در نظرشان با پر پشه‌ای برابری نمی‌کند».

نقش عالمان و دانشمندان (شیعه)

در هر روزگاری که پرده‌های سیاهی و جهل، سایه خود را بر جوامع بشری می‌گستراند این دانشمندان و عالمان دینی بودند که مسئولیت خود را در جهت زدودن جهل و نادانی از اندیشه‌ها و فساد و تباهی از دامن مردمان به خوبی انجام می‌دادند و از روایات فهمیده می‌شود که عالمان در آخر الزمان نیز این نقش را به خوبی ایفا می‌کنند. امام هادی (ع) می‌فرماید: «اگر در دوران غیبت قائم آل محمد (ص) دانشمندانی نبودند که مردم را به سوی او هدایت و راهنمایی کنند و با حجت‌های الهی از دین دفاع نمایند و شیعیان ضعیف را از دام‌های شیطان و پیروانش رهایی و از شرّ ناصبی‌ها (و دشمنان اهل بیت) نجات بخشند، کسی در دین خدا پا برجا نمی‌ماند و همه مرتد می‌شدند؛ ولی آنان رهبری دل‌های شیعیان ضعیف را با قدرت در دست می‌گیرند و حفظ می‌کنند؛ چنان‌که ناخدای کشتی، سکان و فرمان کشتی را نگاه می‌دارد. بنابراین، آنان نزد خدا، والاترین انسان‌ها هستند». [۱۰۱]. رسول خدا (ص) درباره زنده کننده دین در هر قرن می‌فرماید: «خداوند بزرگ برای امت اسلام در آغاز هر قرن، شخصی را بر می‌انگیزاند تا دین را زنده نماید». [۱۰۲]. این دو روایت و روایاتی از این گونه، با صراحت به نقش عالمان در روزگار غیبت اشاره دارد و خنثا شدن، توطئه شیطان‌ها و تجدید حیات دین را به دست دانشمندان می‌داند. البته اثبات این مطلب در روزگار ما به دلیل و برهان نیازی ندارد؛ زیرا نقش حضرت امام خمینی (ره) برای از بین بردن نقشه‌های شوم دشمنان - که اساس دین را در جهان معاصر در معرض خطر قرار داده بودند - بر کسی پوشیده نیست. بدون شک عزتی که اسلام در این عصر یافته است، به برکت انقلاب اسلامی ایران و بنیان‌گذار آن، حضرت امام خمینی (ره) است.

نقش شهر قم در آخر الزمان

اشاره

آن‌گاه که جامعه بشری به سوی انحطاط و تباهی پیش می‌رود، روزنه امیدی نمایان می‌گردد و مردمی پرچمدار نور در دل آن تاریکی‌ها می‌گردند؛ شهر قم در آخر الزمان این نقش را به عهده دارد. روایات بسیاری وجود دارد که این شهر مقدس و انسان‌های وارسته آن را - که وجود خود را از چشمه زلال مکتب اهل بیت سیراب کرده و رسالت ابلاغ پیام را به عهده گرفته‌اند - می‌ستاید. امامان معصوم (ع) سخنان گوناگونی درباره قم و نقش آن در نهضت فرهنگی زمان غیبت امام زمان (عج) دارند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

قم حرم اهل بیت

از برخی روایات استفاده می‌شود که قم و اهل آن رمز و الگوی تشیع و ولایت می‌باشند. از این رو، هر کس را که می‌خواستند، دوست دار اهل بیت و علاقه‌مند به آنان معرفی کنند، او را قمی خطاب می‌کردند. گروهی خدمت امام صادق (ع) مشرف شدند و گفتند: ما از مردم ری هستیم. حضرت فرمود: «آفرین به برادرانمان از اهل قم». آنان چندبار تکرار کردند. ما از ری خدمت شما رسیده‌ایم و حضرت نیز سخن نخست خود را تکرار کرد. آن‌گاه فرمود: خداوند حرمی دارد که در مکه است و برای رسول خدا (ص) نیز حرمی است و آن در مدینه است. کوفه حرم امیرالمؤمنین (ع) است و حرم ما (اهل بیت) شهر قم است و به زودی دختری از فرزندانم به نام فاطمه، در آن دفن می‌شود. هر کس او را (با معرفت) زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود». راوی گوید: امام صادق (ع) این سخن را هنگامی بیان کرد که هنوز امام کاظم (ع) متولد نشده بود. [۱۰۳]. صفوان می‌گوید: روزی نزد ابا الحسن -

امام کاظم (ع) - بودم و سخن از مردم قم و علاقه و میل آنان به حضرت مهدی (عج) به میان آمد؛ امام هفتم (ع) فرمود: «خداوند آنان را رحمت کند و از آنان خشنود باشد. آن گاه ادامه داد، بهشت هشت در دارد که یکی از آن‌ها برای مردم قم است. در میان شهرها و کشورها، آنان نیکان و نخبگان شیعیان ما هستند. خداوند ولایت و دوستی ما را، با طینت و سرشت آنان آمیخته است». [۱۰۴]. از این روایت استفاده می‌شود که ائمه معصومین (ع) شهر قم را پایگاه عاشقان اهل بیت و حضرت مهدی (عج) می‌دانسته‌اند و شاید دری از بهشت که به شهر قم اختصاص دارد، باب المجاهدین یا باب الاخیار (درب نیکان) باشد، چنان که در روایت نیز به اهل قم، نیکان شیعه گفته شده است.

شهر قم حجت بر دیگران

خداوند در هر زمان، انسان‌هایی دارد که بر دیگران حجت می‌باشند و چون آنان در راه خدا قدم برداشته، برای اعتلای کلمه الله مبارزه می‌کنند، خداوند یاور آنان خواهد بود و شر دشمنان را از آنان دور می‌کند. در زمان غیبت امام عصر (عج) قم و مردم آن بر دیگر انسان‌ها حجت هستند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «گرفتاری‌ها و مشکلات از قم و مردمش به دور است و روزگاری خواهد رسید که قم و مردم آن، حجت بر همه مردمان باشند و آن هنگام در زمان غیبت قائم ما تا به هنگام ظهور حضرتش می‌باشد و اگر چنین نبود، زمین اهلش را فرو می‌برد. به یقین فرشتگان، گرفتاری‌ها را از قم و مردمانش دور می‌کنند و هیچ ستمگری قصد قم را نمی‌کند، مگر آن که خداوند، کمرش را می‌شکند و او را گرفتار درد، مصیبت یا دشمن می‌گرداند. خداوند نام قم و مردم آن را از یاد ستمگران می‌برد؛ چنان که آنان خدا را فراموش کرده‌اند». [۱۰۵].

مرکز نشر فرهنگ اسلامی

یکی دیگر از موارد قابل توجه در روایات این است که شهر قم در روزگار غیبت به عنوان مرکزی برای رساندن پیام اسلام به گوش مستضعفان زمین در خواهد آمد و عالمان و دانشمندان دینی آن، حجتی بر جهانیان خواهند شد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «به زودی شهر کوفه از مؤمنان تهی می‌گردد و علم و دانش از آنجا رخت بر می‌بندند و چون ماری که در گوشه‌ای چنبره زده است، محدود می‌گردد و از شهری که آن را قم می‌نامند، ظهور می‌کند و آنجا پایگاه علم و فضیلت و معدن دانش و کمال می‌گردد؛ به گونه‌ای که روی زمین هیچ مستضعف (فکری) نمی‌ماند که از دین آگاهی نداشته باشد؛ حتی زنان پرده‌نشین، و این زمان، نزدیک به زمان ظهور قائم ما خواهد بود. خداوند، قم و مردمش را جانشین حضرت حجت قرار می‌دهد و اگر چنین نبود، زمین اهلش را فرو می‌برد و حجتی بر زمین نمی‌ماند. بنابراین، علم و دانش از شهر قم به شرق و غرب جهان سرازیر می‌شود و حجت بر جهانیان تمام می‌گردد؛ به گونه‌ای که هیچ شخصی نمی‌ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد و آن گاه حضرت قائم (عج) ظهور می‌کند و عذاب الهی بر کافران به دست آن حضرت فرود می‌آید؛ زیرا خداوند، از بندگان انتقام نمی‌گیرد، مگر هنگامی که حجت بر آنان تمام شده باشد». [۱۰۶]. در روایت دیگری آمده است: «اگر مردم قم نبودند، دین از بین می‌رفت». [۱۰۷].

تأیید خط فکری قم

اشاره

از برخی روایات فهمیده می‌شود که، ائمه معصومین (ع)، شیوه عالمان قم را مورد تأیید قرار داده‌اند. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «بر فراز قم فرشته‌ای است که دو بال خود را بر آن به حرکت درمی‌آورد و هیچ ستمگری به آن قصد سوئی نمی‌کند؛ مگر آن که خداوند، او را همانند نمک در آب ذوب می‌کند». حضرت آن‌گاه به عیسی بن عبدالله قمی اشاره کرد و فرمود: «درود خداوند بر قم! پروردگار جهان، سرزمینشان را از باران سیراب و برکاتش را بر آنان نازل می‌گرداند و گناهانشان را به حسنات مبدل می‌سازد. آنان اهل رکوع، سجود، قیام و قعودند؛ چنان‌که آنان فقیه، دانشمند و اهل درک و فهم هستند. آنان اهل درایت و روایت و بینش عبادت‌کنندگان نیکی هستند». [۱۰۸]. هم‌چنین آن امام در پاسخ شخصی که گفت: می‌خواهم از تو چیزی بپرسم که کسی پیش از من نپرسیده باشد و پس از من نخواهد پرسید، می‌فرماید: «شاید می‌خواهی از حشر و نشر سؤال کنی؟» گفت: آری، سوگند به آن که محمد (ص) را بشارتگر و هشدار دهنده، مبعوث کرد. حضرت فرمود: «حشر همه مردمان به سوی بیت المقدس است؛ مرگ بقعه‌ای در سرزمین جبل که آن را قم می‌نامند و آمرزش الهی شامل حالشان می‌گردد». آن مرد، در حالی که نیم‌خیز شد، گفت: ای فرزند رسول خدا! آیا این اختصاص به مردم قم دارد؟ امام پاسخ داد: «آری؛ آنان و هر کس که هم عقیده ایشان باشد و سخن آنان را بگوید». [۱۰۹].

یاوران مهدی

نکته قابل توجه و دقت، این است که در روایات از مردم قم به یاوران مهدی (عج) و کسانی که برای گرفتن حق اهل بیت قیام می‌کنند، نام برده شده است. عفان بصری می‌گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: «آیا می‌دانی، چرا قم را قم نامیده‌اند؟» گفتیم: خداوند و رسولش و شما بهتر می‌دانید. فرمود: «قم را بدین جهت به این اسم نامیدند که اهل آن گرد قائم آل محمد (ص) جمع می‌گردند و با حضرتش قیام می‌کنند و در این راه، پایداری از خود نشان می‌دهند و آن حضرت را یاری می‌نمایند». [۱۱۰]. صادق آل محمد (ع) در روایت دیگری در این باره چنین می‌فرماید: «خاک قم، مقدس است و اهل قم از ما و ما از آنان هستیم. ستمگری قصد بد به آن نمی‌کند، مگر این که در کیفر او تعجیل می‌گردد. البته این تا زمانی است که به برادران خود خیانت نکنند و اگر چنین کردند، خداوند، ستمکاران بد کردار را بر آنان مسلط می‌کند؛ امّا مردم قم، یاران قائم ما و دعوت‌کنندگان به حق ما هستند». آن‌گاه امام (ع) سر به آسمان بلند کرد و چنین دعا فرمود: «خداوند! آنان را از هر فتنه‌ای حفظ فرما و از هر هلاکتی نجات بخش». [۱۱۱].

ایران، کشور امام زمان

روایاتی که درباره شهر قم گفته شد، تا اندازه‌ای نقش ایرانیان را، پیش و هنگام ظهور مهدی موعود (عج) روشن می‌سازد؛ ولی با کمی دقت در سخنان معصومین (ع) به این نتیجه می‌رسیم که آنان، نسبت به ایران و مردم آن توجه خاصی داشتند و در موقعیت‌های مختلف از نقش آنان در یاری رساندن به دین و زمینه سازی برای ظهور مهدی (عج) سخن گفته‌اند. در این جا به ذکر چند روایت درباره تمجید از ایرانیان و زمینه سازان ظهور، بسنده می‌کنیم:

تمجید از ایرانیان

ابن عباس می‌گوید: خدمت پیامبر (ص) از فارسیان، سخن به میان آمد، آن حضرت فرمود: «اهل فارس - ایرانیان - جمعی از ما اهل بیت هستند». [۱۱۲]. هنگامی که از موالی یا اعاجم [۱۱۳]، نزد پیامبر (ص) یاد شد، حضرت رسول (ص) فرمود: «سوگند به خدا که

من به آنان بیش تر از شما اطمینان دارم». [۱۱۴]. ابن عباس می گوید: «زمانی که پرچم‌های سیاه به سوی شما روی آوردند، فارسیان را گرامی بدارید؛ زیرا دولت شما با آنهاست». [۱۱۵]. روزی اشعث به علی (ع) با اعتراض گفت: ای امیرالمؤمنین! چرا این عجم‌ها پیرامون تو گرد آمده، بر ما پیشی گرفته‌اند؟ حضرت خشمگین شد و در پاسخ فرمود: «چه کسی مرا معذور می‌دارد که در مقابل این آدم‌های بزرگ جثه بی‌خیر که هر کدام از آنان چون دراز گوش بر بستر خود می‌غلطند و به خاطر آوازه و فخرفروشی از قومی روی گردان می‌شوند؛ آیا به من فرمان می‌دهید تا آنان را از خود دور سازم؟ هر گز، من آنان را کنار نمی‌زنم [۱۱۶] تا از جاهلان گردم. سوگند به خدایی که دانه را شکافت و آفریدگان را آفرید، آنان برای بازگرداندن شما به دین اسلام، با شما به نبرد برمی‌خیزند؛ چنان که شما برای اسلام آوردن در میانشان شمشیر می‌کشید». [۱۱۷].

زمینه سازان ظهور

بخش عمده‌ای از روایاتی که درباره رویدادهای پیش از ظهور و یاران حضرت مهدی (عج) آمده است، درباره ایران و ایرانیان است که با تعبیرات گوناگونی مانند: اهل فارس، عجم، اهل خراسان، اهل قم، اهل طالقان، اهل ری و... بیان شده است. با بررسی مجموع این روایات، به این نتیجه می‌رسیم که در کشور ایران، پیش از ظهور امام‌زمان (عج)، نظامی الهی و مدافع ائمه معصومین (ع) بر پا می‌گردد که مورد نظر امام‌زمان (عج) است و نیز مردم ایران، نقش عمده‌ای در قیام آن حضرت دارند که در بخش قیام به آن می‌پردازیم. در این جا به ذکر چند روایت بسنده می‌کنیم: رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی (ع) فراهم می‌سازند». [۱۱۸]. نیز می‌فرماید: «پرچم‌های سیاهی از سمت مشرق خواهد آمد که دل‌های آنان همانند پاره‌های آهن است؛ پس هر کس از حرکت آنان، آگاهی یافت، به سوی آنان برود و با آنان بیعت کند؛ هر چند لازم باشد که بر روی یخ حرکت کند». [۱۱۹]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «گویا قومی را می‌بینم که در مشرق قیام کرده‌اند و حق را می‌طلبند؛ ولی حق را به آنان نمی‌دهند. بار دیگر طلب می‌کنند؛ ولی باز به آنان واگذار نمی‌کنند. در این حالت، شمشیرها را از نیام کشیده، بر شانه می‌گذارند که در این هنگام، دشمن خواسته آنان را می‌پذیرد؛ ولی آنان نمی‌پذیرند و قیام می‌کنند و حق را واگذار نمی‌کنند، مگر به صاحب امر. کشتگان آنان شهید هستند و اگر من آنان را درک می‌کردم، خودم را برای صاحب این امر آماده می‌کردم». [۱۲۰]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «یاران حضرت قائم (عج) سی صد و سیزده نفر و از فرزندان عجم هستند». [۱۲۱]. هر چند عجم به غیر عرب گفته می‌شود، ولی به طور حتم ایرانیان را در برمی‌گیرد و با توجه به روایات دیگر، در بین نیروهای ویژه حضرت مهدی (عج) تعداد زیادی از ایرانیان حضور دارند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «به زودی پس از شما، اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پای‌شان جمع می‌شود - طی الارض می‌کنند - و درهای دنیا بر روی آنان گشوده می‌گردد و آنان را مردان و زنان فارس خدمت می‌کنند. زمین زیر گام‌های‌شان پیچیده می‌شود؛ به گونه‌ای که هر یک از آنان بخواهد، فاصله شرق تا غرب را در یک ساعت می‌پیماید. نه آنان خود را به دنیا فروخته‌اند و نه اهل دنیایند و نه دنیا در آنان حظّ و نصیبی دارد». [۱۲۲]. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «خوشا به حال طالقان؛ زیرا خداوند در آن جا گنج‌هایی دارد که نه از طلا - و نه از نقره‌اند، بلکه مردان با ایمانی هستند که خدا را به حق شناخته‌اند و آنان یاوران مهدی آل محمد (عج) در آخرالزمان خواهند بود». [۱۲۳]. رسول خدا (ص) نیز درباره خراسان می‌فرماید: «در خراسان گنج‌هایی است؛ اما نه از طلا و نقره؛ بلکه آنان مردانی هستند که خدا و رسولش آنان را دوست می‌دارند». [۱۲۴].

انقلاب جهانی مهدی

قیام امام زمان

اشاره

روایات مختلفی درباره روز قیام حضرت مهدی (عج) وجود دارد. در برخی، از نوروز به عنوان روز آغاز قیام، یاد شده است. برخی احادیث دیگر روز عاشورا را روز آغاز قیام ذکر کرده است. در تعدادی از روایات روز شنبه و در تعدادی دیگر، جمعه، روز قیام تعیین شده است. در هم زمانی نوروز، با عاشورا اشکالی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا نوروز طبق سال شمسی و عاشورا بر اساس سال قمری محاسبه می‌شود و یکی شدن این دو روز امکان‌پذیر است و هم زمانی این دو روز با جمعه یا شنبه نیز ممکن است. آن چه مشکل و متعارض به نظر می‌رسد، ذکر دو روز از هفته به عنوان روز قیام است؛ ولی می‌توان این دسته از روایات را نیز توجیه کرد؛ زیرا اگر سند این روایات صحیح باشد، در این صورت احادیثی که جمعه را روز ظهور حضرت، تعیین کرده است، بر روز قیام و ظهور حمل می‌شود و روایاتی که شنبه را روز قیام می‌داند، بر استقرار و تثبیت نظام الهی و نابودی مخالفان تفسیر شود. باید توجه داشت که روایاتی که شنبه را روز قیام می‌داند، از نظر سند مورد تأمل است؛ ولی روایاتی که جمعه را ذکر کرده است، از این نظر ایرادی ندارد. اینک به روایاتی در این باره توجه فرمایید: امام صادق (ع) می‌فرماید: «قائم ما اهل بیت، در روز جمعه ظهور می‌کند». [۱۲۵] امام باقر (ع) می‌فرماید: «گویا حضرت قائم را می‌بینم که در روز عاشورا، روز شنبه، میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل نیز جلوی حضرتش ایستاده است و مردم را به بیعت با او فرامی‌خواند». [۱۲۶] امام باقر (ع) می‌فرماید: «حضرت قائم (ع) روز شنبه که روز عاشورا است، قیام می‌کند؛ روزی که امام حسین (ع) شهید شد». [۱۲۷] نیز آن حضرت می‌فرماید: «آیا می‌دانید که این روز - عاشورا - چه روزی است؟ همان روزی است که خداوند توبه آدم و حوا را پذیرفت؛ روزی است که خداوند دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و فرعون و پیروانش را غرق کرد و موسی بر فرعون پیروز شده؛ روزی است که ابراهیم (ع) متولد شد؛ روزی است که خداوند توبه قوم یونس را پذیرفت؛ روز تولد حضرت عیسی است و روزی است که حضرت قائم در آن روز قیام می‌کند». [۱۲۸] روایت دیگری نیز به همین مضمون از امام باقر (ع) [۱۲۹] نقل شده است؛ ولی در این روایت وثاقت ابن بطائنی که در سلسله سند آن است، مورد بحث است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «در شب بیست و سوم، به نام حضرت مهدی (عج) ندا داده می‌شود و در روز عاشورا، روز شهادت حسین بن علی (ع)، قیام می‌کند». [۱۳۰] هم‌چنین آن حضرت می‌فرماید: «روز نوروز همان روزی است که قائم ما اهل بیت در آن روز ظهور می‌کند». [۱۳۱].

اعلان ظهور

ظهور حضرت مهدی (ع)، ابتدا به وسیله منادی آسمانی اعلام می‌گردد، آن‌گاه حضرت در حالی که پشت به کعبه داده است، با دعوت به حق، ظهور خود را اعلام می‌کند. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «هنگامی که منادی از آسمان ندا می‌دهد: حق از آن آل محمد است، شما اگر طالب هدایت و سعادت هستید، به دامان آل محمد (ص) چنگ زنید، حضرت مهدی (عج) ظهور می‌کند». [۱۳۲] نیز امام باقر (ع) در این زمینه می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) در مکه به هنگام نماز عشا ظهور می‌کند؛ در حالی که پرچم و پیراهن و شمشیر پیامبر (ص) را همراه دارد و چون نماز عشا را خواند، فریاد بر می‌آورد: ای مردم! شما را به ذکر خدا و به ایستادنتان در برابر خدا (در روز قیامت) متذکر می‌شوم؛ در حالی که حجّتش را (در دنیا) بر شما تمام کرده است و پیامبران را مبعوث نموده و قرآن را فرو فرستاده است. خداوند به شما فرمان می‌دهد که به او شرک نورزید و فرمانبر او و پیامبرانش باشید. آن چه را قرآن امر به احیای آن کرده است، احیا و زنده کنید و آن چه را که امر به نابودی آن کرده است، نابود سازید و یاوران راه هدایت باشید و بر تقوا و پرهیزگاری همکاری نمایید؛ زیرا دنیا، فنا و زوالش فرا رسیده و نفخه وداع سر داده است. من شما را به سوی خدا و رسولش و عمل به کتاب او و نابودی باطل و احیا و زنده ساختن سیره پیامبر (ص) دعوت می‌کنم. آن‌گاه در میان

سی صد و سیزده نفر از یارانش ظهور می‌کند». [۱۳۳].

شعار پرچم قیام

هر حکومتی دارای پرچمی است که به وسیله آن شناخته می‌شود و قیام‌ها و انقلاب‌ها نیز از پرچم مخصوصی برخوردارند که آرم آن تا حدودی نمایانگر اهداف رهبرانش می‌باشد. انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) نیز پرچم مخصوصی دارد و بر آن شعاری نقش بسته است. البته هر چند درباره شعار پرچم آن حضرت اختلاف است، ولی نکته‌ای در همه اقوال مشترک است و آن این که مردم را به فرمانبری از حضرتش دعوت می‌کند. [۱۳۴]. اینک به ذکر چند نمونه در این باره بسنده می‌کنیم: در روایتی آمده است: «بر روی پرچم حضرت مهدی (عج) نوشته شده است: «گوش شنوا داشته باشید و از حضرتش اطاعت کنید». [۱۳۵]. در جای دیگری می‌خوانیم: «شعار پرچم مهدی (عج) «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ؛ بَيْعَتُ بَرَاءِ خِطِّهِ» [۱۳۶].

خرسندی جهانیان از قیام

از روایات فهمیده می‌شود که قیام مهدی (عج) موجب خرسندی انسان‌ها می‌شود. این شادی و رضایت به اشکال گوناگونی بیان شده است. در بعضی روایات، سخن از شادی اهل زمین و آسمان است و در برخی دیگر از شادی مردگان سخن به میان آمده است. در روایتی، از استقبال مردم از قیام بحث شده است و در روایت دیگر از آرزوی مردم برای زنده شدن مردگان پرده بر می‌دارد. در این جا با ذکر چند روایت، نمونه‌هایی از آن را بازگو می‌کنیم: رسول خدا (ص) می‌فرماید: «همه اهل آسمان و زمین، پرندگان، حیوانات درنده و ماهیان دریا، از ظهور حضرت مهدی (عج) شاد و خرسند می‌شوند». [۱۳۷]. امیر مؤمنان علی (ع) در این باره می‌فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور می‌کند، نام مبارکش بر سر زبان‌ها خواهد بود و وجود مردم سرشار از عشق به مهدی است؛ به گونه‌ای که جز نام او، هیچ نامی در یاد و زبان آنان نیست و با دوستی او، روح خود را سیراب می‌کنند». [۱۳۸]. در روایت تعبیر «یشربون حبه؛ محبتش را می‌نوشند»، آمده است که در آن، علاقه به حضرت را به آب یا مایع نوشیدنی گوارایی تشبیه کرده است که مردم با کمال میل آن را می‌نوشند و عشق به مهدی در وجودشان نفوذ می‌کند. حضرت رضا (ع) ضمن بر شمردن حوادث تلخ و فتنه‌های پیش از ظهور، درباره گشایش و فرج پس از ظهور می‌فرماید: «در آن هنگام فرج و گشایش بر مردم می‌رسد؛ به طوری که مردگان آرزوی زندگی دوباره می‌کنند». [۱۳۹]. امام صادق (ع) نیز در این باره می‌فرماید: «گویا قائم (عج) را می‌بینم که بر فراز منبر کوفه نشسته است و زره رسول خدا (ص) را بر تن دارد». آن‌گاه برخی از حالات حضرتش را بازگو کرد و در ادامه فرمود: «هیچ مؤمنی در قبر نمی‌ماند، مگر آن که آن شادی و سرور در قبرش وارد می‌شود؛ به گونه‌ای که مردگان به دیدار یک‌دیگر می‌روند و ظهور حضرتش را به هم دیگر تبریک می‌گویند». در برخی از روایات عبارت «تلك الفرجة آمده است؛ یعنی گشایشی در امور» برزخیان نیز به برکت ظهور حضرت پدید می‌آید و طبق این نقل، عظمت نهضت و رهبری قیام به اندازه‌ای است که بر ارواح نیز تأثیر می‌گذارد. [۱۴۰].

نجات محرومان

شکی نیست که قیام حضرت مهدی (عج) موجب برقراری عدالت و ریشه کن شدن همه محرومیت‌ها از جامعه بشری می‌گردد؛ در این قسمت به اقداماتی که حضرت به هنگام قیام برای ستم‌دیدگان و محرومان انجام می‌دهد، به گونه‌ای که باعث پناه آوردن محرومان به او می‌شود خواهیم پرداخت. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «مهدی (عج) از امت من، ظهور می‌کند؛ خداوند او را به عنوان فریاد رس انسان‌ها می‌فرستد. آن زمان مردم در نعمت به سر خواهند برد». [۱۴۱]. رسول خدا (ص) فریادرس را محدود به

طایفه یا ملیت خاصی نکرده است؛ بلکه با تعبیر کلمه ناس (مردم)، آن حضرت را رهایی‌بخش همه انسان‌ها می‌داند. از این رو، پیش از ظهورش، شرایط به گونه‌ای می‌شود که همه انسان‌های جهان آرزوی ظهورش را دارند. جابر می‌گوید: امام باقر (ع) فرمود: «حضرت مهدی در مکه ظهور می‌کند... خداوند سرزمین حجاز را (به دست او) می‌گشاید و حضرت زندانیان بنی‌هاشم را از زندان آزاد می‌سازد». [۱۴۲]. ابو اراط می‌گوید: حضرت مهدی (از مکه) عازم مدینه می‌شود و زندانیان بنی‌هاشم را رهایی می‌بخشد. آن‌گاه به کوفه می‌رود و زندانیان بنی‌هاشم را آزاد می‌سازد. [۱۴۳]. شعرانی می‌گوید: هنگامی که حضرت مهدی (عج) به مغرب زمین می‌رسد، مردم اندلس به سوی او رفته، می‌گویند: ای ولی الله (و حجت خدا)! جزیره اندلس را یاری کن که خود و مردمش هلاک شده‌اند. [۱۴۴].

نقش زنان در قیام امام

اشاره

با بررسی روایات درباره نقش زنان پیش و پس از ظهور حضرت مهدی (عج) به نکات قابل توجهی دست می‌یابیم. هر چند طبق بعضی از روایات، اکثر پیروان دجال را یهود و زنان تشکیل می‌دهند، [۱۴۵] ولی در کنار آنان، زنانی مؤمن و عقیف نیز هستند که در حفظ عقیده خود سخت کوش بوده، از اوضاع پیش از ظهور بسیار متأثرند. برخی از زنان از ثبات قدم و روحیه جهاد گرانه‌ای برخوردارند و هر جا که می‌روند با جنگ تبلیغاتی علیه دجال، ماهیت ضد انسانی او را آشکار می‌سازند. بر پایه برخی از روایات چهارصد زن هنگام قیام مهدی (عج)، آن حضرت را همراهی می‌کنند و اکثر آنها در بخش بهداشت و درمان مشغول فعالیت می‌باشند. البته در روایات درباره تعداد زنانی که به هنگام قیام حضرت با او خواهند بود، اختلاف وجود دارد. برخی از روایات از سیزده زن نام می‌برند که هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) با حضرتش می‌باشند و شاید آنان از کسانی هستند که از نیروهای ابتدایی مهدی (عج) می‌باشند. برخی از روایات نیز عدد زنانی را که به حضرت یاری می‌رسانند، هفت هزار و هشت صد نفر ذکر کرده است و آنان زنانی هستند که پس از قیام، حضرت را همراهی می‌کنند و در کارها به آن حضرت کمک می‌کنند. در کتاب فتن از ابن حنیاد آمده است: تعداد مؤمنان به هنگام خروج دجال، دوازده هزار مرد و هفت هزار و هفت صد یا هشت صد زن هستند. [۱۴۶]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «عیسی بن مریم در بین هشت صد مرد و چهار صد زن فرود می‌آید که آنان از بهترین ساکنان روی زمین و از صالح‌ترین مردمان گذشته هستند». [۱۴۷]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند سی صد و اندی نفر خواهند آمد و پنجاه زن نیز در میان آنان است». [۱۴۸]. مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: «همراه حضرت قائم، سیزده زن هستند». عرض کردم: آنان چه می‌کنند و چه نقشی خواهند داشت؟ فرمود: «زخمی‌ها را مداوا می‌کنند و از بیماران پرستاری می‌نمایند؛ هم‌چنان که همراه رسول خدا (ص) بودند». گفتم: آن سیزده نفر را نام ببرید؟ فرمود: «قنوا دختر رشید، أمّ ایمن، حبابه و البیه، سمیه مادر عمار یاسر، زُبَیْدَه، أمّ خالد أحمسیه، أمّ سعید حنفیه، صیانه ماشطه و أمّ خالد جهنیه». [۱۴۹]. در کتاب منتخب البصائر از دو زن به نام وتیره و احبشیه نام برده شده است که از اصحاب و یاوران حضرت قائم (عج) شمرده شده‌اند. [۱۵۰] برخی از روایات نیز تنها به همراه بودن زنان با حضرت اکتفا کرده، و تعدادشان را ذکر نکرده‌اند.

بررسی سابقه زنان عصر ظهور در کتاب‌های تاریخی

اشاره

در روایات مفضل بن عمر به روشنی تعداد زنانی که با حضرت قائم (عج) خواهند بود، سیزده نفر ذکر شده است؛ ولی از این تعداد تنها نه نفر به اسم و مشخصات معرفی شده‌اند. تأکید امام صادق (ع) بر این نام‌ها ما را بر آن داشت تا درباره زندگی نامه و ویژگی‌های آنان بررسی کنیم و پس از تحقیق، به نکاتی دست یافتیم که پاسخ قانع کننده‌ای بر راز تأکید امام صادق (ع) است. این افراد هر کدام شایستگی‌هایی دارند، امّا اکثر آنان در جهاد با دشمنان خدا، از خود لیاقت نشان داده‌اند. برخی از آنان هم چون صیانه، مادر چند شهید بوده، خود نیز با وضعی جان سوز به شهادت رسید. برخی دیگر چون سمیه، در راه دفاع از عقیده اسلامی خود، سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کرده، تا پای جان از عقیده خود دفاع کرده‌اند و گروهی دیگر هم چون ام خالد نعمت تن درستی پیکر را برای حفظ اسلام، بر خود حرام کردند و جانباز شدند. گروهی دیگر همانند زُبَیْدَه، زرق و برق دنیا و توانگری مادی، هرگز آنان را از اسلام باز نداشت؛ بلکه بر عکس، از آن امکانات در راه عقیده استفاده کرده، به برپایی حج که یکی از مظاهر مهم اسلامی و از ارکان دین می‌باشد، کمک نمودند. بعضی دیگر، افتخار دایگی رهبر امت اسلامی و تربیت فرزندان لایق را داشتند و خود نیز از معنویتی برخوردار بودند که زبازرد خاص و عام گردیدند. جمعی دیگر از خانواده شهیدانی هستند که خود پیکر نیمه جان آنان را حمل کرده، و با آنان سخن‌ها گفته‌اند. آری، آنان دل سوختگانی هستند که با انجام آن رشادت‌ها ثابت کرده‌اند که می‌توانند گوشه‌ای از بار سنگین حکومت جهانی اسلام را بر دوش کشند. اکنون به معرفی تعدادی از آنان می‌پردازیم:

صیانه

در کتاب خصائص فاطمیه آمده است: در دولت مهدی (عج) سیزده زن برای معالجه زخمیان، زنده گشته، به دنیا بازمی‌گردند که یکی از آنان صیانه است که همسر حزقیل و آرایشگر دختر فرعون بوده است و شوهرش حزقیل پسر عموی فرعون و گنجینه‌دار وی بوده است و به گفته او، حزقیل، مؤمن خاندان فرعون است و به پیامبر زمانش، موسی (ع)، ایمان آورد. [۱۵۱]. پیامبر (ص) فرمود: «در شب معراج، در سیر بین مکه معظمه و مسجد اقصی، ناگهان بوی خوشی به مشام رسید که هرگز مانند آن را نبویده‌ام. از جبرئیل پرسیدم که این بوی خوش چیست؟ گفت: ای رسول خدا (ص)! همسر حزقیل به حضرت موسی بن عمران ایمان آورده بود و ایمان خود را پنهان می‌کرد. عمل او آرایشگری در حرمسرای فرعون بود. روزی مشغول آرایش دختر فرعون بود که ناگهان شانه از دست او افتاد و بی‌اختیار گفت: «بسم الله». دختر فرعون گفت: آیا پدر مرا ستایش می‌کنی؟ گفت: نه؛ بلکه آن کسی را ستایش می‌کنم که پدر تو را آفریده است و او را از بین خواهد برد. دختر فرعون شتابان نزد پدرش رفت و گفت: زنی که در خانه ما آرایشگر است، به موسی ایمان دارد. فرعون او را احضار کرد و به او گفت: مگر به خدایی من اعتراف نداری؟ صیانه گفت: هرگز، من از خدای حقیقی دست نمی‌کشم و تو را پرستش نمی‌کنم. فرعون دستور داد، تنور مسی را برافروختند و چون آن تنور سرخ شد، دستور داد همه بچه‌های آن زن را در حضور او در آتش انداختند. زمانی که خواستند بچه شیرخوارش را که در بغل داشت، بگیرند و در آتش افکنند، صیانه منقلب شد و خواست که با زبان از دین اظهار براءت و بی‌زاری کند که ناگاه به امر خدا، آن کودک به سخن آمد و گفت: اصبری یا اُمّاهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ؛ ای مادر صبر کن که تو راه حق را می‌پیمایی. فرعونیان آن زن و بچه شیرخوارش را نیز در آتش افکنند و سوزاندند و خاکسترشان را در این زمین ریختند و تا روز قیامت این بوی خوش، از این زمین استشمام می‌شود...». [۱۵۲]. او از زنانی است که زنده می‌شود و به دنیا بازمی‌گردد و در رکاب حضرت مهدی (عج) انجام وظیفه می‌کند.

نام او بر که است. وی کنیز پیامبر (ص) بود که از پدر بزرگوارش، عبدالله، به آن حضرت به ارث رسیده بود و پرستاری رسول خدا (ص) را بر عهده داشت. [۱۵۳]. حضرت او را مادر خطاب می‌کرد و می‌فرمود: هذِهِ بَقِيَّةُ أَهْلِ بَيْتِي؛ او باقی مانده از خاندان من است. وی فرزندی از همسر اولش، عبید خزرجی، به نام ایمن داشت. ایمن از مهاجران و مجاهدان بود و در جنگ حنین به شهادت رسید. ام ایمن شخصیتی است که وقتی در راه مکه و مدینه تشنگی بر او غلبه کرد و نزدیک بود از پای درآید، دلو آبی از آسمان بر او فرود آمد و از آن نوشید و هرگز پس از آن تشنه نشد. [۱۵۴]. او به هنگام رحلت پیامبر بسیار می‌گریست؛ چون از او علت گریه‌اش را پرسیدند، در پاسخ گفت: به خدا سوگند می‌دانستم که ایشان رحلت خواهد کرد، ولی گریه من برای آن است که وحی قطع شد. [۱۵۵]. فاطمه زهرا (س) در مسأله فدک او را به عنوان شاهد و گواه معرفی کرد و سرانجام او در روزگار خلافت عثمان رحلت کرد.

زییده

وی همسر هارون الرشید و از شیعیان بوده است. هنگامی که هارون از عقیده او آگاه گشت، سوگند یاد کرد که او را طلاق دهد. او به انجام کارهای نیک معروف بود. در زمانی که یک مشک آب در شهر مکه یک دینار طلا ارزش داشت، او، حجاج و شاید هم مردم مکه را سیراب کرد. او با کندن کوه‌ها و احداث تونل‌ها، آب را از خارج حرم -ازفاصله ده میلی- به حرم آورد. زییده صد کنیز داشت که همگی حافظ قرآن بودند و هر کدام موظف بودند که یک دهم قرآن را بخوانند؛ به گونه‌ای که از منزل مسکونی او صدای قرائت قرآن، همانند زمزمه زنبورهای عسل بلند بود. [۱۵۶].

سمیه مادر عمار یاسر

او هفتمین نفری بود که به اسلام گروید و به همین سبب بدترین شکنجه‌ها را بر او روا داشتند. گاهی که گذر پیامبر (ص) به عمار و پدر و مادرش می‌افتاد و می‌دید که آنان در گرمای سوزان مکه روی زمین‌های داغ در حال شکنجه هستند، می‌فرمود: ای خاندان یاسر! صبر کنید؛ بدانید که وعده‌گاه شما بهشت است. سرانجام سمیه با نیزه دژخیمی خونخوار چون ابوجهل به شهادت رسید و او نخستین زن شهید در اسلام است. [۱۵۷].

ام خالد

هنگامی که استاندار عراق، یوسف بن عمر، زید بن علی را در شهر کوفه به شهادت رسانید، دست ام خالد را نیز به جرم تشیع و تمایل به قیام زید قطع کرد. ابوبصیر می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) بودیم که ام خالد با دست بریده شده آمد، حضرت فرمود: «ای ابابصیر! آیا میل داری سخن ام خالد را بشنوی؟» عرض کردم: آری و به آن شادمان می‌گردم. ام خالد به نزد حضرت مشرف شد و سخنانی عرضه داشت. من او را در کمال فصاحت و بلاغت یافتم. حضرت (ع) نیز در مسأله ولایت و برائت از دشمنان با او سخن گفت.... [۱۵۸].

حبابه والیه

شیخ طوسی وی را از اصحاب امام حسن (ع) شمرده است و ابن داود او را از اصحاب امام حسن، امام حسین، امام سجاد و امام باقر (ع) می‌داند. برخی دیگر ایشان را از اصحاب هشت امام معصوم - تا امام رضا (ع) - شمرده‌اند، هم‌چنین گفته شده است که امام رضا (ع)، ایشان را در پیراهن شخصی خود کفن کرد. سن او به هنگام مرگ بیش از ۲۴۰ سال بود. او دوبار به دوران جوانی بازگشت که یک‌بار با معجزه امام سجاد و بار دوم با معجزه امام هشتم بود و اوست که هشت امام معصوم بر سنگی که به همراه داشت، با خاتم خود، بر آن نقش زدند. [۱۵۹]. حبابه والیه می‌گوید: ... به امیرمؤمنان عرض کردم: خدا تو را مشمول رحمت خود قرار دهد، دلیل امامت چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود: «آن سنگ ریزه را نزد من بیاور». آن را به حضور حضرت آوردم، علی (ع) با انگشتر خود بر آن مهر زد؛ به گونه‌ای که آن مهر بر آن سنگ، نقش بست و به من فرمود: «ای حبابه! هر کس که مدعی امامت شد و توانست مانند من این سنگ را مهر کند، او امامی است که پیروی از او واجب است. امام کسی است که هر چیز را بخواهد، می‌داند». من پی کار خود رفتم، تا امیرالمؤمنین (ع) از دنیا رفت. آن‌گاه خدمت امام حسن (ع) آمدم که بر جای علی (ع) نشسته بود و مردم از او سؤال می‌کردند؛ چون مرا دید، فرمود: «ای حبابه والیه!» عرض کردم: بلی ای سرور من! فرمود: «آن چه همراه داری بیاور». من آن سنگ کوچک را به آن حضرت دادم. آن بزرگوار، مانند علی (ع) با انگشتر خود بر آن مهر زد؛ به گونه‌ای که جای مهر بر آن نقش بست. سپس به حضور امام حسین (ع) که در مسجد رسول خدا (ص) بود، آمدم مرا نزد خود خواند و خوشامد گفت و فرمود: «دلیل آن چه تو می‌خواهی موجود است. آیا نشانه امامت را می‌خواهی؟» گفتم: آری، ای آقای من! فرمود: «آن چه با خود داری بیاور؛ من آن سنگ کوچک را به او دادم؛ انگشترش را بر آن زد و مهرش بر آن نقش بست. پس از امام حسین (ع)، خدمت امام سجاد (ع) رسیدم و به قدری پیر شده بودم که رعشه بر اندامم مستولی شده بود و صد و سیزده سال داشتم. آن حضرت در رکوع و سجود بود و به من توجهی نداشت. از دریافت نشانه امامت ناامید شدم. آن حضرت با انگشتر سبابه خود به من اشاره کرد و به اشاره او جوانی‌ام برگشت. گفتم: ای آقای من! از دنیا چه اندازه گذشته و چه اندازه مانده است؟ فرمود: «نسبت به آن چه گذشته است، آری و آن چه مانده است نه» یعنی ما به گذشته علم داریم؛ اما آینده از غیب است که غیر خدا آن را نمی‌داند و یا مصلحت نیست بگویم. آن‌گاه به من فرمود: «آن چه با خود داری بیاور». من آن سنگ را به حضرت دادم و حضرت مهر بر آن زد. پس از گذشت زمانی، به حضور امام باقر (ع) آمدم، آن حضرت نیز بر آن سنگ مهر زد. بعد از او نزد امام صادق (ع) آمدم و آن جناب نیز آن را مهر کرد. پس از طی شدن سال‌ها به حضور امام کاظم (ع) شرفیاب شدم؛ آن بزرگوار نیز بر آن مهر زد و بعد از او خدمت حضرت رضا (ع) رسیدم، مهر آن حضرت نیز بر آن نقش بست. حبابه پس از آن، نه ماه زنده بود. [۱۶۰].

قنواء دختر رشید هجری

هر چند در خصوص شخصیت این زن در کتاب‌های شیعه و سنی، سخنی به میان نیامده است و به اصطلاح مهمل است؛ [۱۶۱] ولی از جریانی که در خصوص شیوه اسارت و شهادت پدر بزرگوارش، به دست ابن‌زیاد به وقوع پیوست او ایشان آن را نقل کرد، میزان صلابت و پایداری در عقیده و پای بندی او به اسلام و تشیع و علاقه او به امیرالمؤمنین (ع) آشکار می‌شود. ابوحنیان بجلی می‌گوید: از قنواء دختر رشید هجری پرسیدم: از پدرت چه حدیث و روایتی شنیده‌ای؟ گفت: پدرم از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرد که آن حضرت فرمود: «ای رشید! صبر تو چگونه است، هنگامی که پسرخوانده بنی امیه (ابن زیاد) تو را به نزد خود بخواند و دو دست و دو پا و زبانت را قطع کند؟» عرض کردم: آیا پایان کارم بهشت است...؟ فرمود: «ای رشید! در دنیا و آخرت به همراه من

هستی». قنواء می‌گوید: به خدا سوگند، پس از مدتی ابن‌زیاد پدرم را احضار کرد و از او خواست تا از علی (ع) بیزارى بجوید؛ ولی او هرگز این کار را نکرد. ابن‌زیاد گفت: علی (ع) کیفیت قتل تو را چگونه توصیف کرده است؟ پدرم پاسخ داد: دوست من علی (ع) مرا چنین آگاه ساخت که تو مرا به بیزارى از علی (ع) می‌خوانی، ولی من اجابت نمی‌کنم؛ سپس دو دست و دو پا و زبانم را قطع می‌کنی. ابن‌زیاد گفت: به خدا سوگند، خلاف پیشگویی علی را در حق تو اجرا می‌کنم. آن‌گاه دستور داد دو دست و دو پایش را قطع کنند و زبانش را سالم باقی گذارند. قنواء می‌گوید: من پدرم را به دوش کشیدم و در راه به او گفتم: ای پدر! آیا احساس درد و زجر می‌کنی؟ فرمود: خیر، فقط به مقدار فشاری که جمعیت بر من وارد کند، احساس ناراحتی می‌کنم. چون پدرم را برداشتم و از کاخ ابن‌زیاد بیرون بردم، مردم به گرد او جمع شدند. پدرم از فرصت استفاده کرد و گفت: قلم و دوات و کاغذ بیاورید تا برای شما حوادثی را بازگو کنم؛ ولی چون این خبر به ابن‌زیاد رسید، دستور داد زبانش را نیز قطع کنند و پدرم در همان شب به شهادت رسید. [۱۶۲].

نقش زنان در دوران پیامبر

با توجه به این که زنان در حکومت حضرت مهدی (عج) همان نقشی را دارند که در دوران صدر اسلام داشته‌اند، به اختصار، نقش زنان را در آن روزگار بررسی می‌کنیم. هرچند در روایت اشاره شده است که: «یداوین الجرحی و یقمن علی المرضی؛ زخمیان را مداوا کرده، و از بیماران پرستاری می‌کنند». ولی شاید این نمونه‌ای از مهم‌ترین خدمات زنان در روزگار پیامبر (ص) باشد؛ زیرا آنان فعالیت‌های دیگری هم داشته‌اند و همین نقش را در زمان حضرت مهدی (عج) خواهند داشت. امام صادق (ع) می‌فرماید: «زنان همان کارهایی را که در زمان پیامبر (ص) انجام می‌دادند، در زمان حضرت قائم (عج) نیز انجام خواهند داد». زنان در جنگ‌های پیامبر (ص)، وظایف دیگری هم چون رساندن آب و غذا به رزمندگان، آشپزی، نگه‌داری وسایل رزمندگان، تهیه دارو، رساندن مهمات، تعمیر تجهیزات، انتقال شهدا، شرکت در جنگ‌های دفاعی، تشویق رزمندگان برای عزیمت به جبهه، تشویق آنان در صحنه نبرد و... را عهده دار بودند. تشبیه زنان دوران مهدی (عج) به زنان دوران پیامبر (ص) به وسیله امام صادق (ع) ما را بر آن داشت که برخی از فعالیت‌های آنان را در صدر اسلام یادآور شویم. بعضی از زنانی که در این فعالیت‌ها نقش مهمی داشتند، عبارتند از: ۱. امّ عطیه؛ او در هفت غزوه شرکت کرد. مداوای زخمیان از جمله خدمات وی بود. [۱۶۳]. امّ عطیه می‌گوید: یکی از وظایف من نگهبانی از وسایل سربازان بود. [۱۶۴]. ۲. امّ عماره (نسبیه)؛ رشادت‌های او در جنگ اُحُد به قدری بود که مورد ستایش و تقدیر فراوان پیامبر (ص) قرار گرفت. [۱۶۵]. ۳. امّ ابیه؛ او جزو شش زنی بود که راهی قلعه خیبر شد. پیامبر به آنان فرمود: «به دستور چه کسی به این جا آمده‌اید؟» امّ ابیه می‌گوید: چون آثار خشم را بر چهره آن حضرت مشاهده کردیم، گفتیم: ما با مقداری دارو به منظور مداوای زخمیان آمده‌ایم. آن‌گاه حضرت، با ماندن ما در آن‌جا موافقت کرد. شغل ما در این جنگ مداوای زخمیان و پختن غذا بود. ۴. امّ ایمن؛ در جنگ‌ها، زخمیان را مداوا می‌کرد. [۱۶۶]. ۵. حمّنه؛ به زخمیان آب می‌رساند و آنان را مداوا می‌کرد. او شوهر، برادر و دایی خود را در جبهه نبرد از دست داد. [۱۶۷]. ۶. ربیعه دختر معوذ؛ زخمیان را مداوا می‌کرد. [۱۶۸] او می‌گوید: با رسول خدا عازم نبرد شدیم و شهدا را به مدینه انتقال دادیم. ۷. امّ زیاد؛ او از جمله شش زنی بود که به منطقه جنگ خیبر برای مداوای زخمیان رفت. [۱۶۹]. ۸. امیه دختر قیس؛ پس از هجرت مسلمان شد. او می‌گوید: با گروهی از زنان بنی غفار به حضور پیامبر رسیده، عرض کردیم: مایل هستیم در خدمت شما برای معالجه زخمیان و کمک به رزمندگان، به سوی خیبر حرکت کنیم. پیامبر به نشانه خشنودی فرمود: «با عنایات الهی حرکت کن». [۱۷۰]. ۹. لیلای غفاریه؛ می‌گوید من زنی بودم که با پیامبر (ص) برای مداوای زخمیان به جنگ می‌رفتم. [۱۷۱]. ۱۰. امّ سلیم؛ در جنگ احد به رزمندگان آب می‌رساند و با این که حامله بود؛ در جنگ حنین شرکت کرد. [۱۷۲]. ۱۱. معاذه غفاریه؛ بیماران را پرستاری و زخمیان را معالجه می‌کرد. [۱۷۳]. ۱۲. امّ سنان

اسلمیه؛ هنگام عزیمت به جنگ خبیر به پیامبر عرض کرد: دوست دارم با شما حرکت کنم و در میدان جنگ به معالجه زخمیان و مداوای بیماران و یاری مجاهدان پردازم و از وسایل ایشان نگه داری و تشنگان را سیراب کنم. حضرت (ص) فرمود: «رواست؛ با همسر من ام سلمه حرکت کن». [۱۷۴]. ۱۳. فاطمه زهرا (س)؛ محمد بن مسلمه می گوید: در جنگ احد زنان به جست و جوی آب پرداختند و ایشان چهارده نفر بودند که فاطمه (س) نیز با ایشان بود. [۱۷۵]. زنان، آب و غذا را بر پشت خویش حمل می کردند و به درمان زخمیان می پرداختند و به آنان آب می دادند. [۱۷۶]. ۱۴. ام سلیطه؛ عمر بن خطاب می گوید: ام سلیطه در جنگ احد، مشک‌های آب را برای ما حمل می کرد و به تعمیر وسایل و تجهیزات می پرداخت. [۱۷۷]. ۱۵. نسبه؛ او همراه شوهر و دو پسرش در جنگ احد شرکت کرد و مشک آبی برداشت و زخمیان را سیراب می کرد. آن گاه که جنگ شدت گرفت، او نیز به نبرد پرداخت و دوازده زخم شمشیر و نیزه را متحمل شد. [۱۷۸]. ۱۶. انیسه؛ او در جنگ احد، به حضور پیامبر (ص) رسید و گفت: ای رسول خدا! فرزندم عبدالله بن سلمه، از رزم آوران بدر، اینک در جنگ احد شهید شده است؛ دوست دارم او را به مدینه انتقال دهم و در آن جا به خاک سپارم تا مزارش نزدیک (خانه‌ام) باشد و با وی انس گیرم. پیامبر (ص) به او اجازه داد. انیسه، پیکر پاک فرزند شهید خود را به همراه یکی دیگر از شهدای اسلام به نام مجدر بن زیاد در عبایی پیچیده، آنان را به وسیله شتر به مدینه حمل کرد. [۱۷۹]. این گوشه‌ای از فعالیت و نقش زنان در جبهه اسلام به فرماندهی رسول خدا (ص) بود. شاید همیاری زنان در امور نظامی و پشتیبانی برای آن بود که از نیروهای رزمنده در نبرد و جنگ رودرو با دشمن، حداکثر استفاده بشود. زنان دوران حکومت حضرت مهدی (عج) نیز با همین هدف، نقش زنان دوران پیامبر (ص) را ایفا می کنند. در آن دوران یا پیش از آن، زنان نقش‌های گوناگونی دارند؛ تبلیغات علیه دجال و برحذر داشتن مردم از وی، از جمله نقش‌ها و وظایف آنان است. ابوسعید خدری می گوید: هر جا دجال قصد می کند به آن جا برود زنی به نام لثیه (طیبه) پیش از او خود را به آن جا می رساند و می گوید: دجال به سوی شما می آید؛ از او دوری جوید و از عاقبت کارش بر حذر باشید! [۱۸۰].

رهبر قیام

اشاره

پیرامون انقلاب و قیام حضرت مهدی (عج) تاکنون مطالبی را بازگو کرده‌ایم. در این فصل، خصوصیات جسمی، اخلاقی و کرامات آن حضرت را با استفاده از روایات، مورد بحث قرار می دهیم.

خصوصیات جسمی

سن و چهره

عمران پسر حصین می گوید: به رسول خدا (ص) گفتم: این مرد (مهدی) را برایم توصیف کن و شمه‌ای از حالات او را بیان فرما. پیامبر (ص) فرمود: «او از فرزندان من است؛ اندامش چونان مردان بنی اسرائیل سخت و ستبر است؛ به هنگام سختی و گرفتاری امت من قیام می کند؛ رنگ چهره‌اش به عرب‌ها شباهت دارد؛ قیافه‌اش چون مرد چهل ساله می نماید؛ صورتش چون پاره ماه می درخشد؛ زمین را پر از عدل و داد می کند؛ آن گاه که آکنده از ظلم و ستم شود. بیست سال زمام امور را در دست دارد و همه شهرهای کفر، چون قسطنطنیه، روم و... را می گشاید...». [۱۸۱]. امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: «... خداوند عمر حضرت مهدی (عج) را در روزگار غیبت طولانی می گرداند. پس از آن با قدرت بی‌پایانش او را از چهره جوانی کم‌تر از چهل سال ظاهر می کند». [۱۸۲]. امام صادق (ع) می فرماید: «زمانی که حضرت قائم (عج) ظهور می کند، مردم او را انکار می کنند و کسی بر او درنگ نمی کند؛ جز آنان

که خداوند در عالم ذر [۱۸۳] از آنان پیمان گرفته است. آن حضرت در چهره جوانی کامل و موقّق - معتدل - ظاهر می‌شود». [۱۸۴]. امیرمؤمنان می‌فرماید: «هنگامی که مهدی (عج) قیام می‌کند، سن او بین سی تا چهل سال خواهد بود». [۱۸۵]. مروی می‌گوید: به امام رضا (ع) عرض کردم: نشانه و علامت قائم شما به هنگام قیام و ظهور چیست؟ امام فرمود: «نشانه‌اش این که سن حضرت زیاد است؛ ولی از نظر چهره جوان می‌نماید؛ به گونه‌ای که اگر کسی به او نظر کند، می‌پندارد او در سن چهل سالگی یا کم‌تر است. نشانه دیگرش این که گذشت روزگار او را پیر نمی‌کند تا زمانی که اجلش فرارسد». [۱۸۶]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «به‌طور حتم، ولیّ خدا صد و بیست سال همانند ابراهیم خلیل عمر خواهد کرد و به چهره و رخسار جوانی کامل و سی ساله ظاهر خواهد شد». [۱۸۷]. مرحوم مجلسی می‌گوید: شاید مراد مدت حکومت و سلطنت حضرت باشد یا این که عمر حضرتش به همان مقدار بوده است؛ امّا خداوند آن را طولانی کرده است. مراد از کلمه موقّق، معتدل بودن اعضاست و کنایه از این که در سنین متوسط و یا آخر سنین جوانی است. [۱۸۸]. درباره سن حضرت به‌هنگام ظهور، اقوال دیگری نیز هست. ارطاط می‌گوید: حضرت مهدی (عج) شصت ساله است. [۱۸۹] ابن‌حمّاد می‌گوید: حضرت مهدی (عج) هیجده ساله است. [۱۹۰].

مشخصات بدنی

ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق (ع) گفتم: از پدر شما شنیده‌ام که امام زمان (عج) سینه‌ای گشاده و کتف‌هایی باز و عریض دارد. حضرت فرمود: «ای ابا محمد! پدرم زره پیامبر (ص) را پوشید؛ ولی برایش بلند بود؛ به‌طوری که بر زمین می‌رسید. من نیز آن را پوشیدم؛ ولی بر قامت بلند بود؛ ولی آن زره بر قامت حضرت قائم چنان مناسب و اندازه است که بر بدن رسول خدا (ص) اندازه بود و قسمت پایین آن زره کوتاه است؛ به‌طوری که هر بیننده گمان می‌کند اطراف آن را گره زده‌اند». [۱۹۱]. ریان پسر صلت می‌گوید: به امام رضا (ع) عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود: «من امام و صاحب امر هستم؛ ولی نه آن صاحب امری که زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ آن‌گاه که از ستم و بیداد پر شده باشد. چگونه می‌توانم صاحب آن امر باشم، درحالی که ناتوانی جسمی مرا می‌بینی؟ حضرت قائم کسی است که وقتی ظهور می‌کند، در سن پیران است؛ ولی به نظر جوان می‌آید. اندامی قوی و تنومند دارد؛ به‌طوری که اگر دست را به سوی بزرگ‌ترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می‌آورد و اگر میان کوه‌ها فریاد برآورد، صخره‌ها می‌شکند و از جا کنده می‌شود. عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه اوست». [۱۹۲].

کمالات اخلاقی

اشاره

حضرت مهدی (عج) مانند پیشوایان معصوم دیگر دارای کمالات اخلاقی ویژه‌ای است. از آن‌جا که معصومین (ع) انسان‌های کاملی هستند و از هر جهت اسوه و الگوی بشریت هستند، اخلاق نیکو را نیز در بالاترین حد دارا می‌باشند. حضرت رضا (ع) می‌فرماید: «مهدی (عج) داناترین، بردبارترین و پرهیزگارترین مردمان است. او از همه انسان‌ها بخشنده‌تر، شجاع‌تر و عابدتر است». [۱۹۳].

ترس از خدا

کعب می‌گوید: خشوع و ترس حضرت مهدی (عج) در برابر خداوند، مانند خشوع عقاب در برابر دو بال‌ش است. [۱۹۴] شاید مقصود کعب این باشد که هر چند عقاب پرنده‌ای قدرتمند است، امّا این نیرو بستگی تمام به میزان یاری بال‌هایش دارد؛ اگر بال‌ها

لحظه‌ای او را یاری نکنند، از آسمان به زمین سقوط می‌کند. حضرت مهدی نیز هر چند قدرتمندترین رهبران الهی است، ولی این قدرت از ذات حق تعالی است. اگر خداوند، لحظه‌ای حضرتش را یاری نکند، توان ادامه فعالیت را ندارد. از این رو، حضرتش در برابر ذات الهی، کمال خشوع و خضوع و ترس را دارد. طبق نقل ابن طاووس [۱۹۵] خشوع حضرت در برابر خداوند به خشوع دو طرف انتهای نیزه تشبیه شده است. سرعت عمل و دقت نشانه‌گیری در کار نیزه بستگی به دو سر آن که همانند دو بال هستند، دارد و اگر یک سرش کج باشد، نیزه به خطا می‌رود. شاید منظور این است که قدرت مهدی (عج) از خداوند است و بستگی تمام به یاری حق دارد.

زهد

امام صادق (ع) می‌فرماید: «چرا در ظهور حضرت مهدی تعجیل می‌کنید؟ خدا می‌داند که پوشاک او سخت و خشن، خوراکش نان جو و حکومتش، حکومت شمشیر است و مرگ در سایه شمشیر». [۱۹۶]. عثمان بن حنیاد می‌گوید: در مجلس امام صادق (ع) حاضر بودم که شخصی به حضرتش عرض کرد: علی بن ابی‌طالب لباسی سخت می‌پوشید که ارزش آن چهار درهم بود؛ اما شما لباس ارزشمندی بر تن دارید! حضرت در پاسخ فرمود: «علی (ع) در زمانی آن لباس را می‌پوشید که مورد انکار و اعتراض قرار نمی‌گرفت. بهترین لباس هر زمان، لباس مردم آن دوران است. هنگامی که قائم ماقیام کند، نظیر لباس علی (ع) را می‌پوشد و از سیاست و خط مشی آن حضرت پیروی می‌کند». [۱۹۷].

لباس

در روایات از لباس مخصوصی برای حضرت قائم (عج) به هنگام ظهور یاد شده است؛ گاهی از پیراهن رسول خدا (ص) سخن گفته شده و گاه از پیراهن یوسف (ع) به عنوان لباس حضرت به هنگام ظهور نام برده شده است. یعقوب پسر شعیب می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: «آیا نمی‌خواهی پیراهنی را که حضرت قائم به هنگام ظهور، بر تن دارد به تو نشان دهم؟» عرض کردم: البته مایلم آن را ببینم. حضرت، صندوقچه‌ای را خواست و آن را گشود و از آن پیراهن کرباسی بیرون آورد و آن را باز کرد و در گوشه آستین چپ آن لکه خونی بود. امام (ع) فرمود: «این پیراهن پیامبر (ص) است و در روزی که چهار دندان پیشین حضرت را (در جنگ احد) شکستند، آن را بر تن داشت و حضرت قائم (عج) در حالی که این پیراهن را بر تن دارد، قیام می‌کند. من آن خون را بوسیدم و بر دیده خود نهادم. آن گاه حضرت لباس را پیچیده و برداشت». [۱۹۸]. مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: «می‌دانی پیراهن یوسف چه بود؟» گفتم: خیر، فرمود: «چون برای ابراهیم (ع) آتش افروختند، جبرئیل برای او پیراهنی آورد و بر تن او پوشاند تا گرما و سرما به او آسیب نرساند و چون وفات او فرا رسید، آن را در جلد دعایی نهاد و به بازوی فرزندش اسحاق آویخت. او نیز آن را به یعقوب داد. آن گاه که یوسف متولد شد، یعقوب آن را در بازوی یوسف قرار داد. بر یوسف نیز حوادثی گذشت تا این که عزیز مصر شد. چون یوسف آن را در آن جا از جلد بیرون آورد، یعقوب (ع) بوی آن را شنید و این سخن خداوند در قرآن است که در حکایت یوسف از قول یعقوب می‌فرماید: «و من بوی یوسف را استشمام می‌کنم، اگر مرا به خطا نسبت ندهید» [۱۹۹] و آن همان پیراهنی است که از بهشت فرود آمده است». عرض کردم: قربانت گردم؛ آن پیراهن به دست چه کسی رسیده است؟ فرمود: «به دست اهل آن است؛ پیراهن همراه قائم ماست؛ آن گاه که ظهور کند». سپس فرمود: «هر پیامبری که دانش یا چیز دیگری را به ارث برده است، همه آنها به محمد (ص) رسیده است». [۲۰۰].

اسلحه

رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام می‌کند و زمانی که مأموریت ظهورش فرا می‌رسد، شمشیری همراه دارد که به وی ندا می‌دهد: ای ولی خدا! قیام کن و دشمنان خود را بکش». [۲۰۱]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) به هنگام ظهور، پیراهن پیامبر (ص) را که در جنگ احد پوشیده بود و عمامه و زره آن حضرت را که بر قامت او آراسته است، می‌پوشد و ذوالفقار (شمشیر) پیامبر (ص) را در دست می‌گیرد و شمشیر می‌کشد و در مدت هشت ماه از کشته بی‌دینان، پشته‌ها می‌سازد». [۲۰۲]. جابر جعفی می‌گوید، امام باقر (ع) فرمود: «امام مهدی (عج) از مکه بین رکن و مقام به همراه وزیر و سی صد و اندی (سیزده) نفر از یارانش ظهور می‌کند؛ در حالی که عهد و دستور العمل پیامبر (ص) و پرچم و اسلحه آن حضرت با اوست. آن‌گاه ندا کننده‌ای از آسمان مکه به نام و ولایت حضرتش ندا می‌دهد؛ به طوری که تمامی اهل زمین آن نام را می‌شنوند و اسم حضرت، اسم پیامبر (ص) است». [۲۰۳].

چهره شناسی امام

یکی از ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) این است که شخصیت درونی انسان‌ها را از چهره‌شان می‌شناسد و افراد صالح را از ناصالح تشخیص می‌دهد و مفسدان را با همان شناخت به سزای اعمالشان می‌رساند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم، قیام می‌کند، احدی نمی‌ماند، مگر آن که حضرت او را می‌شناسد: که فردی صالح و نیک است یا منحرف و فاسد». [۲۰۴]. نیز می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، دشمنان ما را از چهره‌هایشان می‌شناسد. آن‌گاه آنان را از پیشانی (سر) و پاهایشان می‌گیرد (و دستگیر می‌کند) و خود با یارانش، آنان را با شمشیر به قتل می‌رساند». [۲۰۵]. هم‌چنین می‌فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد (ص) قیام کند، دوستانش را به کمک قدرت تشخیصی که دارد، از دشمنانش می‌شناسد». معاویه دهنی می‌گوید: امام صادق (ع) در رابطه با آیه مجرمین از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند، آن‌گاه از سر و قدم‌هایشان گرفته می‌شوند، [۲۰۶] فرمود: «ای معاویه! دیگران درباره آن چه می‌گویند؟» عرض کردم: می‌پندارند که خداوند، روز قیامت، گناهکاران را از قیافه‌شان می‌شناسد و از موهای جلوی سر و پاهایشان می‌گیرند و آنان را در آتش می‌اندازد. امام فرمود: «خداوند چه نیازی دارد که مجرمان را از چهره‌شان بشناسد و حال آن که آنان را آفریده است». عرض کردم: پس معنای آیه چیست؟ فرمود: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خداوند به او علم سیماشناسی عطا می‌کند و حضرت دستور می‌دهد، کافران را از سر و پا گرفته و با شمشیر ضربات سختی بر آنان بزنند». [۲۰۷].

کرامات

اشاره

در آخرالزمان هر چند مردم برای روی کار آمدن دولتی قدرتمند و در عین حال پشتیبان ستمدیدگان، لحظه شماری می‌کنند، ولی به بسیاری از دولت‌هایی که روی کار می‌آیند، خوش‌بین نیستند و سخن هر حزب و گروهی را نمی‌پذیرند و اصولاً کسی را قادر نمی‌دانند که بتواند نظم را به جامعه جهانی بازگرداند و دنیای پر آشوب را سامان بخشد. از این رو، مدّعی بازگشت نظم به جامعه و گسترش امتیّت در جهان، باید دارای توانی فوق‌توان دیگر انسان‌ها باشد و اثبات این مطلب نیاز به نشان دادن کرامات و کارهای خارق‌العاده دارد و شاید برای این است که حضرت مهدی (عج) در آغاز ظهور، دست به یک سلسله کرامات و معجزات می‌زند؛ به پرنده در حال پرواز اشاره می‌کند و او فوراً فرودمی‌آید و در دست حضرت قرار می‌گیرد. چوب خشک را در زمین بایر فرومی‌برد و آن چوب بی‌درنگ سبز می‌شود و شاخ و برگ می‌دهد. با این کارها به مردم ثابت می‌شود که سرو کار آنان با

شخصیتی است که آسمان و زمین به امر خداوند در اختیار و تحت فرمان اوست. این کرامات نویدی برای مردمی است که سال‌ها و بلکه قرن‌ها خود را زیر فشار و قهر آسمان و زمین می‌دیدند. مردمی که از بالای سر، مورد تهاجم هواپیماها و موشک‌ها قرار گرفته، میلیون‌ها قربانی داده‌اند و قدرتی را نمی‌یافتند که مانع آن همه تجاوزات گردد؛ ولی اینک خود را در برابر شخصیتی می‌بینند که آسمان و زمین و آن چه در آنهاست در اختیار اویند. مردمی که تا دیروز، چنان در قحطی به سر می‌بردند که حتی برای تهیه نیازهای اولیه زندگی، رنج‌ها و مشکلاتی را متحمل می‌شدند و در اثر خشکسالی و کمبود زراعت، در محاصره اقتصادی شدیدی قرار گرفته بودند، امروز در برابر شخصیتی قرار گرفته‌اند که با اشاره‌ای زمین را سبز و خرم می‌کند و آب و باران را جاری می‌سازد. مردمی که دچار بیماری‌های بی‌درمان شده‌اند، با کسی رو به رو می‌شوند که حتی بیماری‌های غیر قابل درمان را نیز علاج می‌کند و مردگان را زندگی می‌بخشد. این‌ها معجزات و کراماتی هستند که حکایت از توانایی، صداقت و حق بودن گفته‌های این رهبر آسمانی دارد. کوتاه سخن آن که جهانیان باور می‌کنند که این نوید دهنده با هیچ یک از مدعیان پیشین شباهتی ندارد و او همان رهایی بخش واقعی و ذخیره الهی و مهدی موعود است. کرامات مهدی (عج) گاهی برای رزمندگانش روی می‌دهد که بر ایمانشان می‌افزاید و اعتقادشان را استوارتر می‌گرداند و گاه برای دشمنان و یا تردید کنندگان است که سبب ایمان و اعتقاد آنان به حضرت می‌شود. اینک به بخشی از آن معجزات و کرامات اشاره می‌کنیم:

سخن گفتن پرنده

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) در مسیر حرکت خود به یکی از سادات حسنی که دوازده هزار نفر رزمنده را به همراه دارد، برخورد می‌کند؛ حسنی در مقام احتجاج برمی‌آید و خود را سزاوارتر به رهبری می‌داند. حضرت در پاسخ او می‌گوید: «من مهدی هستم». حسنی می‌پرسد: آیا دلیل و نشانه‌ای داری تا با تو بیعت کنم؟ حضرت به پرنده‌ای که در آسمان در حال پرواز است، اشاره می‌کند و آن پرنده فرود می‌آید و در دستان حضرت قرار می‌گیرد. آن گاه به قدرت خداوند لب به سخن می‌گشاید و بر امامت حضرت مهدی (عج) گواهی می‌دهد. برای اطمینان بیشتر سید حسنی، امام (ع) چوب خشکی را به زمین فرو می‌برد؛ آن چوب سبز می‌شود و شاخ و برگ می‌دهد. بار دیگر، پاره سنگی را از زمین بر می‌دارد و با یک فشار آن را خرد کرده، همانند خمیر نرم می‌کند. سید حسنی با دیدن آن کرامات به حضرت ایمان می‌آورد. خود و همه نیروهایش تسلیم امام (ع) می‌شوند و حضرت او را به عنوان فرمانده نیروی خط مقدم می‌گمارد». [۲۰۸].

جوش آب و آذوقه از زمین

امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که امام (ع) در شهر مکه ظهور می‌کند و قصد حرکت به کوفه را دارد، به نیروهایش اعلام می‌کند که کسی آب و غذا و توشه راه با خود برندارد. حضرت (ع) سنگ موسی (ع) را که به وسیله آن دوازده چشمه آب زلال از زمین جوشاند، همراه دارد. در مسیر راه هر جا توقف می‌کنند، آن سنگ را نصب می‌کند و از زمین چشمه‌های آب می‌جوشد. هر کس گرسنه باشد با نوشیدن آن سیر می‌گردد و هر کس تشنه باشد، سیراب می‌شود. تهیه آذوقه و آب بین راه سپاهیان به همین ترتیب است تا هنگامی که به شهر نجف برسند؛ در آن‌جا با نصب آن سنگ، برای همیشه از زمین آب و شیر می‌جوشد که گرسنه و تشنه‌ای را سیر می‌کند». [۲۰۹]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (ع) ظهور می‌کند، پرچم پیامبر (ص) و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی همراه او خواهد بود. پس به امر حضرت در بین سپاهیان اعلام می‌شود که کسی زاد و توشه برای خود و علوفه برای چهارپایان بر ندارد. برخی از همراهان می‌گویند: او می‌خواهد ما را به هلاکت بیندازد و مرکب‌های مان را از

گرسنگی و تشنگی نبود کند. اصحاب با حضرت حرکت می‌کنند. به اولین جایی که می‌رسند، حضرت سنگ را بر زمین می‌کوبد و آب و غذا برای نیروها و علوفه برای حیوانات بیرون می‌آید و از آن استفاده می‌کنند تا به شهر نجف می‌رسند». [۲۱۰].

طی الارض و نداشتن سایه

امام رضا (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور می‌کند، زمین از نور خداوند روشن می‌شود و زمین زیر پای مهدی به سرعت حرکت می‌کند (و او با سرعت، مسیرها را می‌پیماید) و اوست که سایه نخواهد داشت». [۲۱۱].

وسیله انتقال

امام باقر (ع) به شخصی به نام سوره فرمود: «ذوالقرنین مخیر گردید که یکی از دوابر سخت و رام را برگزیند. او ابر را برگزید و ابر سخت برای حضرت صاحب (ع) ذخیره شد». سوره پرسید: ابر سخت چیست؟ حضرت فرمود: «ابرهایی که در آن رعد و برق و آذرخش و صاعقه باشد. هر گاه ابری چنین بود، صاحب شما بر آن سوار است. بی شک او سوار بر ابر می‌شود و با آن به سوی آسمان بالا می‌رود و آسمان‌ها و زمین‌های هفت گانه را می‌پیماید؛ همان زمین‌هایی که پنج عدد آن مسکونی و دو تای دیگر ویران است». [۲۱۲]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند، ذوالقرنین را در انتخاب بین دو ابر سخت و رام مخیر کرد. او ابر را برگزید و آن ابری است که در آن رعد و برق وجود نداشت و اگر ابر سخت را برمی‌گزید، اجازه استفاده از آن را نداشت؛ زیرا خداوند، ابر سخت را برای حضرت قائم (عج) ذخیره کرده است». [۲۱۳].

کندی حرکت زمان

امام باقر (ع) می‌فرماید: «چون امام زمان (ع) ظهور کند، به سوی کوفه حرکت می‌نماید. در آنجا هفت سال حکومت می‌کند که هر سال آن برابر ده سال از سالیان شماسست. پس از آن، خداوند هر چه اراده کند، انجام می‌دهد». گفته شد چگونه سال‌ها طولانی می‌شود؟ امام فرمود: «خداوند به منظومه (و فرشته اداره کننده آن) دستور می‌دهد که از سرعت خود بکاهد. از این رو، روزها و سال‌ها طولانی می‌شود». گفته شد: می‌گویند اگر کم‌ترین تغییری در حرکت آنها پدید آید، آنها به هم می‌ریزند و فاسد می‌شوند. امام فرمود: «این سخن افراد مادی‌گرا و کافر به خداست؛ ولی مسلمانان (که عقیده به خداوند گرداننده آنها دارند) چنین سخنی را نمی‌توانند بگویند». [۲۱۴].

قدرت تکبیر

کعب دربارہ گشودن شهر قسطنطنیه به دست مهدی (عج) می‌گوید: حضرت، پرچم را به زمین فرو می‌برد و به سوی آب می‌رود تا برای نماز صبح وضو بگیرد؛ آب از حضرت دور می‌شود. امام (ع) پرچم را بر می‌دارد و به دنبال آب حرکت می‌کند تا آن که از آن ناحیه می‌گذرد. آن‌گاه پرچم را در زمین فرو می‌برد و سپاهیان را فرا می‌خواند و می‌فرماید: «ای مردم! خداوند دریا را برای شما شکافت؛ هم‌چنان که آن را برای بنی اسرائیل شکافت». پس سپاهیان از دریا می‌گذرند و رو به سوی شهر قسطنطنیه قرار می‌گیرند. سپاهیان ندای تکبیر سر می‌دهند و دیوارهای شهر به لرزه درمی‌آید. بار دیگر تکبیر می‌گویند و دوباره دیوارها می‌لرزد. بار سوم که صدا به تکبیر بلند می‌کنند، دیوارهایی که میان دوازده بُرج مراقبت هستند، فرو می‌ریزند. [۲۱۵]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «... حضرت مهدی (عج) جلوی قسطنطنیه فرود می‌آید. در آن روزگار، آن دژ، هفت دیوار دارد. حضرت هفت تکبیر می‌گوید و

دیوارها فرو می‌ریزد و با کشتن تعداد بسیاری از رومیان، آن‌جا به تصرف حضرت مهدی (عج) در می‌آید و گروهی نیز به اسلام رو می‌آورند». [۲۱۶]. امیرمؤمنان (ع) در این زمینه می‌فرماید: «... سپس حضرت مهدی و یارانش به حرکت خود ادامه می‌دهند و بر هیچ دژی از دژهای رومیان نمی‌گذرند، مگر آن که با گفتن «لا إله إلا الله» دیوارهای آن فرو می‌ریزد تا آن که در نزدیکی شهر قسطنطنیه فرود می‌آیند. در آن جا چند تکبیر می‌گویند و ناگهان خلیجی که در مجاورت آن شهر است، خشک می‌شود و آب‌هایش در زمین فرو می‌رود و دیوارهای شهر نیز فرو می‌ریزد. از آن‌جا به سوی شهر رومیه حرکت می‌کنند و چون به آن‌جا می‌رسند، مسلمانان سه تکبیر می‌گویند و شهر چون رمل و شن نرم - که در برابر تند بادهای قرار گرفته باشد - از هم می‌پاشد». [۲۱۷]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «... مهدی (عج) به پیش روی خود ادامه می‌دهد تا این که به یکی از شهرهای مشرف به دریا می‌رسد. لشکریان حضرت تکبیر سر می‌دهند و در پی آن دیوارهای شهر از هم گسیخته شده، فرو می‌ریزند». [۲۱۸].

عبور از آب

امام صادق (ع) می‌فرماید: «پدرم فرمود: هنگامی که حضرت قائم قیام کند... سپاهیان را به شهر قسطنطنیه می‌فرستد. آن‌گاه که به خلیج برسند، جمله‌ای بر روی پاهای خود می‌نویسند و از روی آب می‌گذرند. رومیان چون این معجزه و عظمت را می‌بینند، به یک‌دیگر می‌گویند: وقتی سپاهیان امام زمان این چنین باشند، خود حضرت چگونه خواهد بود! از این رو، درها را بر روی آنان می‌کشایند و سپاهیان حضرت وارد شهر شده، در آن‌جا فرمانروایی می‌کنند». [۲۱۹].

شفای بیماران

امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «... حضرت مهدی (عج) پرچم‌ها را به اهتزاز در می‌آورد و معجزات خود را آشکار می‌کند و به اذن خداوند چیزهایی را از نیستی به وجود می‌آورد. بیماران دچار پستی و خوره را شفا می‌دهد و مردگان را زنده، و زندگان را می‌میراند». [۲۲۰].

عصای موسی در دست

امام باقر (ع) می‌فرماید: «عصای موسی متعلق به آدم بوده است که به شعیب (پیامبر) رسیده و پس از او به موسی بن عمران داده شده است. آن عصا نزد ماست و به تازگی که من آن را دیدم، هنوز سبز بود؛ مانند روزی که از درخت جدایش کردند. چون از آن عصا سؤال شود، سخن می‌گوید و آن برای قائم ما آماده است و آن چه موسی با آن کرد، حضرت قائم نیز با آن انجام می‌دهد و هر چه بدان عصا دستور داده شود، انجام می‌دهد و هر جا افکنده شود، جادوها را می‌بلعد». [۲۲۱].

ندای ابر

امام صادق (ع) می‌فرماید: «... حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان ظهور می‌کند. بر سر آن حضرت ابری در حرکت است و هر جا برود، آن ابر نیز می‌رود تا حضرت را از تابش خورشید حفظ کند و با صدایی رسا و آشکار، ندا می‌دهد، این مهدی است». [۲۲۲]. سرانجام طبق فرموده امام صادق (ع): «هیچ معجزه‌ای از معجزات پیامبران و اوصیا نمی‌ماند، مگر آن که خداوند عزوجل آن را به دست قائم ما انجام می‌دهد تا حجت بر دشمنان تمام گردد». [۲۲۳].

سپاهیان امام

اشاره

نیروهای حضرت مهدی (عج) از ملیت‌های گوناگونی تشکیل شده‌اند و به هنگام قیام، با شیوه خاصی فراخوانی می‌شوند. افرادی که از پیش برای فرماندهی تعیین شده‌اند، هدایت لشکریان و عملیات جنگی را به عهده می‌گیرند. سپاهیان که با شرایط خاصی در ارتش مهدی (عج) پذیرفته می‌شوند، دارای ویژگی‌های مخصوص به خود هستند. تعدادی در کادر اولیه حضور دارند و گروهی به ارتش حضرت می‌پیوندند و از گروهی به عنوان گارد حفاظت نام برده شده است. در این فصل روایات مربوط به این موضوع را ملاحظه می‌فرمایید:

فرماندهان سپاه

اشاره

در روایات، نام افرادی را می‌بینیم که یا عملیات نظامی خاصی و یا فرماندهی تعدادی از لشکریان به آنان نسبت داده شده است. در این قسمت به نام‌ها و عملکرد برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

حضرت عیسی

امیر مؤمنان (ع) در خطبه‌ای می‌فرماید: «... آن گاه مهدی (عج)، حضرت عیسی را به جانشینی خود، در عملیات تهاجمی علیه دجال برمی‌گزیند. عیسی (ع) برای یافتن و سرکوبی دجال حرکت می‌کند. دجال که همه جهان را در سلطه خود دارد و کشاورزی و نسل بشری را نابود کرده است، مردم را به خویش می‌خواند و هر کس او را بپذیرد، مورد لطف قرار می‌گیرد و اگر خودداری ورزد، او را می‌کشد. سراسر جهان، جز مکه، مدینه و بیت المقدس را درهم نوردیده است و همه فرزندان نامشروع از شرق و غرب جهان پیرامونش گرد آمده‌اند. دجال به سوی حجاز حرکت می‌کند و عیسی (ع) در گردنه «هرشا» به او می‌رسد و فریادی هولناک بر او می‌کشد و ضربه‌ای سخت بر او فرود می‌آورد و او را در شعله‌های آتش ذوب می‌کند؛ آن سان که سرب در آتش ذوب می‌شود». [۲۲۴]. فرود آوردن ضربه‌ای که ذوب شدن دجال را در پی دارد، شاید در اثر به کارگیری مدرن‌ترین سلاح‌های آن روز باشد و ممکن است حکایت از اعجاز حضرت عیسی کند. در ویژگی حضرت عیسی (ع) آمده است: او چنان اُبّه‌تی دارد که چون دشمن او را می‌بیند، به یاد مرگ می‌افتد؛ چنان که گویی عیسی قصد جاننش را کرده است. [۲۲۵].

شعیب بن صالح

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «سفیانی و صاحبان پرچم‌های سیاه با یک‌دیگر رودررو می‌شوند، در حالی که میان آنان جوانی از بنی‌هاشم است که در کف دست چپ او خال سیاهی است و در پیشاپیش لشکریان او شخصی از قبیله بنی تمیم به نام شعیب بن صالح است». [۲۲۶]. حسن بصری می‌گوید: در سرزمین ری، شخصی به نام شعیب بن صالح که چهارشانه، سبزینه و بدون ریش است، خروج می‌کند. لشکری چهارهزار نفری تحت امر دارد که لباس‌های‌شان سفید و پرچم‌های‌شان سیاه است و آنان پیشقراول سپاهیان مهدی اند». [۲۲۷]. عمار یاسر می‌فرماید: شعیب بن صالح، پرچمدار حضرت مهدی است. [۲۲۸]. شبلنجی می‌گوید: فرمانده

لشکریان پیشرو حضرت مهدی (عج)، مردی از قبیله بنی تمیم است که محاسن کمی دارد و او را شعیب بن صالح می‌نامند. [۲۲۹] محمد بن حنفیه می‌گوید: از خراسان سپاهی حرکت می‌کند که کمربندهای سیاه و پیراهن سفید پوشیده‌اند؛ جزو پیشقراولان سپاه، فرمانده‌ای به نام شعیب بن صالح یا صالح بن شعیب است که از قبیله تمیم است. آنان سپاهیان سفیانی را شکست داده، گریزان می‌کنند و در بیت‌المقدس فرود می‌آیند و زمینه حکومت حضرت مهدی را پایه‌ریزی می‌کنند. [۲۳۰].

اسماعیل فرزند امام صادق و عبدالله بن شریک

ابو خدیجه می‌گوید: امام صادق (ع) می‌فرمود: «من از خدا خواستم که (فرزندم) اسماعیل را پس از من بر جای گذارد؛ ولی خداوند نخواست و درباره او مقام دیگری به من بخشید؛ وی نخستین کسی است که با ده نفر از یارانش ظهور می‌کند و عبدالله بن شریک یکی از آن ده نفر است که پرچم دار اوست». [۲۳۱]. امام باقر (ع) می‌فرمود: «گویا عبدالله بن شریک عامری را می‌بینم که عمامه مشکی بر سر نهاده، دو طرف عمامه‌اش بین شانه‌هایش افتاده، با سپاهی چهار هزار نفری پیش روی قائم ما از دامنه کوه بالا می‌روند و همواره تکبیر می‌گویند». [۲۳۲].

عقیل و حارث

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «... حضرت مهدی (عج) لشکر را حرکت می‌دهد تا آن که وارد عراق می‌شود؛ در حالی که سپاهیان، پیشاپیش و پشت سر او حرکت می‌کنند و فرمانده نیروهای پیشرو، مردی به نام عقیل است و فرماندهی سپاهیان پشت سر را مردی به نام حارث عهده دار است». [۲۳۳].

جبیر بن خابور

امام صادق (ع) از امیر مؤمنان (ع) نقل فرموده است: «این شخص - جبیر - در جبل‌الاهواز به همراه چهار هزار نفر - در حالی که سلاح‌ها را از نیام کشیده‌اند - منتظرند تا قائم اهل بیت ما ظهور کند. آن‌گاه این شخص همراه حضرت و در رکابش با دشمنان خواهد جنگید». [۲۳۴].

مفضل بن عمر

امام صادق (ع) به مفضل فرمود: «تو با چهل و چهار نفر دیگر با حضرت قائم (عج) خواهید بود. تو در سمت راست حضرت (ع) امر و نهی می‌کنی و مردم در آن زمان بهتر از امروز از تو اطاعت می‌کنند». [۲۳۵].

اصحاب کهف

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «اصحاب کهف برای یاری مهدی (عج) خواهند آمد». [۲۳۶].

ملیت سپاهیان

اشاره

نیروهای حضرت مهدی (عج) از ملیت‌های گوناگونی تشکیل می‌شوند. در روایات، سخنان گوناگونی در این باره وجود دارد. گاه از عجم‌ها به عنوان سپاهیان حضرت نام می‌برند که غیر عرب را در بر می‌گیرد. برخی روایات نام شهرها و کشورهای را ذکر می‌کنند که سپاهیان از آن‌جا به یاری حضرت می‌شتابند و گاهی سخن از قوم خاصی مانند توبه کنندگان بنی اسرائیل، مؤمنان مسیحی و انسان‌های وارسته رجعت یافته است که به یاری حضرت می‌آیند. در این فصل برخی روایات را در این زمینه یادآور می‌شویم:

ایرانیان

اشاره

از روایات فهمیده می‌شود که تعداد قابل توجهی از سپاهیان مخصوص و ارتش مهدی (عج) از ایرانیان هستند و از آنان با تعبیرهای اهل ری، اهل خراسان، گنج‌های طالقان، قمی‌ها، اهل فارس و... یاد شده است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «نیروهایی با پرچم‌های سیاه - که از خراسان قیام کرده‌اند - در کوفه فرود می‌آیند و هنگامی که حضرت مهدی (عج) در شهر مکه ظهور می‌کند، با آن حضرت بیعت می‌کنند». [۲۳۷]. امام باقر (ع) می‌فرمود: «یاران حضرت قائم (عج) سی صد و سیزده نفرند و از فرزندان عجم (غیر عرب) می‌باشند». [۲۳۸]. عبدالله بن عمر می‌گوید: پیامبر (ص) فرمود: «خداوند قدرت شما (مسلمانان) را از عجم‌ها قرار می‌دهد؛ آنان شیرانی هستند که هرگز از رزمگاه نمی‌گریزند. شما (عرب‌ها) را می‌کشند و دارائی‌های تان را می‌برند». [۲۳۹]. حدیقه نیز از پیامبر (ص) روایتی به همین مضمون نقل می‌کند. [۲۴۰] البته در دلالت این روایت جای اندیشه و اشکال است. بر پایه روایات، روزی فرا می‌رسد که ایرانیان برای گسترش اسلام و بازگرداندن عرب‌ها به اسلام، بر آنان شمشیر می‌کشند و مخالفان را گردن می‌زنند. وضعیت عرب‌ها در آن روزگار بسیار ناخوشایند است و روزهای سخت و ناگواری را در پیش دارند. هر چند عجم به غیر عرب گفته می‌شود، ولی به‌طور قطع ایرانیان را نیز در بر می‌گیرد. بر اساس روایاتی دیگر، در زمینه سازی عملیاتی که پیش از ظهور و به هنگام قیام حضرت مهدی صورت می‌گیرد، ایرانیان نقش اساسی دارند و تعداد فراوانی از جنگ آوران را تشکیل می‌دهند. در خطبه‌ای که علی (ع) درباره یاران مهدی (عج) و ملیت آنها، ایراد کرده است، نام برخی از شهرهای ایران ذکر شده است. اصبح بن نباته می‌گوید: امیرمؤمنان (ع) خطبه‌ای ایراد کرد و در ضمن آن، حضرت مهدی (عج) و یارانش را - که همراه حضرت قیام می‌کنند - بر شمرد و فرمود: «از اهواز یک نفر؛ از شوشتر یک نفر؛ از شیراز سه نفر به نام‌های حفص، یعقوب و علی؛ از اصفهان چهار نفر به نام‌های موسی، علی، عبدالله و غلفان؛ از بروجرد یک نفر به نام قدیم؛ از نهاوند یک نفر به نام عبدالرزاق؛ از همدان [۲۴۱] سه نفر به نام‌های جعفر، اسحاق و موسی؛ از قم ده نفر که هم نام اهل بیت رسول خدا هستند (و در حدیثی دیگر هیجده نفر ذکر شده است)؛ از شیروان یک نفر؛ از خراسان یک نفر به نام درید و نیز پنج نفر که هم نام اصحاب کهف هستند؛ از آمل یک نفر؛ از جرجان یک نفر؛ از دامغان یک نفر؛ از سرخس یک نفر؛ از ساوه یک نفر؛ از طالقان بیست و چهار نفر؛ از قزوین دو نفر؛ از فارس یک نفر؛ از ابهر یک نفر؛ از اردبیل یک نفر؛ از مراغه سه نفر؛ از خوی یک نفر؛ از سلماس یک نفر؛ از آبادان سه نفر؛ از کازرون یک نفر». پس امیرمؤمنان (ع) فرمود: «پیامبر اکرم (ص) سی صد و سیزده نفر از یاران مهدی (عج) به تعداد یاران بدر را برای من بر شمرد و فرمود: خداوند آنان را، در کم‌تر از یک چشم به هم زدن از مشرق و مغرب زمین، در کنار کعبه گرد می‌آورد». [۲۴۲]. چنان‌که مشاهده می‌کنید از سی صد و سیزده نفر سپاه مخصوص حضرت مهدی (عج) - که در آغاز قیام همراه آن حضرت هستند - هفتاد و دو نفر از شهرهای کنونی ایران می‌باشند و اگر طبق نقلی که دلائل الامامه [۲۴۳] طبری آمده است، محاسبه شود،

یا نام شهرهایی که در آن روزگار از ایران بوده است، آورده شود، تعداد ایرانیان از این نیز بیش تر می‌شود. در این روایت گاهی نام شهری دوبار آمده است یا این که نام چند شهر از یک کشور آمده است و آن گاه نام همان کشور نیز ذکر شده است. در صورتی که روایت به طور صحیح نقل شده باشد، شاید نمایانگر تقسیمات و نام گذاری آن روزگار است و تقسیمات جغرافیایی این عصر نمی‌تواند ملاک تفسیر و فهم این روایت قرار گیرد؛ زیرا نام شهرها تغییر یافته، گاهی نام یکی از شهرها، در روزگار کنونی بر کشوری گفته می‌شود. نکته دیگر این که با تطبیق دادن نام شهرها بر نقشه جغرافیایی کنونی جهان، شاید بتوان نتیجه گرفت که یاوران حضرت در سراسر جهان پراکنده هستند و ممکن است واژه افرنجه - که در روایت آمده است - اشاره به مغرب زمین باشد. اگر این تطبیق و سخن صحیح باشد، روایت با جمله «لوخلیت قلبت» مصداق و معنا پیدا می‌کند؛ زیرا زمین در هیچ دورانی از افراد نیک تهی نمی‌گردد و گرنه سرنگون و نابود می‌گردد. در روایاتی دیگر از شهرهای به خصوصی نیز نام برده شده است که در این جا به ذکر چند روایت درباره شهرهای قم، خراسان و طالقان بسنده می‌کنیم:

قم

امام صادق (ع) می‌فرماید: «خاک قم، مقدس است.... مگر نه این که آنان یاران قائم ما هستند و دعوت کننده به حق ما می‌باشند؟». [۲۴۴]. عغان بصیری می‌گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: «آیا می‌دانی چرا شهر قم را به نام قم نامیدند؟» عرض کردم: خدا و رسولش و شما بهتر می‌دانید. فرمود: «زیرا مردم قم پیرامون قائم گرد می‌آیند و با او می‌مانند و پایداری می‌کنند و به او یاری می‌رسانند». [۲۴۵].

خراسان

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: پیامبر (ص) فرمود: «... در خراسان گنج‌هایی است که از جنس طلا و نقره نیست؛ بلکه مردانی هستند که عقیده به خدا و رسولش، آنان را در کنار هم دیگر گرد خواهد آورد». [۲۴۶] شاید مقصود این است که آنان در اعتقاد راستین به خدا و رسولش مشترکند. یا این که همه را خداوند در یک روز در مکه گرد خواهد آورد.

طالقان

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «خوشا به حال طالقان! زیرا خداوند در آن جا گنج‌هایی دارد که از جنس طلا و نقره نیستند؛ بلکه مردانی مؤمن هستند که خداوند را به حق شناخته‌اند و آنان یاوران حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان می‌باشند». [۲۴۷].

عرب‌ها

روایات مربوط به شرکت عرب‌ها در قیام حضرت مهدی (عج) بر دو دسته‌اند: برخی بر عدم شرکت آنان در انقلاب مهدی (عج) دلالت دارد و تعدادی از روایات، برخی از شهرهای کشورهای عربی را نام می‌برد که از آن جا افرادی به پشتیبانی از حضرت قیام می‌کنند. روایاتی که دلالت بر عدم شرکت عرب‌ها دارد، در صورت صحیح بودن سند، قابل توجیه است؛ زیرا ممکن است در سپاهیان مخصوصی - که در آغاز قیام همراه حضرت خواهند بود - عرب‌ها شرکت نداشته باشند؛ چنان‌چه شیخ حرّ عاملی در کتاب

اثبات الهداء روایات را این گونه شرح داده است و درباره شهرهای عربی نیز که در روایات نام برده شده است، شاید از آنجا سپاهیان غیر عربی - که در آنجا سکونت دارند - به یاری حضرت بشتابند؛ نه کسانی که اصالت عربی دارند و یا مراد حکومت‌ها و دولت‌های عربی است. به این دسته روایات توجه کنید: امام صادق (ع) می‌فرماید: «از عرب‌ها بپرهیزید؛ زیرا آینده بد و خطرناکی در پیش دارند؛ مگر نه این است که کسی از آنان همراه حضرت مهدی قیام نمی‌کند». [۲۴۸] شیخ حرّ عاملی می‌گوید: شاید مراد از این سخن امام صادق (ع) آغاز قیام حضرت (ع) است یا کنایه از کمی شرکت آنان است... رسول خدا (ص) می‌فرماید: «بزرگان و انسان‌های شریفی از سرزمین شام (سوریه) به حضرت مهدی (عج) می‌پیوندند و نیز کسانی که از قبایل و سرزمین‌های گوناگون اطراف شام هستند؛ آنان چنانند که گویی دل‌های‌شان پاره‌های آهن است. آنان پارسایان شب و شیران‌روزند». [۲۴۹]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «سی صد و سیزده نفر، به عدد یاران جنگ بدر، در میان رکن و مقام (در کعبه) با حضرت مهدی (عج) بیعت می‌کنند. در میان آنان بزرگانی از مردم مصر و نیکانی از شام و نیکانی از مردم عراق به چشم می‌خورند. حضرت فرمانروایی خواهد کرد، آن مقدار که خدا بخواهد». [۲۵۰]. نیز امام باقر (ع) درباره شهر کوفه می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) ظهور کند و به کوفه بیاید، خداوند از پشت کوفه (نجف) هفتاد هزار انسان صدیق و راستگو را برمی‌انگیزد. آنان از یاران و اصحاب حضرتش خواهند بود». [۲۵۱].

بیرون ادیان گوناگون

مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد (ص) ظهور کند، تعدادی از پشت کعبه بیرون می‌آیند که عبارتند از: بیست و هفت نفر از قوم موسی - آنان که به حق قضاوت می‌کنند - هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری [۲۵۲] و مالک اشتر». [۲۵۳]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «روح مؤمنان، آل محمد (ص) را در کوه‌های رضوی می‌بینند و از غذای آنان می‌خورند و از نوشیدنی‌های آنان می‌آشامند؛ در مجالس آنان شرکت می‌جویند و با ایشان هم سخن می‌شوند تا روزگاری که قائم ما اهل بیت قیام کند. در آن هنگام که خداوند آنان را برمی‌انگیزد؛ آنان گروه گروه، دعوت حضرت را می‌پذیرند و همراه حضرت می‌آیند. در آن روزگار صاحبان عقاید باطل به شک و تردید دچار می‌شوند و گروه‌ها و احزاب و مدعیان طرفداری و پیروی، از هم می‌پاشند و مقربان در گاه الهی (و مؤمنان) نجات می‌یابند». [۲۵۴]. ابن جریج می‌گوید: شنیده‌ام هنگامی که دوازده قبیله از بنی اسرائیل پیامبران خود را کشتند و کافر شدند، یک قبیله از این رفتار پشیمان شد، و از کرده خویش بیزاری جستند و از خداوند درخواست جدایی میان آنان با دیگر قبایل کردند. خداوند کانالی در زیرزمین گشود که آنان به مدت یک سال و نیم در آن حرکت می‌کردند تا این که از پشت سرزمین چین سر در آوردند و هنوز در آنجا به سر می‌برند. آنان مسلمان هستند و به قبله ما روی می‌آورند. [۲۵۵]. برخی می‌گویند: جبرئیل در شب معراج، پیامبر اکرم (ص) را نزد آنان برد و حضرت ده سوره از سوره‌های مکی قرآن را برای آنان خواند. آنان ایمان آوردند و رسالت حضرتش را تصدیق کردند. پیامبر (ص) به آنان دستور داد در همانجا اقامت داشته باشند و شنبه (که روز تعطیلی یهودیان است) کار را رها کنند و نماز را به پا دارند و زکات بدهند. آنان نیز پذیرفتند و این وظایف را انجام دادند. [۲۵۶] و فریضه دیگری واجب نشده بود. ابن عباس می‌گوید: در تفسیر آیه مبارکه (وَقَلْنَا مَنْ بَعْدَهُ لَبِئْسَ إِسْرَائِيلَ اشْكُوتُوا الْأَرْضَ إِذَا جَاءَ وَعَدُ الْآخِرَةِ جُنَابِكُمْ لَفِيفًا؛ [۲۵۷] و پس از آن به بنی اسرائیل فرمان دادیم که در آن سرزمین ساکن شوید تا از آن پس که وعده آخرت فرا رسد، همه شما را باز مبعوث گردانیم). گفته‌اند که مراد از وعده آخری، ظهور حضرت عیسی (ع) است که بنی اسرائیل همراه آن حضرت قیام می‌کنند؛ ولی اصحاب ما روایت کرده‌اند که آنان به همراه حضرت قائم آل محمد (ص) قیام می‌کنند. [۲۵۸]. در تفسیر آیه شریفه (وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ؛ [۲۵۹] گروهی از قوم موسی به (دین) حق هدایت گردیده، به آن دین باز می‌گردند (مردم را

هم به دین اسلام و قرآن دعوت می‌کنند)). مرحوم مجلسی می‌فرماید: در این که این امت چه کسانی هستند، اختلاف نظر است. برخی چون ابن عباس می‌گویند: آنان قومی هستند که در آن سوی چین زندگی می‌کنند و میان سرزمین آنان و چین، بیابانی از شن روان فاصله شده است. آنان هرگز در حکم خدا، دگرگونی و تبدیل پدید نمی‌آورند. [۲۶۰]. امام باقر (ع) در وصف آنان می‌فرماید: «آنان مالی را مخصوص به خود نمی‌دانند، بدون این که برادر ایمانی‌شان را در آن شریک بدانند. آنان نیز شب استراحت می‌کنند و روز بیدارند و به کشاورزی اشتغال دارند. ولی کسی از ما (مردم) به سرزمین آنان نمی‌رسد و فردی از آنان به سرزمین ما (مردم) نمی‌آید و آنان بر حق هستند». [۲۶۱]. درباره آیه شریفه (وَمَنْ أَلَدَيْنَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ، فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ؛ [۲۶۲] برخی از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم، از آنان عهد گرفتیم که پیرو (کتاب) و رسول خدا باشند. آنان از آن چه (در انجیل) پند داده شدند، نصیب بزرگی را از دست دادند (و با حق مخالفت کردند)). امام صادق (ع) فرمود: «نصارا این راه و رسم را متذکر خواهند شد و گروهی از آنان همراه حضرت قائم (عج) خواهند بود». [۲۶۳].

جابلقا و جابرسا

امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند در شرق زمین، شهری به نام جابلقا دارد که دارای دوازده هزار در از طلاست. فاصله هر دری از دیگری، یک فرسنگ است. بر روی هر یک از درها بُرجی وجود دارد که یک لشکر دوازده هزار نفری را در خود جای داده است. آنان تجهیزات، سلاح و شمشیر خود را آماده کرده‌اند و منتظر ظهور حضرت قائم می‌باشند. نیز خداوند شهری را در غرب زمین به نام جابرسا (با همان خصوصیات) دارد و من حجت خدا بر آنان هستم». [۲۶۴]. روایات متعدّد دیگری نیز بر این که شهرها و سرزمین‌های دیگری در جهان وجود دارد که هرگز مردم آن، خدا را معصیت نمی‌کنند. برای آگاهی بیشتر به جلد ۵۴ کتاب بحارالانوار رجوع کنید. از مجموع این روایات فهمیده می‌شود که حضرت مهدی (عج) در سراسر جهان لشکریان و پایگاه‌هایی به‌طور آماده دارد که به هنگام ظهور، وارد پیکار می‌شوند؛ ولی از برخی روایات فهمیده می‌شود که آنان سال‌ها پیش، از دنیا رفته‌اند و برای یاری حضرتش، خداوند آنان را دوبار زنده کرده، به دنیا باز می‌گرداند و آنان رجعت می‌کنند. [۲۶۵]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «نجم فرزند اعین از کسانی است که در رجعت (دوباره زنده شده) جهاد می‌کند». [۲۶۶] نیز درباره حمران و میسر می‌فرماید: «گویا حمران بن اعین و میسر بن عبدالعزیز را می‌بینم که شمشیر به دست گرفته، بین صفا و مروه (در کعبه) برای مردم خطبه می‌خوانند». [۲۶۷]. آیه الله خوئی در معجم الرجال الحدیث، «یخبطان الناس» را به زدن با شمشیر تفسیر می‌کند. هم‌چنین امام صادق (ع) به داود [۲۶۸] رقی نگاه کرد و فرمود: «هر کس که می‌خواهد مردی از یاران حضرت قائم را ببیند، به این مرد بنگرد. (یعنی این مرد از یاران حضرت است که دوباره زنده خواهد شد)». [۲۶۹].

تعداد سپاهیان

اشاره

درباره تعداد لشکریان و یاران امام زمان (عج) روایات گوناگونی در دسترس است. برخی روایات، تعداد آنان را سی صد و سیزده نفر یاد آور شده‌اند و برخی روایات، از ده هزار نفر و بیش تر سخن می‌گویند. در این جا یادآوری دو نکته ضروری است: الف) سی صد و سیزده نفر - که در روایات آمده است - نیروهای ویژه‌ای هستند که در آغاز قیام همراه آن حضرت خواهند بود. آنان در حکومت جهانی امام زمان (عج) از کارگزاران می‌شوند؛ چنان‌چه مرحوم اربلی در کشف النعمه فرموده است: از این روایت (روایت ده هزار نفر) استفاده می‌شود که تعداد یاران حضرت در عدد سی صد و سیزده محدود نمی‌شود؛ بلکه این تعداد، نفراتی هستند که

در آغاز قیام، همراه حضرت هستند. ب) تعداد چهار هزار، ده هزار نفر و... - که در برخی روایات گفته شده است - آمار کل نیروهای ارتش مهدی (عج) نیست؛ بلکه - هم چنان که از روایات نیز استفاده می‌شود - هریک از این ارقام، نمایانگر تعداد نیروهایی هستند که در برهه‌ای از زمان ظهور حضرت (ع) و یا در پیکار خاصی در گوشه‌ای از جهان شرکت دارند. شاید هم مطلب دیگری باشد که ما آن را نمی‌دانیم که با ظهور حضرت، روشن خواهد شد.

نیروهای مخصوص

یونس پسر ظبیان می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) بودم که ایشان نامی از یاران حضرت قائم به میان آورد و فرمود: «آنان سی صد و سیزده تن هستند و هر یک خود را در میان سی صد نفر می‌بیند». [۲۷۰]. از این که حضرت می‌فرماید: «هر یک خود را در میان سی صد نفر می‌بیند»، دو احتمال تصور می‌شود: ۱. این که توان جسمی هر یک از آنان برابر سی صد نفر باشد؛ چنان که توان هر یک از مؤمنان در آن روزگار برابر نیروی چهل مرد است. ۲. هر کدام از آنان، سی صد نفر نیرو دارند و خود را در میان سی صد نیرو تحت فرمان می‌بینند. بنابراین احتمال، آنان حدود سی صد گردان نیروی نظامی را فرماندهی می‌کنند و محتمل است که همان ظاهر لفظ مراد باشد؛ یعنی هر یک خود را جزء آن عده می‌داند؛ چنان که بعضی گفته‌اند. امام زین العابدین (ع) می‌فرماید: «آنان که از بستر خود برای یاری امام قائم (ع) ناپدید می‌شوند، سی صد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر هستند که صبح آن شب (صبح روز بعد) در مکه گرد می‌آیند». [۲۷۱]. امام جواد (ع) می‌فرماید: «پیامبر خدا (ص) فرمود: امام زمان (عج) از سرزمین تهامه (مکه) ظهور می‌کند. او گنج‌هایی دارد که از جنس طلا و نقره نیست؛ بلکه آنها اسب‌هایی نیرومند و مردانی نامور به تعداد اصحاب بدر هستند. آنان سی صد و سیزده نفرند که از سراسر جهان به دور او گرد می‌آیند. کتاب مَهر کرده‌ای با حضرت است که تعداد یارانش با نام، شهر، نوع نژاد، مشخصات و کنیه آنان در آن نوشته شده است. آنان همه در فرمانبرداری از مهدی (عج) می‌کوشند». [۲۷۲]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مردم مانند پرندگان در اطرافش گرد می‌آیند تا این که سی صد و چهارده مرد - که در بین آنان زنانی نیز هستند - گرد می‌آیند و آن حضرت بر هر ستمگر و فرزند ستمگری پیروز می‌گردد و عدالت چنان می‌شود که مردم آرزو می‌کنند: ای کاش مردگانشان در بین زندگان بودند و از عدالت بهره‌مند می‌شدند». [۲۷۳]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) با سی صد و سیزده نفر به تعداد اصحاب بدر، بدون آگاهی و وعده قبلی ظهور می‌کند؛ در حالی که آنان چون ابری پاییزی پراکنده‌اند؛ آنان شیران روز و نیایشگران شب هستند». [۲۷۴]. ابان بن تغلب می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: «به زودی سی صد و سیزده نفر به مسجد شما (مکه) می‌آیند. مردم مکه می‌دانند که این افراد نسبتی با پدران و اجدادشان ندارند (وجزو مردم مکه نیستند). هر کدام از آنان شمشیری دارد که بر روی آن کلمه‌ای ثبت است که از آن کلمه هزار کلمه (مشکل) گشوده و حل می‌شود». [۲۷۵]. در برخی از روایات، نام برخی از آنان گفته شده است که به ذکر دو روایت بسنده می‌کنیم: امام صادق (ع) به مفضل بن عمر - یکی از اصحاب آن حضرت - فرمود: «تو و چهل و چهار مرد دیگر، جزو یاران و همراهان حضرت قائم هستید». [۲۷۶]. شاید مراد از چهل و چهار نفر، کسانی باشند که از اصحاب امام صادق (ع) هستند. نیز آن حضرت می‌فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد (ص) ظهور کند، بیست و هفت تن از پشت کعبه بیرون می‌آیند و بیست و پنج تن از قوم موسی - که همگی قاضیان به حق و عادل هستند - زنده می‌شوند و نیز هفت تن از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری و مالک اشتر به دنیا باز می‌گردند». [۲۷۷]. در بعضی از روایات، مقصد بن اسود نیز ذکر شده است. طبق روایات فرشتگان جابه‌جاکننده، مردگان نیکان را به اماکن مقدسی مانند خانه خدا منتقل می‌کنند. [۲۷۸]. بنابراین، شاید این مردگان از آن دسته‌ای باشند که اجسادشان به کنار کعبه انتقال داده شده است و رجعت و دوباره زنده شدن آنان نیز از همان‌جا خواهد بود. طبق نقل دیگری، این مکان پشت شهر کوفه، یعنی شهر نجف است که باز معنای روایت صحیح می‌شود؛ زیرا اجسادشان به آن جا، یعنی

نجف اشرف انتقال داده شده است. شایسته ذکر است که این افراد، سابقه مبارزه در ابعاد سیاسی و نظامی را با طاغوت‌های روزگار خویش داشته‌اند؛ به خصوص سلمان فارسی، ابودجان، مالک اشتر و مقداد که در جنگ‌های صدر اسلام شرکت کرده، رشادت‌های بسیاری از خود نشان داده‌اند و گروهی از آنان سابقه فرماندهی نیز داشته‌اند.

ارتش مهدی

ابوبصیر می‌گوید: مردی از اهالی کوفه، از امام صادق (ع) پرسید: چند نفر با حضرت قائم (ع) قیام می‌کنند؟ مردم می‌گویند: همراهان حضرت به تعداد سربازان بدر یعنی سی صد و سیزده نفرند. امام (ع) فرمود: «حضرت مهدی ظهور نمی‌کند، مگر با ارتشی قوی و نیرومند و ارتش قدرتمند کم‌تر از ده هزار نیروی رزمنده نخواهد داشت» [۲۷۹]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «هنگامی که خداوند به حضرت قائم (عج) اجازه قیام دهد، سی صد و سیزده تن با او بیعت می‌کنند. آن حضرت در مکه توقف می‌کند تا این که عدد اصحابش به ده هزار نفر برسد. آن‌گاه به سوی مدینه حرکت می‌نماید» [۲۸۰]. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «مهدی حدّ اقل با لشکر دوازده هزار نفری و حدّ اکثر پانزده هزار نفری ظهور می‌کند. رعب و ترس از نیروی نظامی او، پیشاپیش سپاهیان در حرکت است. هیچ دشمنی با ایشان روبه رو نمی‌شود، جز این که شکست می‌خورد. آن حضرت و سپاهیان در راه خدا به سرزنش کسی نمی‌اندیشند. شعار لشکریان این است: بمیران، بمیران» [۲۸۱]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «امام زمان (عج) ظهور نمی‌کند، مگر آن که حلقه و تعداد آنان کامل گردد». راوی پرسید: تعداد آنان چند نفر است؟ حضرت فرمود: «ده هزار نفر» [۲۸۲]. شیخ حرّ عاملی می‌گوید: در روایت است که تعداد کامل سپاه امام زمان (عج) صد هزار نفر است [۲۸۳].

کارد حفاظت

کعب می‌گوید: مردی از بنی‌هاشم، در بیت المقدس منزل می‌کند. تعدد نیروهای محافظ وی دوازده هزار نفرند و در روایت دیگری می‌گوید: تعداد محافظان وی سی و شش هزار نفرند و بر سر هر یک از بزرگ راه‌های منتهی به بیت المقدس، دوازده هزار نفر مستقر می‌شوند [۲۸۴]. البته کلمه حرس که در روایت است، به معنای اعوان و کمک نیز آمده است و این معنا با عنوان حدیث مناسب نیست؛ چون ممکن است مقصود یاران و اعوان حضرت باشد.

اجتماع سپاهیان

چنان که پیش‌تر گفته شد، لشکریان حضرت مهدی (عج) از گوشه و کنار جهان گرداگرد او جمع می‌شوند. درباره شیوه آگاهی سپاهیان از قیام و گرد هم آمدن آنان در مکه، روایات به شیوه‌های گوناگونی اشاره دارد. بعضی شب در بستر خود به خواب رفته‌اند و صبحگاهان خود را در محضر امام (ع) می‌بینند. برخی با طیّ الارض - پیمودن مسافت طولانی در مدّتی بسیار کوتاه - به حضرت می‌پیوندند و گروهی پس از آگاهی از قیام به وسیله ابرها نزد حضرت می‌آیند. به روایتی در این باره توجّه فرمایید: امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که به حضرت مهدی (عج) اذن خروج و قیام داده شود، خداوند را به نام عبری آن می‌خواند. در آن هنگام یارانش - که سی صد و سیزده نفرند و همانند ابرهای پاییزی پراکنده‌اند - مهیّا می‌شوند و آنان همان صاحبان پرچم‌ها (و فرماندهان) هستند. برخی از آنان شب هنگام در حالی که در بستر آرمیده‌اند، ناپدید می‌شوند و به هنگام صبح خود را در مکه می‌بینند و برخی به هنگام روز سوار بر ابرها دیده می‌شوند. آنان با نام خود و پدر و فامیل و شهرت شناخته می‌شوند» [۲۸۵]. مفضل بن عمر می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم؛ کدام دسته از نظر ایمان در مرتبه برتری قرار دارند؟ حضرت فرمود: «آنان که بر فراز

ابرها در حرکت خواهند بود، همان ناپدیدشدگانند که در شأن آنان این آیه مبارک فرود آمده است: (أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا) [۲۸۶] هر کجا باشید، خداوند همگی شما را خواهد آورد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «پس از شما اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پای‌شان جمع می‌شود و دنیا به روی آنان گشوده می‌گردد و مردان و زنان فارس، آنان را خدمت می‌کنند. زمین کم‌تر از یک چشم به هم زدن، زیر پای‌شان طی می‌گردد؛ به گونه‌ای که هر یک از آنان می‌تواند، شرق تا غرب زمین را در یک لحظه سپری کند. آنان از این دنیا نیستند و دنیا نیز در آنان بهره و سهمی ندارد». [۲۸۷]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «شیعیان و یاران مهدی (عج) از سراسر زمین به سوی او حرکت می‌کنند؛ زمین زیر پایشان جمع می‌شود و با طی الارض به امام (ع) می‌رسند و با او بیعت می‌کنند». [۲۸۸]. عبدالله پسر عجلان می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) سخن از قیام حضرت مهدی (عج) به میان آمد. به حضرت عرض کردم: چگونه از ظهور حضرت آگاهی می‌یابیم؟ فرمود: «صبح می‌کنید، در حالی که زیر بالش خود، نامه‌ای را می‌بینید که در آن نوشته شده است: پیروی از مهدی کار معروف و خوبی است». [۲۸۹]. امام رضا (ع) می‌فرماید: «سوگند به خدا که اگر قائم ما قیام کند، خداوند، شیعیان را از همه شهرها، نزد او گرد می‌آورد». [۲۹۰]. نیز امام صادق (ع) می‌فرماید: «در حالی که جوانان شیعه، بر پشت بام‌ها خوابیده‌اند، ناگهان آنها را گروه گروه در یک شب و بدون وعده قبلی نزد حضرت می‌آورند. آن‌گاه همگی صبحگاه نزد حضرت گرد می‌آیند». [۲۹۱].

شرایط پذیرش و آزمایش سبایان

امیرمؤمنان (ع) در این باره می‌فرماید: «یاران مهدی (عج) - که سی صد و سیزده نفرند - به سوی او می‌روند و او را که پنهان شده است، می‌یابند و می‌پرسند: آیا تو مهدی موعود هستی؟ می‌فرماید: «آری، یاران من!» آن‌گاه دوباره خودش را از آنان پنهان می‌کند و به مدینه می‌رود. یاران حضرت چون آگاهی می‌یابند، به سوی شهر مدینه به راه می‌افتند و آن‌گاه که به شهر مدینه می‌رسند، امام پنهانی به شهر مکه باز می‌گردد و یارانش برای پیوستن به حضرت به مکه می‌روند. بار دیگر امام (ع) به شهر مدینه می‌رود و چون یاران مدینه می‌رسند، حضرت به سوی مکه حرکت می‌کند و این رفتار سه بار تکرار می‌شود». امام (ع) یاران را این گونه می‌آزماید تا از میزان پیروی ایشان آگاه گردد. پس از آن، در میان صفا و مروه - در کعبه - ظاهر می‌شود و خطاب به یارانش چنین می‌گوید: «من به کاری دست نمی‌زنم، مگر آن که شما با من بر شرایطی بیعت کنید و بر آن پای بند باشید و چیزی از آن را تغییر ندهید؛ من نیز هشت چیز را متعهد می‌شوم». یارانش در پاسخ امام (ع) همگی می‌گویند: ما به‌طور کامل تسلیم هستیم و از تو پیروی می‌کنیم و هر شرطی را که قرار دهید، می‌پذیریم. بفرماید آن شرایط چیست؟ حضرت به سوی کوه صفا در مکه به راه می‌افتد و یاران نیز در پی او می‌روند. در آن‌جا خطاب به آنان می‌فرماید: «با شما بر این شرایط پیمان می‌بندم: ۱. از میدان رزم نگریزید. ۲. دزدی نکنید. ۳. عمل نامشروع انجام ندهید. ۴. کارهای حرام انجام ندهید. ۵. کار منکر و زشت انجام ندهید. ۶. کسی را جز به حق نزنید. ۷. زر و سیم نیندوزید. ۸. جو و گندم احتکار نکنید. ۹. مسجدی را ویران نسازید. ۱۰. به ناحق شهادت ندهید. ۱۱. مؤمنی را خوار و کوچک نکنید. ۱۲. ربا نخورید. ۱۳. در سختی‌ها و مشکلات پایداری کنید. ۱۴. فرد خداپرست و یکتاپرستی را لعنت نکنید. ۱۵. شراب نوشید. ۱۶. لباس زربافت نپوشید. ۱۷. لباس ابریشم و حریر بر تن نکنید. ۱۸. شخص فراری را تعقیب نکنید. ۱۹. خون حرامی را نریزید. ۲۰. به منافق و کافر انفاق نکنید. ۲۱. لباس خز نپوشید. ۲۲. خاک را بالش خود قرار دهید (شاید به این معنا باشد که فروتن و متواضع باشید). ۲۳. از کارهای ناشایست بپرهیزید. ۲۴. به معروف امر کنید و از منکر باز دارید. اگر به این شرایط، پای بند شوید و رفتار کنید، بر من واجب است که جز شما را به‌عنوان یاور برنگزینم و نبوشم مگر آن چه شما می‌پوشید و نخورم جز، آن چه شما می‌خورید و بر مرکبی که شما سوار می‌شوید، سوار شوم و هر جا که شما باشید، با شما باشم و هر جا که رهسپار شوید، با شما بیایم و به نیروی کم خرسند و خشنود باشم و زمین را از عدل و داد آکنده سازم؛ آن سان که از ستم و جور پر شده است و خدا را

به گونه‌ای که شایسته است، پرستش نمایم. من به آن چه گفتم، وفادار خواهم بود و شما نیز به عهد خود وفا کنید». اصحاب می‌گویند: راضی شدیم و به آن چه فرمودی با تو بیعت می‌کنیم. آن‌گاه امام (ع) با تک تک یاران (به نشانه بیعت) مصافحه می‌کند. [۲۹۲]. البته باید توجه داشت که حضرت، این شرایط و آزمایش را با نیروهای ویژه انجام می‌دهد؛ زیرا آنان در حکومت امام (ع) از کارگزاران خواهند بود و آنانند که با کردار خوب خود، در گسترش عدالت در جهان نقش مؤثری دارند. ضمناً، سند این روایت مورد تأمل است؛ چون از خطبه‌البیان است که برخی آن را ضعیف دانسته‌اند؛ هر چند بعضی دیگر از بزرگان در مقام دفاع از آن برآمده، آن را تقویت کرده‌اند. [۲۹۳].

ویژگی‌های سپاهیان

اشاره

در روایات برای اصحاب و یاران مهدی (عج) ویژگی‌های بسیاری گفته شده که به پاره‌ای از آنها بسنده می‌کنیم:

عبادت و پارسایی

امام صادق (ع) در توصیف یاران حضرت می‌فرماید: «آنان مردانی شب‌زنده‌دار هستند که شب را در حال قیام - به پرستش می‌پردازند - و به هنگام نماز، زمزمه‌ای مانند زنبور عسل دارند و صبح هنگام در حالی که بر اسب‌های خود سوارند، برای انجام مأموریت می‌روند. آنان پارسایان شب و شیران روزند و از ترس خدا، حالت خاصی پیدا کرده‌اند. خداوند به وسیله آنان، به امام حق یاری می‌رساند». [۲۹۴]. و نیز آن حضرت می‌فرماید: «گویا قائم آل محمد (عج) و یارانش را در پشت شهر کوفه می‌بینم. گویی پرندگان بر بالای سر آنان بال گسترده‌اند. زاد و توشه‌شان پایان یافته و لباس‌های‌شان مندرس و ژنده است و سجده بر پیشانی آنان اثر گذارده است. آری، آنان شیران روز و نیایشگران شبند. دل‌های‌شان مانند پاره‌های آهن، محکم و استوار است. هر کدام از آنان نیروی چهل مرد را داراست. کسی جز کافر و منافق آنان را نمی‌کشد. خداوند در قرآن از آنان این گونه یاد کرده است: «إِنَّ ذَٰلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ؛ [۲۹۵] در این مطلب، هوشمندان را آیت و عبرت بسیار است». [۲۹۶].

عشق به امام و فرمانبرداری از او

امام باقر (ع) می‌فرماید: «صاحب امر را در برخی از این درّه‌ها (ذی طوی) غیبتی خواهد بود. دو شب پیش از ظهورش، نزدیک‌ترین پیشخدمتش، به دیدار برخی از یاران حضرت می‌رود و از ایشان می‌پرسد: شما در این جا چند نفرید؟ می‌گویند: چهل تن. می‌گوید: چگونه خواهید بود، اگر پیشوای خود را ببینید؟ پاسخ می‌دهند: به خدا سوگند، اگر در کوه‌ها زندگی کند، همراه او خواهیم بود و همان گونه زندگی خواهیم کرد». [۲۹۷]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «یاران حضرت (عج) دست‌های خود را بر زین مرکب امام (ع) می‌کشند و با این کار، درخواست برکت می‌کنند. دور حضرت حلقه می‌زنند و در جنگ‌ها جسم و جان خود را سپر بلائی او می‌کنند و هر چه از آنان بخواهد، اجابت کرده، انجام می‌دهند». [۲۹۸]. نیز آن حضرت در توصیف یاران مهدی (عج) می‌فرماید: «او مردانی دارد که گویا دل‌های‌شان از پاره آهن است... آنان در برابر حضرت از یک کنیز نسبت به مولا - و مالک خود، فرمانبردارتر و در برابر او امرش تسلیم هستند». [۲۹۹]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «خداوند برای حضرت مهدی (عج) از گوشه و کنار جهان به تعداد اهل بدر، جنگجو گرد می‌آورد. آنان در فرمانبرداری از حضرتش بسیار کوشا و مصمم هستند». [۳۰۰]. امام

صادق (ع) می‌فرماید: «گویا می‌بینم که حضرت قائم (عج) و یارانش در نجف (کوفه) مستقر شده‌اند (و چنان ثابت و استوارند) که گویی پرنده بر سر آنان نشسته‌است». [۳۰۱]. جنگاوران چنان منظم، بی‌حرکت و تسلیم محض در برابر حضرت می‌ایستند که گویی پرنده بر سرشان نشسته است که اگر کوچک‌ترین حرکتی از خود نشان دهند، پرنده پرواز می‌کند.

سپاهیان قدرتمند و جوان

امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «یاران مهدی (عج) همه جوانند و پیر و کهنسال در میان آنان وجود ندارد، جز تعداد اندکی که مانند سرمه برای چشم و نمک برای غذا لازم هستند. البته کم‌ترین چیز مورد نیاز در غذا نمک است». [۳۰۲]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «منظور لوط پیامبر، از این سخن خود که به دشمنان گفت: "ای کاش نیروی قدرتمندی علیه شما داشتم یا به استوانه‌ای محکم پناه می‌بردم نیرویی همانند نیروی مقتدر مهدی موعود (عج) و یاران او بود که یک تن از آنان، توان چهل مرد را دارد. آنان دل‌هایی استوارتر از پاره‌های آهن دارند و چون از برابر کوه‌ها بگذرند، صخره‌ها به لرزه درآیند. شمشیرها را غلاف نمی‌کنند تا آن هنگام که خداوند بخواهد و خشنود شود». [۳۰۳]. امام سجاد (ع) در این باره می‌فرماید: «آن‌گاه که قائم ما قیام کند، خداوند سستی و ضعف را از شیعیان ما دور می‌کند و دل‌هایشان را چون پاره‌های آهن محکم و استوار می‌نماید و به هر کدام از آنان قدرت چهل مرد را می‌بخشد و آنان فرمانروایان و بزرگان زمین می‌شوند». [۳۰۴]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «در حکومت مهدی (عج) شیعیان ما، فرمانروایان و بزرگان زمین خواهند بود و هر کدام از آنان، قدرت چهل مرد را داراست». [۳۰۵]. امام باقر (ع) فرمود: «در دل شیعیان ما (امروز) از دشمنان ترس انداخته شده است؛ ولی روزگاری که حکومت ما فرا رسد و امام مهدی (عج) ظهور کند، هر یک از شیعیان ما، از شیر بی‌باک‌تر و از نیزه برنده‌تر خواهند شد. آنان دشمنان ما را با پا لگدمال می‌کنند و با دست می‌کشند». [۳۰۶]. عبدالملک بن اعین می‌گوید: هنگامی که از خدمت امام باقر (ع) برخاستم، به دستم تکیه دادم و گفتم: آرزو داشتم، ظهور حضرت قائم (ع) را در روزگار جوانی، (روزهایی که توان جسمی داشتم) درک کنم. امام (ع) فرمود: «آیا به این خشنود نیستید که دشمنان شما یک دیگر را بکشند، ولی شما در خانه‌های تان در امان باشید؟ اگر امام (ع) ظهور کند، به هر یک از شما توان چهل مرد داده می‌شود و دل‌هایتان همانند پاره‌های آهن می‌گردد؛ به گونه‌ای که اگر با آن دل‌ها به کوه بزنید، کوه‌ها را می‌شکافد و از جا می‌کند و شما رهبران زمین و امانت داران آن خواهید بود». [۳۰۷]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «به هنگام فرا رسیدن امر ما (حکومت حضرت مهدی) خداوند، ترس را از دل شیعیان ما برمی‌دارد و در دل‌های دشمنان ما جای می‌دهد. در آن هنگام هر یک از شیعیان ما از نیزه برنده‌تر و از شیر شجاع‌تر می‌شود. یک شیعه، دشمن خود را با نیزه هدف می‌گیرد و با شمشیر می‌زند و زیر پای خود لگدمال می‌کند». [۳۰۸]. هم‌چنین آن حضرت می‌فرماید: «یاران مهدی (عج) مردانی هستند که دل‌های آنان مانند آهن سخت و محکم است. هرگز شک و شبهه‌ای در ذات خدا، بر آن دل‌ها راه نمی‌یابد. آنان از سنگ‌ها سخت‌ترند. اگر به آنان مأموریت داده شود تا کوه‌ها را از جای برکنند و جابه‌جاکنند، این کار را به سرعت انجام می‌دهند و اگر مأموریت سرکوبی و نابودی شهری به آنان داده شود، آن را ویران می‌سازند (در سرعت عمل و قاطعیت چنانند که) گویی عقاب‌هایی بر اسب‌ها نشسته‌اند». [۳۰۹].

سپاهیان محبوب

امام باقر (ع) می‌فرماید: «گویا یاران مهدی (عج) را می‌بینم که سراسر زمین و آسمان را احاطه کرده‌اند و هیچ چیز در جهان نیست که فرمانبردار و تسلیم محض آنان نباشد. درندگان زمین و پرندگان شکاری نیز در پی خشنودی آنان هستند. آنان به قدری محبوبیت دارند که جایی از زمین بر جای دیگر فخر و مباحات می‌کند و می‌گوید: امروز یکی از یاران مهدی (عج) بر من گام نهاد

واز این جا گذشت». [۳۱۰].

عاشقان شهادت

امام صادق (ع) درباره ویژگی‌های یاران حضرت قائم (عج) می‌فرماید: «آنان از ترس خدا، بیمناکند و آرزوی شهادت دارند. خواسته‌شان این است که در راه خدا؛ غم کشته شوند. شعارشان ای خونخواهان حسین (ع) است. چون حرکت می‌کنند و رعب و ترس از آنان در دل دشمن به فاصله یک ماه در حرکت است». [۳۱۱].

جنگ‌های حضرت

اشاره

از آن جا که هدف از قیام حضرت مهدی (عج) برپایی حکومت الهی در سراسر جهان و نابودی ستم و ستمگر در جهان است، طبعاً حضرت برای دستیابی به این هدف، بادشواری‌ها و موانعی رو به رو خواهد شد که باید با انجام عملیات نظامی آن موانع را از سر راه بردارد و کشورها را یکی پس از دیگری بگشاید تا بر شرق و غرب جهان چیره گردد و حکومت عدل الهی را در زمین پی ریزد. در این فصل روایاتی در این باره را به نظر شما می‌رسانیم.

پادشاه مجاهدان و شهیدان

چون هدف از جنگ‌ها در زمان حضرت مهدی (عج) نابودی مفسدان و ستمگران برای تشکیل حکومت اسلامی در جهان می‌باشد، شرکت در جنگ در رکاب حضرت قائم (عج) نیز از پاداشی چند برابر برخوردار است؛ به گونه‌ای که اگر رزمنده‌ای یک نفر از دشمن را نابود سازد، پاداش بیست و یا بیست و پنج شهید را دارد. اگر خود به فیض شهادت دست یابد، پاداش دو شهید نصیب او می‌گردد. هم‌چنین جانبازان و زخمیان آن افزون بر مقامات معنوی از ارزش ویژه‌ای در دولت امام زمان (عج) برخوردارند و خانواده شهیدان نیز ارزش ویژه‌ای دارند. امام باقر (ع) خطاب به شیعیان می‌فرماید: «اگر شما چنان باشید که ما سفارش کرده‌ایم و از امر ما سرپیچی نکنید، اگر در آن حال کسی از شما پیش از ظهور قائم ما بمیرد، شهید خواهد بود و اگر حضرت را درک کند و در رکاب او به شهادت برسد، پاداش دو شهید را دارد و اگر یکی از دشمنان ما را بکشد، پاداش بیست شهید را خواهد داشت». [۳۱۲]

در این روایت، ارزش نابودی دشمن را به مراتب از شهید شدن بالاتر می‌داند؛ زیرا کشتن دشمنان، خشنودی خدا، آسایش بندگان و عزت اسلام را در پی دارد؛ ولی رسیدن به فیض شهادت، شهید را به کمال می‌رساند. از این رو، رزمندگان در جبهه باید بیش‌تر در اندیشه دشمن باشند، تا به شهادت رسیدن. امام باقر (ع) می‌فرماید: «شهادت در رکاب امام زمان (عج) پاداش دو شهید را دارد». [۳۱۳].

در کافی چنین آمده است: «رزمنده امام، اگر دشمن ما را بکشد، پاداش بیست شهید را دارد و کسی که همراه قائم ما به شهادت برسد، پاداش بیست و پنج شهید برای اوست». [۳۱۴]. امیرمؤمنان (ع) درباره شیوه رفتار امام زمان (عج) با شهیدان و خانواده آنان می‌فرماید: «حضرت قائم (عج) پس از عملیات) روانه کوفه می‌شود و در آن جا اقامت می‌گزیند... و هیچ شهیدی نمی‌ماند مگر آن که حضرت بدهی او را می‌پردازد و برای خانواده‌اش حقوق و مستمری قرار می‌دهد». [۳۱۵]. این روایت نمایانگر رسیدگی حضرت به خانواده شهیدان است.

تجهیزات جنگی

به‌طور قطع نوع سلاحی که حضرت قائم (عج) در نبردها به کار می‌گیرد با دیگر سلاح‌های آن روزگار تفاوت اساسی دارد و واژه سیف که در روایات آمده است، شاید کنایه از اسلحه است نه این که مراد خصوص شمشیر باشد؛ زیرا اسلحه امام به گونه‌ای است که با به کارگیری آن دیوارهای شهر فرومی‌ریزد یا شهر پودر شده، تبدیل به دود می‌گردد و دشمن با یک ضربه، همانند نمک آب شده، چون سرب ذوب می‌گردد. طبق روایتی، سلاح سربازان حضرت از آهن است؛ ولی چنان است که اگر بر کوه فرود آید، آن را به دو نیم می‌کند. شاید دشمن نیز از اسلحه آتش‌زا استفاده کند؛ زیرا که امام (ع) لباسی را می‌پوشد که ضد گرماست و آن لباسی است که جبرئیل (ع) آن را از آسمان برای ابراهیم (ع) آورد تا از آتش نمرود رهایی یابد و آن لباس در اختیار حضرت بقیه‌الله است و اگر چنین نبود - یعنی اسلحه و صنعت پیشرفته در اختیار دشمن نبود - شاید ضرورتی برای پوشیدن آن لباس وجود نمی‌داشت. هر چند که شاید جنبه اعجاز آن منظور باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، شمشیرهای نبرد فرود می‌آید، شمشیرهایی که بر هر کدام، نام و نام پدر یک رزمنده نوشته شده است». [۳۱۶]. حضرت صادق (ع) درباره گروهی از یاران مهدی (عج) می‌فرماید: «یاران مهدی (ع) شمشیرهایی از آهن دارند؛ ولی جنس آن غیر از آهن است. اگر یکی از آنان با شمشیر خود بر کوهی ضربه زند، آن را دو نیم می‌کند. حضرت قائم (عج) با آن سپاهیان و تجهیزات به جنگ هند، دیلم، کردها، رومیان، بربر، فارس و بین جابلسا و جابلقا می‌رود». [۳۱۷]. وسایل دفاعی نیروهای مهدی (عج) به گونه‌ای است که اسلحه دشمن بر آنان کارگر نیست. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «یاران مهدی (ع) اگر با سپاهسانی که بین شرق و غرب را فرا گرفته‌اند، درگیر شوند، آنان را در لحظه‌ای نابود می‌کنند و هرگز سلاح دشمن در آنان تأثیر نمی‌کند». [۳۱۸].

جهان‌گشایی امام برای نجات بشر

درباره عملیات نظامی حضرت مهدی (عج) و گشودن شهرها و کشورها، روایات بر دو گونه است: بعضی روایات سخن از گشودن شرق و غرب، جنوب و قبله و سرانجام همه جهان به میان آورده است و برخی روایات دیگر، به گشودن سرزمین‌های معینی از جهان اشاره دارد. جای شک و تردید نیست که حضرت همه جهان را تحت سیطره و حکومت خود می‌آورد؛ ولی این که چرا از بعضی شهرها نام برده شده است، شاید به لحاظ اهمیتی باشد که آن شهرها در آن روزگار پیدا خواهند کرد. این اهمیت برای این است که آنها از قدرت‌های آن روزگار به حساب می‌آیند و سرزمین‌هایی از جهان را تحت نفوذ خود دارند یا آن سرزمین‌ها منطقه پهناوری هستند که بخش بزرگی از جمعیت را در خود جای داده‌اند و یا این که قبله آمال پیروان یکی از مذاهب و ادیان می‌باشند؛ به‌طوری که اگر آن شهر سقوط کند، همه پیروان آن آیین تسلیم می‌شوند یا به سبب اهمیت نظامی و استراتژیکی آن است؛ به‌طوری که با سقوط آن، عملیات دشمن مختل شده، زمینه برای تهاجم نیروهای حضرت فراهم می‌گردد. برگزیدن شهر مکه به عنوان نقطه آغاز قیام، پس برگزیدن عراق و کوفه به عنوان مرکزیت سیاسی - نظامی حکومت و حرکت به سوی شام و گشودن بیت المقدس، شاید تأییدی بر این سخن باشد؛ زیرا امروزه اهمیت سیاسی، مذهبی و نظامی این سه سرزمین بر کسی پوشیده نیست. دسته اول از روایات درباره تسلط حضرت بر سراسر جهان است که برخی عبارتند از: حضرت رضا (ع) از پدرانش نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «وقتی مرا به معراج بردند... عرض کردم: پروردگارا! آیا اینان (امامان) پس از من جانشینان من خواهند بود؟ ندا آمد: ای محمد! آری، اینان دوستان و برگزیدگان و حجت‌های من پس از تو بر بندگانم می‌باشند و جانشینان و بهترین بندگانم پس از تو خواهند بود. به عزت و جلالم سوگند، دین و آیینم را به وسیله آنان به افراد بشر غالب می‌سازم و کلمه الله را به وسیله آنان برتری می‌بخشم و به وسیله آخرین آنان، زمین را از وجود سرکشان و گنهکاران پاک می‌کنم و فرمانروایی شرق و غرب را به او می‌دهم». [۳۱۹]. در تفسیر آیه شریفه (الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ)؛ [۳۲۰] آنان که اگر در زمین حاکمشان گردانیم، نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌دهند). امام باقر (ع) فرمود: «این آیه مربوط به آل محمد (ص) و آخرین امامان است.

خداوند شرق و غرب زمین را در اختیار و نفوذ حضرت مهدی (عج) و یارانش قرار می‌دهد». [۳۲۱]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مهدی از فرزندان من است و به دست او خداوند شرق و غرب زمین را می‌گشاید». [۳۲۲]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور کند، خداوند دین را به جایگاه اصلی‌اش باز می‌گرداند و پیروزی‌های درخشانی برای او و به دست او انجام می‌دهد. در آن روزگار کسی بر روی زمین نمی‌ماند، مگر آن که مسلمان باشد و کلمه لا اله الا الله را بر زبان داشته باشد».

[۳۲۳]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «حضرت قائم از ماست و گسترش فرمانروایی آن حضرت شرق و غرب را فرا می‌گیرد». [۳۲۴]. نیز می‌فرماید: «هنگام قیام حضرت قائم (عج)، خداوند اسلام را بر همه ادیان پیروزی می‌کند». [۳۲۵]. از پیامبر (ص) نقل شده است: «حضرت مهدی (عج)، لشکریانش را به سراسر زمین گسیل می‌دارد». [۳۲۶]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «اگر از زندگانی و پایان دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد... خداوند مهدی (عج) را می‌فرستد و به وسیله او، عظمت را به دین باز می‌گرداند و پیروزی‌های درخشانی برای او و به دست او انجام می‌دهد. در آن روزگار کسی بر کره خاکی نیست جز آن که ذکر لا اله الا الله بر زبان دارد». [۳۲۷]. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: رسول خدا (ص) می‌فرمود: «ذوالقرنین، بنده‌ای شایسته بود که خداوند، او را بر بندگانش حجت قرار داد. وی قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد و به تقوا دستور داد؛ ولی آنان بر سرش ضربه‌ای زدند و او مدتی از آنان پنهان شد؛ به طوری که آنان گمان بردند که مرده است. پس از مدتی نزد قومش بازگشت؛ ولی باز بر سمت دیگر سرش ضربه‌ای زدند. در میان شما شخصی است که به سنت رفتار می‌کند. خدای عزوجل، برای ذوالقرنین در زمین اقتداری فراهم آورد و از هر چیز، وسیله‌ای برای او قرار داد و او را به شرق و غرب جهان رساند. خداوند متعال، رفتار و روش او را پیرامون امام غائب (ع) - که از فرزندان من است - جاری می‌کند و او را به شرق و غرب زمین می‌رساند و هیچ آبگاه و منزلی در کوه و بیابان باقی نمی‌ماند که ذوالقرنین بر آن گام نهاده باشد، جز آن که او گام می‌نهد. خداوند برای او گنج‌ها و معادن زمین را آشکار می‌سازد و با ایجاد ترس در دل دشمن، او را یاری می‌دهد و زمین را به وسیله او پر از عدل و داد می‌کند؛ چنان که قبل از قیام پر از جور و ستم شده است». [۳۲۸]. دسته دیگری از روایات به گشودن شهرهای مخصوصی اشاره دارد که به گفتن چند روایت در این زمینه بسنده می‌کنیم: امیرمؤمنان (ع) درباره حرکت مهدی (عج) به سوی شام می‌فرماید: «به دستور حضرت مهدی (عج)، امکانات حمل و نقل لشکریان فراهم می‌شود. پس از این فرمان، چهارصد کشتی ساخته می‌شود و در کنار ساحل عکا پهلو می‌گیرند. از سویی، کشور روم با صد صلیب - که همراه هر صلیب ده هزار نفر نیرو است - بیرون می‌آیند و با نیزه‌ها (و سلاح) خود طرسوس را می‌گشایند. حضرت با سپاهیان به آنجا می‌رسند و از آنان به قدری می‌کشند که آب فرات تغییر رنگ می‌دهد و ساحل از اجساد آنان، بوی تعفن می‌گیرد. (باشنیدن این خبر) کسانی که در کشور روم مانده‌اند، به انطوا می‌گریزند». [۳۲۹]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند... لشکری به قسطنطنیه می‌فرستد. چون آنان به خلیج برسند، جمله‌ای بر روی پاهای خود می‌نویسند و از روی آب می‌گذرند». [۳۳۰]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «اگر از دنیا جز یک روز نماند، به طور حتم، خداوند مردی از عترت مرا می‌فرستد که همنام من است و پیشانی او می‌درخشد، او قسطنطنیه و جبل ديلم را می‌گشاید». [۳۳۱]. حدیثی می‌گوید: «قسطنطنیه، ديلم و طبرستان گشوده نمی‌شود، مگر به دست مردی از بنی‌هاشم». [۳۳۲]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، قسطنطنیه، چین [۳۳۳] و کوه‌های ديلم را گشوده، مدت هفت سال فرمانروایی می‌کند». [۳۳۴]. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «حضرت مهدی و یارانش حرکت می‌کنند تا این که وارد قسطنطنیه می‌شوند و به جایی که پادشاه روم سکونت دارد می‌روند و سه گنج را از آنجا بیرون می‌آورند؛ گنجی از جواهرات، گنجی از طلا، و گنجی از نقره، آن‌گاه حضرت اموال و غنیمت‌ها را بین لشکریان تقسیم می‌کند». [۳۳۵]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «حضرت قائم، سه پرچم را برای (عملیات در) سه نقطه آماده می‌سازد؛ پرچمی را به قسطنطنیه [۳۳۶] گسیل می‌دارد و خداوند آنجا را برای او می‌گشاید؛ پرچم دیگری را برای چین می‌فرستد و آنجا نیز حضرت گشوده می‌گردد و پرچم سوم را برای کوه‌های ديلم [۳۳۷] می‌فرستد و آنجا به تصرف نیروهایش

در می‌آید». [۳۳۸]. حدیث می‌گوید: بلنجر [۳۳۹] و کوه‌های دیلم گشوده نمی‌گردد، مگر به دست مردی از آل محمد (ص). [۳۴۰]. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «... سپس حضرت مهدی (عج) با هزار کشتی از شهر قاطع به سوی شهر قدس شریف رهسپار می‌شود و از عکا، صور، غزه و عسقلان [۳۴۱] وارد سرزمین فلسطین می‌گردد، اموال و غنیمت‌ها را بیرون می‌آورد. سپس حضرت مهدی (عج) وارد قدس شریف شده، در آنجا فرود می‌آید و همان‌جا اقامت می‌گیرند تا زمانی که دجال ظاهر شود». [۳۴۲]. ابوحمزه ثمالی می‌گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد (ص) ظهور می‌کند، به همراه او شمشیری است که آن را از نیام می‌کشند و خداوند به دست او سرزمین‌های روم [۳۴۳] چین، ترک [۳۴۴] دیلم، سند، هند [۳۴۵] کابل، شام، و خزر را می‌گشاید». [۳۴۶]. ابن حجر می‌نویسد: ... اولین پرچمی را که حضرت مهدی (عج) برای جنگ می‌بندد، به ترک روانه می‌کند. [۳۴۷]. شاید منظور از سیف مخترط که در روایت ثمالی آمده است، کنایه از سلاح خاصی باشد که در دسترس حضرت مهدی (عج) قرار می‌گیرد؛ زیرا برای گشودن همه سرزمین‌ها - که نیاز به توان تهاجمی فوق‌العاده‌ای دارد - سلاحی مناسب لازم است که برتر از همه سلاح‌ها باشد؛ به ویژه اگر بگوییم که آن حضرت فعالیت‌های گوناگونی را از طریق عادی انجام می‌دهند. درباره گشودن هند، کعب می‌گوید: فرمانروایی که در بیت المقدس می‌باشد، سپاهی را به هند گسیل می‌دارد و آنجا را می‌گشاید. آن‌گاه آن سپاه، وارد خاک هند می‌شوند و گنج‌های آنجا را برای فرمانروای بیت المقدس می‌فرستند و او نیز آنجا را تزیین می‌کند و پادشاهان هند را به صورت اسیر نزد او می‌آورند. شرق و غرب زمین برای آنان گشوده می‌شود و نیروها در هند حضور خواهند داشت تا هنگامی که دجال خروج کند. [۳۴۸]. حدیث می‌گوید: پیامبر (ص) فرمود: «ظاهر فرزند اسماء با بنی اسرائیل جنگید و آنان را به اسارت گرفت و بیت المقدس را به آتش کشید و مقدار هزار و هفت صد (یا نه صد) کشتی طلا و جواهرات را از آنجا به شهر رومیه آورد. به طور حتم، حضرت مهدی (عج) آنها را از آن شهر بیرون برده، به بیت المقدس باز می‌گرداند». [۳۴۹]. هر چند قیام حضرت مهدی (عج) از مکه آغاز می‌شود، ولی سرزمین حجاز [۳۵۰] را پس از ظهور می‌گشاید. امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) در مکه ظاهر می‌شود و خداوند، سرزمین حجاز را می‌گشاید و حضرت هر کس از بنی هاشم را که در زندان است، آزاد می‌سازد». [۳۵۱]. امیرمؤمنان (ع) درباره گشودن خراسان می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) به حرکت خود ادامه می‌دهد تا این که خراسان [۳۵۲] را می‌گشاید و پس از آن دوباره به شهر مدینه بازمی‌گردد». [۳۵۳]. آن حضرت درباره گشودن ارمینیه [۳۵۴] به دست حضرت مهدی (عج) می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) به حرکت خود ادامه می‌دهد تا این که به ارمینیه می‌رسد. چون مردم آن سرزمین او را می‌بینند، یکی از راهبان دانشمند را برای مذاکره، خدمت حضرت می‌فرستند. راهب به امام (ع) می‌گوید: آیا مهدی تو هستی؟ حضرت می‌فرماید: آری، منم؛ آن که نامم در انجیل آمده است و بشارت داده شده که در آخر زمان، ظهور می‌کنم. او پرسش‌هایی را مطرح می‌کند و امام (ع) پاسخ می‌دهد. راهب مسیحی، اسلام می‌آورد؛ ولی ساکنان ارمینیه، سرپیچی و تمرد می‌کنند. پس از آن سپاهیان حضرت وارد شهر می‌شوند و پانصد هزار نفر از نیروهای مسیحی را نابود می‌سازند و خداوند با قدرت بی‌پایانش شهر آنان را بین آسمان و زمین معلّق می‌کند؛ به طوری که پادشاه و اطرافیانش که در بیرون شهر مستقر شده‌اند، شهر را در وسط آسمان و زمین آویزان می‌بینند. پادشاه ارمینیه از ترس می‌گریزد و به اطرافیانش نیز دستور می‌دهد به پناهگاهی پناه برند. در بین راه، شیری راه را بر آنان می‌بندد و آنان هراسان، سلاح‌ها و اموالی را که به همراه دارند، می‌اندازند و سربازان حضرت که در تعقیب آنان می‌باشند، اموال را می‌گیرند و بین خود تقسیم می‌کنند؛ به طوری که به هر یک، صد هزار دینار می‌رسد». [۳۵۵]. بخش دیگری از جهان گشایی‌های حضرت در شهرهای زنج است. حضرت امیر (ع) در این باره می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) به پیشروی خود ادامه می‌دهد تا این که به شهر زنج کبری می‌رسد. در آن شهر هزار بازار است و در هر یک از بازارها، هزار مغازه وجود دارد و حضرت آن شهر را می‌گشاید. [۳۵۶] حضرت پس از گشودن آنجا، عازم شهری به نام قاطع - که به صورت جزیره و بر روی دریاست - می‌شود». [۳۵۷]. حضرت باقر (ع) درباره اعزام لشکریان مهدی

(عج) به سراسر جهان می‌فرماید: «گویا حضرت قائم (عج) را می‌بینم که سربازانش را به سراسر جهان گسیل می‌دارد». [۳۵۸]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) لشکریان خود را برای گرفتن بیعت، به سراسر جهان می‌فرستد و ستم و ستمگر را نابود می‌کند و شهرهای گشوده شده، برای او تثبیت می‌گردد و خداوند به دست مبارکش، قسطنطنیه را می‌گشاید». [۳۵۹].

سرکوبی شورش‌ها

پس از ظهور حضرت مهدی (عج) و گشودن شهرها و کشورهای گوناگون، برخی از شهرها و قبایل به رویارویی با حضرت می‌پردازند که به وسیله لشکریان امام (ع) سرکوب می‌شوند و گروهی کج اندیش، سخن حضرت را در برخی مسائل نمی‌پذیرند و به سرکشی علیه حضرت دست می‌زنند که دوباره به وسیله لشکریان حضرت سرکوب می‌گردند. به روایاتی در این زمینه توجه کنید: امام صادق (ع) می‌فرماید: «سیزده شهر و طایفه هستند که مردم آن با حضرت قائم (عج) به نبرد می‌پردازند و حضرت با آنان می‌جنگد. آنان عبارتند از: مردم مکه، مدینه، شام، بنی امیه، بصره، دمنسیان، کردها، و اعراب قبایل: بنی ضبّه [۳۶۰] غنی [۳۶۱] باهله [۳۶۲] ازد و سرزمین‌ری». [۳۶۳]. امام باقر (ع) درباره پرخاش گروهی به سخنان مهدی (عج) می‌فرماید: «وقتی حضرت مهدی (عج) پاره‌ای از احکام را بیان می‌دارد و درباره برخی از سنت‌ها سخن می‌گوید، گروهی به عنوان اعتراض و قیام علیه حضرت، از مسجد بیرون می‌روند. حضرت به یارانش دستور تعقیب آنان را صادر می‌کند. سپاه حضرت، در محله تمارین بر آنان دست می‌یابند و آنان را اسیر کرده، نزد حضرت می‌آورند. امام (ع) دستور می‌دهد که همگی را سر ببرند و این آخرین شورش و حرکتی است که علیه حضرت رخ می‌دهد». [۳۶۴]. درباره شورش در رمیله و سرکوبی آن، فرزند ابی‌یعفور می‌گوید: به حضور امام صادق (ع) آمدم، در حالی که گروهی از یارانش نیز در خدمت ایشان بودند. حضرت، به من فرمود: «آیا قرآن خوانده‌ای؟» عرض کردم: آری؛ ولی به همین قرائت متعارف. فرمود: «مقصود من هم، همین قرائت بود». گفتم: منظور از این پرسش چیست؟ فرمود: «حضرت موسی مطالبی را برای قوم خود گفت، ولی آنان تاب و توان آن را نداشتند و علیه حضرت - در مصر - قیام کردند؛ موسی (ع) نیز با آنان جنگید و آنان را به قتل رساند. حضرت عیسی (ع) نیز مطالبی را برای قوم خود بازگو کرد و آنان نیز تحمل نکرده، علیه او - در شهر تکریت - دست به شورش زدند. عیسی (ع) نیز به رویارویی با آنان برخاست و نابودشان کرد. این است معنای سخن خداوند که می‌فرماید: (فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتَ طَائِفَةٌ فَأَيْدِنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيَّ عِدْوَهُمْ فَأُصْبِحُوا ظَاهِرِينَ)؛ [۳۶۵] طایفه‌ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و طایفه دیگر کافر شدند و ما ایمان آوردگان را نصرت دادیم و بر دشمنان‌شان پیروز کردیم). حضرت قائم (عج) نیز هنگامی که ظهور کند، سخنانی برای شما می‌گوید که تاب و توان پذیرش آن را نخواهید داشت. از این رو، علیه حضرت در شهر رمیله قیام می‌کنید و با او می‌جنگید. حضرت نیز به رویارویی با شما می‌پردازد و شما را به قتل می‌رساند و این شورش آخرین قیام علیه حضرت است». [۳۶۶].

پایان جنگ‌ها

با پی‌ریزی نظام الهی و حکومت جهانی امام عصر (عج) و فروپاشی قدرت‌های شیطانی، شعله‌های جنگ فرو می‌نشینند و دیگر قدرتی نمی‌ماند که بتواند با ارتش مهدی (عج) به رویارویی برخیزد. از این رو، ساز و برگ نظامی در بازارها بدون تقاضا می‌ماند و در نتیجه ارزان و بی‌خریدار می‌شود. علی (ع) می‌فرماید: «... و جنگ‌ها نیز به پایان می‌رسد». [۳۶۷]. کعب می‌گوید: روزها به پایان نمی‌رسد تا این که مردی از قریش، در بیت المقدس فرود می‌آید... و جنگ‌ها نیز به پایان می‌رسد». [۳۶۸]. رسول خدا (ص) در خطبه‌ای درباره دجال و کشته شدنش فرمود: «پس از آن بهای یک اسب، چند درهم (پول نقره) خواهد بود». [۳۶۹]. ابن مسعود می‌گوید: از نشانه‌های قیامت این است که زن و اسب گران می‌شود؛ سپس ارزان می‌گردد و تا روز قیامت نرخ آن گران نمی‌شود.

[۳۷۰]. شاید مقصود از گرانی زن پیش از ظهور امام زمان (عج)، کنایه از این باشد که در اثر نامساعد بودن اوضاع اقتصادی، اداره و نگه داری یک زن و تشکیل خانواده بسیار مشکل می‌شود؛ چنان‌که در اثر کثرت جنگ‌ها و نیاز به مرکب، تهیه اسب (و تجهیزات جنگی) دشوار و گران می‌شود؛ ولی با پایان جنگ‌ها - پس از قیام حضرت قائم (عج) - جنگ افزارها ارزان می‌شود و در اثر بهبود وضع اقتصادی، دشواری‌های ازدواج و زندگی از بین می‌رود و گویا زن ارزان می‌شود. زمخشری نقل می‌کند: یکی از نشانه‌های قیام - مهدی (عج) - این است که از شمشیرها، به جای داس استفاده می‌کنند». [۳۷۱]. چون در آن روزگار دیگر جنگی نیست؛ در نتیجه از صنایع و ابزاری که در خدمت جنگ قرار داشت، برای پیشرفت کشاورزی بهره برداری می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام (ص) در این زمینه می‌فرماید: «... نرخ گاو بالا - می‌رود و نرخ اسب ناچیز می‌شود». [۳۷۲]. شاید این روایت نیز همین گونه تفسیر شود؛ زیرا از گاو در کشاورزی استفاده می‌شود و گوشت و شیر آن قابل مصرف است؛ ولی از اسب بیش‌تر به عنوان ابزار جنگی بهره‌برداری می‌کرده‌اند.

امدادهای غیبی

اشاره

هر چند در روایات بسیاری، جنگ‌های پس از ظهور حضرت مهدی (عج) به نیروهای رزمی‌ای نسبت داده شده است که از سراسر جهان به یاری حضرت می‌شتابند، اما پیروز شدن بر تمام جهان، با توجه به پیشرفت علم و صنایع نظامی قبل از ظهور حضرت، کاری دشوار و محال است؛ مگر به رهبری شخصی که از سوی خداوند یاری می‌شود، انجام گیرد. امدادهای الهی گاهی در قدرتی است که خداوند به حضرت داده است و با انجام کراماتی، حضرت مشکلات را از سر راه برمی‌دارد و یا به وسیله رعب و ترس است که خداوند در دل دشمن ایجاد می‌کند و یا این که خداوند ملائکه را به یاری حضرت می‌فرستد. در برخی از روایات سخن از نیروهایی است که دارای خصوصیات فرشتگان هستند و منتظر ظهور حضرتند تا او را یاری کنند و از تابوت و اشیایی که در آن است نیز به عنوان وسیله‌ای دیگر برای نصرت و یاری حضرت مهدی (عج) نام برده شده است. در این فصل به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

رعب و ترس، سلاح امام

امام صادق (ع) می‌فرماید: «قائم ما اهل بیت با ترس و رعب یاری می‌شود». [۳۷۳]. نیز می‌فرماید: «خداوند، حضرت قائم را با سه لشکر یاری می‌دهد: فرشتگان، مؤمنان و رعب (ترس انداختن در دل دشمن)». [۳۷۴]. امام باقر (ع) در این زمینه می‌فرماید: «ترس و وحشت - از قدرت مهدی (عج) - پیشاپیش سپاهیان به فاصله یک ماه و از پشت سر آنها به فاصله یک ماه در حرکت است». [۳۷۵]. هم‌چنین آن حضرت می‌فرماید: «ترس و رعب در پیشاپیش پرچم حضرت مهدی (عج) به فاصله یک ماه و از پشت سر نیز به فاصله یک ماه و از سمت راست به فاصله یک ماه و از سمت چپ نیز به فاصله یک ماه در حرکت است». [۳۷۶]. از این روایات استفاده می‌شود که وقتی حضرت مهدی (عج) جایی را قصد کند، دشمن پیشاپیش دچار ترس و وحشت شده، توان رویارویی و ایستادگی در برابر سپاهیان حضرت را از دست می‌دهد. هم‌چنین وقتی لشکریان از جایی حرکت می‌کنند، کسی جرأت شورش ندارد؛ زیرا دشمن از لشکریان حضرت دچار وحشت می‌شود. این تفسیر و توجیه با ظاهر بعضی از روایاتی که پیش‌تر گفته شد، منافات دارد.

فرشتگان و جنیان

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «... خداوند، حضرت مهدی (عج) را با فرشتگان، جن و شیعیان مخلص یاری می‌کند». [۳۷۷]. ابان بن تغلب می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: «گویا هم اکنون، حضرت قائم (عج) را در پشت شهر نجف می‌بینم؛ هنگامی که بر آن نقطه از جهان دست یافته است. او بر اسبی سیاه که خال‌های سفیدی دارد و میان چشمانش پاره‌ای سفیدی می‌درخشد، سوار می‌شود (و شهرهای جهان را می‌گشاید). هیچ شهری در جهان بر جای نمی‌ماند، جز آن که مردمش می‌پندارند، مهدی (عج) در میان آنان و در شهرشان می‌باشد. آن گاه که او پرچم رسول خدا (ص) را به اهتزاز درآورد، سیزده هزار و سیزده فرشته - که سال‌ها منتظر ظهورش بوده‌اند - به زیر پرچمش گرد می‌آیند (و آماده نبرد می‌شوند). همان فرشتگانی که با نوح پیامبر در کشتی، با ابراهیم خلیل در آتش و با عیسی هنگام عروج به آسمان، همراه بودند. هم‌چنین چهار هزار فرشته به یاری حضرت می‌شتابند؛ آن فرشتگانی که بر سرزمین کربلا فرود آمده بودند تا در رکاب حسین (ع) بجنگند؛ ولی اذن این کار را نیافتند و به آسمان رفتند و چون با اذن جهاد بازگشتند، امام حسین (ع) را شهید یافتند و در اندوه از دست دادن این فیض بزرگ، همواره ناراحت و اندوهگینند و تا روز رستاخیز، گرداگرد ضریح امام حسین (ع) می‌چرخند و اشک می‌ریزند». [۳۷۸]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «گویا هم اکنون حضرت قائم و یارانش را می‌بینم... که فرشته جبرئیل در سمت راست مهدی (ع) و میکائیل در سمت چپ آن حضرت حرکت می‌کنند و ترس و وحشت، پیشاپیش سپاهیان و پشت سر آنان به فاصله یک ماه در حرکت است و خداوند، او را با پنج هزار فرشته آسمانی یاری می‌رساند». [۳۷۹]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «فرشتگانی که در جنگ بدر به پیامبر (ص) یاری دادند، هنوز به آسمان بازنگشته‌اند تا این که حضرت صاحب الامر (ع) را یاری رسانند و تعدادشان پنج هزار فرشته می‌باشد». [۳۸۰]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «برای حضرت قائم (عج) نه هزار و سی صد و سیزده فرشته فرود می‌آید؛ آنان همان فرشتگانی هستند که همراه حضرت عیسی (ع) بوده‌اند؛ هنگامی که خداوند او را به آسمان برد». [۳۸۱]. علی (ع) می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) با سه هزار فرشته یاری می‌شود؛ آنان بر چهره و پشت دشمنان می‌کوبند». [۳۸۲]. در تفسیر آیه شریفه (أَتَى أَمْرًا لَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ؛ [۳۸۳] امر خدا فرا رسید، پس درباره آن شتاب نکنید). امام صادق (ع) می‌فرماید: «این أمر الله، امر ماست؛ یعنی خداوند برای قیام مهدی فرمان داده است که برای آن شتاب نکنیم؛ زیرا خداوند، صاحب امر ما را با سه لشکر از فرشتگان، مؤمنان و رعب پشتیبانی می‌کند و ما به حقمان می‌رسیم». [۳۸۴]. حضرت رضا (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، خداوند به فرشتگان دستور می‌دهد تا بر مؤمنان سلام دهند و در مجالس آنان شرکت کنند و اگر یکی از مؤمنان با حضرت کاری داشت، امام (ع) برخی از فرشتگان را مأمور می‌کند که آن شخص را به دوش گیرند و نزدش بیاورند و هرگاه نیازش برطرف شد، او را به جایگاه نخستینش بازگردانند. برخی از مؤمنان بر روی ابرها حرکت می‌کنند و برخی دیگر به همراه فرشتگان در آسمان پرواز می‌کنند و گروهی دیگر به همراه فرشتگان راه می‌روند و گروهی نیز بر فرشتگان سبقت می‌گیرند. برخی از مؤمنان را فرشتگان به عنوان قاضی قرار می‌دهند و مؤمن نزد خداوند با ارزش‌تر از فرشته است؛ به گونه‌ای که برخی از مؤمنان را حضرت بر صد هزار فرشته به عنوان قاضی می‌گمارد». [۳۸۵]. شاید قضاوت این مؤمنان در میان فرشتگان برای رفع اختلاف آنان در مسائل علمی و موضوعات باشد و این گونه اختلافات با عصمت فرشتگان منافاتی ندارد.

فرشتگان زمین

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره میراث علم و اندازه آن پرسیدم؟ حضرت در پاسخ فرمود: «خداوند، دو شهر یکی در شرق زمین و دیگری در غرب آن دارد، در آن دو شهر گروهی سکونت دارند که نه ابلیس را می‌شناسند و نه از آفرینش او آگاهی دارند. هر چند مدت یک‌بار با آنان دیدار می‌کنم. آنان درباره مسائل مورد نیاز خود و چگونگی دعا از ما می‌پرسند و ما به آنان می‌آموزیم. هم‌چنین آنان درباره زمان ظهور حضرت قائم (عج) می‌پرسند. آنان عبادت و کوشش بسیاری در پرستش

خداوند دارند. آن شهر درهایی دارد که بین هر یک از لنگه‌های آن صد فرسنگ فاصله است. آنان پرستش، تمجید، دعا و کوشش بسیاری دارند. اگر آنان را ببینید، کردار و رفتار خود را در برابر آنان کوچک می‌شمارید. وقتی برخی از آنان به نماز می‌ایستند، یک ماه در حال سجده هستند. خوراک آنان ستایش خداست و لباسشان برگ و رخسارشان از نور می‌درخشد. اگر با یکی از ما (امامان) رو به رو شوند، گرداگرد او را می‌گیرند و خاک جای پای او را برمی‌دارند و به آن تبرک می‌جویند. در هنگام نماز، زاری و ناله‌ای دارند که از صدای طوفان سهمگین تر است. گروهی از آنان - از روزی که به انتظار حضرت قائم (عج) بوده‌اند - هرگز سلاح خود را بر زمین نگذاشته‌اند و وضع آنان همین گونه بوده است. آنان همواره از خدا می‌خواهند که صاحب الامر (ع) را به آنان بنمایاند. هر یک از آنان، هزار سال زندگانی می‌کند و آثار فروتنی و پرستش و تقرب به خداوند عزوجل، در رخسار آنان آشکار است. وقتی نزد آنان نمی‌رویم، می‌پندارند ما از ایشان خشنود نیستیم و زمانی را که ما به دیدارشان می‌رویم، در نظر می‌گیرند و در همان زمان به انتظار ما می‌نشینند و هرگز از کار خسته نمی‌شوند. همان گونه که به آنان آموختیم، قرآن می‌خوانند و پاره‌ای از قرائت‌ها که به آنان آموخته‌ایم، اگر بر مردم خوانده شود، آن را نمی‌پذیرند. مطالبی را که از قرآن می‌پرسند، وقتی پاسخ می‌دهیم، سینه‌ها (و فکر و اندیشه) را برای گرفتن آن چه می‌شنوند، باز می‌کنند. برای ما از خداوند، طول عمر می‌خواهند تا ما را از دست ندهند. آنان می‌دانند، آن چه را از ما می‌آموزند، متنی از خداوند بر آنان است. هنگامی که حضرت قائم قیام کند، آنان به همراه حضرت خواهند بود و از دیگر سپاهیان امام (ع) پیشی می‌گیرند و از خداوند می‌خواهند دینش را به وسیله آنان یاری نماید. اجتماع آنان متشکل از پیر و جوان است. اگر یک جوان، پیری را ببیند، به احترام او همانند غلام می‌نشیند و بدون اجازه‌اش از جا بر نمی‌خیزد. از راهی که خودشان بهتر می‌دانند، بر اندیشه‌های امام (ع) آگاه می‌شوند. اگر امام به آنان دستوری دهد، تا آخر بر آن پابرجا هستند؛ مگر این که حضرت خودش کار دیگری به آنان واگذار کند. اگر به جنگ مردم شرق و غرب روند، همگی را در لحظه‌ای نابود می‌کنند و هرگز اسلحه بر آنان تأثیر نمی‌کند. شمشیرها و سلاح‌هایی از آهن دارند؛ اما آلیاژش غیر از آهن است. اگر با شمشیر بر کوهی بزنند، آن را دو نیم می‌کنند و از جا برمی‌دارند. امام (ع) این سپاهیان را به جنگ هند، دیلم، کرد، روم، بربر، فارس، جابرسا و جابلقا - دو شهر در شرق و غرب - می‌فرستد. بر هیچ یک از پیروان ادیان وارد نمی‌شوند، مگر آن که آنان را به اسلام دعوت می‌کنند و به یکتاپرستی و نبوت پیامبر و ولایت ما اهل بیت می‌خوانند. پس هر کس اجابت کرد، او را رها می‌کنند و هر کس نپذیرفت، او را به قتل می‌رسانند؛ به گونه‌ای که در شرق و غرب زمین کسی نمی‌ماند، مگر آن که ایمان می‌آورد». [۳۸۶]. از چشم اندازی که درباره این سپاهیان آمده است، چنین فهمیده می‌شود که شاید آنان همان فرشتگانی باشند که در زمین بر جای مانده‌اند و منتظر قیام حضرت قائم (عج) هستند.

تابوت موسی

در کتاب غایه المرام به نقل از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «به هنگام ظهور حضرت قائم (عج)، حضرت عیسی (ع) فرود می‌آید و کتاب‌ها را از انطاکیه گردآوری می‌کند. خداوند برای او، از چهره (إرم ذات العماد) [۳۸۷] پرده بر می‌دارد و کاخی را که حضرت سلیمان پیش از مرگش ساخت، آشکار می‌سازد. حضرت، دارائی‌های کاخ را گردآوری می‌کند و آن را بین مسلمانان تقسیم می‌نماید و تابوتی را - که خداوند به «ارمیا» دستور انداختن آن را در دریای طبرستان داده بود - خارج می‌سازد. آنچه را که خاندان موسی و هارون به یادگار گذشته‌اند، در آن تابوت موجود است و نیز الواح و عصای موسی و قبای هارون و ده صاع از غذایی که بر بنی اسرائیل فرود می‌آمد و مرغ‌های بریانی که بنی اسرائیل، برای آیندگان خود ذخیره کرده‌اند، در آن می‌باشد. آن گاه به کمک آن تابوت شهرها را می‌گشاید؛ همان گونه که پیش از او نیز چنین کردند». [۳۸۸]. بنابراین الموده، این مطلب را با اندکی تغییر به حضرت مهدی (عج) نسبت می‌دهد و می‌گوید «حضرت مهدی (عج) از غاری در سرزمین انطاکیه، کتاب‌هایی را بیرون

می‌آورد و کتاب زبور داود را از دریاچه طبرستان بیرون می‌آورد. در آن کتاب، یادگارهای خاندان موسی و هارون موجود است و فرشتگان آن را بر دوش می‌کشند و الواح و عصای موسی (ع) در آن است». [۳۸۹].

شیوه رفتار امام با دشمنان

اشاره

پس از قرن‌ها انتظار و تحمّل رنج، سرانجام روزگار ستم و تاریکی‌ها به سر آمده، پرتو خورشید سعادت، نمایان می‌گردد و شخصیت بزرگی که با یاری الهی، بنای زدودن آثار ستم و جور را دارد، ظهور می‌کند. آن حضرت، دست به اصلاحات گسترده و دگرگونی‌های بنیادی در دو بُعد معنوی و مادی می‌زند و جامعه بشری را چنان سامان می‌بخشد که خشنودی خداوند را در پی داشته باشد. در این میان، اگر اشخاص، احزاب و گروه‌هایی بخواهند با ایجاد مشکلات، مانع این قیام عظیم شوند یا با اخلاص حرکت قیام او را کند نمایند، دشمنان سرسخت بشریت و دین الهی محسوب می‌شوند و کیفر آنان جز نابودی به دست قدرتمند حضرت مهدی نخواهد بود. افراد اخلاص‌گر در انقلاب امام، کسانی هستند که دستشان به خون بشریت آلوده است یا انسان‌های بی‌تفاوتی هستند که در برابر جنایات تجاوزگران، سکوت پیشه کرده، ولی در برابر حضرت، پرچم مخالفت بر می‌دارند و یا کج فهمانی هستند که درک خود را بر سخن حضرت برتری می‌دهند. طبیعی است که باید آنان با قاطعیت تمام سرکوب شوند تا جامعه بشری برای همیشه از شرّ آنان مصون بماند. از این رو، روش و سیاست حضرت مهدی (عج) با آنان بسیار قاطعانه و بدون اغماض است. در این فصل به بررسی دو مطلب اساسی که از روایات فهمیده می‌شود، می‌پردازیم:

قاطعیت امام در رویارویی با دشمنان

اشاره

آنچه در این قسمت مورد نظر است، این که حضرت در برخورد با دشمنان، از یک نوع مجازات استفاده نمی‌کند؛ بلکه برخی از آنان را در جنگ نابود می‌سازد و حتی فراریان و زخمیان آنان را نیز تعقیب می‌کند. گروهی را اعدام نموده، خانه‌هایشان را ویران می‌کند و گروهی را تبعید می‌نماید و دست برخی را قطع می‌کند.

جنگ و کشتار

زراره از امام صادق (ع) پرسید: آیا روش و سیاست حضرت قائم (عج) همانند روش پیامبر (ص) خواهد بود؟ امام (ع) فرمود: «هرگز، هرگز؛ ای زراره! او سیاست پیامبر (ص) (در برخورد با دشمنان) را در پیش نمی‌گیرد. پیامبر (ص) با ملایمت و نرمی و مهربانی رفتار می‌کرد تا دل‌ها را به دست آورد و مردم با آن حضرت اُلفت گیرند؛ ولی حضرت قائم (عج)، سیاست قتل را در پیش می‌گیرد و طبق دستوری که دارد، رفتار می‌کند و توبه کسی را نمی‌پذیرد. پس وای بر کسی که با او مخالفت کند». [۳۹۰]. حسن بن هارون می‌گوید: در محضر امام صادق (ع) بودم. معلی بن خنیس از حضرت پرسید: آیا هنگامی که حضرت قائم (عج) ظهور کند، برخلاف روش امیرمؤمنان (ع) در برخورد با مخالفان رفتار می‌کند؟ امام (ع) فرمود: «آری؛ علی (ع) ملایمت و نرمش را در پیش گرفت؛ چون می‌دانست پس از او دشمنان بر یاران و شیعیانش چیرگی پیدا می‌کنند؛ ولی سیاست حضرت قائم (عج) قهر و غلبه و به اسارت گرفتن آنان است؛ زیرا می‌داند که پس از او کسی بر شیعیان تسلط نخواهد یافت». [۳۹۱]. حضرت رضا (ع)

می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما ظهور کند، جز خون ریختن (و کشتن دشمنان) و عرق کردن [۳۹۲] (در اثر جنگ و تلاش زیاد) و خوابیدن بر زمین اسب‌ها (به سبب پیکارهای فراوان) نخواهد بود». [۳۹۳]. مفضل می‌گوید: امام صادق (ع) یادی از حضرت قائم (عج) به میان آورد. من عرض کردم: امیدوارم که برنامه و حکومت حضرت به آسانی برقرار شود. حضرت فرمود: «خیر؛ چنان نمی‌شود مگر آن که سختی‌های بسیاری را ببینید». [۳۹۴]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «علی (ع) فرمود: برای من روا بود که فراریان را به قتل برسانم و زخمیان را بکشم؛ ولی دست به این کار نزدم؛ برای این که اگر شیعیان قیام کردند، زخمیانشان را به قتل نرسانند؛ ولی برای حضرت قائم (عج) جایز و رواست و زمینه وجود دارد که فراریان را به قتل برساند و زخمیان را نابود گرداند». [۳۹۵]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «اگر مردم می‌دانستند که حضرت قائم (عج) چه برنامه‌ای دارد و چه کارهایی انجام می‌دهد، اکثر آنان آرزو می‌کردند که هرگز آن حضرت را نبینند؛ زیرا حضرت کشتار زیادی می‌کند و به یقین اولین کشتار را در قبیله قریش خواهد داشت. پس از قریش نخواهد گرفت جز شمشیر و به آنان نخواهد داد مگر شمشیر. حضرت مهدی (عج) کار را به جایی می‌رساند که بسیاری از مردم می‌گویند. این شخص از آل محمد (ص) نیست و اگر از اهل بیت پیامبر (ص) بود، رحم می‌کرد». [۳۹۶]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) با برنامه‌ای نو، سنتی جدید و قضاوتی تازه قیام می‌کند. بر عرب‌ها روزگار بسیار سختی خواهد بود و شایسته شأن و موقعیت او جز کشتن دشمنان نیست». [۳۹۷].

اعدام و تبعید

عبداللّه مغیره می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد (ص) ظهور کند، پانصد نفر از قریش را ایستاده اعدام می‌کند. سپس پانصد نفر دیگر را به همین گونه اعدام می‌نماید و این کار شش بار تکرار می‌شود». عبداللّه می‌پرسد: آیا تعدادشان به این اندازه می‌رسد؟ حضرت فرمود: «آری؛ خودشان و دوستانشان». [۳۹۸]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، بر یک یک ناصبیان، ایمان را عرضه می‌کند، اگر به حقیقت، آن را بپذیرند، آنان را رها می‌سازد و گرنه هر کس که ایمان را نپذیرفت، گردنش را می‌زند یا از او جزیه می‌گیرد - چنان که امروز از اهل ذمه می‌گیرند - و او را به روستاها و آبادی‌های دور تبعید می‌کند». [۳۹۹]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما ظهور کند، دشمنان ما را از چهره‌های‌شان تشخیص می‌دهد. آن‌گاه آنان را از سر و پاهای‌شان می‌گیرد و با شمشیر به آنان می‌زند (و آنان را نابود می‌کند)». [۴۰۰].

قطع دست

هروی می‌گوید: از امام رضا (ع) پرسیدم: حضرت قائم پیش از هر کاری به چه چیز خواهد پرداخت؟ حضرت فرمود: «در آغاز به سراغ بنی شیبه می‌رود و دست‌های آنان را قطع می‌کند؛ چون آنان دزدان خانه خدایند». [۴۰۱]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، بنی شیبه را دستگیر کرده، دست‌های‌شان را قطع می‌کند و آنان را در میان مردم می‌گرداند و اعلام می‌کند که اینان دزدان خانه خدا هستند». [۴۰۲]. نیز می‌فرماید: «نخستین رویارویی، برخورد حضرت با بنی شیبه است. دست‌های آنان را قطع می‌کند و بر کعبه می‌آویزد و از سوی حضرت اعلام می‌شود که اینان دزدان خانه خدایند». [۴۰۳]. شیبه، در فتح مکه مسلمان گشت و پیامبر (ص) او را کلیددار خانه کعبه کرد و طایفه بنی شیبه تا مدت‌ها کلیددار و پرده دار خانه خدا بودند. [۴۰۴]. مرحوم مامقانی می‌گوید: بنی شیبه از دزدان خانه خدایند و این شاء الله دست‌های‌شان به این جرم، قطع می‌شود و بر دیوار کعبه آویزان می‌گردد. [۴۰۵].

برخورد با گروه‌های مختلف

اشاره

هنگامی که حضرت مهدی (عج) قیام می‌کند، با گروه‌ها و دسته‌های گوناگونی برخورد خواهد کرد. برخی از آنان قوم و نژاد خاصی هستند، گروهی پیرو ادیان دیگری غیر از اسلامند و گروهی هر چند به ظاهر مسلمانند، ولی منافقانه رفتار می‌کنند و یا از مقدس‌نماهای کج فهمی هستند که با حضرت مخالفت می‌نمایند و یا پیرو فرقه‌های باطل می‌باشند. امام (ع) با هر یک ستیز خاصی دارد که با نقل روایاتی آن را بازگو می‌کنیم:

قوم عرب

امام صادق (ع) می‌فرماید: «آن‌گاه که قائم ما قیام کند، بین او و عرب و قریش راهی جز شمشیر (و جنگ نظامی) نخواهد بود». [۴۰۶]. نیز آن حضرت در حالی که با دست به گلوی خود اشاره می‌کرد، فرمود: «میان ما و عرب راهی جز بریدن سرها نمانده است». [۴۰۷] شاید مراد، زمامداران و فرمانروایان خود سر آنان است و یا مراد پیروان مذهب دیگر اسلامی باشد. امام صادق (ع) در زمینه ستیز با قریش می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قیام کند... قریش را هدف قرار می‌دهد. از آنان نمی‌ستاند جز شمشیر و به آنان نمی‌دهد جز شمشیر». [۴۰۸]. شاید مراد از «از قریش نمی‌گیرد مگر شمشیر» این باشد که قریش از حضرت فرمانبرداری نمی‌کنند و در اخلاص‌گری و ایجاد مشکلات می‌کوشند و به‌طور مستقیم و غیر مستقیم سبب پیکار و جنگ با حضرت می‌شوند و حضرت نیز جز اسلحه، روش دیگری را مناسب نمی‌بیند.

اهل کتاب

عبدالله بن بکیر از امام کاظم (ع) درباره تفسیر آیه (وَلَهُ أَسْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا؛ [۴۰۹] هر آن که در آسمان و زمین است چه از روی اختیار یا اجبار مطیع فرمان خداست) سؤال کرد. امام فرمود: «این آیه درباره قائم (عج) فرود آمده است؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئیان، مادی‌گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می‌کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می‌نماید. هر کس از روی میل پذیرفت، دستور می‌دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و بر طبق آن چه فرد مسلمان مأمور به انجام آن است، رفتار نماید و هر کس مسلمان نشود، گردنش را می‌زند تا آن که در شرق و غرب جهان، یک کافر برجای نماند». عبدالله بن بکیر پرسید: قربانت گردم، در روی زمین مردم بسیاری هستند؛ چگونه حضرت می‌تواند همه آنان را مسلمان کند یا گردن بزند؟ امام کاظم (ع) فرمود: «وقتی خداوند چیزی را اراده کند، چیز اندک را بسیار و بسیار اندک می‌گرداند». [۴۱۰]. شهر بن حوشب می‌گوید: حجاج به من گفت: ای شهر! در قرآن آیه‌ای است که مرا خسته کرده است (و معنای آن را نمی‌فهمم). گفتم: کدام آیه؟ گفت: آن‌جا که خداوند می‌فرماید: (وإن من أهل الكتاب إلا ليومنن به قبل موته؛ [۴۱۱] هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آن که قبل از مرگش ایمان می‌آورد) و مکرر اتفاق افتاده است که فردی نصرانی یا یهودی را پیش من می‌آوردند و گردنش را می‌زنم و آن‌گاه به لب‌هایش خیره می‌شوم، ولی حرکتی نمی‌کند تا این که نفس او قطع می‌شود. شهر بن حوشب می‌گوید: به او گفتم: معنای آیه، این نیست که تو پنداشتی؛ بلکه مراد این است که وقتی پیش از قیامت، عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و به حضرت قائم (عج) اقتدا کند، در آن هنگام هیچ یهودی و نصرانی نمی‌ماند، مگر آن که پیش از مرگ به او ایمان می‌آورد. حجاج پرسید: این تفسیر را از کجا فرا گرفته‌ای و چه کسی آن را به تو آموخته است؟ گفتم: این تفسیر را امام باقر (ع) فرمود. حجاج گفت: از چشمه‌ای زلال به دست آورده‌ای. [۴۱۲]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «قیامت برپا نمی‌شود، مگر آن

که با یهود بجنگید. آن گاه یهودیان (شکست خورده) می‌گریزند و پشت سنگ‌ها پنهان می‌شوند؛ ولی سنگ فریاد می‌زند: ای مسلمان! ای بنده خدا! این یهودی پشت من پنهان شده است». [۴۱۳]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «... یهودیانی که با دجال هستند، می‌گریزند و پنهان می‌شوند؛ ولی درختان و سنگ‌ها فریاد برمی‌آورند: ای روح الله! این یهودی است. حضرت نیز آنان را می‌کشد و کسی را بر جای نمی‌گذارد». [۴۱۴]. البته از روایات دیگری فهمیده می‌شود که ستیز و رویارویی حضرت با اهل کتاب همیشه یکسان بوده، بلکه در مواردی با دریافت جزیه به آنان اجازه می‌دهد به دین خودشان بر جای بمانند و با گروهی به بحث و مناظره پردازد و آنان را با این روش به اسلام دعوت می‌کند و ممکن است بگوییم در آغاز قیام با آنان به بحث می‌پردازد و با کسانی که حق را پنهان سازند، می‌جنگد. ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: حضرت قائم (عج) تا پایان زندگانی در مسجد سهله (کوفه) خواهد ماند؟ فرمود: «آری». پرسیدم: اهل ذمه، در نظرش چگونه خواهند بود؟ فرمود: «با آنان از راه مسالمت آمیز وارد می‌شود؛ هم‌چنان که پیامبر (ص) رفتار می‌کرد. آنان در حال خواری جزیه می‌پردازند». [۴۱۵]. ابن اثیر می‌گوید: در آن روزگار هیچ اهل ذمه‌ای نمی‌ماند که جزیه پردازد. [۴۱۶]. ابن شوذب می‌گوید: بدین علت به حضرت قائم (عج) مهدی می‌گویند که به سوی یکی از کوه‌های شام هدایت می‌شود و در آنجا اسفار تورات را خارج می‌سازد و با آن با یهودیان به بحث و مناظره می‌پردازد و گروهی از آنان به دست حضرت اسلام می‌آورند». [۴۱۷].

فرقه‌های باطل و منحرف

امام باقر (ع) می‌فرماید: «وای به حال مرجئه! فردا هنگامی که قائم ما قیام کند. به چه کسی پناه خواهند برد؟» راوی گفت: می‌گویند، در آن هنگام که ما و شما در برابر عدالت یکسان خواهیم بود؟ فرمود: «هر یک از آنان توبه کند، خدا از او می‌گذرد و اگر درون خود نفاق و دورویی داشته باشد، خداوند جز او کسی را تبعید و آواره نمی‌کند و اگر چیزی از آن نفاق را آشکار سازد، خداوند خونش را خواهد ریخت». سپس فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، هم‌چنان که قصاب، گوسفندش را سر می‌برد، آنان را خواهد کشت و با دست به گردن مبارکش اشاره کرد». راوی گفت: می‌گویند که اگر حضرت ظهور کند، همه کارها و فعالیت‌ها به نفع حضرت خواهد بود و ایشان خونی نمی‌ریزد. امام (ع) فرمود: «خیر؛ به خدا سوگند (این چنین نخواهد شد) تا این که ما و شما خون آنان را بریزیم و عرق را از خویش پاک کنیم» و با دست مبارک به پیشانی اشاره کرد. [۴۱۸]. امیرمؤمنان (ع) پس از شکست خوارج به هنگام گذشتن از کشتگان آنان فرمود: «آن کس شما را به کشتن داد که شما را فریفت». پرسیده شد: او کیست؟ فرمود: «شیطان و نفس‌های پلید» اصحاب گفتند: خداوند، ریشه آنان را تا پایان دنیا قطع کرد. حضرت پاسخ داد: «خیر؛ سوگند به آن که جانم در دست اوست، آنان در صلب‌های مردان و رحم زنان خواهند بود و پی در پی خروج خواهند کرد تا آن که به سرکردگی شخصی به نام اشمط بین رودهای دجله و فرات خروج کنند. در آن روزگار مردی از اهل بیت ما به جنگ او می‌رود و او را به هلاکت می‌رساند و از آن پس هیچ قیامی از خوارج تا روز قیامت نخواهد بود». [۴۱۹]. نیز آن حضرت درباره فرقه بتریه [۴۲۰] می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، به سوی کوفه رهسپار می‌شود. در آنجا تعداد ده هزار نفر - که آنان را بتریه می‌نامند، در حالی که سلاح بر دوش گرفته‌اند - جلو حضرت را می‌گیرند و می‌گویند: از همان‌جا که آمده‌ای، بازگرد؛ زیرا ما به فرزندان فاطمه نیازی نداریم. حضرت شمشیر می‌کشد و همگی را از دم تیغ می‌گذراند». [۴۲۱].

مقدس نماها

امام باقر (ع) می‌فرماید: «... حضرت مهدی (عج) به سوی کوفه رهسپار می‌شود. در آنجا شانزده هزار نفر از بتریه مجهز به سلاح

در برابر حضرت می‌ایستند؛ آنان قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستند که پیشانی‌های آنان از عبادت زیاد پینه بسته، چهره‌های‌شان در اثر شب زنده داری زرد شده است و نفاق سراپای‌شان را پوشانده است. آنان یک صدا فریاد برمی‌آورند: ای فرزند فاطمه! از همان راه که آمده‌ای باز گرد، زیرا به تو نیازی نداریم. حضرت مهدی (عج) در پشت شهر نجف، از ظهر روز دوشنبه تا شامگاه بر آنان شمشیر می‌کشد و همه را از دم تیغ می‌گذراند. در این نبرد از یاران حضرت حتی یک نفر زخمی نمی‌شود». [۴۲۲]. ابوحمزہ ثمالی می‌گوید: امام باقر (ع) می‌فرمود: «مشکلاتی که صاحب این امر، هنگام ظهور، از مردم می‌بیند، به اندازه‌ای مشکلات پیامبر (ص) یا بیش‌تر از آن است». [۴۲۳]. فضیل می‌گوید، امام صادق (ع) فرمود: «هنگامی که قائم ماقیام کند، بیش از آن چه پیامبر (ص) از جاهلان دوران جاهلیت ناراحتی دید، از جاهلان رنج و ناراحتی خواهد دید». پرسیدم: چگونه و چرا؟ فرمود: «پیامبر (ص) در روزگاری مبعوث شد که مردم سنگ و چوب و بت‌های تراشیده شده را می‌پرستیدند، ولی قائم ما در روزگاری قیام می‌کند که با قرآن علیه حضرت احتجاج می‌کنند و آیات را علیه آن حضرت تأویل می‌نمایند». [۴۲۴]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «حضرت قائم (عج) آن قدر از انسان‌ها می‌کشد تا ساق پا را خون فرا می‌گیرد. شخصی از فرزندان پدرش به حضرت اعتراض شدید می‌کند و می‌گوید: مردم را از خود دور می‌کنی؛ هم‌چنان که گوسفندان را رم می‌دهند! آیا این روش، طبق دستور رسول خدا (ص) است؟ یکی از یاران حضرت از جای برمی‌خیزد و می‌گوید: سکوت می‌کنی یا گردنت را بزخم؟! حضرت عهد و پیمانی را که از رسول خدا (ص) همراه دارد، بیرون می‌آورد و ارائه می‌کند». [۴۲۵]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، گروهی از دین و ولایت خارج می‌شوند؛ در صورتی که پنداشته می‌شد که آنان از پیروان حضرت می‌باشند. نیز افرادی ولایت حضرت را می‌پذیرند؛ در صورتی که مانند آفتاب‌پرستان و ماه‌پرستان بودند». [۴۲۶].

ناصبی‌ها

امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، همه ناصبیان و دشمنان اهل بیت را بر آن حضرت عرضه می‌کنند. اگر به اسلام - که همان ولایت اهل بیت است - اقرار کردند، آنان را رها می‌کند و گرنه به قتل می‌رسند، یا آنان را به پرداخت جزیه - هم‌چنان که اهل ذمه می‌پردازند - ملزم می‌کند». [۴۲۷]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، بر یک یک ناصبیان ایمان را عرضه می‌کند؛ اگر پذیرفتند، آنان را رها می‌سازد و گرنه گردنشان را می‌زند، یا از آنان جزیه می‌گیرد. چنان که امروز از اهل ذمه جزیه می‌گیرند و آنان را از شهرها به روستاها (و کشتزارها) تبعید می‌کنند». [۴۲۸]. مرحوم مجلسی می‌گوید: شاید این حکم مربوط به آغاز قیام باشد؛ زیرا ظاهر روایات این است که از آنان جز ایمان پذیرفته نمی‌شود و اگر نپذیرند، کشته می‌شوند. [۴۲۹]. ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: رفتار امام مهدی (عج) با ناصبی‌ها و کسانی که با شما دشمنی دارند، چگونه خواهد بود؟ فرمود: «ای ابا محمد! در دولت و حکومت ما، مخالفان بهره‌ای نخواهند داشت. خداوند برای ما خون‌های‌شان را در آن هنگام حلال خواهد کرد؛ ولی امروز خونشان بر ما و شما حرام است. پس کسی تو را فریب ندهد و بدان روزگاری که قائم ماقیام کرد، حضرت برای خدا و رسولش و برای ما انتقام خواهد گرفت». [۴۳۰].

منافقان

در تفسیر آیه (لَوْ تَرَبَّلُّوا لَعَدَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ [۴۳۱]) اگر شما عناصر کفر و ایمان از یک دیگر جدا می‌گشتید، همانا آنان که کافرند را به عذاب دردناک معذب می‌ساختیم)، امام صادق (ع) فرمود: «خداوند، در صلب کافران و منافقان، امانت‌هایی از مؤمنان دارد. حضرت قائم ما ظهور نمی‌کند، مگر آن که آن امانت‌ها را خداوند از صلب آنان بیرون آورد (و آن مؤمنان متولد

شوند). پس از آن، حضرت کافران و منافقان را به قتل می‌رساند». [۴۳۲]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، نیازی ندارد که از شما درخواست یاری کند و نسبت به بسیاری از شما منافقان، حدّ خدا را جاری می‌کند». [۴۳۳]. امام حسین (ع) به فرزندش امام سجاد (ع) می‌فرماید: «سوگند به خدا که خون من از جوشش باز نمی‌ایستد تا این که خداوند، مهدی (عج) را برانگیزد. آن حضرت به انتقام خون من از منافقان فاسق و کافر، هفتاد هزار نفر را می‌کشد». [۴۳۴]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «چون حضرت قائم قیام کند... به کوفه می‌آید و در آن جا همه منافقان را (که به امامت حضرت عقیده ندارند) به قتل می‌رساند و کاخ‌های آنان را ویران می‌کند و با جنگجویان آنان می‌جنگد و آن قدر از آنان می‌کشد تا خداوند خشنود گردد». [۴۳۵].

شیطان

و هب بن جمیع می‌گوید: از حضرت صادق (ع) پرسیدم: این که خداوند به شیطان فرمود: (فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ؛ [۴۳۶] (خداوند فرمود): آری، به تو (شیطان) مهلت داده خواهد شد تا به وقت معین و روز معلوم، این وقت معلوم چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: «آیا پنداشته‌ای این روز، روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما، به شیطان مهلت داده است. وقتی خداوند او را مبعوث می‌کند (و اجازه قیام می‌دهد)، حضرت به مسجد کوفه می‌رود. در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می‌رود، به آن جا می‌آید و می‌گوید: ای وای بر من از امروز! حضرت مهدی پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند و آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می‌رسد». [۴۳۷].

احیای سنت محمدی

اشاره

در زمینه احکام جدید و قضاوت‌های حضرت مهدی و اصلاحاتی که حضرت انجام می‌دهد، روایات بسیاری وجود دارد؛ احکامی که در نظر اول با متون فقهی موجود و گاهی با ظواهر روایات و سنت سازگاری ندارد. قانون ارث برادر در عالم ذر، کشتن شرابخوار، کشتن فرد بی‌نماز، اعدام دروغگو، تحریم سود گرفتن از مؤمن در معاملات، نابودی مناره‌های مساجد و برداشتن سقف مساجد از آن جمله است. روش‌هایی که حضرت در کارها و امور اتخاذ می‌کند - که در فصل قبل گذشت - نیز از این گونه است. در روایات از این تغییرات با عباراتی مانند قضای جدید، سنت جدید، دعای جدید و کتاب جدید نام برده شده است که ما آن را جز زنده کردن سنت محمدی نمی‌دانیم؛ ولی دگرگونی‌ها به اندازه‌ای چشمگیر است که وقتی مردم با آن رو به رو می‌شوند، با تعبیر «اودین جدیدی آورده است» یاد می‌کنند. در صورتی که صدور این روایات از معصومین ثابت شود، توجه به چند نکته در این باره ضروری است: ۱. برخی از احکام الهی هر چند از سوی خداوند پایه ریزی شده است، ولی شرایط اعلام و اجرای آن در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) فراهم می‌شود و اوست که آن احکام را اعلام و اجرا می‌کند. ۲. با گذشت زمان به وسیله زورمندان و تحریف‌گران، دگرگونی‌ها و تحریفاتی در احکام الهی پدید آمده است و حضرت قائم (عج) پس از ظهور آنها را تصحیح و تعدیل می‌کند. در کتاب القول المختصر آمده است: بدعتی را بر جای نمی‌گذارد و سنتی نمی‌ماند مگر آن که آن را احیا می‌کند. [۴۳۸]. ۳. چون فقها در استنباط حکم شرعی، از یک سلسله قواعد و اصول بهره می‌جویند، گاهی حکمی را که استنباط کرده‌اند با حکم واقع مطابقت ندارد؛ هر چند نتیجه آن استنباط برای مجتهد و مقلدینش حجت شرعی است؛ ولی در حکومت امام زمان (ع)، حضرت، احکام واقعی را بیان می‌فرماید. ۴. برخی از احکام شرعی در شرایطی خاص و اضطراری و برای تقیه به صورت

غیرواقعی اعلام شده است که در روزگار حضرت، تقیه برداشته می‌شود و حکم واقعی بیان می‌گردد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، تقیه از بین می‌رود و حضرت، شمشیر را از نیام بیرون می‌کشد و از مردم جز شمشیر نمی‌گیرد و به آنان جز شمشیر نمی‌دهد». [۴۳۹]. درباره موارد بالا- به گفتن چند روایت بسنده می‌کنیم: امام صادق (ع) ضمن حدیث مفصّلی می‌فرماید: «بر شما (مسلمانان) است که تسلیم (امر ما) باشید و امور را به ما باز گردانید و به انتظار حکومت ما و شما باشید و منتظر فرج و گشایش ما و شما بمانید. هنگامی که قائم ما ظهور کند و سخنگوی ما به سخن آید و تعلیم قرآن و دستورات دین و احکام را از نو به شما بیاموزد - به همان شکلی که بر محمد (ص) نازل شده است - دانشمندان شما این رفتار حضرت را، انکار کرده، مورد اعتراض قرار می‌دهند و بر دین خدا و راه او استوار و پایرجا نمی‌شوید، مگر در سایه شمشیر؛ شمشیری که بالای سر شما باشد. خداوند، سنت امت‌های پیشین را بر این مردم قرار داده؛ ولی آنان، سنت‌ها را تغییر داده، و دین را تحریف کردند. هیچ حکم رایجی در بین مردم نیست، مگر این که از شکل وحی شده‌اش تحریف گشته است. خدا تو را رحمت کند. به هر چه فرا خوانده می‌شوی، بپذیر تا آن کس که دین را تجدید می‌کند، فرا رسد». [۴۴۰]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم ظهور کند، مردم را از نو به اسلام دعوت می‌کند و آنان را به سوی (اسلام) هدایت می‌نماید، در حالی که اسلام کهنه و نابود شده، مردم از آن گمراه گشته‌اند». [۴۴۱]. از این روایت فهمیده می‌شود که امام دین جدیدی را به جهان عرضه نمی‌کند؛ بلکه چون مردم از اسلام واقعی منحرف شده‌اند، حضرت دوباره به آن دین دعوت می‌کند؛ چنان که پیامبر (ص) به آن دعوت کرد. امام صادق (ع) به برید فرمود: «ای برید! به خدا سوگند، هیچ حریمی برای خداوند نماند، مگر این که آن را دریدند و هرگز به کتاب خدا و سنت پیامبرش در این جهان عمل نشد و از روزی که امیرمؤمنان رحلت کرد، هرگز حدّ خداوند در بین مردم جاری نگشت». آن‌گاه فرمود: «به خدا سوگند روزها و شب‌ها به پایان نمی‌رسد، مگر آن که خداوند مردگان را زنده و زندگان را بمیراند و حق را به صاحبش بازگرداند و آیین خود را - که برای خود و پیامبرش پسندیده است - برپا دارد. بر شما بشارت باد، بشارت باد شما را. به خدا سوگند که حق فقط و فقط در دست شماست». [۴۴۲]. این روایت نشان می‌دهد که دگرگونی‌ها برای غیر شیعه بیش‌تر چشمگیر است؛ هر چند برخی از موارد برای آنان نیز تازگی دارد. در این فصل، دگرگونی‌ها و اصلاحات در روزگار امام زمان (عج) را در سه قسمت: احکام جدید، اصلاحات و تجدید بناها و قضاوت‌های تازه بیان می‌کنیم:

احکام جدید

اعدام زناکار و منع کننده از زکات

ابان بن تغلب می‌گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: «در اسلام به حکم خدا دو خون حلال است، ولی کسی به آن حکم نمی‌کند تا این که خداوند، قائم اهل بیت (ع) را بفرستد. او به حکم خدا حکم خواهد کرد و بینه و شاهدی نمی‌طلبد. حضرت زناکار محصن را (مرد زن دار و زن شوهردار) را سنگسار می‌کند و کسی که زکات نمی‌دهد گردنش را می‌زند». [۴۴۳]. امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) می‌فرمایند: «هنگامی که حضرت مهدی (عج) قیام کند، در سه مورد چنان حکم می‌کند که کسی پیش از او آن گونه حکم نکرده است. آن حضرت پیرمرد زناکار را اعدام می‌کند و کسی را که مانع زکات می‌شود، به قتل می‌رساند و ارث برادر را به برادر مقامی (که در عالم ذر با هم برادر بودند) می‌دهد». [۴۴۴]. علامه حلی درباره حکم اعدام منع کننده زکات می‌فرماید: در همه عصرها، مسلمانان بر وجوب زکات اتفاق نظر داشته‌اند و زکات را یکی از پایه‌های پنج‌گانه اسلام می‌دانند. در نتیجه کسی که واجب بودنش را نپذیرد و مسلمان فطری باشد و بین مسلمانان بزرگ شده باشد، او را بدون توبه دادن اعدام می‌کنند و اگر این فرد، مسلمان ملی باشد تا سه بار پس از ارتداد، توبه‌اش می‌دهند و پس از آن اعدام می‌شود، این احکام در صورتی است

که فرد علم و آگاهی به وجوب آن داشته باشد؛ ولی اگر وجوب آن را نداند، حکم به کفرش نمی‌شود». [۴۴۵]. مجلسی اول، در شرح این روایت، ضمن بیان وجوهی می‌فرماید: شاید مراد این باشد که حضرت در این دو مورد بر طبق علم خود حکم و قضاوت می‌کند و نیازی به شاهد نخواهد داشت؛ چنان‌که این روش در دیگر قضاوت‌های حضرت نیز می‌باشد ولی راز اختصاص دادن به این دو مورد به لحاظ اهمیت آن است. [۴۴۶].

قانون ارث

امام کاظم (ع) می‌فرماید: «خداوند، ارواح را دو هزار سال پیش از بدن‌ها آفرید. هر یک از آنها که با دیگری در آسمان‌ها آشنا شد، در زمین نیز با هم آشنا خواهند بود و هر کدام که از دیگری بیگانه بوده است، در زمین نیز چنان خواهد بود. هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، به برادر دینی ارث می‌دهد و ارث برادر نسبی را قطع می‌کند و این است معنای قول خداوند در سوره مؤمنون: (فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لَآ يَتَسَاءَلُونَ)؛ [۴۴۷] پس هنگامی که در شیپور صور دمیده شود، هیچ نسبی بین آنان نخواهد بود و هرگز از علت آن جويا نخواهند شد». [۴۴۸]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند دو هزار سال پیش از آن که پیکرها را بیافریند، بین ارواح برادری برقرار کرد. هنگامی که قائم ما اهل بیت قیام کند، برادرانی که بینشان برادری برقرار شده است، از یک دیگر ارث می‌برند و برادران نسبی که از یک پدر و مادر هستند از یک دیگر ارث نمی‌برند». [۴۴۹].

کشتن دروغگویان

امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما ظهور کند، نخست به سراغ دروغگویان شیعه می‌رود و آنان را به قتل می‌رساند». [۴۵۰]. احتمال دارد که مراد از این افراد، منافقان یا مدعیان مهدویت و بدعت‌گذاران در دین باشد که سبب انحراف مردم شدند.

پایان حکم جزیه

امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «خداوند، دنیا را به پایان نمی‌رساند، مگر آن که حضرت قائم از ما قیام کند و دشمنان ما را نابود سازد و دیگر جزیه را نپذیرد و صلیب و بت‌ها را بشکند و دوران جنگ و خونریزی به پایان رسد و مردم را برای دریافت مال و ثروت فراخواند و اموال را در بین آنان یکسان تقسیم کند و در میان مردم به عدالت رفتار نماید». [۴۵۱]. پیامبر خدا (ص) درباره شکستن صلیب‌ها و کشتن خوک‌ها - که به معنای پایان یافتن دوران مسیحیت و حکم جزیه است - می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) به عنوان فرمانروایی دادگر ظهور می‌کند و صلیب‌ها را می‌شکند و خوک‌ها را می‌کشد و دستور می‌دهد، کارگزارانش مال و ثروت را برداشته، در شهرها بگردند تا هر کس نیازمند است، از آن بردارد؛ ولی کسی پیدا نمی‌شود که اظهار نیازمندی کند». [۴۵۲]. شاید این حدیث کنایه از پایان دوران مسیحیت و اهل کتاب باشد.

انتقام از بازماندگان قاتلان امام حسین

هروی می‌گوید: به حضرت رضا (ع) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! نظرتان درباره این سخن امام صادق (ع) که می‌فرماید: «هرگاه قائم ما قیام کند، بازماندگان از قاتلان امام حسین (ع) به کیفر کردار پدرانشان کشته می‌شوند» چیست؟ حضرت رضا فرمود: «این سخن صحیح است». گفتم: پس این آیه قرآن (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى)؛ [۴۵۳] گناه کسی را به پای کسی نمی‌نویسند)، چه معنایی دارد؟ فرمود: «آن چه خداوند می‌فرماید: صحیح است؛ ولی بازماندگان قاتلان امام حسین (ع)، به کردار پدرانشان خرسند

هستند و به آن افتخار می‌کنند و هر کس از چیزی خشنود باشد، مانند آن است که آن کار را انجام داده باشد. اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدن او خشنود باشد، نزد خداوند شریک گناه قاتل است. و حضرت قائم (عج) که فرزندان قاتلان امام حسین (ع) را هنگام ظهورش نابود می‌سازد؛ برای این است که آنان از کردار پدرانشان خشنود هستند». گفتم: قائم شما از چه طایفه‌ای شروع می‌شود؟ فرمود: «از بنی شیبه شروع می‌کند و دست‌های آنان را قطع می‌نماید؛ زیرا آنان دزدان خانه خدا در مکه معظمه هستند». [۴۵۴].

حکم رهن و وثیقه

علی می‌گوید: پدرم، سالم از امام صادق (ع) درباره حدیث «کسی که به رهن و سپردن وثیقه، از برادر مؤمن خود مطمئن تر باشد من از او بی‌زام»؛ سؤال کردم. امام صادق (ع) فرمود: «این مطلب در دوران قائم ما اهل بیت است». [۴۵۵].

سود تجارت

سالم می‌گوید: به امام صادق (ع) گفتم: روایتی نقل شده است که سود و بهره گرفتن از مؤمن برای برادر مؤمنش حرام و ریاست؟ حضرت فرمود: «این مطلب در هنگامی است که قائم ما اهل بیت ظهور کند؛ ولی امروز جایز است که شخصی به مؤمن چیزی بفروشد و از او سود بگیرد». [۴۵۶]. مجلسی اول پس از قوی دانستن سند این روایت، می‌فرماید: از این روایت به دست می‌آید، روایاتی که سود گرفتن از مؤمن را مکروه دانسته، آن را ربا می‌خواند، مبالغه نیست و ممکن است در حال حاضر مکروه باشد، ولی در زمان حضرت قائم (عج) حرام گردد. [۴۵۷] ولی مجلسی دوم ضمن مجهول خواندن این روایت می‌گوید: شاید حرمت در این دو مورد، مقید به زمان قیام حضرت حجت باشد. [۴۵۸].

کمک برادران دینی به یک دیگر

اسحاق می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) بودم که آن حضرت از کمک و همکاری با برادران سخن به میان آورد و آن‌گاه فرمود: «هنگامی که حضرت قائم (عج) ظهور کند، کمک کردن به برادران واجب می‌شود و باید آنان را تقویت و کمک کنند». [۴۵۹].

حکم قطایع

امام صادق (ع) فرمود: «آن‌گاه که قائم ما قیام کند، قطایع (و مالکیت اموال غیر منقول) از بین می‌رود؛ به گونه‌ای که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود». [۴۶۰]. قطایع که همان مالکیت‌های بزرگ مانند روستاها، اراضی بسیار و قلعه‌هاست و پادشاهان و قدرتمندان آنها را به نام خود ثبت می‌کنند، همگی در روزگار امام زمان (عج) به آن حضرت تعلق دارد.

حکم ثروت‌ها

معاذ بن کثیر می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: «شیعیان ما در فراخی بوده، آزادند از این که آن‌چه را به دست می‌آورند، در راه خیر و نیکی مصرف کنند؛ ولی هنگامی که قائم ما قیام کند، بر هر گنجینه‌داری، اندوخته‌اش حرام می‌شود؛ مگر آن که آن را به خدمت آن حضرت آورد و از آن در جنگ با دشمن، یاری و کمک بگیرد و این است سخن خداوند که می‌فرماید: (والذین یکتزون الذهب

و الفضه و لاینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم؛ [۴۶۱] کسانی که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، آنان را به عذاب دردناکی بشارت ده). [۴۶۲].

اصلاحات اجتماعی و تجدید ساختمان مساجد

تخریب مسجد کوفه و تعدیل قبله آن

اصبغ بن نباته می‌گوید: امیرمؤمنان (ع) هنگام ورود به مسجد کوفه - که در آن هنگام باخزف و گل پخته ساخته شده بود - فرمود: «وای بر کسی که تو را ویران کرد! وای بر کسی که زمینه ویرانی تو را آسان کرد! وای بر آن که تو را با گل و خاک پخته بنا کرد و جهت قبله نوح (ع) را تغییر داد!» آن‌گاه ادامه داد: «خوشا به حال کسی که شاهد ویرانی تو در روزگار حضرت قائم از اهل بیت می‌باشد! آنان نیکان امت هستند که همراه نیکان عترت می‌باشند». [۴۶۳]. هم‌چنین آن حضرت می‌فرماید: «بی‌گمان هنگامی که قائم ما قیام کند، مسجد کوفه را ویران کرده، قبله آن را تعدیل می‌کند». [۴۶۴].

تخریب مساجد در مسیر جاده و مشرف

ابوبصیر می‌گوید: امام باقر (ع) فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه ویران می‌سازد و هیچ مسجد مشرفی را نمی‌گذارد، مگر این که کنگره و اشرف آن را ویران می‌کند و با حالت سادگی و بدون اشرف، آن را بر جای می‌گذارد و هر مسجدی را که در مسیر جاده قرار گیرد، ویران می‌سازد». [۴۶۵]. شاید مراد، چهار مسجدی باشد که سران لشکر یزید، پس از شهادت امام حسین (ع) به شکرانه کشتن آن حضرت در کوفه ساختند و بعدها به «مساجد ملعونه» معروف شدند. هر چند این مساجد اکنون موجود نیست، ولی ممکن است بعدها گروهی از روی دشمنی با اهل بیت، آنها را دوباره بسازند. [۴۶۶]. امام باقر (ع) درباره این مساجد می‌فرماید: «در کوفه به دلیل شادی از کشتن، حسین (ع) چهار مسجد ساخته شد که عبارتند از: مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سماک و مسجد شبت بن ربیع». [۴۶۷].

ویران کردن مناره‌ها

ابوهاشم جعفری می‌گوید: خدمت امام حسن عسکری (ع) بودم که ایشان فرمود: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، دستور می‌دهد، مناره‌ها و مقصوره‌هایی [۴۶۸] که در مساجد است، ویران شود». با خود گفتم: چرا حضرت چنین می‌کند؟ امام عسکری (ع) روبرو من کرد و فرمود: «چون اینها بدعت و نوآوری‌هایی است که پیامبر و امامی آن را نساخته است». [۴۶۹]. مرحوم صدوق طبق روایتی می‌گوید: امیرمؤمنان (ع) هنگام گذشتن از مسجدی - که مناره‌اش بلند بود - دستور داد آن مناره را ویران کنند. [۴۷۰]. مجلسی اول می‌فرماید: از این روایات، حرمت ساختن مناره‌های بلند به دست می‌آید؛ زیرا اشرف داشتن و مسلط شدن بر خانه‌های مسلمانان حرام است. ولی اکثر فقها این روایت را بر کراهت حمل کرده‌اند. [۴۷۱] به نقل از مسعودی و طبرسی: وی دستور می‌دهد منبرها را ویران کنند. [۴۷۲].

تخریب سقف مساجد و منبرها

امام باقر (ع) می‌فرماید: «نخستین چیزی که حضرت مهدی (عج) از آن آغاز می‌کند سقف مساجد است. آنها را ویران می‌کند و

سقف‌هایی مانند عریش [۴۷۳] موسی (ع) بر آن قرار می‌دهد». [۴۷۴]. این روایت بر استجاب حمل شده است؛ زیرا نبودن مانع و حائل بین نماز گزار و بین آسمان مستحب است و نبودن حایل یکی از اسباب قبولی نماز و استجاب دعا است.

بازگرداندن مسجد الحرام و مسجد النبی به اندازه اصلی

امام صادق (ع) می‌فرماید: «حضرت قائم (عج)، ساختمان مسجد الحرام را ویران می‌کند و آن را به ساختمان نخستین و اندازه اصلی‌اش باز می‌گرداند. مسجد پیامبر (ص) را نیز پس از ویران کردن، به اندازه اصلی‌اش باز می‌گرداند و کعبه را در جایگاه اصلی‌اش می‌سازد». [۴۷۵]. هم‌چنین آن حضرت می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، خانه خدا را به اندازه نخستین آن باز می‌گرداند [۴۷۶] و با مسجد پیامبر (ص) و مسجد کوفه نیز چنین می‌کند».

قضاوت

امام صادق (ع) می‌فرماید: «پس از ظهور حضرت مهدی (عج)، خداوند بادی می‌فرستد تا در هر سرزمینی ندا کند: این مهدی است که به روش داود و سلیمان قضاوت می‌کند و بر حکم خود گواهی نمی‌طلبد». [۴۷۷]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «حضرت قائم (عج) احکام و قضاوت‌هایی دارد که حتی برخی از یاران و کسانی که در رکابش شمشیرها زده‌اند، به آن احکام اعتراض می‌کنند و آن قضاوت حضرت آدم (ع) است و حضرت نیز گردن معترضان را می‌زند. سپس به روش دیگری قضاوت می‌کند که قضاوت داود است؛ ولی گروه دیگری از یارانش اعتراض می‌کنند و حضرت گردن آنان را نیز می‌زند. برای بار سوم حضرت به شیوه ابراهیم (ع) قضاوت می‌کند و باز هم گروهی از یارانش - که در رکابش شمشیر زده‌اند - اعتراض می‌کنند و حضرت آنان را نیز اعدام می‌کند. آن‌گاه امام‌زمان (عج) به روش محمد (ص) رفتار می‌کند و دیگر کسی بر حضرت اعتراض نمی‌کند». [۴۷۸]. سازمان‌های بزرگ و با عظمت با نام و نشان‌های گوناگون و اساسنامه‌های پرزرق و برق که از حمایت محرومان و حقوق بشر سخن می‌گفتند، در بین بشریت چنان رفتار کرده‌اند که گویی جز دشمنی با بشریت کار دیگری ندارند. سرانجام حکومت مهدی وارث جهانی است که در آن ستمگران با همه توان به جنگ و نبرد با بشریت پرداخته، تعداد بسیاری از انسان‌ها را کشته‌اند و آنان که زنده مانده‌اند نیز از حکومت‌های دیگر ناامید شده، به حکومتی که وعده‌های خویش را محقق می‌سازد، پناه می‌آورند و این حکومت، همان حکومت مهدی آل محمد (ص) است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «حکومت و دولت ما، آخرین دولت است و هیچ حزب، گروه و خاندانی نمی‌ماند که دارای حکومت باشد، مگر این که پیش از ما، حکومتشان بر روی کار می‌آید و این برای آن است که اگر روش و سیاست حکومت ما را دیدند، نگویند، ما هم اگر زمامدار امور می‌شدیم، این چنین رفتار می‌کردیم و این معنای سخن خداوند است که فرمود: (والعاقبة للمتقين؛ [۴۷۹] و عاقبت کار از آن پرهیزکاران است). [۴۸۰].

حکومت عدل

عدالت، واژه‌ای است آشنا که همگان آن را دوست دارند و در پی آنند. عدالت چیزی است که از هر کس صادر شود، نیکو و زیباست و از مسؤولان و فرمانروایان زبیده‌تر؛ ولی جای تأسف است که در روزگاران بسیاری، جز نام، نشان دیگری از عدالت نمی‌توان یافت و بشریت جز در روزگاران اندکی - آن هم در حکومت مردان الهی - عدالت را مشاهده نکرده است. استعمارگران برای استثمار بیش‌تر و نفوذ حاکمیت خود، به اشکال گوناگون از این واژه مقدس سوء استفاده می‌کنند و با تبلیغ این شعار جدّاب، گروهی را به دور خود گردمی‌آورند؛ ولی دیری نمی‌پاید که رسوا شده، ادامه حکومت خود را جز با به کارگیری زور و بی‌عدالتی نمی‌بینند.

نظر مرحوم طبرسی

مرحوم طبرسی درباره زنده کردن سنت به وسیله حضرت مهدی (عج) سخنانی دارد که به ذکر آن می‌پردازیم: اگر پرسیده شود همه مسلمانان معتقدند که پس از حضرت ختمی مرتبت (ص) دیگر پیامبری نخواهد آمد، ولی شما شیعیان عقیده دارید که چون قائم قیام کند، جزیه را از اهل کتاب نمی‌پذیرد و هر کس را که بیش از بیست سال داشته باشد و احکام دینش را نداند، به قتل می‌رساند و مساجد و زیارتگاه‌های دینی را ویران می‌سازد و به روش حضرت داود - که برای صدور حکم شاهد نمی‌خواست - حکم می‌کند و مانند اینها که در روایات شما وارد شده است و این عقیده موجب نسخ دیانت و ابطال احکام دینی است و در حقیقت شما با این عقیده، نبوت و پیامبری را پس از خاتم پیامبران اثبات نموده‌اید؛ هر چند نام آن را پیامبری نگذارید، پاسخ شما چیست؟ می‌گوییم: ما از آن چه در این پرسش گفته شده - که قائم، جزیه را از اهل کتاب نمی‌پذیرد و کسانی را که به سن بیست سالگی برسند و احکام دین خود را ندانند، به قتل می‌رساند - آگاهی نداریم و بر فرض هم که در این خصوص روایتی رسیده باشد، نمی‌توان آن را به‌طور قطع پذیرفت. ممکن است منظور از ویران سازی برخی از مساجد و زیارت گاه‌های دینی، مساجد و زیارت گاه‌هایی باشد که بر خلاف تقوا و دستور خدا ساخته شده است که البته کاری مشروع خواهد بود و پیامبر هم چنین کاری را انجام داد. این که قائم، مانند فرزندان داود حکم می‌کند و در صدور حکم شاهد و دلیل نمی‌خواهد، این هم مطلبی است که نزد ما قطعی و یقینی نیست و اگر درست باشد، آن را بدین گونه باید تأویل کرد که در مواردی که خودش به حقیقت قضایا و ماهیت دعوا علم دارد، طبق علمش حکم می‌کند؛ زیرا هر گاه امام یا قاضی به مطلبی یقین پیدا کرد، لازم است که موافق با علمش قضاوت کند و دیگر شاهد و دلیلی نمی‌خواهد و این نکته موجب نسخ دیانت نیست. هم‌چنین این سخن که گفته‌اند: قائم جزیه نمی‌گیرد و گوش به گواهی شاهد و گواه نمی‌دهد، در صورتی که درست باشد، باعث منسوخ گشتن دیانت نخواهد بود؛ زیرا نسخ آن است که دلیلش متأخر از حکم منسوخ باشد و هم زمان با هم نیاید و اگر هر دو دلیل با هم آمدند، نمی‌توانند یکی ناسخ دیگری باشد؛ هر چند در معنا مخالف آن باشد؛ مثلاً اگر فرض کردیم که خداوند فرمود: «روز شنبه تا فلان وقت را در خانه به سر برید و پس از آن وقت آزاد هستید». به این سخن نسخ نمی‌گویند؛ زیرا دلیل رافع، همراه دلیل موجب است. چون این معنا روشن گشت و دانستیم که پیامبر به آگاهی ما رسانده است که قائم از فرزندان من است و از دستورات او پیروی کنید و هر حکمی می‌کند بپذیرید، بر ما واجب است از وی پیروی کنیم و هر گونه قائم در میان ما حکم کرد، رفتار نماییم. پس اگر ما حکم او را بپذیرفتیم - هر چند با برخی از احکام پیشین فرق داشته باشد - احکام دین اسلام را منسوخ ندانسته‌ایم؛ زیرا چنان که گفتیم نسخ احکام در موضوعی که دلیلش وارد شده باشد، متحقق نمی‌شود. [۴۸۱].

حکومت

دولت حق

اشاره

اداره سرزمینی به گستردگی دنیا، کار دشواری است که تنها با برخورداری از رهبری الهی و کارگزارانی دلسوز و معتقد به نظام الهی و حاکمیت اسلام امکان‌پذیر است. آری، امام (ع) برای اداره سرزمین‌ها و وزیرانی را می‌گمارد که پیشینه مبارزاتی داشته، در تجربه و عمل، پایداری و قاطعیت از خود نشان داده‌اند. استاندارانی با شخصیتی قوی، اداره روش امور استان‌ها را به عهده می‌گیرند که جز مصالح کشور اسلامی و خشنودی خداوند، به چیز دیگری نمی‌اندیشند. روشن است، کشوری که مسؤولانش دارای این

ویژگی‌ها باشند، بر دشواری‌ها پیروز می‌شود و ویرانی‌های حکومت‌های پیشین با موفقیت به آبادانی تبدیل می‌گردد و وضع به گونه‌ای دگرگون می‌شود که زندگان آرزوی زندگی دوباره مردگان را می‌نمایند. باید توجه داشت که حضرت (ع) هنگامی زمام امور را به دست می‌گیرد که دنیا وارث انبوهی از نابسامانی‌هاست و میلیون‌ها معلول و بیمار جسمی و روانی وجود دارد. هاله‌ای از ویرانی‌ها بر دنیا سایه افکنده است و ناامنی همه‌جا را فرا گرفته است. شهرها در اثر جنگ و نبرد به ویرانه‌ای تبدیل گشته است و نابودی کشتزارها در اثر آلودگی محیط زیست، کمبود ارزاق را به دنبال داشته است. از سویی، مردم جهان، دولت‌ها، احزاب و سازمان‌های بسیاری را دیده‌اند که مدعی بوده‌اند، اگر زمام امور را به دست گیرند، می‌توانند به جهان و جهانیان خدمت کنند و آرامش و امتیّت و بهبودی وضع اقتصادی را به ارمغان آورند؛ ولی در عمل هر کدام از دیگری بدتر رفتار کردند و جز فساد و کشتار و ویرانی چیزی به ارمغان نیاورند. کمونیسم متلاشی شد، مائوئیسم مغضوب سران خود قرار گرفت و دمکراسی غربی جز شعار مردم فریب چیزی بیش نبود. سرانجام روزگاری فرا می‌رسد که عدل و عدالت به دست توانای مرد الهی در روی زمین مرده از ستم پیاده می‌شود. او آن‌چنان در اجرای این شعار «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً؛ زمین را پر از عدل و قسط می‌کند». جدی و مصمّم است که آثار آن در همه‌جا نمایان می‌شود. حضرت، حکومت را به گونه‌ای سازماندهی می‌کند و مردم را به گونه‌ای تربیت می‌نماید که دیگر واژه ستم از ذهن‌ها رخت بر می‌بندد و به تعبیر روایات، دیگر کسی به دیگری ستم نمی‌کند؛ حتی حیوانات نیز دست از تعدی و ستم بر می‌دارند و گوسفند همنشین گرگ می‌گردد. امّ سلمه می‌گوید: پیامبر (ص) فرمود: «مهدی (عج) چنان عدالتی در جامعه برپا می‌کند که زندگان آرزو می‌کنند، کاش مردگانشان زنده می‌بودند و از آن عدالت بهره‌مند می‌گردیدند». [۴۸۲]. امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه (واعلموا أنّ الله یحیی الأَرْض بعد موتها [۴۸۳] بدانید و آگاه باشید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می‌کند)، می‌فرماید: «خداوند زمین را با حضرت قائم (عج) زنده می‌گرداند. آن حضرت در زمین به عدالت رفتار می‌کند و زمین را با گسترش عدالت زنده می‌نماید؛ پس از آن که در اثر گسترش ستم مرده بود». [۴۸۴]. نیز امام صادق (ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند، به‌طور حتم عدالت مهدی (عج) به درون خانه‌ها و اتاق‌های‌شان نفوذ می‌کند؛ هم‌چنان که سرما و گرما در آن وارد می‌شود». [۴۸۵]. از این روایت استفاده می‌شود که با وجود خواسته گروهی و حتی مخالفت آنان، عدالت همه جهان را بدون استثنا در بر می‌گیرد. امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه (الَّذینَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...؛ آنان که وقتی در زمین حاکمیتشان بخشیم نماز را بپا می‌دارند و...) می‌فرماید: «این آیه در شأن مهدی و یارانش فرود آمده است. خداوند به وسیله آنان، دین خود را آشکار می‌کند و حاکم می‌گرداند؛ به گونه‌ای که اثری از ستم و بدعت دیده نمی‌شود». [۴۸۷]. امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید: «آن‌گاه که حضرت مهدی (عج) ظهور کند، ترازوی عدالت را در جامعه برقرار می‌کند و از آن پس، کسی به دیگری ستم نمی‌کند». [۴۸۸]. نیز امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «حضرتش در میان کشاورزان و مردم به عدالت رفتار می‌کند». [۴۸۹]. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: شخصی خدمت امام باقر (ع) رسید و عرض کرد: این پانصد درهم زکات اموالم را از من تحویل بگیر! امام (ع) فرمود: «خودت آن را داشته باش و به همسایگان و بیچارگان و نیازمندان مسلمان بده». پس فرمود: «هنگامی که مهدی ما اهل بیت قیام کند، اموال را یکسان تقسیم می‌کند و به عدالت با آنان رفتار می‌نماید. پس هر کس که از او پیروی کند، از خدا پیروی کرده است و کسی که نافرمانی او کند، خدا را سرکشی نموده است و بدین سبب نام حضرتش را مهدی گذارده‌اند که به امور و مسائلی پنهان هدایت می‌شود». [۴۹۰]. عدالت در روزگار مهدی (عج) چنان فراگیر می‌شود که حتی اولویت‌های شرعی رعایت می‌گردد و کسانی که می‌خواهند واجبات خود را انجام دهند، بر کسانی که درصدد انجام مستحبات هستند، در بهره‌گیری از امکاناتی که برای آن منظور است، مقدّم هستند. مثلاً در روزگار حضرت قائم (عج) که اسلام و حکومت الهی در سراسر جهان برقرار می‌شود، طبیعی است که شعایر الهی نیز با شکوهی وصف ناشدنی بر گزار می‌شود. حج ابراهیمی یکی از شعایر الهی است که بر اثر گسترش حکومت اسلامی، دیگر مانعی برای رهسپاری به سوی حج بر جای نمی‌ماند و مردم برای انجام حج، مانند سیلی

خروشان به سوی کعبه می‌شتابند و در نتیجه گرداگرد کعبه شلوغ شده، برای همه حج گزاران کفایت نمی‌کند. امام (ع) دستور می‌دهد که اولویت را به کسانی دهند که حج واجب بر عهده دارند و به سخن امام صادق (ع) این نخستین جلوه گاه عدالت مهدی موعود است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «نخستین چیزی که از عدالت حضرت قائم (عج) آشکار می‌شود، این است که اعلام می‌کند، کسانی که حج یا مناسک مستحب به جامی آورند و حجر الاسود را استلام می‌کنند و طواف مستحبی انجام می‌دهند، آن را به کسانی که حج واجب دارند واگذار کنند». [۴۹۱].

حکومت بر دل‌ها

بدیهی است، حکومتی که در مدتی کوتاه، بر دشواری‌ها چیره گردد و نابسامانی‌ها را از بین ببرد و با برچیدن ناامیدی از دل‌ها، بذر امید در آنها بکارد، از پشتیبانی مردمی برخوردار خواهد شد. نظامی که آتش جنگ‌ها را خاموش کند و امنیت و آسایش را چنان به جامعه بازگرداند که حتی حیوانات نیز از آن بهره‌مند شوند، این چنین حکومتی، حکومت بر دل‌ها خواهد بود و آرزوی انسان‌ها این است که در چنان حکومتی زندگی کنند. از این رو، در روایات از پیوند مردم با امام و علاقه آنان به حکومت آن حضرت با سخنان دلپذیری یاد شده است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «شما را به مهدی، مردی از قریش بشارت می‌دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خوشنودند». [۴۹۲]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «مردی از ائمه من قیام می‌کند که مردم زمین و آسمان او را دوست می‌دارند». [۴۹۳]. صباح می‌گوید: در روزگار حضرت مهدی (عج) خردسالان آرزو می‌کنند که ای کاش بزرگ بودند و بزرگسالان آرزوی کودکی و خردسالی می‌نمایند». [۴۹۴]. شاید برای این آرزوی خردسالی می‌کنند که دوست دارند زمان بیش‌تری را در حکومت آن حضرت به سر برند و خردسالان آرزوی بزرگسالی دارند، زیرا می‌خواهند مکلف باشند و در اجرای برنامه‌های حکومت الهی حضرت ولی عصر (عج) نقش داشته باشند و به پادشاه اخروی دست یابند. حکومت حضرت چنان تأثیری دارد که حتی مردگان نیز از آن بهره می‌برند. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «مردی از فرزندانم ظهور می‌کند که در نتیجه ظهور و حکومتش هیچ مرده‌ای در گور نمی‌ماند، مگر این که گشایش و برکاتی در گور برایش پدید می‌آید و آنان به دیدار یکدیگر می‌روند و قیام قائم را به یک دیگر مژده می‌دهند». [۴۹۵]. در کامل الزیارات [۴۹۶] «الفرحۃ» به معنای شادی و خوش حالی آمده است و آوردن واژه میت در روایت، شایسته دقت است؛ زیرا می‌توان نتیجه گرفت که این گشایش و آسایش همگانی است و ویژه گروه خاصی از ارواح نیست. اگر این روایت را در کنار روایاتی که می‌فرماید: «روح کافران در بدترین شرایط در زنجیر و زندان به سر می‌برند» بگذاریم، معنای این روایت روشن می‌گردد؛ زیرا گویا با ظهور امام، حکم آزادی از عذاب به آنان داده می‌شود و یا حالت «گشایش و رحمتی که در رفتار فرشتگان عذاب نیست»، دگرگون شده برای مدتی هر چند کوتاه به احترام تشکیل حکومت الهی بر روی زمین، از شکنجه روح کافران و منافقان دست می‌کشند.

بایخت حکومت

ابوبصیر می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: «ای ابا محمد! گویا می‌بینم که قائم آل محمد با خانواده‌اش در مسجد سهله فرود آمده است». گفتم: آیا خانه او مسجد سهله است؟ فرمود: «آری؛ همان‌جا که منزلگاه ادریس پیامبر بوده است و هیچ پیامبری برانگیخته نشده، مگر آن که در آن مسجد نماز گزارده است. کسی که در آن اقامت کند، مانند کسی است که در خیمه رسول خدا (ص) بوده است. هیچ مرد و زن مؤمنی نیست، مگر آن که دلش به سوی آن مسجد است. هر شب و روزی که می‌گذرد، فرشتگان الهی به آن مسجد پناه می‌برند و خدا را می‌پرستند. ای ابا محمد! اگر من هم نزدیک شما بودم، هیچ نمازی را جز در آن مسجد به جا نمی‌آوردم. آن‌گاه که قائم ماقیام کند، خداوند انتقام رسولش و همه ما را از دشمنان خواهد گرفت». [۴۹۷]. امام صادق (ع) از

مسجد سهله یاد کرد و فرمود: «آن خانه صاحب ما (حضرت مهدی) است؛ زمانی که با خاندانش در آنجا سکونت گزیند». [۴۹۸] امام باقر (ع) می‌فرماید: «مهدی (عج) قیام می‌کند و به سوی کوفه می‌رود و منزلش را آنجا قرار می‌دهد». [۴۹۹]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند و به کوفه برود، هیچ مؤمنی نیست، مگر آن که در آن شهر در کنار مهدی (عج) سکونت می‌گزیند یا به آن شهر می‌آید». [۵۰۰]. حضرت امیر (ع) در این باره می‌فرماید: «روزگاری فرارسد که این‌جا (مسجد کوفه) نمازگاه و مصلاهی مهدی (عج) گردد». [۵۰۱]. ابوبکر حضرمی می‌گوید: به امام باقر (ع) یا به امام صادق (ع) گفتم: کدام سرزمین پس از حرم خدا و حرم پیامبرش با فضیلت‌تر است؟ فرمود: «ای ابابکر! سرزمین کوفه که جایگاه پاکی است و در آن مسجد سهله قرار دارد و مسجدی که همه پیامبران در آن نماز خوانده‌اند و از آنجا عدالت الهی پدیدار می‌گردد و قائم خداوند و قیام کنندگان پس از او از همان‌جا خواهند بود. آنجا جایگاه پیامبران و جانشینان صالح آنان است». [۵۰۲]. محمدبن فضیل می‌گوید: قیامت بر پا نمی‌شود تا این که همه مؤمنان در کوفه گرد آیند. [۵۰۳]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) نه یا ده سال حکومت می‌کند و خوشبخت‌ترین مردم نسبت به او مردم کوفه هستند». [۵۰۴]. از مجموع روایات چنین فهمیده می‌شود که شهر کوفه پایگاه اصلی فعالیت‌ها و مرکز فرمانروایی امام زمان (عج) است.

کارگزاران دولت مهدی

طبیعی است که در حکومتی که امام مهدی (عج) رهبری آن را به عهده دارد، کارگزاران و مسؤولان حکومت نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند. از این رو، می‌بینیم در روایات ترکیب دولت امام مهدی (عج) را از پیامبران، جانشینان آنان، تقوای پیشگان و صالحان روزگار و امت‌های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر (ص) بیان می‌کند که نام برخی از آنان بدین گونه است: حضرت عیسی (ع)، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی (ع)، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مالک اشتر نخعی و قبیله همدان. از حضرت عیسی (ع) در روایات با واژه‌های گوناگونی مانند وزیر، جانشین، فرمانده و مسؤول در حکومت یاد شده است. عیسی (ع) به حضرت مهدی (عج) می‌گوید: همانا من به عنوان وزیر فرستاده شده‌ام؛ نه امیر و فرمانروا. [۵۰۵]. حضرت عیسی (ع) وزیر حضرت قائم و پرده دار و جانشین آن حضرت است. [۵۰۶]. آن‌گاه عیسی فرود می‌آید و مسؤول دریافت اموال حضرت قائم (عج) می‌شود و اصحاب کهف نیز در پشت سر او خواهند بود. [۵۰۷]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم آل محمد (ص) قیام کند، هفده تن را از پشت کعبه زنده می‌گرداند که عبارتند از: پنج تن از قوم موسی (ع)؛ آنان که به حق قضاوت کرده و با عدالت رفتار می‌کنند، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری و مالک اشتر». [۵۰۸]. در روایتی تعداد آنان بیست و هفت نفر گفته شده است و قوم موسی را چهارده نفر بیان می‌کند [۵۰۹] و در روایت دیگری از مقدار نام برده شده است. [۵۱۰]. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «... سپاهیان در پیشاپیش حضرت مهدی (عج) قرار می‌گیرند و قبیله همدان [۵۱۱] وزیران او خواهند بود». [۵۱۲]. باز هم در این باره چنین آمده است: «مردان الهی با مهدی (عج) همراه هستند؛ مردانی که به دعوت او پاسخ گفته‌اند و او را یاری می‌کنند. آنان وزیران و دولتمردان اویند که بار سنگین مسؤولیت‌های حکومت را بر دوش دارند». [۵۱۳]. ابن عباس می‌گوید: اصحاب کهف، یاران مهدی هستند. [۵۱۴]. حلبی می‌گوید: اصحاب کهف همگی از نژاد عربند و جز به عربی سخن نمی‌گویند. آنان وزیران مهدی هستند. [۵۱۵]. از روایات و سخنان بالا نتیجه می‌گیریم که بار سنگین حکومت و اداره سرزمین‌های پهناور اسلامی را نمی‌توان به دوش هر کس نهاد؛ بلکه افرادی باید این مسؤولیت را بپذیرند که بارها آزمایش شده، شایستگی خود را در آزمایش‌های گوناگون به اثبات رسانده باشند. از این رو، می‌بینیم که در رأس وزیران حکومت مهدی (عج)، حضرت عیسی (ع) قرار دارد که یکی از پیامبران اولوالعزم است. هم‌چنین از جمله مسؤولان برجسته حکومتی او سلمان فارسی، مقداد، ابودجانه و مالک اشتر می‌باشند که شایستگی

سرپرستی کارها را در روزگار پیامبر (ص) و امیرمؤمنان (ع) داشته‌اند و قبیله همدان که برگ‌های درخشانی را در تاریخ اسلام و در روزگار حکومت علی بن ابی طالب (ع) به خود اختصاص داده‌اند، از مسؤولان این حکومتند.

مدت حکومت

درباره مدت حکومت مهدی (عج)، روایات گوناگونی از طریق شیعه و اهل سنت وجود دارد. برخی از روایات، روزگار حکومت امام (ع) را به هفت سال محدود می‌کنند. برخی احادیث دیگر هشت، نه، ده و بیست سال را یادآور می‌گردند و برخی اخبار، حتی تا هزار سال را نیز یادآور گشته‌اند. آنچه مسلم است این که حکومت حضرت مهدی (عج) کم‌تر از هفت سال نیست و در برخی احادیث که از ائمه (ع) رسیده است، بر آن تأکید فراوانی شده است. شاید بتوان گفت: مدت حکومت هفت سال است؛ ولی سالیان آن با سال‌های روزگار ما متفاوت است؛ چنان که در بعضی از روایات آمده است: «حکومت حضرت، هفت سال است و هر سالی به مقدار ده سال از سال‌های شما می‌باشد. پس سالیان حکومت آن حضرت به اندازه هفتاد سال شما خواهد بود». [۵۱۶]. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «حضرت مهدی هفت سال حکومت می‌کند که هر سال آن روزگار، ده سال شما خواهد بود». [۵۱۷]. حضرت رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مهدی (عج) از ماست... و هفت سال سرپرستی کارها را به دست می‌گیرد». [۵۱۸]. نیز می‌فرماید: «آن حضرت هفت سال بر این امت حکومت می‌کند». [۵۱۹]. هم‌چنین آن حضرت می‌فرماید: «مدت عمر - حکومت - مهدی (عج) هفت سال، اگر کوتاه باشد و گرنه هشت یا نه سال خواهد بود». [۵۲۰]. نیز آمده است: «حضرت مهدی (عج) نه سال در این جهان حکومت می‌کند». [۵۲۱]. جابر بن عبدالله انصاری از امام باقر (ع) پرسید: «امام زمان (عج) چند سال زندگی خواهد کرد؟ حضرت فرمود: «از روز قیام تا هنگام وفات، نوزده سال طول می‌کشد». [۵۲۲]. رسول خدا (ص) فرمود: «حضرت مهدی (عج) بیست سال حکومت می‌کند و گنج‌ها را از زمین بیرون آورده، سرزمین‌های شرک را می‌گشاید». [۵۲۳]. نیز می‌فرماید: «مهدی (عج) از فرزندان من است و بیست سال حکومت می‌کند». [۵۲۴]. هم‌چنین آمده است: آن حضرت (عج) ده سال حکومت می‌کند. [۵۲۵]. حضرت علی (ع) در پاسخ این پرسش که مهدی (عج) چند سال فرمانروایی خواهد کرد؟ فرمود: «سی یا چهل سال فرمانروای مردم خواهد بود». [۵۲۶]. امام صادق (ع) فرمود: «حضرت مهدی (عج) از فرزندان من است و عمری برابر عمر ابراهیم خلیل الرحمن خواهد داشت و در هشتاد سالگی ظهور می‌کند و چهل سال فرمانروایی می‌نماید». [۵۲۷]. نیز آن حضرت فرمود: «مدت فرمانروایی حضرت قائم (عج) نوزده سال و چند ماه است». [۵۲۸]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «حضرت قائم (عج) سی صد و نه سال حکومت می‌کند؛ چنان که اصحاب کهف نیز در غار همین اندازه ماندند». [۵۲۹]. مرحوم مجلسی (ره) می‌فرماید: روایاتی را که درباره مدت حکومت امام (ع) آمده است باید به احتمالات زیر توجه کرد: برخی روایات بر تمام مدت حکومت دلالت دارد و برخی بر مدت ثبات و استقرار حکومت. بعضی بر طبق سال‌ها و روزهایی است که ما با آشناییم و بعضی احادیث دیگر بر طبق سال‌ها و ماه‌های روزگار حضرت است که طولانی می‌باشد و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است. [۵۳۰]. مرحوم آیه الله طوسی - پدر بزرگوارم - پس از گفتن این روایات، روایت هفت سال را ترجیح می‌دهد؛ ولی می‌فرماید: بدین معنا که هر سالی به قدرت خدا، به اندازه ده سال از سالیان ما خواهد بود. [۵۳۱].

رشد دانش و فرهنگ اسلامی

اشاره

حکومتی که در رأس آن رهبری مانند مهدی (عج) است که درهای دانش بر روی او گشوده است، آن هم نه تنها به آن اندازه که

بر پیامبران و اولیا گشوده بوده است، بلکه بیش از سیزده برابر آن چه آنان از دانش بهره داشته‌اند، طبعاً از نظر علمی پیشرفتی شکفت‌انگیز خواهد داشت و دگرگونی چشمگیری در جهان دانش و فرهنگ و صنعت پدید خواهد آورد. به سخن دیگر، درک دانش و علمی که امام عصر (ع) بر روی مردم می‌گشاید، قابل‌سنجش با پیشرفتی که بشر از نظر علمی داشته است، نیست و مردم نیز استقبال بیش‌تری به فراگیری دانش نشان خواهند داد تا جایی که حتی زنان جوان که هنوز سنی از آنان نگذشته است، آن‌چنان به کتاب خدا و مبانی مذهب آشنا می‌شوند که به آسانی، حکم خدا را از قرآن کریم استخراج می‌کنند. در بُعد صنعت و تکنیک نیز پیشرفت شکفت‌انگیزی انجام خواهد گرفت. هر چند روایات، جزئیات این پیشرفت را بازگو نکرده است، ولی مجموع، روایاتی که در این باره آمده است، نمایانگر دگرگونی شگرفی در این زمینه است. مانند روایاتی که می‌گوید: شخصی در مشرق برادرش را در مغرب می‌بیند، حضرت را به هنگام سخنرانی، همه جهانیان می‌بینند، یاران حضرت از فاصله دور با هم سخن می‌گویند و سخن یک دیگر را می‌شنوند، چوب تعلیمی و بند کفش با انسان سخن می‌گویند، اشیای درون خانه به انسان گزارش می‌دهند، برای مسافرت بر روی ابر سوار شده، از این سو به آن سو پرواز می‌کنند و نمونه‌های زیادی از این گونه که هر چند برخی از آنها شاید اشاره به اعجاز داشته باشد، ولی با توجه به همه روایات، آن دگرگونی را می‌توان دریافت. روایات، جهان را در روزگار امام عصر (ع) جهانی متمدن و در اوج قدرت و پیشرفت علمی معرفی می‌کند و به‌طور کلی صنعت در آن روزگار با صنعت کنونی فرسنگ‌ها فاصله خواهد داشت؛ چنان که صنعت کنونی با قرن‌های پیشین، تفاوت چشمگیری دارد. فرق بنیادین پیشرفت در روزگار حضرت مهدی (عج) با جهان کنونی در این است که در روزگار ما پیشرفت علم و صنعت در جهت سقوط فرهنگ و اخلاق جامعه بشری است و هر چه انسان‌ها از نظر دانش پیشرفت می‌کنند، از انسانیت بیش‌تر فاصله می‌گیرند و به فساد و تباهی و کشتار رو می‌آورند؛ ولی در روزگار مهدی (عج) این شرایط درست بر عکس شرایط کنونی است و بشر در عین این که به بالاترین رشد علمی و صنعتی می‌رسد، به همان اندازه به تعالی اخلاق و کمال انسانی نزدیک می‌گردد. در حکومت مهدی (عج) با اجرای برنامه‌های آسمانی، آن‌چنان انسان‌ها از نظر شخصیت پرورش می‌یابند که گویی آنان غیر از انسان‌هایی هستند که در گذشته زندگی می‌کرده‌اند. آنان که تا دیروز برای درهم و دیناری، خون نزدیک‌ترین افراد خود را می‌ریختند، در حکومت آن حضرت پول و ثروت آن‌چنان در نظرشان بی‌ارزش و خوار می‌گردد که درخواست کردن آن را نشانه‌ای از پستی و دنائت طبع می‌دانند. اگر تا دیروز حسد و کینه و دشمنی بر آنان چیره بود، در حکومت آن حضرت، دل‌ها به هم نزدیک می‌شود تا جایی که گویی یک جان می‌گردند که در چند کالبد قرار گرفته است. انسان‌هایی که بی‌اراده و سست و ضعیف بودند، دل‌های‌شان قوی و محکم‌تر از آهن سخت می‌شود. آری، حکومت آن حضرت باعث رشد و تکامل خردها و اخلاق است و آن روزگار، روز تکامل یافتن استعدادهاست. آن چه تا دیروز رخ می‌داد، در اثر کوتاه فکری بشر بود و در نظام الهی مهدی (عج) بشریت به نهایت بلوغ خود می‌رسد و اخلاق، اندیشه، آرزو... رنگ کمال و رشد به خود می‌گیرد و این وعده، همان وعده بزرگی است که در حکومت عدل مهدی (عج) تحقق می‌یابد. ارمغانی که هیچ حکومتی در هیچ روزگاری نتوانسته است که آن را به جامعه بشری هدیه کند.

شکوفایی دانش و صنعت

امام صادق (ع) می‌فرماید: «علم و دانش، بیست و هفت حرف است و همه آن چه پیامبران آورده‌اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف با حرف‌های دیگر آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ماقیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده، آن را بین مردم نشر و گسترش می‌دهد. و آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند و مجموع بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می‌سازد». به نقل راوندی در خرائج «جزءاً» بدل از صرفاً می‌باشد. از این روایت استفاده می‌شود که بشر هر چه از نظر علم و دانش پیشرفت کند، در روزگار حضرت مهدی (عج) به یک باره بیش از دوازده برابر رشد و گسترش می‌یابد و با اندکی دقت

درمی یابیم که در روزگار آن حضرت، دانش چه پیشرفت شگفت‌انگیز و خیره‌کننده‌ای خواهد داشت. امام باقر (ع) می‌فرماید: «دانش گاهی به کتاب خداوند عزوجل و سنت پیامبر اکرم (ص)، در قلب مهدی ما می‌روید؛ چنان‌که گیاهی در بهترین کیفیت خود رشد می‌کند. هر کس از شما که تا روزگار ظهور حضرتش باقی بود و او را ملاقات کرد، به هنگام دیدار با ایشان بگوید: سلام بر شما ای خاندان رحمت و نبوت و گنجینه دانش، و جایگاه رسالت!» [۵۳۲]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «این امر (حکومت جهانی اسلام) در شأن کسی است که سن او (به هنگام امامت) از همه ما کم‌تر و یاد او از همه ما دل‌نشین‌تر است. خداوند علم و دانش را به او می‌دهد و هرگز او را به خودش وا نمی‌گذارد». [۵۳۳]. آن حضرت در سخن دیگری می‌فرماید: «امامی که قرآن، دانش و سلاح نزد اوست، از ماست». [۵۳۴]. در این روایت راز پیشرفت و کمال بشریت گفته شده است؛ زیرا پیشوایی می‌تواند جامعه را به سوی خوشبختی و کمال رهبری کند که دارای سه چیز باشد: قانونی الهی که بشر را به سوی کمال هدایت کند؛ دانشی که در جهت رفاه زندگی بشر به کار گرفته شود و قدرت و اسلحه‌ای که مفسدان و موانع تکامل بشریت را از سر راه بردارد و حضرت ولی عصر (ع) به این چند چیز مجهز است. بنابراین، بر جهان حکومت می‌کند و انسان‌ها را علاوه بر این که به رشد علمی و تکنیکی می‌رساند، به تکامل اخلاقی و انسانی نیز می‌رساند. در این‌جا به برخی از روایات که نشان‌دهنده رشد و پیشرفت صنعت و دانش در روزگار حضرت مهدی (عج) است، اشاره می‌کنیم: امام صادق (ع) پیرامون چگونگی ارتباط در روزگار امام عصر (ع) می‌فرماید: «در روزگار حضرت قائم (عج) مؤمن در شرق زمین، برادرش را که در غرب زمین است می‌بیند. هم‌چنین مؤمنی که در غرب است، برادرش را که در مشرق است مشاهده می‌کند». [۵۳۵]. این روایت با توجه به اختراع تلفن‌های تصویری، بیش‌تر قابل درک است؛ روشن نیست که آیا همین روش ارتباطی به گونه‌ای گسترش می‌یابد که در همه جهان، مردم بتوانند از آن استفاده کنند یا این که سیستم پیشرفته‌تری جای آن را می‌گیرد و یا این که مطلب دیگری فوق همه اینهاست. نیز آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، قدرت شنوایی و بینایی شیعیان ما را افزایش می‌دهد؛ به گونه‌ای که از فاصله یک برید (چهار فرسنگ) حضرت با شیعیانش سخن می‌گوید و آنان سخنش را می‌شنوند و حضرت را می‌بینند؛ در حالی که حضرت در جایگاه خودش مستقر است». [۵۳۶]. مفضل بن عمر از امام صادق (ع) پرسید: در چه بقعه و مکانی حضرت مهدی ظاهر می‌شود؟ حضرت پاسخ داد: «هیچ بیننده‌ای نیست که به هنگام ظهور، حضرت را ببیند و دیگران او را نبینند (یعنی به هنگام ظهور همه او را می‌بینند) و اگر کسی جز این مطلب را ادعا کند، تکذیبش کنید». [۵۳۷]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «گویا حضرت قائم (عج) را می‌بینیم، در حالی که زره پیامبر (ص) را بر تن دارد... و اهل سرزمینی نماند، مگر این که حضرت را ببینند؛ به گونه‌ای که گویی حضرتش با آنان در کشورشان است». [۵۳۸]. از این روایت دانسته می‌شود که در روزگار حضرت مهدی (عج) مردم با وسیله‌ای جز آنچه اکنون وجود دارد، حضرت را می‌بینند؛ زیرا در روایت آمده است: «مردم به گونه‌ای او را می‌بینند که گویی حضرت در میان آنان و در کشورشان به سر می‌برد» و در این باره دو احتمال وجود دارد: ۱. سیستم پخش تصویر سه بعدی در آن روزگار در سراسر جهان گسترش می‌یابد. ۲. سیستم پیشرفته‌تری جایگزین آن می‌گردد که به وسیله آن، حضرت را می‌بینند یا آن که حدیث اشاره به اعجاز امام دارد. رسول خدا (ص) درباره چگونگی حمل و نقل در آن روزگار می‌فرماید: «پس از شما اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پای‌شان طی و پیموده می‌شود و درهای جهان به روی‌شان باز می‌گردد... زمین در کم‌تر از یک چشم به هم زدن پیموده می‌گردد؛ به گونه‌ای که اگر کسی از آنان بخواهد شرق تا غرب زمین را در ساعتی بپیمایند، این کار را انجام می‌دهند». [۵۳۹]. درباره پیشرفت وسایل اطلاعاتی به هنگام ظهور حضرت و در حکومت امام زمان (عج) روایاتی آمده است که به ذکر دو روایت بسنده می‌کنیم: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، قیامت بر پا نمی‌شود تا این که کفش یا چوب‌تعلیمی یا عصای شخصی به او خبر دهد که خانواده او پس از خارج شدنش از خانه، چه کاری انجام داده است». [۵۴۰]. امام باقر (ع) درباره اطلاعات در روزگار حضرت مهدی (عج) می‌فرماید: «آن حضرت بدین سبب مهدی نام گرفت که به

امور مخفی هدایت می‌شود تا جایی که افرادی را گسیل می‌دارد تا شخصی را - که مردم او را مجرم و گناهکار نمی‌دانند - به قتل برسانند. میزان آگاهی حضرت از مردم به اندازه‌ای است که اگر کسی در خانه خودش سخنی بگوید: بیم آن دارد که مبادا، دیوارهای خانه‌اش گزارش و شهادت دهند». [۵۴۱]. این روایت ممکن است به پیشرفت خیره کننده سیستم اطلاعاتی در روزگار حضرت اشاره داشته باشد که البته حکومتی که بر سراسر جهان سیطره دارد، نیاز به تشکیلات و سیستم پیچیده اطلاعاتی نیز دارد. هم چنین ممکن است مراد همان ظاهر عبارت باشد که خود دیوار گزارش می‌دهد.

گسترش فرهنگ اسلامی

اشاره

در حکومت مهدی (عج) مردم به گونه بی سابقه‌ای به اسلام روی می‌آورند و روزگار خفقان و سرکوب دین‌داران و ممنوعیت مظاهر اسلامی به سر آمده، در همه جا آوای اسلام‌طلبانند است و آثار مذهب تجلی می‌کند. به تعبیر برخی از روایات، اسلام در هر خانه، کوخ و چادری رخنه می‌کند؛ چنان که سرما و گرما در آن نفوذ می‌نماید. چون نفوذ گرما و سرما اختیاری نیست و هر چند از نفوذ آن جلوگیری کنند، باز هم نفوذ کرده و آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اسلام نیز در این روزگار به همه جا، شهروروستا و دشت و بیابان و با وجود مخالفت قلبی برخی از آنان، رخنه کرده، آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و دگرگون می‌سازد. در چنین شرایطی طبعاً استقبال و پذیرش مردم به مظاهر و شعارهای دینی، بی سابقه خواهد بود. استقبال مردم از آموزش قرآن، نماز جماعت و نماز جمعه چشمگیر خواهد شد و مساجد کنونی و حتی مساجدی که در آینده ساخته می‌شود، برطرف کننده نیاز آنان نخواهد بود. آن چه در روایت است مبنی بر این که در یک مسجد دوازده بار نماز جماعت خوانده می‌شود، خود دلیل روشنی بر اندازه پذیرش مردم نسبت به مظاهر دینی است. این مطلب با توجه به این که به هنگام ظهور امام، جمعیت جهان در اثر کشتار کاهش می‌یابد، قابل توجه است. در آن شرایط نقش اداره یا وزارتخانه‌ای که مسئولیت امور فرهنگی و دینی را دارد، بسیار بزرگ است و به تناسب جمعیت، مساجدی ساخته می‌شود و حتی در جایی لازم می‌شود مسجدی بسازند که پانصد در داشته باشد و یا در روایت هست که کوچکترین مساجد کوفه در آن روزگار، همان مسجد کوفه کنونی است که این مسجد اکنون یکی از بزرگترین مساجد جهان است. در این جا به گسترش آموزش قرآن و معارف، مساجد و رشد معنویت و اخلاق کریمانه از دیدگاه روایات در حکومت حضرت مهدی (عج) می‌پردازیم:

آموزش قرآن و معارف اسلامی

امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «گویا شیعیانم را می‌بینم که در مسجد کوفه گرد آمده‌اند و با برپایی چادرهایی، مردم را به همان ترتیبی که قرآن فرود آمده بود، آموزش می‌دهند». [۵۴۲]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «گویا می‌بینم که شیعیان علی (ع) قرآن‌ها را در دست دارند و مردم را آموزش می‌دهند». [۵۴۳]. اصیغ بن نباته می‌گوید: از علی (ع) شنیدم که می‌فرمود: «گویا عجم (نژاد غیر عرب) را می‌بینم که چادرهایشان در مسجد کوفه برافراشته شده است و به مردم قرآن می‌آموزند؛ به همان گونه که فرود آمده است». [۵۴۴]. این روایت، هویت آموزش دهندگان را روشن می‌کند که از عجم هستند و به گواهی لغت‌شناسان [۵۴۵] مراد از عجم در این جا فارس‌ها و ایرانیان هستند. امام باقر (ع) می‌فرماید: «در روزگار حضرت مهدی (عج) به اندازه‌ای به شما حکمت و فهم داده خواهد شد که یک زن در خانه‌اش، بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) قضاوت می‌کند». [۵۴۶].

ساختن مساجد

حبه عرنی می گوید: امیرمؤمنان به سوی سرزمین «حیره» [۵۴۷] رهسپار شد و فرمود: «...به‌طور حتم، در شهر حیره مسجدی ساخته خواهد شد که پانصد در داشته باشد و دوازده امام‌جماعت عادل در آن نماز جماعت برگزار کنند. گفتم: ای امیرالمؤمنین! این گونه که توصیف می کنی، آیا مسجد کوفه، گنجایش مردم را خواهد داشت؟ فرمود: «چهار مسجد در آن‌جا ساخته می‌شود که مسجد کوفه (فعلی) از همه آنها کوچک‌تر خواهد بود. و این مسجد (حیره که پانصد در دارد) و دو مسجد دیگر که در دو سوی شهر کوفه قرار می‌گیرند، احداث خواهد گشت». آن‌گاه حضرت [۵۴۸] به سوی رودخانه بصرین و رودخانه غربین اشاره کرد. نیز آن حضرت می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) به حرکت خود ادامه می‌دهد... تا این که در قسطنطنیه و نزدیک آن مساجد بسیاری ساخته می‌شود». [۵۴۹]. مفضل می‌گوید: حضرت صادق (ع) می‌فرمود: «هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، در بیرون از شهر کوفه (ظهرالکوفه)، مسجدی خواهد ساخت که هزار در خواهد داشت». [۵۵۰]. شاید مراد از ظهرالکوفه که در روایت آمده است، شهر نجف اشرف باشد؛ چون دانشمندان از نجف به ظهرالکوفه تعبیر کرده‌اند.

رشد معنویت و اخلاق

امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «مردم در روزگار مهدی (عج) به عبادت و دین روی می‌آورند و نماز را با جماعت برگزار می‌کنند». [۵۵۱]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «خانه‌های کوفه به رودخانه کربلا و حیره متصل می‌شود؛ به گونه‌ای که فرد نمازگزار روز جمعه برای شرکت در نماز جمعه سوار بر مرکبی تیزرو می‌شود، ولی بدان نمی‌رسد». [۵۵۲]. شاید این کنایه از افزایش و تراکم جمعیت باشد که مانع شرکت و حضور به هنگام او در نماز جمعه می‌گردد و این که همه نمازگزاران در یک‌جا گرد می‌آیند و بیش از یک نماز جمعه، برگزار نمی‌شود، شاید بر اثر یکی شدن این سه شهر باشد؛ زیرا از نظر شرعی برگزاری بیش از یک نماز جمعه در یک شهر جایز نیست. مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق (ع) می‌فرمود: «هنگامی که قائم ماقیام کند، شخص شب را به صبح می‌رساند، در حالی که نادان، ترسو و بخیل است و به هنگام صبح، داناترین مردم، شجاع‌ترین آنان و بخشنده‌ترین انسان‌هاست و پیروزی پیشاپیش امام در حرکت خواهد بود». [۵۵۳]. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ماقیام کند...، کینه‌های بندگان نسبت به یک‌دیگر از دل‌های‌شان زدوده می‌گردد». [۵۵۴]. نیز پیامبر مکرم اسلام در این باره می‌فرماید: «... در آن روزگار کینه‌ها و دشمنی‌ها از دل‌ها زدوده خواهد گشت». [۵۵۵]. درباره نابودی فساد اخلاقی و انحراف، پیشوای دوم شیعیان می‌فرماید: «خداوند در آخرالزمان مردی را برمی‌انگیزد که کسی از منحرفان و فاسدان نمی‌ماند مگر این که اصلاح گردد». [۵۵۶]. یکی از ویژگی‌های روزگار حضرت مهدی (عج) این است که حرص و طمع از میان می‌رود و روح بی‌نیازی در انسان‌ها پدیدار می‌شود. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «زمانی که حضرت مهدی (عج) قیام کند، خداوند، غنا و بی‌نیازی را در دل بندگانش می‌نهد؛ به گونه‌ای که حضرت اعلام می‌کند، هر کس به مال و ثروت نیاز دارد، بیاید؛ ولی برای آن، کسی پیشقدم نمی‌شود». [۵۵۷]. نکته جالب توجه در این روایت، این است که در حدیث واژه «عباد» به کار رفته است؛ یعنی این دگرگونی روحی به گروه ویژه‌ای اختصاص ندارد؛ بلکه این دگرگونی درونی در همه انسان‌ها پدید می‌آید. هم‌چنین آن حضرت می‌فرماید: «شما را به مهدی (عج) بشارت می‌دهم که به سوی مردم برانگیخته می‌گردد؛ در حالی که زلزله‌ها و اختلاف بر مردم چیره است. آن‌گاه زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ چنان که پر از ستم و جور شده است و ساکنان زمین و آسمان از او خشنودمی‌گردند. خداوند، دل‌های ائمت محمد (ص) را سرشار از بی‌نیازی می‌کند؛ به گونه‌ای که منادی ندا می‌دهد، هر کس به مالی نیاز دارد؛ بیاید (تا نیازش رفع شود) ولی جز یک نفر کسی نمی‌آید. آن‌گاه حضرت مهدی (عج) به او می‌فرماید: «نزد خزینه دار برو و بگو مهدی دستور داده است که به من مال و ثروت بدهی». خزانه دار می‌گوید: دو دستی پول‌ها را جمع کن. او نیز پول‌ها را در دامن خود می‌ریزد؛ ولی هنوز از آن‌جا بیرون نرفته است که از رفتار خویش پشیمان می‌گردد و با خود می‌گوید: چه شد که من طمعکارترین ائمت پیامبر (ص) شدم! آیا کسی که

سبب غنا و بی‌نیازی آنان گشت، از بی‌نیاز کردن من ناتوان است. آن‌گاه باز می‌گردد تا اموال را بازگرداند؛ اما خزانه دار نمی‌پذیرد و می‌گوید: ما چیزی را که بخشیدیم پس نمی‌گیریم!». [۵۵۸]. در روایت جمله یملاً قلوب أمیة محمد به کار رفته است که شایسته دقت است؛ زیرا غنا و بی‌نیازی مطرح نیست؛ بلکه استغنا و بی‌نیازی روح مطرح است و ممکن است انسان فقیر باشد، ولی روحی بی‌نیاز داشته باشد. در این روایت، جمله یملاً قلوب آمده است که می‌رساند قلب‌های آنان پر از حس بی‌نیازی است و افزون بر آن از نظر مالی نیز در وضعیت خوبی به سر می‌برند. درباره رشد خرد، کمال اخلاقی و قوت قلب مردم در روزگار حضرت مهدی (عج) روایاتی رسیده است که به بازگویی چند روایت بسنده می‌کنیم: امام باقر (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم ماقیام کند، دستش را بر سر بندگان خدا می‌گذارد و خرده‌هایشان را جمع کرده (تمرکز می‌بخشد و رشد می‌دهد) اخلاقشان را کامل می‌کند». [۵۵۹] در بحارالانوار «أحلامهم» یعنی آرزوهایشان [۵۶۰] آمده است. امام زمان (عج) چون دستورات اسلامی را به‌طور کامل اجرا می‌کند، باعث رشد فکری مردم می‌شود و هدف پیامبر اکرم (ص) که می‌فرماید: «برای به کمال رساندن اخلاق مردم مبعوث شدم» تحقق می‌یابد. رسول خدا (ص) به حضرت فاطمه (س) می‌فرماید: «خداوند از نسل این دو (حسن و حسین (ع)) شخصی را برمی‌انگیزد که دژهای گمراهی را می‌گشاید و دل‌های سیاه قفل‌خورده را تسخیر می‌نماید». [۵۶۱]. امام باقر (ع) می‌فرماید: امیرمؤمنان (ع) فرمود: «مردی از فرزندانم ظهور می‌کند... و دستش را بر سر بندگان خدا می‌گذارد. آن‌گاه هیچ مؤمنی نمی‌ماند، مگر این که، دلش از پاره‌های بزرگ آهن و سندان محکم‌تر می‌شود و توان چهل مرد را دارد». [۵۶۲]. مردم در روزگار حضرت قائم (عج) فریبندگی دنیا را باور کرده، همه گرفتاری‌ها و گناهان را از آن می‌دانند و از نظر ایمان و تقوا به حدی می‌رسند که دیگر دنیا مایه فریب آنان نمی‌شود. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «زمین بهترین چیزهایی که در دل دارد، بیرون می‌ریزد؛ مانند پاره‌های طلا و نقره. آن‌گاه قاتل می‌آید و چنین می‌گوید: برای اینها دست به قتل زدم و کسی که قطع رحم کرده است؛ می‌گوید: این باعث قطع رحم شده بود. دزد می‌گوید: برای این دستم بریده شد. پس همگی طلا را رها می‌کنند و چیزی از آن بر نمی‌دارند». [۵۶۳]. زید زراد می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: بیم آن داریم که از مؤمنان نباشیم. فرمود: «چرا؟» عرض کردم: چون در میان خود، کسی را نمی‌یابیم که برادر دینی خود را بر درهم و دینارش برتری دهد و می‌بینیم که درهم و دینار در نزد ما برتری دارد بر برادر مؤمنی که میان ما و او را دوستی و ولایت امیرمؤمنان (ع) پیوند زده است. حضرت فرمود: «خیر، شما مؤمن هستید؛ ولی ایمانتان کامل نمی‌گردد، مگر آن که قائم ما ظهور کند. در آن هنگام، خداوند در شما بردباری و شکیبایی پدید می‌آورد و آن‌گاه مؤمن کامل خواهید شد». [۵۶۴].

امنیت

اشاره

در حالی که پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) شرایط ناامنی بر جهان چیره است، یکی از بنیادی‌ترین کارهای حضرت، بازگرداندن امتیت به جامعه است. در حکومت حضرت مهدی (عج) با برنامه ریزی دقیقی که انجام می‌شود، در مدت کوتاهی امتیت در همه زمینه‌ها به جامعه باز می‌گردد و مردم در محیطی پر از امتیت به زندگی خود ادامه می‌دهند؛ امتیتی که بشر در هیچ روزگاری مانند آن را ندیده است. راه‌ها به گونه‌ای امن می‌شود که زنان جوان از جایی به جای دیگر، بدون همراه داشتن محرمی، سفر می‌کنند و از هر گونه تعرض و سوء نظر در امان هستند. مردم در امتیت کامل قضایی به سر می‌برند؛ به گونه‌ای که دیگر کسی از این که ممکن است حقتش پایمال شود، کوچک‌ترین بیمی ندارد. برنامه‌ها و قوانین به گونه‌ای طرح‌ریزی و اجرا می‌شود که مردم خود را در امتیت کامل مالی و جانی می‌بینند. دزدی از جامعه رخت برمی‌بندد و امتیت مالی تا جایی فراگیر می‌شود که اگر کسی

دست در جیب دیگری ببرد، هرگز احتمال دزدی داده نمی‌شود و کار او توجیه می‌گردد. چنان ناامنی از جامعه رخت برمی‌بندد و جایش را به امتیث می‌دهد که حیوانات و جانداران را نیز در برمی‌گیرد؛ به گونه‌ای که گوسفند و گرگ در کنار هم زندگی می‌کنند و کودکان با عقرب و گزندان همبازی می‌شوند؛ بدون این که آسیبی ببینند.

امنیث عمومی

رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید: «هنگامی که عیسی بن مریم از آسمان به زمین آید و دجال را به قتل رساند...، چوپان به گوسفندان خود می‌گوید: برای چرا به فلان مکان بروید و در این ساعت باز گردید! گله گوسفندی میان دو کشتزار می‌شوند؛ ولی هرگز به خوشه‌ای از آن تعدی نمی‌کنند و شاخه‌ای از آن را با پای خود نمی‌شکنند». [۵۶۵]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «... زمین را از عدالت پر می‌کند تا جایی که مردم به فطرت خویش باز می‌گردند. نه خونی به ناحق ریخته می‌شود و نه خوابیده‌ای را بیدار می‌کنند». [۵۶۶]. ابن عباس درباره گسترش امتیث در روزگار مهدی (عج) می‌گوید: حتی در آن عصر، گرگ، گوسفند را نمی‌درد و شیر، گاو را از بین نمی‌برد و مار به انسان آسیبی نمی‌رساند و موش، انبانی را نمی‌جود و به آن دستبرد نمی‌زند. [۵۶۷]. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «هرگاه قائم ماقیام کند، آسمان باران‌های خود را می‌بارد و درندگان با چارپایان از در آشتی وارد می‌شوند و با انسان‌ها کاری ندارند تا جایی که زنی از عراق به شام می‌رود؛ بدون این که درنده‌ای او را نگران سازد و یا از درنده‌ای بترسد». [۵۶۸]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «لشکر مهدی (عج) ارتش «أعور دجال» را نابود می‌سازد زمین را از وجود آن پاک می‌کند. از آن پس، مهدی فرمانروایی شرق و غرب زمین را به دست می‌گیرد و از جابلقا تا جابرسا را می‌گشاید و بر همه کشورها چیره می‌شود و حکومت و فرمانروایی او تثبیت می‌گردد». [۵۶۹]. آن حضرت با مردم به عدالت رفتار می‌کند تا جایی که گوسفند در کنار گرگ به چریدن مشغول است و کودکان با عقرب بازی می‌کنند؛ بدون این که آسیبی به آنان برسد. بدی‌ها از بین می‌رود و نیکی‌ها بر جای می‌ماند. در روایتی آمده است: «قیامت برپا نمی‌شود تا این که حضرت عیسی فرود آید... و گرگ در گله‌ای از گوسفند، همانند سگ گله باشد و شیر در گله شتر، گویی بچه شتر یا جفت آن است». [۵۷۰]. حدیفه می‌گوید: از پیامبر خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: «به هنگام ظهور حضرت قائم...، پرندگان در لانه‌های خود تخم گذاری می‌کنند و ماهیان در دریا». [۵۷۱]. شاید منظور این باشد که آنها احساس امتیث می‌کنند و بدون دغدغه خاطر در لانه و محل زندگی خود تخم گذاری می‌کنند. ابو امامه باهلی می‌گوید: روزی پیامبر خدا (ص) برای ما خطبه خواند و در پایان آن فرمود: «پیشوای مردم در آن روزگار مردی صالح است... در آن عصر به گوسفند و گاو تعدی نمی‌شود و کینه‌ها از سینه‌ها زدوده می‌گردد. افسار را از دهان حیوانات برمی‌دارند (وحیوانات به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کنند تا چه رسد به این که انسان‌ها به حقوق یکدیگر تجاوز کنند). کودک دستش را در دهان درنده می‌گذارد، ولی حیوان آزاری به او نمی‌رساند. بچه حیوان در جلو شیر و درنده انداخته می‌شود و به او آسیبی نمی‌رسد و شیر در میان گله شتر، همانند سگ گله و گرگ در میان گوسفندان، مانند سگ گله است». [۵۷۲]. شاید این روایت کنایه از امتیث کامل و پیدایش جو اطمینان به یکدیگر باشد. نیز آن حضرت می‌فرماید: «روزگاری که عیسی بن مریم به زمین فرود آید و دجال را به قتل رساند، مارها و عقرب‌ها آشکارند و به کسی آزاری نمی‌رسانند». [۵۷۳]. از این احادیث اندازه امتیث مالی و جانی در روزگار حضرت مهدی (عج) به خوبی روشن می‌گردد؛ زیرا چوپانی که گله خود را به بیابان می‌فرستد، از دستبرد انسان‌ها و تعدی درندگان به آنها آسوده خاطر است. انسانی که به سفر می‌رود یا در بین جانوران موذی زندگی می‌کند، از آزار و اذیت آنها در امان است؛ به گونه‌ای که گویا قانون احترام به حقوق دیگران حتی برای حیوانات درنده و حشرات نیز پذیرفته شده است و همه در برابر آن خاضع و تسلیم هستند. شاید مقداری از امتیث بدین سبب باشد که در روزگار آن حضرت نعمت‌های الهی فراوان است و چون همه جانداران نیز از آن نعمت‌ها بهره‌مندند و احساس امتیث می‌کنند، به کسی آسیب نمی‌رسانند. امتیث

عمومی در عصر امام زمان (عج) چنان فراگیر می‌شود که حتی اگر کسی به خواب رود، اطمینان دارد که او را بیدار نمی‌کنند و مزاحم خواب او نمی‌گردند. رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید: «امت مهدی به آن حضرت پناه می‌برند؛ چنان‌که زنبورهای عسل به ملکه خود پناه می‌آورند. آن حضرت زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ چنان‌که (پیش از آن) پر از ستم و جور شده بود؛ به حدی که مردم به فطرت نخستین خود بازمی‌گردند. شخص خوابیده را از خوابش بیدار نمی‌کنند و خون کسی ریخته نمی‌شود».

[۵۷۴].

امنیت راه‌ها

درباره امتیث راه‌ها در حکومت حضرت مهدی (عج) روایات بسیاری رسیده است که به گفتن چند روایت بسنده می‌کنیم: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «حکومت مهدی (عج) به گونه‌ای است که دو زن شبانه حرکت کرده، مسافرت می‌کنند و از بی‌عدالتی و ستم هراسی ندارند». [۵۷۵]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «به یقین خداوند، این امر (دین خود) را به پایان می‌رساند؛ به گونه‌ای که شخص سواره در شب از صنعا به حضرموت مسافرت می‌کند و جز خدا، از کسی ترس ندارد». [۵۷۶]. شاید گفتن نام این دو سرزمین به لحاظ داشتن بیابان‌های ترسناک باشد که گاهی از آن به‌مفازة تعبیر شده است و به دلیل تفأل زدن به پیروزی و جان سالم به در بردن از آن بیابان‌ها می‌باشد. امام باقر (ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند، یاران مهدی آن اندازه می‌جنگند تا خدا به یگانگی پرستیده شود و به او شرک نوزند و تا آن‌جا که پیرزنی سالخورده و ناتوان از این سوی جهان به آن سوی رهسپار شود و کسی متعزّض او نشود». [۵۷۷]. شخصی از حضرت صادق (ع) پرسید: چرا آرزوی ظهور حضرت قائم (ع) را داشته‌باشیم؟ آیا در دوران غیبت مقام والایی داریم؟ حضرت فرمود: «سبحان الله! آیدوست نداری که امام، عدالت را در جهان بگستراند و امتیث را در راه‌ها برقرار کند و باحکم منصفانه با ستم‌دیده رفتار نماید و به او یاری رساند؟» [۵۷۸]. یکی از یاران امام صادق (ع) می‌گوید: روزی ابوحنیفه نزد امام صادق (ع) آمد. حضرت خطاب به او فرمود: «این آیه که می‌فرماید: (سیروا فیها لیالی و آیاماً آمین؛ [۵۷۹] در زمین شبانه روز سیر کنید در حالی که در امان باشید.)» درباره چه سرزمینی است؟ ابوحنیفه گفت: گمان دارم بین مکه و مدینه باشد. حضرت به یارانش رو کرد و فرمود: «آیا می‌دانید که مردم در بین این راه، مورد تعزّض راهزنان قرار می‌گیرند و اموال آنان به غارت برده می‌شود و افراد امتیث ندارند و کشته می‌گردند؟» اصحاب پاسخ دادند: آری، چنین است و ابوحنیفه سکوت کرد. حضرت بار دیگر از او پرسید: «این آیه که خداوند می‌فرماید: (و من دخله کان آمناً؛ [۵۸۰] هر کس در آن وارد شود، در امان خواهد بود). درباره کدام نقطه از زمین است؟» ابوحنیفه گفت: کعبه است. امام فرمود: «آیا می‌دانی که حجاج بن یوسف ثقفی کعبه را برای سرکوبی ابن‌زبیر به منجنیق بست و او را کشت. آیا او در جای امن بود؟» ابوحنیفه سکوت کرد و دیگر سخن نگفت. چون او از جلسه بیرون رفت؛ ابوبکر حضرمی به حضرت عرض کرد: فدایت شوم! پاسخ این دو پرسش چیست؟ امام صادق (ع) فرمود: «ای ابابکر! مراد از آیه اول، همراهی با قائم ما اهل بیت است. نیز سخن خداوند که فرمود: هر کس در آن وارد شود در امان است یعنی کسی که دست بیعت به او دهد و در بیعت حضرتش وارد شود و از یاران و اصحاب حضرتش گردد، در امان خواهد بود». علی بن عقبه از پدرش نقل می‌کند: روزگاری که حضرت قائم ظهور می‌کند، به عدالت حکم می‌نماید و ستم در حکومتش برچیده می‌شود و به سبب وجود آن حضرت راه‌ها و جاده‌ها امن می‌گردد. [۵۸۱]. قتاده می‌گوید: حضرت مهدی (عج) بهترین انسان‌هاست.... در زمان او زمین از چنان امتیثی برخوردار می‌گردد که زنی به همراه پنج زن دیگر، بدون همراه داشتن مردی، به حج می‌روند و از چیزی ترس ندارند. [۵۸۲]. عدی بن حاتم می‌گوید: به یقین روزی فرا می‌رسد که زنی ناتوان، به تنهایی از حیره (در نزدیکی نجف) به زیارت خانه خدا می‌رود و از کسی جز خدا نمی‌ترسد. [۵۸۳].

یکی از اموری که پس از ظهور امام (عج) مطرح است، مجازات افرادی است که جهان را سراسر ناامن کرده، میلیون‌ها کشته و زخمی و معلول بر جای گذاشته‌اند و نابسامانی‌های مادی و معنوی را پدید آوردند. آنان جنایتکارانی هستند که جهان را به آن وضعیت اسفبار کشانده‌اند. پس از ظهور حضرت، تعقیب، دستگیری و محاکمه آنان امری حتمی است؛ زیرا اجرای حدود الهی، یکی از واجبات مهم به شمار می‌رود؛ به ویژه در روزگار حضور امام معصوم و حضرت بقیه‌الله در زمین که طبق کتاب خدا و به دور از هر گونه هواهای نفسانی، حدود اجرایی می‌شود. در آن عصر برای سرپرستی این وظیفه مهم، از افرادی استفاده می‌شود که علاوه بر تسلط کامل بر مبنای اسلامی و فقهی، از نظر پیشینه نیز کم‌ترین ایراد و اشکالی بر آنان وارد نباشد. در روایات به تسلط آنان به کارهای قضایی و پیشینه و ویژگی‌های فردی آنان اشاره شده است که به بازگویی چند روایت در این زمینه می‌پردازیم: امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد (ص) قیام کند، از پشت کعبه هفده نفر را بیرون می‌آورد. پنج نفر از قوم موسی هستند که به حق قضاوت می‌کنند... و هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه و مالک اشتر». [۵۸۴]. ابوبصیر از امام صادق (ع) پرسید: آیا جز این گروه (سی صد و سیزده نفر) افراد دیگری در پشت کعبه نیستند؟ حضرت فرمود: «آری، مؤمنان دیگری نیز هستند؛ ولی این گروه فقها، نجبگان، حاکمان و قاضیانی خواهند بود که پیش رو (سینه) و پشت سرشان را حضرت دست می‌گذارد و مسح می‌کند و در پی آن، هیچ قضاوتی بر آنان دشوار نخواهد بود». [۵۸۵]. در بحارالانوار آمده است: آنان یاوران مهدی و حاکمان روی زمین خواهند بود. [۵۸۶]. صادق اهل بیت (ع) می‌فرماید: «آن گاه که حضرت قائم (عج) قیام کند، برای هر مرز و بومی از زمین، فرمانروایی تعیین می‌کند و به او می‌فرماید: "برنامه کار تو در دست تو است و چنانچه در هنگام انجام وظیفه، مشکلی پیش آمد که حکم آن را ندانستی، به کف دستت بنگر و بر طبق آن چه در آن می‌یابی، رفتار نما". [۵۸۷]. [۵۸۷]. ممکن است فهمیدن حکم مشکلات به وسیله کف دست، کنایه از سرعت ارتباط با حکومت مرکزی و کسب تکلیف برای رفع مشکل باشد یا اشاره به مهارت خیره کننده مسؤولان بر کار داشته باشد که با یک نگاه می‌توانند اظهار نظر کنند و شاید به وسیله معجزه مشکل حل شود که عقل بشر از فهم آن ناتوان است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «پس از ظهور مهدی (عج) هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری نمی‌ماند، مگر آن که حضرت آن را باز می‌ستانند و به صاحب حق می‌دهد». [۵۸۸]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد (ص) قیام کند، به حکم و قضاوت داود پیامبر، قضاوت می‌کند و به شاهد و برهان نیازی ندارد. خداوند (احکام الهی را) به او الهام می‌کند و او نیز بر طبق دانش خود رفتار می‌نماید و بر طبق آن قضاوت می‌کند». [۵۸۹]. جعفر فرزند سیار شامی می‌گوید: اندازه و حدود پس‌گیری حقوق از بین رفته (در روزگار مهدی (عج) بدان اندازه است که اگر حقی از کسی در زیر دندان دیگری باشد، حضرت آن را باز می‌ستانند و به صاحبش باز می‌گرداند. [۵۹۰]. البته این گونه رفتار کردن با حقوق مردم، شایسته دادگاه‌هایی است که در حکومت مهدی (عج) باشند و قاضیان آن افرادی مانند: سلمان، مالک اشتر، بزرگانی از قوم موسی و... باشند و رهبری دستگاه قضایی نیز با خود حضرت باشد. طبیعی است که دیگر جای نگرانی از نبود شدن حقوق، باقی نمی‌ماند؛ هم‌چنان که جمله «اگر زیر دندان دیگری حقی از کسی باشد باز می‌ستانند»، گویای این حقیقت است.

اقتصاد

اشاره

حکومت اگر پشتوانه‌ای از سوی خداوند داشت و احکام و مقررات الهی را در جامعه اجرا کرد، مردم نیز به برکت آن دگرگون می‌گردند و به تقوا و نیکی روی می‌آورند و در نتیجه نعمت‌های خداوند، از همه سوی بر بندگان سرازیر می‌شود. در قرآن کریم

می‌خوانیم: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ [۵۹۱] اگر مردم شهر و دیار ایمان آورند و تقوا پیشه سازند، ما درهای برکات زمین و آسمان را بر آنان می‌گشاییم). در حکومت مهدی (عج) که مردم به اطاعت خداوند روی می‌آورند و بر فرمان حجت‌خدا گردن می‌نهند، دیگر دلیلی ندارد که زمین و آسمان از برکاتش بر بندگان خدا مضایقه کنند. از این رو، باران‌های موسمی شروع به باریدن می‌کند، رودخانه‌ها پر از آب می‌شود، زمین‌ها حاصلخیز می‌گردد و کشاورزی شکوفای‌تر می‌گردد، باغ‌ها سرسبز و پر از میوه می‌شود، بیابان‌هایی مانند مکه و مدینه که هرگز سبزی را به خود ندیده است، به یک‌باره به نخلستان تبدیل می‌گردد و دامداری گسترش می‌یابد. اقتصاد جامعه شکوفا گشته، فقر و تنگدستی رخت بر بسته، آبادانی همه‌جا به چشم می‌خورد و بازرگانی رونقی شایان توجه می‌یابد. در خصوص شکوفایی اقتصادی در روزگار امام عصر (ع) روایات بسیاری رسیده است که در هر زمینه به گفتن چند روایت بسنده می‌کنیم:

شکوفایی اقتصاد و رفاه اجتماعی

اشاره

آنچه از روایات در این زمینه استفاده می‌شود، این است که در اثر بهبود وضع اقتصادی، فقر و تهیدستی از جامعه بشری ریشه کن می‌شود و به شخص نیازمند به اندازه‌ای مال و ثروت داده می‌شود که توان بردن آن را نداشته باشد و وضعیت عمومی جامعه چنان بهبود می‌یابد که دارندگان زکات برای رساندن آن به نیازمندان به رنج می‌افتند.

تقسیم اموال و بخشش دارایی‌ها

امام باقر (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم اهل بیت قیام کند، بیت المال را به گونه‌ای یکسان در میان مردم قسمت کرده، به عدالت در میان مردم رفتار می‌کند. ثروت‌های روی زمین (مانند خمس و زکات) و ثروت‌های زیرزمین (مانند گنج‌ها و معادن) نزد آن حضرت گرد می‌آید. آن‌گاه حضرت به مردم خطاب می‌کند: «بیاید و بگیرید آن چه را که برایش خویشاوندی را قطع می‌کردید و به خونریزی و گناهان دست می‌زدید. او چنان اموال می‌بخشد که کسی پیش از او چنان نکرده است». [۵۹۲]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «در آخر الزمان، خلیفه‌ای ظهور می‌کند که مال را بدون شمارش می‌بخشد». [۵۹۳]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «در روزگار ناامیدی و پیدایش فتنه‌ها، شخصی به نام مهدی ظهور می‌کند که بخشش‌های او بر مردم؛ گوارا خواهد بود». [۵۹۴]. بخشش مهدی (عج) پدران و بدون منت است. بنابراین، گوارا می‌باشد. برخلاف بخشش دیگران که به قیمت بندگی، یا دین فروشی یا گرو گذاشتن آبرو تمام می‌شود. نیز آن حضرت می‌فرماید: «شخصی از قریش پدیدار می‌گردد... و در میان مردم، اموال را تقسیم می‌کند و به سنت پیامبرشان رفتار می‌نماید». [۵۹۵]. در روایتی دیگر می‌فرماید: «مهدی گنج‌های زیرزمین را بیرون آورده، اموال را میان مردم تقسیم می‌کند و اسلام شکوه دوباره خود را باز می‌یابد». [۵۹۶]. هم‌چنین می‌فرماید: «در آخرین دوران امت من، خلیفه‌ای خواهد بود که اموال را مشت‌مشت به مردم می‌دهد و آن را نمی‌شمارد». [۵۹۷]. عبدالله بن سنان می‌گوید: پدرم به امام صادق (ع) گفت: من مقداری از زمین‌های خراجی را در اختیار دارم و در آنها کشت و زرع کرده‌ام. حضرت قدری ساکت ماند؛ آن‌گاه فرمود: «اگر قائم ما قیام کند، سهم تو از زمین بیش از این است». [۵۹۸]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم اهل بیت قیام کند، بیت المال را به گونه‌ای یکسان تقسیم می‌کند و در بین مردم به عدالت رفتار می‌نماید». [۵۹۹]. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «آخرین امامان، هم نام من است. او ظاهر می‌شود و جهان را پر از عدل می‌کند. در حالی که اموال بر هم انباشه شده است، شخصی از او درخواست مال می‌کند. امام (عج) می‌فرماید: خودت از این اموال بردار». [۶۰۰].

ریشه کن شدن فقر از جامعه

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور کند... اموال و زکات‌ها را در کوچه‌ها می‌برند؛ ولی کسی پیدا نمی‌شود که حاضر به دریافت آنها باشد». [۶۰۱]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «مهدی (عج) در اقیانوس خواهد بود و در حکومت او مال و ثروت بر هم انباشته خواهد شد». [۶۰۲]. این حدیث کنایه از رفع نیازمندی‌های جامعه است؛ به گونه‌ای که اموال از موارد مصرف بیش‌تر می‌گردد. به سخن دیگر، دولت حضرت مهدی (عج) نه تنها کسری بودجه ندارد، بلکه در آمد آن بر بودجه‌اش فزونی دارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ماقیام کند... زمین گنج‌های خود را بیرون ریخته، آشکار می‌کند؛ به گونه‌ای که مردم با چشم خود، آن را بر روی زمین می‌بینند و دارندگان زکات سراغ کسی می‌گردند که نیازمند باشد تا زکاتشان را به او بدهند؛ ولی کسی یافت نمی‌شود و مردم - از فضل و بخشش خداوند - از دیگران بی‌نیاز می‌گردند». [۶۰۳]. علی بن عقبه نقل می‌کند: در آن روزگار، کسی جایی را برای دادن صدقات و صرف پول در راه نیک نمی‌یابد؛ زیرا بی‌نیازی همه مؤمنان را فرا گرفته است». [۶۰۴]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «مردم مالیات خود را بر گردن گذاشته، به سوی مهدی می‌روند. خداوند به شیعیان ما در زندگی رفاه و آسایش داده است و آنان در بی‌نیازی به سر می‌برند و اگر لطف و سعادت خداوند آنان را در بر نمی‌گرفت، با آن بی‌نیازی، سرکشی می‌کردند». [۶۰۵]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) سالی دو بار عطایایی به مردم می‌دهد. آن حضرت ماهی دوبار حقوق می‌دهد و بین مردم یکسان رفتار کرده، به گونه‌ای که فرد نیازمند به زکات، در جامعه یافت نمی‌شود. دارندگان زکات، سهم فقیران را نزد آنان می‌آورند؛ ولی آنان نمی‌پذیرند. به ناچار اموال را در کیسه‌های مخصوص پول می‌گذارند و در محله‌های شیعه می‌چرخانند؛ ولی آنان می‌گویند ما را به درهم‌های شما نیازی نیست». [۶۰۶]. از روایات بالا دو نکته دانسته می‌شود: نخست این که مردم در حکومت حضرت مهدی (عج) چنان از نظر فکری رشد می‌کنند که بدون زور و فشار به وظایف خود در همه ابعاد عمل می‌کنند. یکی از آن وظایف، پرداخت مالیات در آمد به دولت اسلامی است. اگر همه مسلمان‌ها خمس در آمد و زکات اموال خود را به حکومت اسلامی پرداخت کنند، رقم بزرگی را پدید می‌آورد و دولت بر هر گونه اقدام اصلاحی و خدمات همگانی قادر می‌شود. دوم این که هر چند بخشش آن حضرت در آن روزگار بی‌حساب است و مردم به شیوه‌های گوناگونی درآمدهایی دارند که آنان را بی‌نیاز می‌کند، ولی آن چه بیش‌تر نظر را جلب می‌کند، بلند طبعی و روح بی‌نیازی در آنان است؛ زیرا چه بسیارند انسان‌های ثروتمندی که طبعی گرسنه و روحی آزمند دارند و چه بسا انسان‌هایی که در عین فقر، از طبعی بزرگ و روحی غنی برخوردارند. مردم در عصر امام زمان (عج) از غنای روحی برخوردارند و این همان دگرگونی معنوی است که در آن عصر پدید می‌آید.

رسیدگی به محرومان و مستضعفان

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «... در آن عصر، مهدی (عج) ظهور می‌کند و او از فرزند این شخص (علی بن ابی‌طالب (ع)) است. خداوند به دست او، دروغ را نابود می‌کند و روزگار سخت را از بین می‌برد و ریسمان بردگی و بندگی را از گردن‌های تان برمی‌دارد». [۶۰۷]. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «آن‌گاه که امام زمان (عج) ظهور کند، هیچ برده مسلمانی باقی نمی‌ماند، مگر آن که حضرت او را خریده، در راه خدا آزاد می‌کند و هیچ بدهکاری نمی‌ماند، مگر آن که حضرت بدهی او را می‌پردازد». [۶۰۸]. امام باقر (ع) می‌فرماید: «وقتی مهدی (عج) ظهور می‌کند، به سوی شهر مدینه می‌رود و هر کس از بنی‌هاشم را که در آنجا زندانی باشد، آزاد می‌کند». [۶۰۹]. سپس ابن‌ارطاه می‌گوید: او به کوفه می‌رود و بنی‌هاشم را از زندان‌های آنجا آزاد می‌سازد. طاووس یمانی می‌گوید: ویژگی مهدی (عج) این است که نسبت به فرمانروایان و کارگزاران خود سختگیر است و در بخشش مال دستی باز

دارد و نسبت به بیچارگان و بینوایان و مسکین‌ها مهربان و با عطوفت است. [۶۱۰]. ابورؤبه می‌گوید: مهدی به دست خود به بینوایان عطایایی می‌بخشد. [۶۱۱]. احتمال دارد منظور این باشد که حضرت در عطا و بخشش، به محرومان و بینوایان توجه ویژه‌ای دارد و به آنان اموال بیش‌تری می‌بخشد و افزون بر حقوقی که هر مسلمان از بیت‌المال دارد، به آنان هر مقدار که صلاح بدانند، می‌بخشد.

عمران و آبادانی

هنگامی که به عظمت و اهمیت عمران و آبادانی در حکومت امام زمان (عج) پی می‌بریم که میزان ویرانی را پیش از ظهور در نظر بگیریم. آری، جهانی که گرفتار جنگی ویرانگر شده، طعمه هواهای نفسانی قدرت طلبان گشته، مدت‌ها در آتش جنگ سوخته، کشته‌ها و ویرانی‌هایی به جای گذاشته است، نیاز بیش‌تری به آبادانی دارد و حکومت مهدی (عج) به اصلاح آن ویرانی‌ها می‌پردازد و عمران و آبادانی را در سراسر جهان چشمگیر می‌کند. علی (ع) می‌فرماید: «مهدی (عج) یاران خود را به سرزمین‌های گوناگون می‌فرستد. یارانی را که در آغاز قیام با او عهد و پیمان بستند، به سوی شهرها روانه می‌سازد و آنان را به عدل و احسان سفارش می‌نماید. هر یک از آنان فرمانروای سرزمینی می‌گردد و پس از آن، همه شهرهای جهان با عدل و احسان آباد می‌گردد». [۶۱۲]. امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید: «در زمان حکومت مهدی (عج) در روی زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند، مگر آن که آباد می‌گردد». [۶۱۳]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «پس از آن که حضرت مهدی (عج) وارد کوفه می‌شود... گروهی را مأمور می‌کند تا از پشت آرامگاه امام حسین (ع) (بیرون شهر کربلا) رودخانه‌ای به سوی غریبن حفر کنند تا آب به سوی شهر نجف سرازیر شود و بر روی آن رودخانه، پل‌هایی می‌سازند». [۶۱۴]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند...، خانه‌های کوفه به رودخانه کربلا- و حیره متصل می‌گردد». [۶۱۵]. این روایت از گسترش آبادانی شهر کوفه خبر می‌دهد که از یک سو به حیره - که اکنون حدود شصت کیلومتر از کوفه دور است - و از سوی دیگر، به کربلا متصل می‌شود که آن نیز همین مقدار از کوفه فاصله دارد. حبه عرنی می‌گوید: امیرمؤمنان (ع) به شهر حیره رفت و در آنجا در حالی که با دستش به کوفه اشاره می‌کرد، فرمود: «به‌طور حتم خانه‌های شهر کوفه به شهر حیره متصل می‌شود و تا اندازه‌ای رشد می‌کند که هر یک ذراع [۶۱۶] (متر) از زمین این دو شهر به دینارها و قیمت گرانی خرید و فروش می‌شود». [۶۱۷]. شاید گسترش کوفه و گرانی زمین آن بدین دلیل باشد که آنجا پایتخت حکومت اسلامی خواهد بود و طبق روایاتی، مؤمنان به آنجا خواهند رفت. هم‌چنین در روزگار حضرت مهدی (عج) راه‌ها و جاده‌ها گسترش می‌یابد و مقدرات ویژه‌ای در این زمینه وضع می‌شود. امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، به شهر کوفه می‌رود... آن‌گاه هیچ مسجدی بر روی زمین نمی‌ماند که شرفه (ایوان و کنگره داشته باشد یا بر خانه‌های دیگر مشرف باشد) مگر آن که آن را ویران می‌سازد و آن را به شکلی قرار می‌دهد که مُشرف نباشد و راه‌های اصلی را گسترش می‌دهد». [۶۱۸]. امام کاظم (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، به آگاهی دارندگان مرکب می‌رساند که از میان جاده و خیابان حرکت کنند؛ چنان‌که به افراد پیاده دستور می‌دهد که ازدو سوی خیابان حرکت نمایند. پس هر سواره‌ای که از کنار خیابان حرکت کرد و به کسی آسیب رساند، او را به پرداخت دیه و خون‌بها ملزم می‌کند و چنان‌چه فردی پیاده در میان خیابان حرکت کرد و دچار آسیب شد، حق گرفتن دیه را ندارد». [۶۱۹]. از این روایت می‌فهمیم که شهرها چنان گسترش می‌یابد و وسائل عبور و مرور چنان فراوان می‌گردد که نه تنها برای وسائل نقلیه، بلکه برای عابران پیاده نیز قانون وضع می‌شود. آری، حکومتی که از دانش و صنعت بهره می‌گیرد و راه‌های اصلی را گسترش می‌دهد و خیابان‌های پهناور احداث می‌کند، به یقین در کنار آن برای رانندگی نیز قوانینی با ضمانت اجرایی قوی وضع می‌کند.

اشاره

یکی از بخش‌هایی که در حکومت امام زمان (عج) دگرگونی شایان توجه پیدا می‌کند، بخش کشاورزی و دامداری است. پس از آن که مردم طعم تلخ کمبود باران و خشکسالی‌های پی‌پی و کمبود مواد غذایی و نابودی کشتزارها را چشیده‌اند و زمانی که از دام و دامپروری خبری نیست و برای تهیه لقمه نانی گاهی باید گران‌بهاترین چیز یعنی ناموس و آبرو را فدا کرد، دگرگونی شگفت‌انگیزی در کشاورزی و دامداری پدید می‌آید و مواد غذایی در جامعه فراوان می‌گردد. پیش از ظهور امام اگر گاهی باران می‌بارید، ولی زمین پذیرای آن نبود و گاهی که زمین پذیرای آن بود، باران نمی‌بارید و محصولات کشاورزی نابود می‌گشت و گاهی نیز باران نا به‌هنگام محصولات را از بین می‌برد. در زمان حضرت وضعیت بارندگی دگرگون می‌گردد. نخست بارانی می‌بارد که مردم در سراسر زندگانی ندیده‌اند و پس از آن نیز به موقع رحمت الهی بر انسان‌ها سرازیر می‌شود و در نتیجه نعمت‌های خداوند بر انسان‌ها فراوان می‌شود؛ به گونه‌ای که گویی محصول ده‌ها سال را در یک روز گرد می‌آورند و در روایات آمده است که از یک من (سه کیلوگرم) گندم، صد من محصول به عمل می‌آید. روایات از باریدن بیست و چهار باران خبر می‌دهند که پس از ظهور فرو می‌ریزند و در پی آن برکات بسیاری شامل حال مردم می‌شود. سبزی و خرمی، کوه و دشت و صحرا را فرا می‌گیرد و بیابان‌های بایر و همیشه خشک، اثری از خشکی نخواهند داشت و نعمت‌های الهی آن‌چنان فراوان می‌شود که مردم برای مردگان خود آرزوی زندگانی دوباره می‌کنند.

فراوانی باران

رسول خدا (ص) فرمود: «آسمان بر آنان باران‌های فراوانی می‌بارد». [۶۲۰]. در روایت دیگری می‌فرماید: «خداوند برای او (مهدی) برکت را از آسمان فرو می‌فرستد». [۶۲۱]. نیز می‌فرماید: «زمین را عدل و داد فرا می‌گیرد و آسمان بارانی می‌بارد و در نتیجه، زمین محصول خود را پدیدار می‌سازد و امت من در حکومت آن حضرت از نعمتی برخوردار می‌شوند که هرگز مانند آن را ندیده‌اند». [۶۲۲]. امیرمؤمنان (ع) در این باره می‌فرماید: «خداوند بزرگ، به سبب وجود ما آفرینش را آغاز کرد و به سبب وجود ما نیز ختم می‌کند. آن چه را بخواهد، به وسیله ما نابود می‌گرداند و با ما آن چه را بخواهد، استقرار می‌بخشد. به وجود ما روزگار سخت را برطرف می‌سازد و به سبب ما باران فرو می‌فرستد، پس فریبکاری شما را از راه خدا نفریبد. از روزی که خداوند درهای آسمان را بست، قطره‌ای باران از آن نبارید و اگر قائم ما قیام کند، آسمان باران رحمت خود را فرو می‌فرستد». [۶۲۳]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که روزگار ظهور حضرت قائم فرا رسد، در جمادی‌الثانی و ده روز از ماه رجب بارانی می‌بارد که مردم مانندش را ندیده باشند». [۶۲۴]. سعید بن جبیر می‌گوید: در سالی که حضرت مهدی (عج) در آن قیام می‌کند، بیست و چهار بار باران می‌بارد که آثار و برکات آن آشکار خواهد بود. [۶۲۵]. درباره فراوان شدن آب در عصر حضرت قائم (عج)، رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «در دولت او (مهدی (عج)) آب‌ها فراوان می‌شود و آب رودخانه‌ها بالا می‌آید». [۶۲۶]. در روایتی دیگر می‌فرماید: «... رودخانه‌ها پر از آب می‌شود و چشمه سارها به جوشش آمده، لب ریز می‌گردد و زمین چند برابر محصول می‌دهد». [۶۲۷].

فراوانی محصولات کشاورزی

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «خوشا به زندگی، پس از آن دوران که مسیح (ع) دجال را می‌کشد؛ زیرا به آسمان اذن بارش و به زمین اجازه رویدن داده می‌شود. اگر دانه‌ای بر روی کوه صفا گذارده شود، حتماً خواهد روید. در آن روزگار، کینه و حسادتی

نخواهد بود؛ به گونه‌ای که اگر شخصی از کنار شیری بگذرد به او آسیبی نمی‌رساند و اگر بر مار پا گذارد، او را نمی‌گذد». [۶۲۸]

نیز آن حضرت می‌فرماید: «امت من در دوران مهدی (عج) به نعمت‌هایی می‌رسند که هرگز مانندش دیده نشده است و هیچ مؤمن یا کافری به‌چنان نعمتی نرسیده است. آسمان، بارانش را پی در پی می‌فرستد و زمین نیز چیزی از گیاهان را در خود نگه نمی‌دارد؛ بلکه آن را بیرون می‌فرستد». [۶۲۹]. رسول خدا (ص) پیرامون آمادگی زمین در عصر مهدی (عج) می‌فرماید: «زمین همانند نقره‌ای که پس از جوشش آرام می‌گیرد، آماده کشت می‌شود و گیاهانش را می‌رویاند؛ هم‌چنان که در زمان حضرت آدم (ع) بود». [۶۳۰]

نیز آن حضرت درباره برکت محصولات و خوب عمل آمدن آنها می‌فرماید: «... یک دانه انار چندین نفر را سیر می‌کند [۶۳۱] و یک خوشه انگور را چندین نفر می‌خورند (وسیر می‌گردند)». [۶۳۲]. علی (ع) می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) شرق و غرب زمین را تسخیر می‌کند... بدی‌ها و ناراحتی‌ها را برطرف می‌سازد و خیر و نیکی جایگزین آن می‌گردد؛ به طوری که یک کشاورز گندم و جو از هر مَن (سه کیلوگرم) گندم، صد مَن محصول به دست می‌آورد؛ همان‌گونه که خداوند فرمود: [۶۳۳] «در هر سُنْبلِ صد دانه به عمل می‌آید و خداوند برای هر کس که اراده نماید، زیاده‌تر می‌کند». [۶۳۴]. نیز می‌فرماید: «مهدی (عج) کارگزاران خود را در شهرها به عدالت بین مردم سفارش می‌کند... کشاورز در آن عصر یک مُد [۶۳۵] کشت می‌کند و هفت صد مُد محصول به دست می‌آورد؛ چنان‌که خداوند تعالی فرمود و هم‌چنان خداوند این مقدار را بیش‌تر می‌کند». [۶۳۶]. درباره باروری درختان می‌فرماید: «در زمان مهدی (عج) درختان بار می‌گیرند و برکت‌ها فراوان می‌گردد». [۶۳۷]. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ماقیام کند، آسمان، بارانش را فرو می‌ریزد و زمین گیاهش را می‌رویاند؛ به گونه‌ای که یک زن از عراق پیاده به شام می‌رود و در سراسر راه جز بر سبزی و بوته گام نمی‌گذارد». [۶۳۸]. شاید حضرت این منطقه را به عنوان مثال بیان می‌فرماید و باید توجه داشت که وضعیت جغرافیایی این منطقه به گونه‌ای است که اکنون در این مسیر جز خارهای بیابانی چیز دیگری یافت نمی‌شود. شاید نام بردن از این منطقه برای این باشد که در عصر حضرت مهدی (عج) همه زمین‌های بایر، تبدیل به زمین‌های کشاورزی می‌شود. در همین رابطه پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی در امت من ظاهر می‌شود، زمین محصول، میوه و گل‌های خود را می‌رویاند و آسمان بارانش را فرو می‌ریزد». [۶۳۹]. امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه (مدهامتان؛ دو برگ سبز) می‌فرماید: «بین مکه و مدینه را درخت‌های خرما به هم متصل می‌کند». [۶۴۰]. نیز آن حضرت می‌فرماید: «... به خدا سوگند، پس از خروج دجال، کشاورزی خواهد شد و درخت کاشته می‌شود». [۶۴۱]. و به نقل شیخ طوسی در تهذیب «کشاورزی می‌کنیم و درختان را می‌کاریم». [۶۴۲].

گسترش دام پروری

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «در روزگار پایانی زندگانی امت من، حضرت مهدی ظهور می‌کند... و دام و گوسفند فراوان می‌گردد». [۶۴۳]. نیز می‌فرماید: «در آن عصر گله‌های دام وجود دارند و به زندگی ادامه می‌دهند». [۶۴۴]. در سخن پیامبر (ص) نکته‌ای وجود دارد و آن این است که گویا پیش از آن عصر، در اثر کمبود آب و علوفه و گسترش بیماری‌ها، دام‌ها نمی‌توانستند به زندگانی ادامه دهند. نیز آن حضرت می‌فرماید: «پس از کشته شدن دجال، خداوند به گله‌ها برکت می‌دهد؛ به گونه‌ای که بچه شتری (که در سن آمادگی برای بارداری است) گروهی از مردم را سیر می‌کند و گوساله‌ای، غذای قبیله‌ای را فراهم می‌سازد و بزغاله‌ای، برای سیر کردن گروهی کافی است». [۶۴۵].

بازرگانی

رشد و گسترش بازرگانی در کشور و جامعه، نشانه شکوفایی اقتصاد و ثروتمند بودن آن جامعه می‌باشد؛ هم‌چنان که تعطیل شدن بازارها و کساد بازرگانی نشانه فقر جامعه است. از آن‌جا که در حکومت امام عصر (عج) مردم در وضعیت اقتصادی خوبی به‌سرمی‌برند، بازرگانی رونق می‌گیرد و بازارها فعال می‌شوند. رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید: «از نشانه‌های قیامت (ظهور مهدی (عج)) این است که مال و ثروت همانند سیل در میان مردم به جریان می‌افتد، علم و دانش ظاهر می‌شود و بازرگانی گسترش یافته، شکوفا می‌گردد». [۶۴۶]. عبدالله بن سلام می‌گوید: مردم پس از خروج دجال، چهل سال زندگی می‌کنند و نخل‌ها می‌نشانند و بازارها بر پا می‌گردد. [۶۴۷].

بهداشت و درمان

اشاره

یکی از مشکلات جامعه، پیش از ظهور امام زمان (عج)، کاهش بهداشت و درمان است که در نتیجه گسترش بیماری‌هایی واگیر و مرگ‌های ناگهانی را در سراسر جهان در پی دارد. گسترش بیماری‌هایی مانند جذام، طاعون، فلج، کوری، سکنه و صدها بیماری خطرناک دیگر آن‌چنان زندگانی مردم را مورد تهدید قرار می‌دهد که گویی همگان به انتظار مرگ حتمی خود نشسته‌اند و هرگز امیدی به زندگی ندارند. شب که به بستر می‌روند، امید زنده ماندن تا صبح و برخاستن از خواب در آنان نیست و آن‌گاه که از خانه بیرون می‌روند، امیدی به بازگشت خود ندارند. این اوضاع دلخراش و دردناک، در اثر آلودگی محیط زیست و در نتیجه به کارگیری سلاح‌های شیمیایی، اتمی و میکروبی پدید می‌آید یا افزایش اجساد کشتگان و دفن نشدن آنان و متعفن شدنشان، عامل آن بیماری‌ها می‌شود و یا بر اثر دیگر بیماری‌های روانی و روحی است که از ناامنی و از دست دادن عزیزان پدید می‌آید و شاید نیز معلول همه اینها و چیزهایی است که ما از آن آگاهی نداریم. حکومت حضرت مهدی (عج) در آن شرایط، نور امیدی در دل انسان‌های بلازده و دردمند آن عصر، برای نابودی آن وضعیت و به ارمغان آوردن تندرستی برای جامعه بشری است و این درست همان چیزی است که حکومت امام زمان (عج) در آن زمینه انجام می‌دهد. در این‌جا به بازگویی چند روایت درباره وضعیت بهداشت و درمان، پیش از ظهور می‌پردازیم و آن‌گاه روایاتی را درباره کوشش‌های حضرت حجت (ع) در تأمین بهداشت و درمان جامعه بیان می‌داریم:

گسترش بیماری‌ها و مرگ‌های ناگهانی

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «از نشانه‌های نزدیک شدن قیامت و رستاخیز این است که یک مرد بدون درد و بیماری می‌میرد». [۶۴۸]. در روایتی دیگر می‌فرماید: «در نزدیکی قیامت (ظهور مهدی (عج)) صاعقه‌ها (رعد و برق‌ها که باعث آتش گرفتن و سوختن می‌شود) فراوان و پیاپی خواهد بود؛ به گونه‌ای که وقتی شخصی نزد خویشاوندان خود یا گروهی می‌رود و می‌پرسد، دیروز چه کسی از شما دچار صاعقه شد و سوخت؟ جواب می‌شود: فلانی و فلانی...». [۶۴۹]. صاعقه به معنای بی‌هوش شدن و از بین رفتن خرد در اثر شنیدن صدای ترسناک و نیز به معنای آتش گرفتن و سوختن آمده است. از این رو، اشخاصی که دچار صاعقه می‌شوند یا عقلشان را از دست می‌دهند یا بر اثر آتش صاعقه، سوخته [۶۵۰] و تبدیل به خاکستر می‌شوند. البته ممکن است صاعقه در اثر انفجار گلوله سلاح‌های پیشرفته آن عصر باشد که هم صدای وحشتناک و هم آتشی سوزنده دارند؛ به گونه‌ای که هر کس در نزدیکی آن باشد، به خاکستر تبدیل می‌گردد و آثاری که بر انسان‌ها به‌جا می‌گذارد، جز بیماری نیست و این سه بیماری و بلا تنها از آثار سلاح‌های ویرانگر می‌باشد. حضرت رسول (ص) در روایتی دیگر می‌فرماید: «به هنگام نزدیک شدن قیامت و رستاخیز،

مرگ‌های شدید و در پی آن سال‌های پرزلزله خواهد بود». [۶۵۱]. امیرمؤمنان (ع) در این باره می‌فرماید: «پیش از ظهور قائم (عج) دو گونه مرگ فراوان می‌گردد: مرگ سرخ و مرگ سفید که مرگ سفید، همان گسترش طاعون است». [۶۵۲]. امام صادق (ع) می‌فرماید: «از نشانه‌های قیامت و رستاخیز، گسترش بیماری فلج و مرگ‌های ناگهانی است». [۶۵۳]. امام کاظم (ع) از قول پیامبر (ص) می‌فرماید: «پیدایش مرگ‌های ناگهانی، جذام و بواسیر، از نشانه‌های نزدیک شدن قیامت و رستاخیز است». [۶۵۴]. در کتاب بیان الائمہ آمده است: از نشانه‌های نزدیک شدن ظهور مهدی (عج) گسترش بیماری وبا و طاعون در سراسر جهان، به ویژه در بغداد و شهرهای پیرامون آن است که در نتیجه گروه بسیاری از مردم نابود می‌گردند. [۶۵۵].

بهداشت

شکوفایی شگفت‌انگیز دانش‌ها، به ویژه علم بهداشت و درمان در عصر حکومت مهدی (عج) و بهره‌گیری از آن برای گسترش بهداشت در جامعه و فرونشستن شعله‌های جنگ و پیدایش آرامش روانی و تأمین بهداشت روحی با اصلاح شدن انسان‌ها و نیز گسترش کشاورزی و دامداری و تأمین تغذیه در حدّ مطلوب، از جمله عواملی است که بهداشت را در روزگار امام عصر (ع) به حدّ بالا و ایده آل خود می‌رساند و چنان می‌شود که وضعیت جسمی مردم دگرگون می‌گردد و عمر آنان طولانی می‌شود؛ به گونه‌ای که گاهی یک شخص هزار فرزند، نوه و... خود را می‌بیند و آن‌گاه چشم از جهان فرو می‌بندد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هنگامی که عیسی (ع) از آسمان فرود آمد و دجال را کشت و شب، هنگامی که در صبح آن، خورشید از مغرب طلوع کند (نه از سوی مشرق) تاچهل سال زندگی پربار و آسوده‌ای خواهید داشت و در این مدّت نه کسی می‌میرد و نه بیمار می‌شود». [۶۵۶]. شاید منظور از این سخن، آن باشد که مرگ‌ها و بیماری‌هایی که پیش از ظهور حضرت، گسترش یافته، در دوران حضرت به اندازه‌ای اندک و ناچیز است که می‌توان آن را در حکم عدم دانست و شاید معنای ظاهری مراد باشد؛ یعنی در این مدّت مرگ و بیماری وجود نداشته باشد و آن به دلیل مقدم مبارک حضرت بقیه الله الاعظم است. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «در حکومت مهدی (عج)... عمرها طولانی می‌شود». [۶۵۷]. مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: «هنگامی که قائم ماقیام کند... مردم در سایه فرمانروایی او، عمری دراز خواهند داشت؛ به گونه‌ای که برای هر شخص هزار فرزند متولد می‌شود». [۶۵۸]. امام سجاد (ع) در این باره می‌فرماید: «هنگامی که قائم ماقیام کند، خداوند عزّوجلّ، بیماری و بلا را از شیعیان ما دور می‌سازد و قلب‌هایشان را همانند آهن‌های محکم قرار می‌دهد و توان و نیروی هر یک از آنان را برابر نیروی چهل مرد می‌گرداند و آنان فرمانروایان روی زمین و بزرگان آن می‌شوند». [۶۵۹]. امام باقر (ع) درباره بهداشت محیط زیست در حکومت امام زمان (عج) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ماقیام کند... چاه‌های فاضلاب و ناودان‌هایی را که در مسیر راه‌هاست، از بین می‌برد». [۶۶۰]. حفظ بهداشت شهرها و محیط جامعه، از وظایف حکومت‌هاست. بنابراین، باید از هر عاملی که سبب به خطر افتادن بهداشت محیط زیست می‌شود، جلوگیری گردد. ریختن فاضلاب خانه‌ها در کوچه‌ها و احداث چاه‌های توالی و دستشویی در بیرون از خانه‌ها - چنانچه در برخی از شهرها و روستاها مرسوم است - سبب نابودی بهداشت محیط زیست می‌شود. از این رو، می‌بینیم که یکی از کارهای حضرت مهدی (عج) جلوگیری از این گونه تخلفات بهداشتی می‌باشد.

درمان

چون در روزگار حضرت مهدی (عج) بهداشت در حدّ مطلوب آن وجود دارد، بیماری‌ها کاهش یافته، تعداد اندکی از افراد به بیماری‌های گوناگون دچار می‌شوند؛ ولی دانش پزشکی نیز در آن عصر در اوج پیشرفت خود می‌باشد و بیماران گوناگون در کوتاه‌ترین مدّت معالجه می‌شوند. افزون بر این که حضرت با یاری الهی بیماران غیر قابل درمان را نیز خود بهبود می‌بخشد و

می‌توان گفت: در حکومت حضرت بیماری یافت نمی‌شود. امام حسین (ع) درباره حکومت مهدی (عج) می‌فرماید: «هیچ نابینا، زمین گیر و دردمندی بر روی زمین نمی‌ماند، مگر آن که خداوند درد او را برطرف می‌سازد». [۶۶۱]. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «... آن گاه قائم ما که پنهان و مخفی است، ظاهر می‌شود در حالی که جبرئیل پیشاپیش او و کتاب خدا در پیش روی اوست. آن حضرت بیماران پیسی و خوره را شفا می‌بخشد». [۶۶۲]. از این روایت استفاده می‌شود که حضرت مهدی (عج) خود در درمان بیماری‌های غیرقابل درمان، نقش اساسی دارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خداوند بیماری‌ها را از مؤمنان دور می‌سازد و تندرستی را به آنان باز می‌گرداند». [۶۶۳]. امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید: «هر کس قائم اهل بیت مرا درک کرد، اگر به بیماری دچار باشد، شفا می‌یابد و چنان که دچار ناتوانی باشد، توانا و نیرومند می‌گردد». [۶۶۴]. در کتاب خصال شیخ صدوق آمده است: «روزگار حضرت مهدی (عج) بیماری برطرف می‌شود و آنان (مؤمنان) مانند پاره‌های آهن می‌گردند». [۶۶۵].

شهادت یا رحلت امام

اشاره

درباره شهادت یا رحلت حضرت (ع)، روایات گوناگونی رسیده ولی با توجه به سخن امام حسن مجتبی (ع) که می‌فرماید: «هیچ یک از ما امامان نیست، جز آن که مسموم یا شهید می‌شود». [۶۶۶] می‌توان روایاتی را که دلالت بر شهادت حضرت (ع) دارد، بر دیگر روایات ترجیح داد. در این جا تنها به بازگویی چند روایت بسنده می‌کنیم: ۱. امام صادق (ع) در دنبال آیه شریفه (ثم ردنا لکم الکرزۃ علیهم) [۶۶۷] می‌فرماید: «مقصود زنده شدن دوباره امام حسین (ع) و هفتاد نفر از اصحابش در عصر امام زمان است؛ درحالی که کلاه خودهای طلایی بر سر دارند و به مردم، رجعت و زنده شدن دوباره حضرت حسین (ع) را اطلاع می‌دهند تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند. این در حالی است که حضرت حجت در میان مردم است. چون معرفت و ایمان به حضرتش در دل‌های مردم استقرار یافت، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می‌رسد. پس حضرت امام حسین (ع) متولّی غسل و کفن و حنوط و دفن ایشان خواهد شد و هرگز غیر از وصی، وصی را تجهیز و آماده خاک سپاری نمی‌کند». [۶۶۸]. زهری می‌گوید: حضرت مهدی (عج) چهارده سال زندگی می‌کند؛ سپس به مرگ طبیعی به جوار حق می‌رود. [۶۶۹]. ارطاة می‌گوید: به من (خبر) رسیده است که حضرت مهدی (عج) چهل سال زندگی می‌کند؛ سپس به مرگ طبیعی در بستر خود می‌میرد. [۶۷۰]. کعب الاحبار می‌گوید: منصور این امت مهدی است و ساکنان زمین و پرندگان آسمان بر او درود می‌فرستند. اوست که در جنگ با روم و جنگ‌های عظیم مورد آزمایش قرار می‌گیرد و این آزمایش بیست سال طول می‌کشد و حضرتش به همراه دو هزار نفر از فرماندهان پرچم‌دار، به شهادت می‌رسند؛ سپس هیچ مصیبتی پس از مصیبت فقدان رسول الله (ص) بر مسلمانان گران‌تر از شهادت حضرت مهدی (ع) نخواهد بود. [۶۷۱]. البته سخنان زهری و ارطاة و کعب از نظر ما مورد اعتماد نیست؛ مگر آن که شاهد صدق داشته باشد.

چگونگی شهادت امام

در الزام الناصب درباره چگونگی شهادت حضرت آمده است: «هنگامی که سال هفتاد به پایان آید و مرگ حضرت فرا رسد، زنی به نام سعیده از طایفه بنی تمیم، ایشان را به شهادت می‌رساند. ویژگی آن زن، این است که همانند مردها محاسن و ریش دارد. او از بالای بام، به هنگامی که حضرت در حال عبور است، سنگی به سوی ایشان پرتاب می‌کند و آن حضرت را به شهادت می‌رساند. چون حضرت رحلت می‌کند، امام حسین (ع) مراسم غسل، کفن و دفن آن حضرت را عهده دار می‌شود». [۶۷۲]. البته جز در این

کتاب، در جای دیگری به این مطلب - یعنی چگونگی شهادت - برخورد نکرده‌ام. امام صادق (ع) می‌فرماید: «حسین (ع) با اصحابش - که با او شهید شدند - می‌آیند [۶۷۳] و هفتاد پیامبر آنان را همراهی می‌کنند؛ چنان‌که همراه حضرت موسی هفتاد نفر فرستاده شدند، آن‌گاه حضرت قائم (عج) انگشتر را به وی می‌سپارد و امام حسین (ع) غسل، کفن، حنوط، و دفن حضرت قائم را بر عهده می‌گیرد». سلام علیه یوم ولد و یوم یظهر و یوم یموت، و یوم یبعث حیاً.

پاورقی

- [۱] این جانب با همکاری چند تن از فضلای حوزه این کتاب را در پنج جلد تألیف کردم و بنیاد معارف اسلامی قم آن را در ۱۴۱۱ قمری به چاپ رساند و در آینده نزدیک - إن شاء الله - به بازنگری آن خواهیم پرداخت.
- [۲] ابن ابی شیبیه، مصنف، ج ۱۵، ص ۸۹؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۴.
- [۳] کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۴؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۱۷.
- [۴] شجرى، امالى، ج ۲، ص ۱۵۶. ر.ک: نعمانى، غيبه، ص ۲۵۳؛ طوسى، غيبه، ص ۲۷۴، اعلام الوری، ص ۴۲۸؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۲۱۲؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۰؛ حلیه الابرار، ج ۳، ص ۶۲۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳؛ بشاره الاسلام، ص ۸۲؛ عقد الدرر، ص ۶۴؛ القول المختصر، ص ۲۶؛ متقی هندی، برهان، ص ۷۴؛ سفارینی، لوائح، ج ۳، ص ۸.
- [۵] ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۷.
- [۶] عقد الدرر، ص ۳۳۳.
- [۷] حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۴۶۵؛ عقد الدرر، ص ۴۳؛ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۶۴.
- [۸] المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۳۷۵؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۲۱؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۵۶؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۴؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۹۶.
- [۹] شجرى، امالى، ج ۲، ص ۲۲۸.
- [۱۰] کافی، ج ۸، ص ۶۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۵.
- [۱۱] احمد، مسند، ج ۲، ص ۳۲۶، ۳۵۵، ۴۴۸.
- [۱۲] ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۰.
- [۱۳] کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۸.
- [۱۴] جن (۷۲) آیه ۲۴.
- [۱۵] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰ و ج ۳۶، ص ۳۳۵.
- [۱۶] شجرى، امالى، ج ۲، ص ۲۷۱.
- [۱۷] اخبار اصبهان، ج ۱، ص ۲۷۴؛ فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۵؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۰؛ جمع الجوامع، ج ۱، ص ۸۴۵؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۴۰.
- [۱۸] ر.ک: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۶۵؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۹۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۵۳؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۸۰؛ شافعی، البیان، ص ۵۲۸؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۶۲. برای بررسی واژه‌های یوم الظهور، یوم الکتره و یوم القیامه به تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۸ رجوع کنید.
- [۱۹] عقد الدرر، ص ۳۳۳؛ حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۴۹۵.
- [۲۰] المعجم الكبير، ج ۹، ص ۱۱۹؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۹۱؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۱۷.

- [۲۱] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۰۱.
- [۲۲] كمال الدين، ج ۱، ص ۳۳۱.
- [۲۳] مختصر اثبات الرجعه، ص ۲۱۶؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۵.
- [۲۴] فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۶؛ كنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۴۹.
- [۲۵] الف) عن الصادق (ع): «إذا رأيت الرجل يُعَيِّرُ على إتيان النساء» كافي، ج ۸، ص ۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷؛ بشارة الاسلام، ص ۱۳۳. ب) «إذا صار الغلام يعطى كما تعطى المرأة، و يعطى قفاة لمن ابتغى» كافي، ج ۸، ص ۳۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷. ج) «يزف الرجال للرجال كما تزف المرأة لزوجها» بشارة الاسلام، ص ۷۶؛ الزام الناصب، ص ۱۲۱. د) قال الصادق (ع): «يتمشط الرجل كما يتمشط المرأة لزوجها، و يعطى الرجال الأموال على فروجهم و يتنافس فى الرجل و يغار عليه من الرجال، و يبذل فى سبيل النفس و المال» كافي، ج ۸، ص ۳۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۵۷. ه) قال الصادق (ع): «تكون معيشة الرجل من دبره، و معيشة المرأة من فرجها» كافي، ج ۸، ص ۳۸. و) قال الصادق (ع): «عندهما يغار على الغلام كما يغار على الجارية (الشابة) فى بيت أهلها». بشارة الاسلام، ص ۳۶، ۱۳۳. ز) قال النبي (ص): «كأنك بالدنيا لم تكن إذا ضيقت أمتى الصلاة و اتبعت الشهوات و غلت الأسعار و كثر اللواط». بشارة الاسلام، ص ۲۳؛ الزام الناصب، ص ۱۸۱.
- [۲۶] فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۷.
- [۲۷] المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۲.
- [۲۸] الشيعة والرجعه، ج ۱، ص ۱۵۱؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۱؛ المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۲۸۱؛ بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۲۴۱.
- [۲۹] طيالسى، مسند، ج ۸، ص ۲۶۶؛ احمد، مسند، ج ۳، ص ۱۲۰؛ ترمذى، سنن، ج ۴، ص ۴۹۱؛ ابويعلی، مسند، ج ۵، ص ۲۷۳؛ حلية الاولياء، ج ۶، ص ۲۸۰؛ دلائل النبوة، ج ۶، ص ۵۴۳؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۰.
- [۳۰] فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۵۰۹.
- [۳۱] مفيد، امالى، ص ۱۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۰.
- [۳۲] عقد الدرر، ص ۲۳۲؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۵.
- [۳۳] طيالسى، مسند، ص ۱۳۳؛ ابى داود، سنن، ج ۴، ص ۱۱۱؛ المعجم الكبير، ج ۲، ص ۱۰۱.
- [۳۴] بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۵؛ ج ۵۲، ص ۳۸۰.
- [۳۵] همان، ج ۵۲، ص ۱۵۴.
- [۳۶] عقد الدرر، ص ۱۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴، ۲۶۶؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۱۶؛ الاربعون حديثاً، (ابونعيم) ذخائر العقبى، ص ۱۳۵؛ ينايع الموده، ص ۴۲۶.
- [۳۷] عقد الدرر، ص ۹۴؛ الشيعة و الرجعه، ج ۱، ص ۱۵۵.
- [۳۸] كمال الدين، ج ۱، ص ۳۱۱؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۲، ص ۲۹۷؛ اعلام الورى، ص ۳۷۱؛ اثبات الوصيه، ص ۲۲۶.
- [۳۹] ابن حماد، فتن، ص ۸۳؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۵۱.
- [۴۰] حاكم، مستدرک، ج ۴، ص ۵۲۰؛ الحاوى للفتاوى، ج ۲، ص ۶۵؛ منتخب كنز العمال، ج ۶، ص ۳۱ (حاشيه مسند احمد)؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۹۳.
- [۴۱] احمد، مسند، ج ۲، ص ۶۳۶؛ مسلم، صحيح، ج ۴، ص ۲۲۳۱؛ المعجم الكبير، ج ۹، ص ۴۱۰؛ مصابيح السنه، ج ۲، ص ۱۳۹؛ عقد الدرر، ص ۲۳۶.
- [۴۲] نعمانى، غيبة، ص ۲۳۵؛ طوسى، غيبة، ص ۲۷۴؛ اعلام الورى، ص ۴۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۰؛

- حلیة الابرار، ج ۲، ص ۶۲۶؛ بشارة الاسلام، ص ۸۲.
- [۴۳] ابن ابی شیبیه، مصنف، ج ۱۵، ص ۹۱؛ مالک، موطأ، ج ۱، ص ۲۴۱؛ مسلم، صحیح، ج ۸، ص ۱۸۲؛ احمد، مسند، ج ۲، ص ۲۳۶؛ بخاری، ج ۹، ص ۷۳؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۱.
- [۴۴] عقد الدرر، ص ۳۳۴.
- [۴۵] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۳۲.
- [۴۶] المطالب العالیه، ج ۴، ص ۳۴۸.
- [۴۷] شجرى، امالی، ج ۲، ص ۲۷۷.
- [۴۸] الفائق، ج ۱، ص ۱۴۱.
- [۴۹] نعمانی، غیبه، ص ۲۷۷؛ طوسی، غیبه، ص ۲۶۷؛ اعلام الوری، ص ۴۲۷؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۵۲؛ عقد الدرر، ص ۶۵؛ الفصول المهمه، ص ۳۰۱؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱.
- [۵۰] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.
- [۵۱] ینابیع الموده، ص ۴۴۰؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۲۵.
- [۵۲] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.
- [۵۳] ابن المنادی، ملاحم، ص ۶۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۷۶؛ المسترشد، ص ۷۵؛ مفید، ارشاد، ص ۱۲۸؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۲؛ غایة المرام، ص ۲۰۸؛ بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۹؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۱۴؛ منتخب کنز العمال، ج ۶، ص ۳۵.
- [۵۴] شافعی، بیان، ص ۱۰۸.
- [۵۵] عقد الدرر، ص ۴۳.
- [۵۶] احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۷۹.
- [۵۷] کافی، ج ۸، ص ۲۱۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶.
- [۵۸] ابن طاووس، ملاحم، ص ۲۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۱.
- [۵۹] عقد الدرر، ص ۵۰.
- [۶۰] احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۹۵؛ احمد، مسند، ج ۲، ص ۳۷۱.
- [۶۱] طوسی، غیبه، چاپ جدید، ص ۴۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۲.
- [۶۲] قرب الاسناد، ص ۱۷۰؛ نعمانی، غیبه، ص ۲۷۱.
- [۶۳] محلّهای در شهر مدینه که محلّ اقامه نماز استسقا (باران) بود؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۰۹.
- [۶۴] پس از شهادت امام حسین علیه السلام و قیام مردم مدینه علیه یزید، اهل مدینه به دستور یزید قتل عام شدند و در آن واقعه بیش از ده هزار نفر کشته شدند و این محل همان «حزّه واقم» است؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۴۹.
- [۶۵] ابن طاووس، ملاحم، ص ۵۸.
- [۶۶] همان، ص ۵۹.
- [۶۷] فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۹۱.
- [۶۸] نعمانی، غیبه، ص ۲۷۷؛ مفید، ارشاد، ص ۳۵۹؛ طوسی، غیبه، ص ۲۶۷. صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱.
- [۶۹] نعمانی، غیبه، ص ۱۷۳؛ دلایل الامامه، ص ۲۹۳؛ تقریب المعارف، ص ۱۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۶.

- [۷۰] شهری در سه میلی (شش کیلومتری) کوفه است؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۲۸.
- [۷۱] طوسی، غیبیه، چاپ جدید، ص ۴۴۶؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۷۲۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹.
- [۷۲] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۵؛ العدد القویه، ص ۶۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷.
- [۷۳] ابن طاووس، ملاحم، ص ۵۸؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۹.
- [۷۴] حصینی، هدایه، ص ۳۱.
- [۷۵] ارشاد القلوب، ص ۲۸۶.
- [۷۶] مدینه المعاجز، ص ۱۳۳.
- [۷۷] حلیه الابرار، ص ۶۰۱.
- [۷۸] طوسی، غیبیه، چاپ جدید، ص ۳۳۹؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۱۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۶؛ ابن حمّاد، فتن، ص ۹۱؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۷؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۱۱.
- [۷۹] الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۶، ۱۳۷؛ عقد الدرر، ص ۵۴، ۵۹، ۶۳ - ۶۵، ۲۳۷؛ نعمانی، غیبیه، ص ۲۷۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۲.
- [۸۰] حصینی، هدایه، ص ۳۱؛ ارشاد القلوب، ص ۲۸۶.
- [۸۱] مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۸۸.
- [۸۲] جامع الاخبار، ص ۱۵۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۵.
- [۸۳] دوحه الانوار، ص ۱۵۰؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۵۱؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۴۱.
- [۸۴] مفید، ارشاد، ص ۳۶۱؛ طوسی، غیبیه، ص ۲۷۲؛ اعلام الوری، ص ۴۲۸؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۶۴؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۲۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۴.
- [۸۵] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۳۴.
- [۸۶] عبدالرزاق، مصنف، ج ۳، ص ۱۵۵.
- [۸۷] دلائل الامامه، ص ۲۴۵.
- [۸۸] بشاره الاسلام، ص ۲۸.
- [۸۹] ابن حمّاد، فتن، ص ۱۴۸.
- [۹۰] بشاره الاسلام، ص ۱۹۱؛ الزام الناصب، ص ۱۶۱.
- [۹۱] بشاره الاسلام، ص ۹۸.
- [۹۲] الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۴۴۲.
- [۹۳] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۲۵.
- [۹۴] بقره (۲) آیه ۱۵۵.
- [۹۵] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰؛ نعمانی، غیبیه، ص ۲۵۰؛ مفید، ارشاد، ص ۳۶۱؛ اعلام الوری، ص ۴۵۶؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۶۸.
- [۹۶] اعلام الوری، ص ۴۵۶.
- [۹۷] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۳۳.
- [۹۸] الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۰، متقی هندی، برهان، ص ۱۴۲؛ عقد الدرر، ص ۱۳۲.
- [۹۹] ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۳.
- [۱۰۰] کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۴۹.

- [۱۰۱] تفسیر امام عسکری (ع)، ص ۳۴۴؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۶۰؛ منیة المرید، ص ۳۵؛ محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۲؛ حلیة الابرار، ج ۲، ص ۴۵۵؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۶؛ العوالم، ج ۳، ص ۲۹۵.
- [۱۰۲] عن النبی (ص): «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْعَثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِائَةِ سَنَةٍ مِنْ يَجِدُدٍ لَهَا دِينَهَا» ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۱۰۹، حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۵۲۲؛ تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۶۱؛ جامع الاصول، ج ۱۲، ص ۶۳؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۹۳ و تا آن جا که تتبع کردم مدرکی از کتاب‌های شیعه برای آن نیافتم.
- [۱۰۳] بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.
- [۱۰۴] همان، ص ۲۱۶.
- [۱۰۵] همان، ص ۲۱۳.
- [۱۰۶] همان، ج ۶۰، ص ۲۱۳؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۵.
- [۱۰۷] بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.
- [۱۰۸] بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.
- [۱۰۹] همان، ص ۲۱۸.
- [۱۱۰] همان، ص ۲۱۶.
- [۱۱۱] همان، ص ۲۱۸.
- [۱۱۲] ذکر اصبهان، ص ۱۱.
- [۱۱۳] موالی و مولی، در لغت‌شناسی، واژه‌های گوناگونی دارد. علامه امینی در جلد اول الغدیر، بیست و دو واژه را نقل فرموده‌اند و در اصطلاح، در آیه و حدیث، پنج معنا دارد: ولاء عتق، ولاء اسلام، ولاء حلف، ولاء قبیله، ولاء، در برابر عرب و مراد غیر عرب است و این معنا غالباً مقصود عالمان علم رجال است؛ ر. ک: التقریب و التیسیر، ج ۲، ص ۳۳۳. راز این که این کلمه را بر ایرانیان تطبیق می‌دهند، شاید به حکم غلبه وجودی و یا استعمالی باشد. چنان که بعضی این معنا را مدعی شده‌اند. علاوه بر این در نوشته‌های عالمان قدیم و معاصر، این چنین تفسیر شده است و ما به پیروی از آنان چنین تفسیر کرده‌ایم، ولی بر آن پافشاری نداریم. «فارس» به سرزمین‌هایی می‌گفتند که در برابر کشور روم بود و شامل ایران امروز و بخش دیگری از سرزمین‌هایی بود که جزء قلمرو ایران آن زمان بود.
- [۱۱۴] ذکر اصبهان، ص ۱۲؛ ر. ک: الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۳۸۲.
- [۱۱۵] راموز الاحادیث، ص ۳۳.
- [۱۱۶] با توجه به این که بازار کوفه اکثراً فارس و ایرانی بودند و با زبان فارسی سخن می‌گفتند (چنان که از مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵۰، حدیث ۴، فهمیده می‌شود). به خوبی روشن می‌شود، که موالی مورد اعتراض اشعث و مورد دفاع امیرمؤمنان، همان ایرانیان بودند.
- [۱۱۷] الغارات، ج ۲۴، ص ۴۹۸؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۹۳؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۸۴.
- [۱۱۸] ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۸؛ المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۰۰؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۸ - کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۶۸؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۹۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷.
- [۱۱۹] عقد الدرر، ص ۱۲۹؛ شافعی، بیان، ص ۴۹۰؛ ینایع المودّه، ص ۴۹۱؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۶۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.
- [۱۲۰] نعمانی، غیبه، ص ۳۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳؛ ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۶؛ حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۴۶۴.

- [۱۲۱] نعمانی، غیبیه، ص ۳۱۵؛ اثبات الهداء، ج ۲، ص ۵۴۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹.
- [۱۲۲] فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۴۴۹.
- [۱۲۳] شافعی، بیان، ص ۱۰۶، متقی هندی، برهان، ص ۱۵۰؛ کنز العمّال، ج ۱۴، ص ۵۹۱؛ ینابیع المودّه، ص ۴۹۱؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۸۶.
- [۱۲۴] کنز العمّال، ج ۱۴، ص ۵۹۱.
- [۱۲۵] اثبات الهداء، ص ۴۹۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹.
- [۱۲۶] طوسی، غیبیه، ص ۲۷۴؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۵۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰.
- [۱۲۷] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ طوسی، غیبیه، ص ۲۷۴، التهذیب، ج ۴، ص ۳۳۳؛ ملاذ الاخیار، ج ۷، ص ۱۷۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.
- [۱۲۸] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.
- [۱۲۹] التهذیب، ج ۴، ص ۳۰۰؛ ابن طاووس، اقبال، ص ۵۵۸؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۵۹؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۳۸؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۴؛ ملاذ الاخیار، ج ۷، ص ۱۱۶.
- [۱۳۰] طوسی، غیبیه، ص ۲۷۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰.
- [۱۳۱] المهذب البارع، ج ۱، ص ۱۹۴؛ خاتون آبادی، اربعین، ص ۱۸۷؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۲۸؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.
- [۱۳۲] الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۸؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۲۴.
- [۱۳۳] ابن حمّاد، فتن، ص ۹۵؛ عقد الدرر، ص ۱۴۵؛ سفارینی، لوائح، ج ۲، ص ۱۱؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۲.
- [۱۳۴] امام باقر (ع) به ابو حمزه فرمود: «گویا قائم اهل بیت را می بینم که وارد نجف می شود و هنگامی که به بالاترین نقطه نجف رسید، پرچم رسول خدا (ص) را می گشاید. زمانی که پرچم باز شد، فرشتگانی که در جنگ بدر حضور داشتند، بر او فرود می آیند». عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۰۳؛ نعمانی، غیبیه، ص ۳۰۸؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.
- [۱۳۵] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۸۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۵.
- [۱۳۶] ابن حمّاد، فتن، ص ۹۸؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۸؛ القول المختصر، ص ۲۴؛ ینابیع المودّه، ص ۴۳۵؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۰.
- [۱۳۷] عقد الدرر، ص ۸۴، ۱۴۹؛ بیان، ص ۱۱۸؛ حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۴۳۱؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۰؛ نور الابصار، ص ۱۷۰؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۲؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۵۰.
- [۱۳۸] الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۸؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۲۴.
- [۱۳۹] خرائج، ج ۳، ص ۱۱۶۹؛ طوسی، غیبیه، ص ۲۶۸.
- [۱۴۰] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۳۰.
- [۱۴۱] عقد الدرر، ص ۱۶۷.
- [۱۴۲] ابن حمّاد، فتن، ص ۹۵؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴؛ الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۱؛ القول المختصر، ص ۲۳.
- [۱۴۳] ابن حمّاد، فتن، ص ۸۳؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۷؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۱۸؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴.

- [۱۴۴] قرطبی، مختصر تذکره، ص ۱۲۸؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۶۰.
- [۱۴۵] احمد، مسند، ج ۲، ص ۷۶؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۲۴؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۱۵.
- [۱۴۶] ابن حمّاد، فتن، ص ۱۵۱.
- [۱۴۷] فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۵۱۵؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۳۳۸؛ التصريح، ص ۲۵۴.
- [۱۴۸] عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۶۵؛ نعمانی، غیبه، ص ۲۷۹.
- [۱۴۹] دلائل الامامه، ص ۲۵۹؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۷۵.
- [۱۵۰] بیان الأئمه، ج ۳، ص ۳۳۸.
- [۱۵۱] ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۱۵۳؛ خصائص فاطمیه، ص ۳۴۳.
- [۱۵۲] منهاج الدموع، ص ۹۳.
- [۱۵۳] تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷؛ حلبی، سیره، ج ۱، ص ۵۹.
- [۱۵۴] عبدالرزاق، مصنف، ج ۴، ص ۳۰۹؛ الاصابه، ج ۴، ص ۴۳۲.
- [۱۵۵] تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۰.
- [۱۵۶] همان، ص ۷۸.
- [۱۵۷] اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۸۱.
- [۱۵۸] معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۳، ۱۰۸، ۱۷۶؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۸۱.
- [۱۵۹] تنقیح المقال، ج ۲۳، ص ۷۵.
- [۱۶۰] کافی، ج ۱، ص ۳۴۶؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۵.
- [۱۶۱] اعیان الشیعه، ج ۳۲، ص ۶.
- [۱۶۲] اختیار معرفه الرجال، ص ۷۵، شرح حال رشید؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۳۱ و ج ۳، ص ۸۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۱۹۰؛ اعیان الشیعه، ج ۳۲، ص ۶؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۲۲؛ ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۴۰.
- [۱۶۳] ابو عوانه، مسند، ج ۴، ص ۳۳۱.
- [۱۶۴] واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۲۷۰.
- [۱۶۵] کنز العمال، ج ۴، ص ۳۴۵.
- [۱۶۶] الاصابه، ج ۴، ص ۴۳۳.
- [۱۶۷] ابن سعد، طبقات، ج ۸، ص ۲۴۱.
- [۱۶۸] اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۱؛ بخاری، صحیح، ص ۱۴، ص ۱۶۸.
- [۱۶۹] الاصابه، ج ۴، ص ۴۴۴.
- [۱۷۰] اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۰۵.
- [۱۷۱] نقش زنان در جنگ، ص ۲۲.
- [۱۷۲] ابن سعد، طبقات، ج ۸، ص ۴۲۵.
- [۱۷۳] اعلام النساء، ج ۵، ص ۶۱.
- [۱۷۴] ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۴۱۰.
- [۱۷۵] واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۲۴۹.

- [۱۷۶] واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۲۴۹.
- [۱۷۷] بخاری، صحیح، ج ۱۲، ص ۱۵۳.
- [۱۷۸] واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۲۶۸.
- [۱۷۹] اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۰۶؛ ر. ک: حجة الاسلام محمد جواد طبسی، نقش زنان.
- [۱۸۰] ابن حمّاد، فتن، ص ۱۵۱؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۶۰۲.
- [۱۸۱] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۲.
- [۱۸۲] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵؛ کفایة الاثر، ص ۲۲۴؛ اعلام الوری، ص ۴۰۱؛ الاحتجاج، ص ۲۸۹.
- [۱۸۳] عالم ذر - عالم پیش از آفرینش انسان‌ها بر روی زمین است که خداوند در آن عالم، از انسان‌ها درباره پروردگاری خودش اقرار گرفت؛ (وَإِذَا أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ؛ ای رسول ما به یاد آور هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و آنان را بر خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی ما به خدایی تو گواهی می‌دهیم.) برخی مفسران گفته‌اند: مراد ظهور ارواح فرزندان آدم است در عالم روح و گواهی آنان به توحید خدا و پروردگاری او در عالم ملک و ملکوت تا آن که دیگر نگویند ما از این واقعه (قیامت یا یکتایی خدا) غافل بودیم؛ اعراف (۷) آیه ۱۷۲.
- [۱۸۴] نعمانی، غیبه، ص ۱۸۸؛ عقد الدرر، ص ۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷؛ ینابیع المودّه، ص ۴۹۲.
- [۱۸۵] احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۵۴.
- [۱۸۶] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲؛ اعلام الوری، ص ۴۳۵؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۷۰.
- [۱۸۷] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.
- [۱۸۸] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.
- [۱۸۹] ملاحم، ابن طاووس، ص ۷۳؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۶.
- [۱۹۰] ابن حمّاد، فتن، ص ۱۰۲.
- [۱۹۱] بصائر الدرجات، ج ۴، ص ۱۸۸؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۴۰ و ۵۲۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۹.
- [۱۹۲] کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸؛ اعلام الوری، ص ۴۰۷؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۱۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۷۸.
- [۱۹۳] ینابیع المودّه، ص ۴۰۱؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۳۷؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۶۷.
- [۱۹۴] ابن حمّاد، فتن، ص ۱۰۰؛ عقد الدرر، ص ۱۵۸؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۳؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۰۱.
- [۱۹۵] ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۳.
- [۱۹۶] نعمانی، غیبه، ص ۲۳۳ و ۲۳۴، با کمی تفاوت؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.
- [۱۹۷] کافی، ج ۶، ص ۴۴۴؛ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۵۹، و ج ۴۷، ص ۵۵.
- [۱۹۸] نعمانی، غیبه، ص ۲۴۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۲؛ حلیة الابرار، ج ۲، ص ۵۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵.
- [۱۹۹] یوسف (۱۲) آیه ۹۴.
- [۲۰۰] کافی، ج ۱، ص ۲۳۲؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.
- [۲۰۱] کفایة الاثر، ص ۲۶۳؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۴۰۹؛ عوالم، ج ۱۵، بخش ۳، ص ۲۶۹؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۶۳.
- [۲۰۲] نعمانی، غیبه، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳؛ ر. ک: ارشاد، ص ۲۷۵.

- [۲۰۳] الاصول الستة عشر، ص ۷۹؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۸۸؛ بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۰۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸.
- [۲۰۴] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ خرائج، ج ۲، ص ۹۳۰؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۳؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۸ و ج ۵۲، ص ۳۸۹.
- [۲۰۵] احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۷؛ ر. ک: نعمانی، غیبه، ص ۲۴۲؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۶؛ ارشاد، ج ۵، ص ۳۶؛ اعلام الوری، ص ۴۳۳؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۵۶.
- [۲۰۶] (يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ) (آن روز) بدکاران به سیمای شان شناخته می شوند. پس موی پیشانی آنان با پاهای شان بگیرند؛ الرحمن (۵۵) آیه ۴۱.
- [۲۰۷] اختصاص، ص ۳۰۴؛ نعمانی، غیبه، ص ۱۲۸؛ بصائر الدرجات، ص ۳۵۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱؛ الشيعة و الرجعه، ج ۱، ص ۴۳۱؛ المحجّة، ص ۲۱۷؛ ينابيع المودّه، ص ۴۲۹.
- [۲۰۸] عقد الدرر، ص ۹۷، ۱۳۸، ۱۳۹؛ القول المختصر، ص ۱۹؛ الشيعة و الرجعه، ج ۱، ص ۱۵۸.
- [۲۰۹] بصائر الدرجات، ص ۱۸۸؛ کافی، ج ۱، ص ۲۳۱؛ نعمانی، غیبه، ص ۲۳۸؛ خرائج، ج ۲، ص ۶۹۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۸۴؛ بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۸۵ و ج ۵۲، ص ۳۲۴.
- [۲۱۰] کمال الدین، ص ۶۷۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۲.
- [۲۱۱] کمال الدین، ص ۳۷۲؛ کفایة الاثر، ص ۳۲۳؛ اعلام الوری، ص ۴۰۸؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۱۴؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ينابيع المودّه، ص ۴۸۹؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۷؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷؛ ر. ک: کفایة الاثر، ص ۳۲۴؛ احتجاج، ج ۲، ص ۴۴۹؛ اعلام الوری، ص ۴۰۹؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۷۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳.
- [۲۱۲] مفید، اختصاص، ص ۱۹۹؛ بصائر الدرجات، ص ۴۰۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.
- [۲۱۳] اختصاص، ص ۳۲۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۲؛ غایة المرام، ص ۷۷.
- [۲۱۴] مفید، ارشاد، ص ۳۶۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ الشيعة و الرجعه، ج ۱، ص ۴۰۰.
- [۲۱۵] عقد الدرر، ص ۱۳۸.
- [۲۱۶] العلل المتناهیة، ج ۲، ص ۸۵۵؛ عقد الدرر، ص ۱۸۰.
- [۲۱۷] عقد الدرر، ص ۱۳۹.
- [۲۱۸] الشيعة و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۱.
- [۲۱۹] نعمانی، غیبه، ص ۱۵۹؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۹؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.
- [۲۲۰] الشيعة و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۹.
- [۲۲۱] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸، ۳۵۱؛ کافی، ج ۱، ص ۲۳۲.
- [۲۲۲] تاریخ موالید الائمه، ص ۲۰۰؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۶۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۰؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۴۰؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۶۱۵؛ نوری، کشف الاستار، ص ۶۹.
- [۲۲۳] خاتون آبادی، اربعین، ص ۶۷؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۷۰۰.
- [۲۲۴] الشيعة و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۷.
- [۲۲۵] ابن حمّاد، فتن، ص ۱۶۱.
- [۲۲۶] ابن حمّاد، فتن، ص ۸۶؛ عقد الدرر، ص ۱۲۷؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۸.
- [۲۲۷] ابن طاووس، ملاحم، ص ۵۳؛ عقد الدرر، ص ۱۳۰؛ الشيعة و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۰.
- [۲۲۸] ابن طاووس، ملاحم، ص ۵۳؛ الشيعة و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۱.

[۲۲۹] نور الابصار، ص ۱۳۸؛ الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۱.

[۲۳۰] ابن حمّاد، فتن، ص ۸۴؛ ابن المنادی، ص ۴۷؛ دارمی، سنن، ص ۹۸؛ عقد الدرر، ص ۱۲۶؛ ابن طاووس، فتن، ص ۴۹.

[۲۳۱] الايقاظ من الهجعه، ص ۲۶۶؛ ر. ک: کشی، اختیار معرفه الرجال، ص ۲۱۷؛ ابن داود، رجال، ص ۲۰۶.

[۲۳۲] الايقاظ من الهجعه، ص ۲۶۶؛ ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۷؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۶۱.

[۲۳۳] الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۱۵۸.

[۲۳۴] خرائج، ج ۱، ص ۱۸۵؛ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۹۶؛ مستدرکات علم رجال الحديث ۲: ۱۱۸. درباره جبير بن خابور با وجود پژوهش فراوان در کتاب‌های شیعه و سنی جز مطلب زیر، مطلب دیگری یافت نشد. امام صادق (ع) فرمود: «جبير بن خابور، گنجینه دار معاویه بود. او مادر پیری داشت که در شهر کوفه زندگی می‌کرد. روزی جبير به معاویه گفت: دلم برای مادرم تنگ شده است؛ اجازه بده تا از او دیدار کنم تا کمی از حقوقی که بر گردن من دارد، ادا کنم. معاویه گفت: در شهر کوفه چه کار داری؟ در آنجا مرد جادوگری به نام علی بن ابی طالب است و اطمینان ندارم که تو را نفریید. جبير گفت: من با علی کاری ندارم. من می‌خواهم به دیدار مادرم بروم و حق او را به‌جا آورم. جبير پس از کسب اجازه عازم سفر شد. آن‌گاه که به شهر کوفه رسید چون امیرالمؤمنین (ع) پس از جنگ صفین پیرامون شهر کوفه دیده‌بان گماشته بود و رفت و آمدها را کنترل می‌کردند دیده بانان او را دستگیر کردند و به شهر آوردند. علی (ع) به او فرمود: «تو یکی از گنجینه‌های خداوندی. معاویه به تو چنین گفته است که من جادوگر هستم». جبير گفت: سوگند به خدا که چنین گفته است. حضرت فرمود: «تو مالی همراه داشته‌ای که مقداری از آن را در منطقه عین التمر به خاک سپرده‌ای». جبير این مطلب را نیز تصدیق کرد. سپس امیرمؤمنان (ع) به امام حسن (ع) دستور داد تا از وی پذیرایی کند. روز بعد علی (ع) به یاران خود فرمود: «این شخص در جبل الالهواز...». (ادامه مطلب در متن کتاب است).

[۲۳۵] دلائل الامامه، ص ۲۴۸؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۳.

[۲۳۶] حصینی، الهدایه، ص ۳۱؛ ارشاد القلوب، ص ۲۸۶؛ حلیه الابرار، ج ۲، ص ۶۰۱. افراد دیگری هم‌چون: داو رق و نجم بن اعین، حمران بن اعین و میسر بن عبدالعزیز هستند که در روایات، به‌زنده‌شدن دوباره آنان و حضورشان در زمام امام قائم (عج) اشاره شده است که مادر بخش آینده به آن اشاره خواهیم کرد.

[۲۳۷] ابن حمّاد، فتن، ص ۸۵؛ عقد الدرر، ص ۱۲۹؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۹.

[۲۳۸] نعمانی، غیبه، ص ۳۱۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹.

[۲۳۹] فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۳۶۶.

[۲۴۰] عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱، ص ۳۸۵؛ المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۲۶۸؛ حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۲۴؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۴۵.

[۲۴۱] احتمال دارد که منظور قبیله همدان از قبایل عرب باشد.

[۲۴۲] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۶.

[۲۴۳] دلائل الامامه، ج ۳۱۶.

[۲۴۴] عن ابی عبدالله الصادق (ع): «تربه قم مقدسه... أما و أنّهم أنصار قائمنا و دعاء حقنا...».؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸.

[۲۴۵] بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

[۲۴۶] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۷؛ روضة الواعظین، ص ۳۱۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

[۲۴۷] كشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۸؛ كثر العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۱؛ شافعی، بیان، ص ۱۰۶؛ ینایع المودّه، ص ۹۱.

[۲۴۸] طوسی، غیبه، ص ۲۸۴؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

[۲۴۹] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

- [۲۵۰] طوسی، غیبه، چاپ جدید، ص ۴۷۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۱۸.
- [۲۵۱] ابن طاووس، ملاحم، ص ۴۳؛ ینابیع المودّه، ج ۲، ص ۴۳۵؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۴۵۶.
- [۲۵۲] نامش سماک بن خرشه انصاری است. مرحوم مامقانی درباره اش می فرماید: من او را حسن الحال می دانم... (تنقیح المقال، ج ۲، ص ۶۸).
- [۲۵۳] روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۶.
- [۲۵۴] کافی، ج ۳، ص ۱۳۱؛ الايقاظ، ص ۲۹۰؛ بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۳۰۸.
- [۲۵۵] بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۳۱۶.
- [۲۵۶] بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۳۱۶.
- [۲۵۷] الاسراء (بنی اسرائیل) (۱۷) آیه ۱۰۴.
- [۲۵۸] بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۳۱۶.
- [۲۵۹] اعراف (۷) آیه ۱۵۹.
- [۲۶۰] بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۳۱۶.
- [۲۶۱] بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۳۱۶.
- [۲۶۲] مائده (۵) آیه ۱۴.
- [۲۶۳] کافی، ج ۵، ص ۳۵۲؛ التهذیب، ج ۷، ص ۴۰۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۴؛ ینابیع المودّه، ص ۴۲۲.
- [۲۶۴] بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۳۳۴ و ج ۲۶، ص ۴۷.
- [۲۶۵] شیعه بر این عقیده است که در همین دنیا و پس از ظهور حضرت مهدی (عج) امامان معصوم و گروهی از مؤمنان و گروهی از کافران دوباره زنده می شوند و به دنیا باز می گردند. در این باره ده ها روایت وارد شده است. مرحوم آیه الله والد (ره) در جلد دوم الشیعه و الرجعه به گستردگی در این باره سخن گفته است. اخیراً این کتاب را به غرغ حجّه الاسلام میرشاولد به نام ستاره درخشان ترجمه و منتشر کرده است و از این جانب نیز پانزده سال پیش جزوه ای به نام رجعت از نظر شیعه منتشر شده است که با استفاده از نوشته ها و سخنان مرحوم والد می باشد.
- [۲۶۶] الايقاظ من الهجعه، ص ۲۶۹.
- [۲۶۷] کشی، رجال، ص ۴۰۲؛ الخلاصه، ص ۹۸؛ قهبائی، رجال، ج ۲، ص ۲۸۹؛ الايقاظ، ص ۲۸۴؛ بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۴؛ معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۲۵۹.
- [۲۶۸] درباره موثق بودن داود، علمای رجال بحث های گسترده ای کرده اند. برخی این روایت را ضعیف شمرده و بعضی آن را موثق دانسته اند. روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل شده که فرموده است: «منزلت و مقام داود نزد من، همانند موقعیت مقداد نزد پیامبر (ص) است». تنقیح المقال، ج ۲، ص ۴۱۴.
- [۲۶۹] الايقاظ، ص ۲۶۴.
- [۲۷۰] دلائل الامامه، ص ۳۲۰؛ المحجّه، ص ۴۶.
- [۲۷۱] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴؛ عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۵۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۳۹ و ج ۴، ص ۹۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳.
- [۲۷۲] عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰.
- [۲۷۳] مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵.

- [۲۷۴] ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴؛ الفتاوی الحدیثیه، ج ۳۱.
- [۲۷۵] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ بصائر الدرجات، ص ۳۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶.
- [۲۷۶] دلائل الامامه، ص ۲۴۸؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۳.
- [۲۷۷] روضه الواعظین، ص ۲۶۶؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۵.
- [۲۷۸] درر الاخبار، ج ۱، ص ۲۵۸.
- [۲۷۹] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۳۴؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۸؛ ج ۱، ص ۳۴۰؛ العدد القویه، ص ۶۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۸.
- [۲۸۰] المستجد، ص ۵۱۱.
- [۲۸۱] ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۵.
- [۲۸۲] نعمانی، غیبه، ص ۳۰۷؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۵.
- [۲۸۳] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ۳۶۷؛ بشاره الاسلام، ص ۱۹۰.
- [۲۸۴] ابن حماد، فتن، ص ۱۰۶؛ عقد الدرر، ص ۱۴۳.
- [۲۸۵] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۶۷؛ نعمانی، غیبه، ص ۳۱۵؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۶۸؛ کافی، ج ۸، ص ۳۱۳؛ المحججه، ص ۱۹.
- [۲۸۶] بقره (۲) آیه ۱۴۸.
- [۲۸۷] فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۴۴۹.
- [۲۸۸] روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳؛ عقد الدرر، ص ۶۵؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۴۵.
- [۲۸۹] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۸۲؛ ترجمه جلد ۱۳، بحار الانوار ص ۹۱۶.
- [۲۹۰] مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۳۱؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۴؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۴۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.
- [۲۹۱] نعمانی، غیبه، ص ۳۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۸؛ بشاره الاسلام، ص ۱۹۸.
- [۲۹۲] الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۵۷؛ عقد الدرر، ص ۹۶.
- [۲۹۳] مرحوم والدهم در پاورقی جلد اول الشیعه و الرجعه، درباره خطبه البیان چنین فرموده‌اند: ما این خطبه را از کتاب دوحه الانوار شیخ محمد یزدی نقل کرده‌ایم؛ ولی منحصر به این کتاب نیست، بلکه در کتاب‌های دیگری نیز درج شده است. چنانچه آقا بزرگ طهرانی در جلد ۷ الذریعه نام چند کتاب را ذکر می‌کند: ۱. قاضی سعید قمی در شرح حدیث غمامه م. ۱۱۰۳ ه. ق؛ ۲. محقق قمی در جامع الشتات، ص ۷۷۲؛ ۳. نسخه‌ای در کتابخانه امام رضا (ع) به تاریخ ۷۲۹ ه. ق؛ ۴. نسخه‌ای به خط علی بن جمال الدین به تاریخ ۹۲۳ ه. ق؛ ۵. خلاصه ترجمان؛ ۶. معالم التنزیل. این خطبه عباراتی دارد که با توحید نمی‌سازد، ولی در همه نسخه‌ها این عبارات نیست و بدون شک از ساخته‌های غلات می‌باشد. اما عباراتی هم چون: «انا مورق الاشجار و مثمر الثمار» مانند آن در روایت دیگر فراوان است؛ هم چون «بنا أثمرت الأشجار و أينعت الثمار، و جرت الأنهار و بنا تنزل الغیث و تنبت عشب الأرض» و در زیارت مطلقه چنین آمده است: «وبکم تنبت الأرض أشجارها و بکم تخرج الأشجار و أثمارها...». و در زیارت رجیبه: «أنا سائلکم و آملکم فیما إلیکم التفویض و علیکم التعویض، فبکم یجبر المهیض و یشفی المریض و...». بنابراین، هر عبارتی که مخالف ظاهر قرآن بود و قابل تأویل و توجیه صحیحی نبود، معصومین از آن بری و منزّه هستند؛ اما جعلی بودن عبارات این خطبه، سبب نادرستی همه خطبه شریف نمی‌شود.
- [۲۹۴] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

- [۲۹۵] حجر (۱۵) آیه ۷۵.
- [۲۹۶] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.
- [۲۹۷] عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۵۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.
- [۲۹۸] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
- [۲۹۹] همان جا.
- [۳۰۰] همان، ص ۳۱۰.
- [۳۰۱] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۸۵.
- [۳۰۲] طوسی، غیبه، ص ۲۸۴؛ نعمانی، غیبه، ص ۳۱۵؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۵؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۱۷.
- [۳۰۳] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷ و ۳۲۷.
- [۳۰۴] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷، ۳۲۷، ۳۷۲؛ ینابیع الموده، ص ۴۲۴؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۶.
- [۳۰۵] مفید، اختصاص، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.
- [۳۰۶] مفید، اختصاص، ص ۲۴؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۲۴؛ ینابیع الموده، ص ۴۴۸، ۴۸۹؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۵۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸، ۳۷۲.
- [۳۰۷] کافی، ج ۸، ص ۲۸۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵.
- [۳۰۸] خرائج، ج ۲، ص ۸۴۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ ر. ک: حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۱۸۴؛ کشف الغمیه، ج ۳، ص ۳۴۵؛ ینابیع الموده، ص ۴۴۸؛ مانند این روایت از امام باقر (ع) رسیده است: بصائر الدرجات، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸۹.
- [۳۰۹] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
- [۳۱۰] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.
- [۳۱۱] مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴.
- [۳۱۲] طوسی، امالی، ج ۱، ص ۲۳۶؛ بشاره المصطفی، ص ۱۱۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷، ۱۲۳.
- [۳۱۳] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۰؛ ر. ک: طوسی، امالی، ج ۱، ص ۲۳۶؛ برقی، محاسن، ص ۱۷۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۵۶.
- [۳۱۴] کافی، ج ۲، ص ۲۲۲.
- [۳۱۵] عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۲۶۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.
- [۳۱۶] نعمانی، غیبه، ص ۲۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۲.
- [۳۱۷] بصائر الدرجات، ص ۱۴۱؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۳؛ تبصره الولی، ص ۹۷؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۴۱ و ج ۵۴، ص ۳۳۴.
- [۳۱۸] بصائر الدرجات، ص ۱۴۱؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۳؛ تبصره الولی، ص ۹۷؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۴۱ و ج ۵۴، ص ۳۳۴.
- [۳۱۹] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۶۶؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲؛ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۴۶.
- [۳۲۰] حج (۲۲) آیه ۴۱.
- [۳۲۱] تفسیر برهان، ج ۲، ص ۹۶؛ ینابیع الموده، ص ۴۲۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱.
- [۳۲۲] احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۵۹؛ ینابیع الموده، ص ۴۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۸؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۸.
- [۳۲۳] عقد الدرر، ص ۲۲۲؛ فرائد فوائد الفکر، ص ۹.
- [۳۲۴] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱؛ الفصول المهمه، ص ۲۸۴؛ اسعاف الراغبین، ص ۱۴۰.

- [۳۲۵] ینابیع المودّه، ص ۴۲۳.
- [۳۲۶] القول المختصر، ص ۲۳.
- [۳۲۷] عیون أخبار الرضا، ص ۶۵؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۶؛ الشیعۀ و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۸.
- [۳۲۸] کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳، ۳۳۶؛ الشیعۀ و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۸؛ ر. ک: ابن حمّاد، فتن، ص ۹۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۰، ۲۶۲؛ مفید، ارشاد، ص ۳۶۲؛ اعلام الوری، ص ۴۳۰.
- [۳۲۹] ابن حمّاد، فتن، ص ۱۱۶؛ عقد الدرر، ص ۱۸۹.
- [۳۳۰] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.
- [۳۳۱] فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۸۳؛ شافعی، بیان، ص ۱۳۷؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۲۹ و ج ۱۹، ص ۶۶۰.
- [۳۳۲] ابن ابی شیبّه، مصنّف، ج ۱۳، ص ۱۸.
- [۳۳۳] سین (چین) به آسیای شرقی گفته می‌شود و شامل شوروی سابق، هند، نپال، برمه، ویتنام، ژاپن و دریای چین و کره می‌شود (المنجد).
- [۳۳۴] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۲؛ الشیعۀ و الرجعه، ج ۱، ص ۴۰۰.
- [۳۳۵] الشیعۀ و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۲.
- [۳۳۶] قسطنطنیه شهری در ترکیه است، که در قرن هفتم قبل از میلاد ساخته شده و مدّتی پایتخت امپراتوری روم بوده است؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۴۷؛ اعلام المنجد، ص ۲۸.
- [۳۳۷] دیلم نام سرزمینی در بخش کوهستانی گیلان که در شمال قزوین قرار گرفته است؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۹۹؛ اعلام المنجد، ص ۲۲۷؛ برهان قاطع، ج ۱، ص ۵۷۰.
- [۳۳۸] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۸؛ ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۳۲، حدیث‌های شماره: ۱، ۶، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۶.
- [۳۳۹] خزر (شوروی سابق)؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۹۹؛ اعلام المنجد، ص ۲۱۴.
- [۳۴۰] عقد الدرر، ص ۱۲۳ به نقل از: ابن المنادی، ملاحم.
- [۳۴۱] شهری در شام، از توابع فلسطین و بر روی ساحل دریاست. این نقطه، بین دو شهر غزه و بیت جبرین قرار گرفته است؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۶۷۳.
- [۳۴۲] عقد الدرر، ص ۲۰۱.
- [۳۴۳] روم اکنون پایتخت ایتالیاست. در آن روزگار مرکز حکومتی بود که پادشاهانی با نام رسمی قیصر بر آن حکومت می‌کردند و بر بخش بزرگی از جهان تسلط داشتند، به طوری که گستره نفوذ آنان از دریای مدیترانه، شمال آفریقا، یونان، ترکیه، سوریه، لبنان تا فلسطین را در بر می‌گرفت و همه این سرزمین‌ها را روم می‌نامیدند.
- [۳۴۴] ترکستان در قاره آسیا قرار گرفته و بین چین و شوروی تقسیم شده است و شامل سین کیانگ از چین و ترکمنستان، ازبکستان، تاشکند، تاجیکستان، قرنجیر، قزاقستان است؛ اعلام المنجد.
- [۳۴۵] شبه جزیره‌ای به شکل مثلث در جنوب آسیا است و شامل جمهوری هند، پاکستان، بوتان و نپال می‌باشد؛ برهان قاطع، ج ۱، ص ۷۰۳؛ اعلام المنجد، ص ۵۴۲.
- [۳۴۶] نعمانی، غیبه، ص ۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.
- [۳۴۷] القول المختصر، ص ۲۶.

- [۳۴۸] عقد الدرر، ص ۹۷، ۳۱۹؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۸۱؛ حنفی، برهان، ص ۸۸.
- [۳۴۹] عقد الدرر، ص ۲۰۱؛ شافعی، بیان، ص ۱۱۴؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۲۹.
- [۳۵۰] حجاز از شمال به خلیج عقبه، از مغرب به دریای سرخ، از مشرق به نجد و از جنوب به عسیر محدود می‌شود؛ اعلام المنجد، ص ۲۲۹ و به نقل حمونینی، از اعماق صنعا در یمن، تا شام را حجاز می‌نامند، و تبوک و فلسطین نیز جزو آن است؛ معجم البلدان.
- [۳۵۱] ابن حمّاد، فتن، ص ۹۵؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۴۱؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴؛ القول المختصر، ص ۲۳.
- [۳۵۲] خراسان در آن روزگار به سرزمین‌هایی از ایران، افغانستان و شوروی گفته می‌شد؛ اعلام المنجد، ص ۲۶۷.
- [۳۵۳] الشیعة و الرجعه، ج ۱، ص ۱۵۸.
- [۳۵۴] ارمینیه در آسیای صغیر و محدود به کوه‌های آرارات، قفقاز، ایران، ترکیه و رود فرات می‌باشد و روزگاری حکومتی مستقل داشت و پس از انقراض امپراتوری بیزانس، این سرزمین بین ایران، روس، و عثمانی‌ها تقسیم شد؛ المنجد، ص ۲۵.
- [۳۵۵] همان، ص ۱۶۲.
- [۳۵۶] همان، ص ۱۶۴.
- [۳۵۷] همان، ج ۱، ص ۱۶۴؛ ر. ک: عقد الدرر، ص ۲۰۰؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۲۹.
- [۳۵۸] مفید، ارشاد، ص ۳۴۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.
- [۳۵۹] ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴؛ الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۱.
- [۳۶۰] ضبه نام روستایی در حجاز است که در راه شام در ساحل دریا قرار گرفته است. در کنار آن، روستای حضرت یعقوب به نام «بدا» قرار دارد. بنی ضبه قبیله‌ای است که در جنگ جمل به پشتیبانی از دشمنان علی (ع) برخاستند و بیش تر اشعار و رجزهایی که در جنگ جمل خوانده شد، متعلق به قبیله ضبه و ازد بود. آنان در آن جنگ گرواگرد شتر عایشه را گرفتند و از او حمایت کردند؛ سمعانی، انساب، ج ۴، ص ۱۲؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۳۲۰ و ج ۱، ص ۲۵۳.
- [۳۶۱] غنی قبیله‌ای است که در «هار» در سرزمین جزیره العرب - میان موصل و شام - زندگی می‌کردند و به شخصی به نام غنی بن یعصر منسوب هستند؛ سمعانی، انساب، ج ۴، ص ۳۱۵.
- [۳۶۲] باهله طایفه‌ای منسوب به باهله بن أعصر می‌باشد. عرب‌ها در آن روزگار از پیوند با این قبیله خودداری می‌ورزیدند؛ زیرا افراد شرافتمند و محترمی در میان آنان نبود و طایفه باهله مردمی پست بودند. حضرت علی (ع) پیش از حرکت به صفین به آنان فرمود: «خدا را گواه می‌گیرم که من از شما و شما از من خشمگین هستید، پس بیایید، حقوق خود را دریافت کنید و از کوفه به دیلم کوچ کنید؛ سمعانی، انساب، ج ۱، ص ۲۷۵؛ وقعه صفین، ص ۱۱۶؛ النفی و التغریب، ص ۳۴۹. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۷۲؛ الغارات، ج ۲، ص ۲۱.
- [۳۶۳] نعمانی، غیبه، ص ۲۹۹؛ بصائر الدرجات، ص ۳۳۶؛ حلیه الأبرار، ج ۲، ص ۶۳۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳ و ج ۴۸، ص ۸۴.
- [۳۶۴] عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۶۱؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۸۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.
- [۳۶۵] صف (۶۱) آیه ۱۴.
- [۳۶۶] بصائر الدرجات، ص ۳۳۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵ و ج ۴۷، ص ۸۴ و ج ۱۴، ص ۲۷۹.
- [۳۶۷] ابن حمّاد، فتن، ص ۱۶۲؛ المعجم الصغیر، ص ۱۵۰؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۰۴.
- [۳۶۸] عقد الدرر، ص ۱۶۶؛ ر. ک: عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱، ص ۴۰۱.
- [۳۶۹] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۵۲.
- [۳۷۰] المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۳۴۲ و مانند این مطلب را در عقد الدرر، ص ۳۳۱، از «خارجة بن الصلت» نقل شده است.

- [۳۷۱] الفائق، ج ۱، ص ۳۵۴.
- [۳۷۲] ابن حمّاد، فتن، ص ۱۵۹؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۸۲.
- [۳۷۳] مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۵ و ج ۱۴، ص ۳۵۴.
- [۳۷۴] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶.
- [۳۷۵] همان، ص ۳۴۳.
- [۳۷۶] نعمانی، غیبه، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱.
- [۳۷۷] حصینی، الهدایه، ص ۳۱؛ ارشاد القلوب، ص ۲۸۶.
- [۳۷۸] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲؛ نعمانی، غیبه، ص ۳۰۹؛ کامل الزیارات، ص ۱۲۰؛ العدد القویه، ص ۷۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۴۵.
- [۳۷۹] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۸۸؛ القول المختصر، ص ۲۱.
- [۳۸۰] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۹؛ نور الثقلین، ج ۱۲، ص ۳۸۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۴۸.
- [۳۸۱] بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۳۹؛ ر. ک: نعمانی، غیبه، ص ۳۱۱.
- [۳۸۲] ابن حنّاد، فتن، ص ۱۰۱؛ شافعی، بیان، ص ۵۱۵؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۳؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۶۷؛ کنز العمال، ج ۴، ص ۵۸۹؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۳؛ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۵۲.
- [۳۸۳] نحل (۱۶) آیه ۱.
- [۳۸۴] تأویل الآیات الظاهره، ج ۱، ص ۲۵۲؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۶۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶.
- [۳۸۵] دلائل الامامه، ص ۲۴۱؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۳.
- [۳۸۶] بصائر الدرجات، ص ۱۴۴؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۳؛ تبصره الولی، ص ۹۷؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۴۱ و ج ۵۴، ص ۳۳۴.
- [۳۸۷] اشاره به این آیه شریفه است: (إِرم ذات العِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخَلِّقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ؛ ای رسول خدا! آیا ندیدی که خدای تو مردم شهر ارم را که صاحب قدرت و عظمت بودند، چگونه کيفر داد؟ در صورتی که مانند آن شهر در استحکام و بزرگی در جهان نبود). فجر (۸۹) آیه ۸. مقصود این حدیث آن است که چنین شهر پرشکوه و با عظمتی برای عیسی (ع) دوباره آشکار می‌شود و این شهر مخفی، پدیدار می‌گردد.
- [۳۸۸] غایه المرام، ص ۶۹۷؛ حلیه الابرار، ج ۲، ص ۶۲۰؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۳۶؛ ر. ک: ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۶؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۸۹، ۵۴۱.
- [۳۸۹] ینابیع المودّه، ص ۴۰۱؛ ابن حمّاد، فتن، ص ۹۸؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۵۷؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۷.
- [۳۹۰] نعمانی، غیبه، ص ۲۳۱؛ عقد الدرر، ص ۲۲۶؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۳۹؛ حلیه الابرار، ج ۲، ص ۶۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.
- [۳۹۱] برقی، محاسن، ص ۳۲۰؛ کافی، ج ۵، ص ۳۳؛ علل الشرائع، ص ۱۵۰؛ التهذیب، ج ۶، ص ۱۵۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۵۸؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۰۱.
- [۳۹۲] شاید مراد از «العرق» رگ، و کنایه از گردن زدن باشد.
- [۳۹۳] نعمانی، غیبه، ص ۲۸۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۳.
- [۳۹۴] نعمانی، غیبه، ص ۲۸۴؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۳.
- [۳۹۵] نعمانی، غیبه، ص ۲۳۱؛ ر. ک: التهذیب، ج ۶، ص ۱۵۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳؛ مستدرک

- الوسائل، ج ۱۱، ص ۵۴.
- [۳۹۶] نعمانی، غیبه، ص ۲۳۱؛ عقد الدرر، ص ۲۲۷؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۳۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.
- [۳۹۷] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۹.
- [۳۹۸] مفید، ارشاد، ص ۳۶۴؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۵؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸، ۳۴۹.
- [۳۹۹] کافی، ج ۸، ص ۲۲۷؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۵۰؛ مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۱۶۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵.
- [۴۰۰] احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۷؛ المحجبه، ص ۴۲۹.
- [۴۰۱] عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۳؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۱۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳.
- [۴۰۲] علل الشرائع، ج ۲، ص ۹۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.
- [۴۰۳] نعمانی، غیبه، ص ۱۶۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، ۳۶۱.
- [۴۰۴] اسد الغابه، ج ۳، ص ۷، ۳۷۲.
- [۴۰۵] تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۴۶.
- [۴۰۶] نعمانی، غیبه، ص ۱۲۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵.
- [۴۰۷] نعمانی، غیبه، ص ۱۲۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵.
- [۴۰۸] نعمانی، غیبه، ص ۱۶۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵.
- [۴۰۹] آل عمران (۳) آیه ۸۴.
- [۴۱۰] عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۲؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۹؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۶۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.
- [۴۱۱] نساء (۴) آیه ۱۵۹.
- [۴۱۲] تفسیر قمی، ص ۱۴۶؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۳۲؛ العرائس الواضحه، ص ۲۰۹؛ بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۴۹. ابن اثیر می گوید: در آن روزگار هیچ اهل ذمه‌ای نمی ماند که جزیه پردازد. شاید مراد این باشد که اهل ذمه یا اسلام می آوردند یا کشته می شدند. البته روایاتی نیز برخلاف این معنا وارد شده است؛ نهایتاً، ج ۵، ص ۱۹۷.
- [۴۱۳] احمد، مسند، ج ۲، ص ۳۹۸، ۵۲۰.
- [۴۱۴] احمد، مسند، ج ۳، ص ۳۶۷؛ حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۵۰۳؛ ر. ک: ابن حنّاد، فتن، ص ۱۵۹؛ ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۵۹.
- [۴۱۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.
- [۴۱۶] نهایتاً، ج ۵، ص ۱۹۷.
- [۴۱۷] عقد الدرر، ص ۴۰.
- [۴۱۸] نعمانی، غیبه، ص ۲۸۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۷.
- [۴۱۹] مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۱۸.
- [۴۲۰] بتریه یکی از فرقه‌های زیدیه از پیروان کثیرالنوی می باشند. آنان عقاید مشابهی با سلیمانیه یکی دیگر از فرقه‌های زیدیه دارند. در اسلام و کفر عثمان توقف و تردید دارند. در مسائل اعتقادی مشرب اعتزال و در فروع فقهی بیش تر پیرو ابوحنیفه هستند. گروهی از آنان نیز پیرو شافعی یا مذهب شیعه می باشند؛ بهجه الآمال، ج ۱، ص ۹۵؛ ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۶۱.
- [۴۲۱] ارشاد، ص ۳۶۴؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۵؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۵؛ اعلام الوری،

- ص ۴۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.
- [۴۲۲] دلائل الامامه، ص ۲۴۱؛ طوسی، غیبه، ص ۲۸۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۱۶؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۵۹۸.
- [۴۲۳] نعمانی، غیبه، ص ۲۹۷؛ حلیه الابرار، ج ۲، ص ۳۶۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲؛ بشاره الاسلام، ص ۲۲۲.
- [۴۲۴] همان جا.
- [۴۲۵] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷.
- [۴۲۶] نعمانی، غیبه، ص ۳۱۷؛ طوسی، غیبه، ص ۲۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳، ۳۲۹.
- [۴۲۷] تفسیر فرات، ص ۱۰۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.
- [۴۲۸] کافی، ج ۸، ص ۲۲۷؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۵۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۴۳.
- [۴۲۹] مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۱۶۰.
- [۴۳۰] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.
- [۴۳۱] فتح (۴۸) آیه ۲۵.
- [۴۳۲] کمال الدین، ج ۲، ص ۴۶۱؛ المحجّه، ص ۲۰۶؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۷.
- [۴۳۳] التهذیب، ج ۶، ص ۱۷۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۸۲؛ ملاذ الاخیار، ج ۹، ص ۴۵۵.
- [۴۳۴] ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۸۵؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۹.
- [۴۳۵] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.
- [۴۳۶] حجر (۱۵) آیه ۳۸.
- [۴۳۷] عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۲۴۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۵۱؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۹۰۶؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۴۳؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۵۴. علامه سید محمد حسین طباطبائی، روایت دیگری را به همین مضمون از تفسیر قمی آورده، در دنباله آن می‌فرماید: روایات وارد شده از اهل بیت (ع) در تفسیر اکثر آیات قیامت که گاهی آیات را به ظهور حضرت مهدی (عج) و گاهی به رجعت و گاهی به قیامت تفسیر می‌کند، شاید بدین لحاظ است که این سه روز در ظاهر شدن حقایق شریکند؛ هر چند از حیث شدت و ضعف با هم اختلاف دارند؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۱۸۴؛ الرجعة فی احادیث الفریقین.
- [۴۳۸] قیل: «لا یتروک بدعة إلا أزالها ولا سنة إلا أحيها»؛ القول المختصر، ص ۲۰.
- [۴۳۹] تأویل الآیات الظاهرة، ج ۲، ص ۵۴۰؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۶۴.
- [۴۴۰] کشی، رجال، ص ۱۳۸؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۶۰؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۴۶؛ العوالم، ج ۳، ص ۵۵۸.
- [۴۴۱] مفید، ارشاد، ص ۳۶۴؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴؛ اعلام الوری، ص ۴۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.
- [۴۴۲] التهذیب، ج ۴، ص ۹۶؛ ملاذ الاخیار، ج ۶، ص ۲۵۸.
- [۴۴۳] کافی، ج ۳، ص ۵۰۳؛ الفقیه، ج ۲، ص ۱۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۵.
- [۴۴۴] صدوق، خصال، باب ۳، ص ۱۳۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۵.
- [۴۴۵] تذکرة الفقهاء، ج ۵، ص ۷. کتاب زکات؛ ر. ک: مرآة العقول، ج ۱۶، ص ۱۴.
- [۴۴۶] روضة المتقین، ج ۳، ص ۱۸.
- [۴۴۷] مؤمنون (۲۳) آیه ۱۰۱.
- [۴۴۸] دلائل الامامه، ص ۲۶۰؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۲۰؛ الشیعة و الرجعة، ج ۱، ص ۴۰۲.
- [۴۴۹] الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۴؛ صدوق، عقاید، ص ۷۶؛ حصینی، هدایه، ص ۶۴، ۸۷؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۹؛ روضة المتقین، ج ۱۱،

ص ۴۱۵؛ بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۴۹ و ج ۱۰۱، ص ۳۶۷.

[۴۵۰] کشی، رجال، ص ۲۹۹؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۶۱.

[۴۵۱] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۶.

[۴۵۲] عقد الدرر، ص ۱۶۶؛ القول المختصر، ص ۱۴.

[۴۵۳] كهف (۱۸) آیه ۹.

[۴۵۴] علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۱۹؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۵۵.

[۴۵۵] من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۰۰؛ التهذیب، ج ۷، ص ۱۷۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۲۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۵۵؛ ملاذ

الاخیار، ج ۱۱، ص ۳۱۵.

[۴۵۶] من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۰۰؛ التهذیب، ج ۷، ص ۱۷۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۲۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۵۵؛ ملاذ

الاخیار، ج ۱۱، ص ۳۱۵.

[۴۵۷] روضه المتقین، ج ۷، ص ۳۷۵.

[۴۵۸] ملاذ الاخیار، ج ۱۱، ص ۳۱۵.

[۴۵۹] صدوق، مصادقه لاخوان، ص ۲۰؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۵.

[۴۶۰] قرب الاسناد، ص ۵۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹ و ج ۹۷، ص ۵۸؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۳، ۵۸۴؛ بشاره الاسلام، ص ۲۳۴.

[۴۶۱] توبه (۹) آیه ۳۶.

[۴۶۲] کافی، ج ۴، ص ۶۱؛ التهذیب، ج ۴، ص ۱۴۳؛ عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۸۷؛ المحجّه، ص ۸۹؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۴۱؛ تفسیر

برهان، ج ۲، ص ۱۲۱؛ نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۱۳؛ بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۴۳؛ مرآة العقول، ج ۱۶، ص ۱۹۳.

[۴۶۳] طوسی، غیبه، ص ۲۸۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۱۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

[۴۶۴] نعمانی، غیبه، ص ۳۱۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۹ و ج ۱۲، ص ۲۹۴.

[۴۶۵] من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۱۷، ۵۵۶؛ الشیعه و الرجعه، ج ۲،

ص ۴۰۰؛ ر. ک: من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۲؛ ارشاد، ص ۳۶۵؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴.

[۴۶۶] مهدی موعود، ص ۹۴۱؛ الغارات، ج ۲، ص ۳۲۴؛ پاورقی.

[۴۶۷] بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۹.

[۴۶۸] محلی از مسجد که برای خلیفه یا امام جماعت می ساختند تا در حال نماز در آن جا بایستند و از دسترس دشمن دور باشند؛

فرهنگ فارسی عمید.

[۴۶۹] طوسی، غیبه، ص ۱۲۳؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۴۳۷؛ اعلام الوری، ص ۳۵۵؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۰۸؛ اثبات الهداء،

ج ۳، ص ۴۱۲؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۱۵ و ج ۵۲، ص ۳۲۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۹، ۳۸۴.

[۴۷۰] من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۵.

[۴۷۱] روضه المتقین، ج ۲، ص ۱۰۹.

[۴۷۲] اثبات الوصیه، ص ۲۱۵؛ اعلام الوری، ص ۳۵۵.

[۴۷۳] عریش سائبانی است که برای محافظت خود از گرما و آفتاب می سازند و به نقل از طریحی آن را از سعف خرما می سازند و

تا پایان فصل خرما، در آن به سر می برند. تخریب آن شاید بدین دلیل است که مساجد پیش از ظهور امام (ع) از حالت سادگی

بیرون آمده، جنبه تشریفاتی به خود می گیرد. ویرانی منابر نیز به دلیل آن است که دیگر جنبه ارشاد و هدایت مردم را ندارد؛ بلکه به

وسیله‌ای برای تقویت فرمانروایان ستمگر و خائن و توجیهی برای نفوذ دشمنان در سرزمین‌های اسلامی تبدیل شده است.

- [۴۷۴] من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۲۵؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۸؛ روضه المتقین، ج ۲، ص ۱۰۱.
- [۴۷۵] ارشاد، ص ۳۶۴؛ طوسی، غیبه، ص ۲۹۷؛ نعمانی، غیبه، ص ۱۷۱؛ اعلام الوری، ص ۴۳۱؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.
- [۴۷۶] حدود آن را مرحوم صدوق و مجلسی بیان کرده‌اند؛ ر. ک: روضه المتقین، ج ۲، ص ۹۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۹.
- [۴۷۷] کافی، ج ۱، ص ۳۹۷؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ مرآة العقول، ج ۴، ص ۳۰۰؛ مجلسی این حدیث را موثق می‌داند؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۰، ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۳۹.
- [۴۷۸] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۹.
- [۴۷۹] اعراف (۷) آیه ۱۲۷.
- [۴۸۰] ارشاد، ص ۳۴۴؛ روضه الواعظین، ص ۲۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.
- [۴۸۱] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۳؛ روایاتی هم از اهل سنت به همین مضامین وارد شده است.
- [۴۸۲] مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵؛ الاذاعه، ص ۱۱۹؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۹۴.
- [۴۸۳] بقره (۲) آیه ۲۵۱.
- [۴۸۴] کمال الدین، ص ۶۶۸؛ المحجّه، ص ۴۲۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۲؛ ینابیع المودّه، ص ۴۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴.
- [۴۸۵] نعمانی، غیبه، ص ۱۵۹؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.
- [۴۸۶] حج (۲۲) آیه ۴۱.
- [۴۸۷] تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷؛ المحجّه، ص ۱۴۳؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۱.
- [۴۸۸] کمال الدین، ص ۳۷۲؛ کفایة الاثر، ص ۲۷۰؛ اعلام الوری، ص ۴۰۸؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۴؛ فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ینابیع المودّه، ص ۴۴۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱؛ غایة المرام، ص ۶۹۶؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۶۴.
- [۴۸۹] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۶.
- [۴۹۰] عقد الدرر، ص ۳۹؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۸۶.
- [۴۹۱] کافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴.
- [۴۹۲] ینابیع المودّه، ص ۴۳۱؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۴.
- [۴۹۳] فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۴۹۶؛ اسعاف الراغبین، ص ۱۲۴؛ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۶۳؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۶.
- [۴۹۴] ابن حنّیاد، فتن، ص ۹۹؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۸؛ القول المختصر، ص ۲۱؛ متقی هندی، برهان، ص ۸۶؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۰.
- [۴۹۵] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۲.
- [۴۹۶] کامل الزیارات، ص ۳۰.
- [۴۹۷] کافی، ج ۳، ص ۴۹۵؛ کامل الزیارات، ص ۳۰؛ راوندی، قصص الانبیاء، ص ۸۰؛ التهذیب، ج ۶، ص ۳۱؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷، ۳۷۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۴.
- [۴۹۸] کافی، ج ۳، ص ۴۹۵؛ ارشاد، ص ۳۶۲؛ التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۲؛ طوسی، غیبه، ص ۲۸۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۳۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱؛ ملاذ الاخبار، ج ۵، ص ۴۷۵.
- [۴۹۹] راوندی، قصص الانبیاء، ص ۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵.

[۵۰۰] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵؛ طوسی، غیبه، ص ۲۷۵ با اندکی تفاوت.

[۵۰۱] روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۷؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۵۲.

[۵۰۲] کامل الزیارات، ص ۳۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۶.

[۵۰۳] طوسی، غیبه، ص ۲۷۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

[۵۰۴] فضل الکوفه، ص ۲۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۶۰۹؛ حلیه الابرار، ج ۲، ص ۷۱۹؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵۱.

[۵۰۵] ابن طاووس، ملاحم، ص ۸۳؛ ابن حماد، فتن، ص ۱۶۰.

[۵۰۶] غایه المرام، ص ۶۹۷؛ حلیه الابرار، ج ۲، ص ۶۲۰.

[۵۰۷] غایه المرام، ص ۶۹۷؛ حلیه الابرار، ج ۲، ص ۶۲۰.

[۵۰۸] عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۳۲؛ دلائل الامامه، ص ۲۷۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۸۹؛ ارشاد، ص ۳۶۵؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۶؛

روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۶؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۵۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۶.

[۵۰۹] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۳.

[۵۱۰] مقدار از یاران پیامبر (ص) و علی (ع) است. در بزرگی شأن او همین بس که طبق یکی از روایات، خداوند به سبب هفت نفر

– که یکی از آنان مقدار است – به شما رزق و روزی می‌دهد و به شما یاری می‌رساند و باران می‌فرستد. او در موضوع خلافت و

امامت امیرالمؤمنین (ع) پافشاری داشت و کوشش فراوان کرد. پیامبر (ص) درباره او فرمود: «خداوند مرا فرمان داد تا چهار تن را

دوست بدارم: علی (ع)، مقدار، ابوذر و سلمان». در روایت دیگر آمده است: «بهشت مشتاق مقدار است». (معجم رجال الحدیث،

ج ۸، ص ۳۱۴). او دوبار هجرت کرد و در جنگ‌های گوناگونی شرکت جست و در جنگ بدر به پیامبر (ص) عرض کرد: ما سخن

بنی اسرائیل به حضرت موسی را به تو نمی‌گوییم؛ بلکه می‌گوییم در کنار تو و در رکابت با دشمن می‌جنگیم. مقدار در روزگار

حکومت امیر (ع) جزء شرطه الخمیس بود. سرانجام مقدار در هفتاد سالگی در سرزمینی به نام «جرف» در فاصله سی میلی از مدینه

به سرای جاودانه شتافت و پیکرش را مردم بر دوش گرفته و تا بقیع تشیع کردند و در آنجا به خاک سپردند. (تنقیح المقال، ج ۲،

ص ۲۴۵؛ اسدالغابه، ج ۴، ص ۴۰۹).

[۵۱۱] همدان قبیله‌ای بزرگ در یمن است. آنان پس از جنگ تبوک، نمایندگان را به حضور پیامبر فرستادند و حضرت در سال

نهم امیرمؤمنان (ع) را به یمن فرستاد تا آنان را به اسلام دعوت کند. پس از قرائت پیام پیامبر (ص) همه آنان اسلام آوردند. علی

(ع) در نامه‌ای خبر اسلام آوردن طایفه همدان را به پیامبر نوشت و در آن نامه سه بار بر همدان درود فرستاد و پیامبر (ص) پس از

خواندن نامه به شکرانه این خیر، سجده شکر به جای آورد. (کامل ابن‌اثیر، ج ۱، ص ۲۶، ۲۹، ۳۰). علی (ع) در مدح آنان چنین

سروده است: «همدانیان صاحبان دین و اخلاق نیکند، دینشان، شجاعت آنان وقهرشان بر دشمنان به هنگام رویارویی، آنان را زینت

بخشیده است. اگر من دربان بهشت می‌بودم، به همدانیان می‌گفتم: به سلامت به آن وارد شوید». (عقدالفرید، ج ۴، ص ۳۳۹؛ وقعه

صفین، ص ۲۷۴). آن حضرت در پاسخ به تهدیدات معاویه، توانایی و نیرومندی قبیله همدان را به رخ او کشید و فرمود: «هنگامی

که مرگ را مرگی سرخ یافتم، پس طایفه همدان را بسیج کردم و آنان نیز قبیله حمیر را». (وقعه صفین، ص ۴۳). هنگامی که علی

(ع) مردم را برای جنگ با معاویه بسیج می‌کرد، فردی به حضرت اعتراض کرد. و چون ممکن بود در گردآوری سپاه اختلال پدید

آید شاهدان واقعه با مشت و لگد به زندگانی او پایان دادند و حضرت دیه او را پرداخت. (همان، ص ۹۴، ۹۵). طایفه همدان یکی

از سه طایفه‌ای بود که بالاترین تعداد رزمندگان لشکر حضرت علی (ع) را تشکیل می‌دادند. (همان، ص ۲۹۰). در یکی از پیکارهای

صفین آنان در جناح راست، پایداری بی‌مانندی از خود نشان دادند؛ به ویژه هشت صد تن از جوانان همدان که تا پای جان پایداری

کردند و صد و هشتاد نفر از آنان شهید و زخمی شدند و یازده فرمانده از آنان به شهادت رسید. پرچم از دست هر یک از آنان که

به زمین می افتاد، دیگری آن را به دست می گرفت و در پیکار با رقیب خود «آزد» و «بُجیله» سه هزار از آنان را کشتند. هنگامی که در یکی از شب‌های جنگ صفین، معاویه با چهار هزار نفر قصد شیخون زدن به لشکر علی (ع) داشت، طایفه همدان از آن آگاهی یافت و تا صبح به صورت آماده باش به نهبانی پرداخت. (همان، ص ۲۵۲، ۳۲۹، ۳۳۰). روزی معاویه با لشکریانش وارد جنگ با این طایفه شد؛ ولی او نیز با شکستی چشمگیر میدان نبرد را ترک کرد و گریخت. معاویه، طایفه «عک» را به پیکار با آنان فرستاد و همدانیان چنان بر آنان هجوم آوردند که معاویه چاره‌ای جز دستور عقب‌نشینی نداشت. علی (ع) از آنان خواست تا سپاهیان سرزمین حمص را سرکوب کنند. همدانیان بر آنان یورش بردند و پس از نبردی دلاورانه آنان را شکست داده تا نزدیکی جایگاه و چادر معاویه به عقب راندند. طایفه همدان همیشه فرمانبردار آن حضرت بودند و هنگامی که با برافراشتن قرآن‌ها بر نیزه در میان لشکریان علی (ع) اختلاف نظر پدید آمد، فرمانده این قبیله به حضرت گفت: ما هیچ اعتراضی نداریم و هر دستوری بدهی، اجرا می‌کنیم. (همان، ص ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۳۷، ۵۲۰).

[۵۱۲] عقد الدرر، ص ۹۷.

[۵۱۳] نورالابصار، ص ۱۸۷؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۴؛ به نقل از «فتوحات مکیه».

[۵۱۴] الدر المنتور، ج ۴، ص ۲۱۵؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۵۰؛ العطر الوردی، ص ۷۰.

[۵۱۵] السیرة الحلییه، ج ۱، ص ۲۲؛ منتخب الاثر، ص ۴۸۵.

[۵۱۶] مفید، ارشاد، ص ۳۶۳؛ طوسی، غیبه، ص ۲۸۳؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۱؛ الفصول المهمه، ص ۳۰۲؛ الایقاظ، ص ۲۴۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۰۱.

[۵۱۷] عقد الدرر، ص ۲۲۴، ۲۳۸؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۶۲۴.

[۵۱۸] الفصول المهمه، ص ۳۰۲؛ ابن بطریق، عمده، ص ۴۳۵؛ دلائل الامامه، ص ۲۵۸؛ حنفی، برهان، ص ۹۹؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۴؛ فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۰؛ عقد الدرر، ص ۲۰، ۲۳۶؛ شافعی، بیان، ص ۵۰؛ حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۵۵۷؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۲؛ ینابیع الموده، ص ۴۳۱؛ غایة المرام، ص ۶۹۸؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۲.

[۵۱۹] عقد الدرر، ص ۲۰؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۲.

[۵۲۰] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۰؛ کشف الاستار، ج ۴، ص ۱۱۲؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۴.

[۵۲۱] ابن طاووس، طرائف، ص ۱۷۷.

[۵۲۲] عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۳۲۶؛ نعمانی، غیبه، ص ۳۳۱؛ اختصاص، ص ۲۵۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸.

[۵۲۳] فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۲۲۱؛ العلل المتناهیة، ج ۲، ص ۸۵۸؛ دلائل الامامه، ص ۲۳۳؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۹۳؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۹۱؛ ر. ک: طبرانی، معجم، ج ۸، ص ۱۲۰؛ اسدالغابه، ج ۴، ص ۳۵۳؛ فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۴؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۸؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۳۸۳.

[۵۲۴] کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۷۱؛ ابن بطریق، عمده، ص ۴۳۹؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱، ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۲؛ فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۶؛ دلائل الامامه، ص ۲۳۳؛ عقد الدرر، ص ۲۳۹؛ ینابیع الموده، ص ۴۳۲.

[۵۲۵] نورالابصار، ص ۱۷۰؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۲۵؛ ر. ک: فضل الکوفه، ص ۲۵؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵۱؛ ینابیع الموده، ص ۴۹۲.

[۵۲۶] ابن حمّاد، فتن، ص ۱۰۴؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۱.

[۵۲۷] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۴.

[۵۲۸] نعمانی، غیبه، ص ۳۳۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸ و ج ۵۳، ص ۳.

- [۵۲۹] طوسی، غیبیه، ص ۲۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۸۴.
- [۵۳۰] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.
- [۵۳۱] الشیعۀ و الرجعه، ج ۱، ص ۲۲۵.
- [۵۳۲] خرائج، ج ۲، ص ۸۴۱؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.
- [۵۳۳] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ العدد القویه، ص ۶۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۱؛ حلیۀ الابرار، ج ۳، ص ۶۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶ و ج ۵۲، ص ۳۱۷.
- [۵۳۴] عقد الدرر، ص ۴۲.
- [۵۳۵] مثالب النواصب، ج ۱، ص ۲۲۲.
- [۵۳۶] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱؛ حق الیقین، ج ۱، ص ۲۲۹؛ بشارۀ الاسلام، ص ۳۴۱.
- [۵۳۷] کافی، ج ۸، ص ۲۴۰؛ خرائج، ج ۲، ص ۸۴۰؛ مختصر البصائر، ص ۱۱۷؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۲؛ منتخب الانوار المزیئه، ص ۲۰۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
- [۵۳۸] بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶.
- [۵۳۹] کامل الزیارات، ص ۱۱۹؛ نعمانی، غیبیه، ص ۳۰۹؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۳؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۸۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۴۵؛ جامع احادیث الشیعۀ، ج ۱۲، ص ۳۷۰.
- [۵۴۰] فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۴۴۹؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۱.
- [۵۴۱] احمد، مسند، ج ۳، ص ۸۹؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۹۸؛ جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۸۱.
- [۵۴۲] نعمانی، غیبیه، ص ۳۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.
- [۵۴۳] نعمانی، غیبیه، ص ۳۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.
- [۵۴۴] نعمانی، غیبیه، ص ۳۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.
- [۵۴۵] الارشاد، ص ۳۶۵؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۶۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۷؛ روضۀ الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۵.
- [۵۴۶] مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۱۱.
- [۵۴۷] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.
- [۵۴۸] حیره، شهری در یک فرسنگی کوفه بود که در زمان ساسانیان در آنجا ملوک لخمی سلطنت داشتند و دست نشاندۀ ایران بودند. خسرو پرویز در سال ۶۰۲ م. این سلسله را منقرض و حاکم برای آن تعیین کرد. بعد از آن که حیره به دست مسلمانان افتاد، به علت بنای کوفه تنزل یافت و قبل از قرن دهم م. و قرن چهارم ه. به کلی از میان رفت؛ فرهنگ فارسی معین، ج ۵، ص ۴۷۰.
- [۵۴۹] التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۳؛ کافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۵؛ وسائل الشیعۀ، ج ۹، ص ۴۱۲؛ مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۵۸؛ ملاذ الاخبار، ج ۵، ص ۴۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵.
- [۵۵۰] احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۱۲.
- [۵۵۱] الارشاد، ص ۳۶۲؛ طوسی، غیبیه، ص ۲۹۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۳۷؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰، ۳۳۷.
- [۵۵۲] عقد الدرر، ص ۱۵۹.
- [۵۵۳] طوسی، غیبیه، ص ۲۹۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۳۷؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ۳۳۰.
- [۵۵۴] وافی، ج ۲، ص ۱۱۳، به نقل از: فتوحات مکیه.
- [۵۵۵] خصال، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۱۰۵۱.

- [۵۵۶] عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱، ص ۴۰۲؛ ابن حمّاد، فتن، ص ۱۶۲؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۵۲.
- [۵۵۷] منن الرحمن، ج ۲، ص ۴۲؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۴؛ به نقل از: امیرالمؤمنین (ع).
- [۵۵۸] ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۱؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۸۶؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۷.
- [۵۵۹] احمد، مسند، ج ۳، ص ۳۷، ۵۲؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱، ص ۳۴؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۴۶.
- [۵۶۰] کافی، ج ۱، ص ۲۵؛ خرائج، ج ۲، ص ۸۴۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵.
- [۵۶۱] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
- [۵۶۲] عقد الدرر، ص ۱۵۲؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۱۶؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۴۸، ۴۹۵.
- [۵۶۳] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۳؛ کامل الزیارات، ص ۱۱۹.
- [۵۶۴] مسلم، صحیح، ج ۲، ص ۷۰۱؛ ترمذی، صحیح، ج ۳۴، ص ۴۹۳؛ ابویعلی، مسند، ج ۱۱، ص ۳۲؛ جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۳۸.
- [۵۶۵] ابن طاووس، ملاحم، ص ۹۷.
- [۵۶۶] ابن حمّاد، فتن، ص ۹۹؛ متقی هندی، برهان، ص ۷۸؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۰؛ ر. ک: عقد الدرر، ص ۱۵۶؛ القول المختصر، ص ۱۹؛ سفارینی، لوائح، ج ۲، ص ۱۲؛ طوسی، غیبه، ص ۲۷۴؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۴۹؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۱۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰.
- [۵۶۷] بحارالانوار، ج ۱، ص ۶۱؛ بیهقی، سنن، ج ۹، ص ۱۸۰.
- [۵۶۸] صدوق، خصال، باب ۴۰۰، ص ۲۵۵؛ الامامه و التبصره، ص ۱۳۱؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.
- [۵۶۹] ینابیع الموده، ص ۴۲۲؛ المحجّه، ص ۴۲۵؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۱.
- [۵۷۰] عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱، ص ۴۰۱؛ ر. ک: احمد، مسند، ج ۲، ص ۴۳۷، ۴۳۸؛ ابن حمّاد، فتن، ص ۱۶۲.
- [۵۷۱] اختصاص، ص ۲۰۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.
- [۵۷۲] طیالسی، مسند، ج ۱۰، ص ۳۳۵؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۵۲.
- [۵۷۳] ابن طاووس، ملاحم، ص ۹۷.
- [۵۷۴] الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۷؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۰ و در ص ۶۳، با اندکی تفاوت؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۵۴.
- [۵۷۵] المعجم الكبير، ج ۸، ص ۱۷۹.
- [۵۷۶] المعجم الكبير، ج ۴، ص ۷۲؛ جامع الاصول، ج ۷، ص ۲۸۶؛ بیهقی، سنن، ج ۹، ص ۱۸۰.
- [۵۷۷] عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۶۲؛ نعمانی، غیبه، ص ۲۸۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵؛ ینابیع الموده، ص ۴۲۳؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۳۸۰.
- [۵۷۸] مفید، اختصاص، ص ۲۰؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۶۴؛ نعمانی، غیبه، ص ۱۴۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۴؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۵۷؛ در بحارالانوار، «ینصر المظلوم» به جای «ینصف المظلوم» آمده است؛ ر. ک: الفائق، ج ۴، ص ۱۰۰.
- [۵۷۹] سباء (۳۴) آیه ۱۸.
- [۵۸۰] آل عمران (۳) آیه ۹۷.
- [۵۸۱] علل الشرائع، ج ۱، ص ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۳۲؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۱۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۴.
- [۵۸۲] ابن حمّاد، فتن، ص ۹۸؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۹؛ عقد الدرر، ص ۱۵۱؛ القول المختصر، ص ۲۱.
- [۵۸۳] فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۴۹۱.
- [۵۸۴] اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۵؛ به نقل از: عیاشی، تفسیر، و به نقل از: روضه الواعظین، ص ۲۶۶، امام بیست و هفت نفر را از پشت

کعبه بیرون می‌آورد.

[۵۸۵] ابن طاووس، ملاحم، ص ۲۰۲؛ دلائل الامامه، ص ۳۰۷، با اندکی تفاوت.

[۵۸۶] دلائل الامامه، ص ۲۴۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

[۵۸۷] نعمانی، غیبیه، ص ۳۱۹؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۹؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵ و ج ۵۳، ص ۹۱.

[۵۸۸] عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۶۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

[۵۸۹] روضه‌الواعظین، ص ۲۶۶؛ بصائر الدرجات، ج ۵، ص ۲۵۹.

[۵۹۰] ابن حمّاد، فتن، ص ۹۸؛ عقد الدرر، ص ۳۶؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۸؛ القول المختصر، ص ۵۲.

[۵۹۱] اعراف (۷) آیه ۹۵.

[۵۹۲] علل الشرائع، ص ۱۶۱؛ نعمانی، غیبیه، ص ۲۳۷؛ عقد الدرر، ص ۳۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۷.

[۵۹۳] ابن حمّاد، فتن، ص ۹۸؛ ابن ابی شیبیه، مصنّف، ج ۱۵، ص ۱۹۶؛ احمد، مسند، ج ۳، ص ۵؛ ابن بطریق، عمده، ص ۴۲۴.

[۵۹۴] شافعی، بیان، ص ۱۲۴، احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۴۸؛ الشیعۀ و الرجعه، ج ۱، ص ۲۰۷.

[۵۹۵] ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۱۰۸.

[۵۹۶] ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۹.

[۵۹۷] عبدالرزاق، مصنّف، ج ۱۱ ص ۳۷۲؛ ابن بطریق، عمده، ص ۴۲۴؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۶۴؛ بغوی، مصابیح السنه، ج ۲،

ص ۱۳۹؛ شافعی، بیان، ص ۱۲۲؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۹.

[۵۹۸] کافی، ج ۵، ص ۲۸۵؛ التهذیب، ج ۷، ص ۱۴۹.

[۵۹۹] نعمانی، غیبیه، ص ۲۳۷؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

[۶۰۰] ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۰؛ بحارالانوار، ص ۳۷۹؛ ر. ک: احمد، مسند، ج ۳، ص ۲۱؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۵۵.

[۶۰۱] عقد الدرر، ص ۱۶۶؛ المستجاد، ص ۵۸، در روایت چنین آمده است: «یطاف بالمال فی الحواء؛ مال را در خانه‌های محلّه

می‌گردانند». حواء = خانه‌های نزدیک به هم و در یک محلّه را می‌گویند.

[۶۰۲] حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۵۵۸؛ الشیعۀ و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۴.

[۶۰۳] مفید، ارشاد، ص ۳۶۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

[۶۰۴] مفید، ارشاد، ص ۳۴۴؛ المستجاد، ص ۵۰۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹؛ ر. ک: احمد، مسند، ج ۲، ص ۵۳، ۲۷۲، ۳۱۳ و ج ۳،

ص ۵؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۴؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۶.

[۶۰۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

[۶۰۶] نعمانی، غیبیه، ص ۲۳۸؛ حلیه‌الابرار، ج ۲، ص ۶۴۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰؛ ر. ک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲؛

ابن ابی شیبیه، مصنّف، ج ۳، ص ۱۱۱؛ احمد، مسند، ج ۴، ص ۳۰۶؛ بخاری، صحیح، ج ۲، ص ۱۳۵؛ مسلم، صحیح، ج ۲، ص ۷۰.

[۶۰۷] طوسی، غیبیه، ص ۱۱۴؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۰۲؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۵.

[۶۰۸] عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۶۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

[۶۰۹] ابن حمّاد، فتن، ص ۸۳؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۷؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۱۸.

[۶۱۰] عقد الدرر، ص ۱۶۷.

[۶۱۱] ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۸؛ عقد الدرر، ص ۲۲۷.

[۶۱۲] الشیعۀ و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۸.

- [۶۱۳] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱؛ الفصول المهدیه، ص ۲۸۴؛ اسعاف الراغیین، ص ۱۵۲؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۲؛ نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۱۲؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۲.
- [۶۱۴] مفید، ارشاد، ص ۳۶۲؛ طوسی، غیبه، ص ۲۸۰؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۲؛ اعلام الوری، ص ۴۳۰؛ المستجاد، ص ۵۸۰؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱ و ج ۹۷، ص ۳۸۵.
- [۶۱۵] طوسی، غیبه، ص ۲۹۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰، ۳۳۷ و ج ۹۷، ص ۳۸۵؛ در ارشاد مفید چنین آمده است: «اتصلت بیوت أهل الكوفة بنهری كربلاء»؛ ر. ک: روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴؛ اعلام الوری، ص ۴۳۴؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۷۶؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۱؛ المحجّه، ص ۱۸۴.
- [۶۱۶] هر ذراع بین پنجاه تا هفتاد سانتیمتر است؛ المنجد.
- [۶۱۷] التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۳؛ ملاذ الاخیار، ج ۵، ص ۴۷۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴.
- [۶۱۸] مفید، ارشاد، ص ۳۶۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.
- [۶۱۹] التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۱۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۸۱؛ ملاذ الاخیار، ج ۱۶، ص ۶۸۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۵۵.
- [۶۲۰] مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۷؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۳۹.
- [۶۲۱] عقد الدرر، ص ۱۶۹؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۱ و ۱۴۱.
- [۶۲۲] المطالب العالیه، ج ۴، ص ۲۴۲؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۳۹؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۴؛ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۵۵؛ ر. ک: احمد، مسند، ج ۲، ص ۲۶۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵؛ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۱۶۹، ۶۶۳.
- [۶۲۳] من الریحمن، ج ۲، ص ۴۲.
- [۶۲۴] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۳.
- [۶۲۵] احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۶۹.
- [۶۲۶] عقد الدرر، ص ۸۴.
- [۶۲۷] مفید، اختصاص، ص ۲۰۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.
- [۶۲۸] فردوس الاخبار، ج ۳، ص ۲۴.
- [۶۲۹] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۱؛ ر. ک: طوسی، غیبه، ص ۱۱۵؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۰۴.
- [۶۳۰] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۵۲؛ ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۵۹؛ ابن حماد، فتن، ص ۱۶۲؛ عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱، ص ۳۹۹؛ با تفاوت.
- [۶۳۱] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۵۲؛ الدرالمثور، ج ۴، ص ۲۵۵؛ با تفاوت؛ عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱، ص ۴۰۱.
- [۶۳۲] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۵۲؛ الدرالمثور، ج ۴، ص ۲۵۵؛ با تفاوت؛ عبدالرزاق، مصنف، ج ۱۱، ص ۴۰۱.
- [۶۳۳] بقره (۲) آیه ۲۶۱.
- [۶۳۴] الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۷.
- [۶۳۵] مُد، پیمانهای است که در عراق معادل ۱۸ لیتر؛ فرهنگ فارسی عمید، ص ۹۳۵.
- [۶۳۶] عقد الدرر، ص ۱۵۹؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۹۷؛ القول المختصر، ص ۲۰.
- [۶۳۷] ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۲۵؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۱؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۱۷.
- [۶۳۸] تحف العقول، ص ۱۱۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ۳۴۵.
- [۶۳۹] المناقب و المثالب، ص ۴۴؛ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۷۷؛ ر. ک: ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۵۶؛ حاکم، مستدرک، ج ۴،

- ص ۴۹۲؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۴۴.
- [۶۴۰] تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۹، آیه در سوره الرحمن آیه ۶۴ است.
- [۶۴۱] کافی، ج ۵، ص ۲۶۰؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۹۳؛ التهذیب، ج ۶، ص ۳۸۴.
- [۶۴۲] التهذیب، ج ۶، ص ۳۸۴.
- [۶۴۳] حاکم، مستدرک، ج ۴، ص ۵۵۸؛ عقد الدرر، ص ۱۴۴؛ متقی هندی، برهان، ص ۸۴؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۶۰؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۴.
- [۶۴۴] جامع الاحادیث، ج ۸، ص ۷۷؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۱۵ و ج ۱۹، ص ۶۸۱.
- [۶۴۵] ابن حمّاد، فتن، ص ۱۴۸.
- [۶۴۶] ابن قتیبّه، عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۲.
- [۶۴۷] ابن ابی شیبّه، مصنّف، ج ۱۵، ص ۱۴۲؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۳۵۴؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۹۳.
- [۶۴۸] فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۲۹۸.
- [۶۴۹] احمد، مسند، ج ۳، ص ۶۴؛ فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۴۳۴.
- [۶۵۰] فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۶۸۸.
- [۶۵۱] المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۵۹.
- [۶۵۲] مفید، ارشاد، ص ۳۵۹؛ نعمانی، غیبه، ص ۲۷۷؛ طوسی، غیبه، ص ۲۶۷؛ اعلام الوری، ص ۴۲۷؛ خرائج، ج ۳، ص ۱۱۵۲؛ صراط المستقیم، ص ۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۴۷.
- [۶۵۳] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳؛ ابن اثیر، نهاییه، ج ۱، ص ۱۸۷.
- [۶۵۴] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹، به نقل از: الامامة و التبصرة؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۲۵.
- [۶۵۵] بیان الاثمه، ج ۱، ص ۱۰۲.
- [۶۵۶] ابن طاووس، ملاحم، ص ۹۷.
- [۶۵۷] عقد الدرر، ص ۱۵۹؛ القول المختصر، ص ۲۰.
- [۶۵۸] مفید، ارشاد، ص ۳۶۳؛ المستجاد، ص ۵۰۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۳.
- [۶۵۹] نعمانی، غیبه، ص ۳۱۷؛ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۴۱؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۹۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.
- [۶۶۰] من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۴؛ مفید، ارشاد، ص ۳۶۵؛ طوسی، غیبه، ص ۲۸۳؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴؛ اعلا الوری، ص ۴۳۲؛ الفصول المهمه، ص ۳۰۲؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.
- [۶۶۱] خرائج، ج ۲، ص ۴۸۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۲.
- [۶۶۲] دوحه الانوار، ص ۱۳۳؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۷۱.
- [۶۶۳] نعمانی، غیبه، ص ۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۳.
- [۶۶۴] نعمانی، غیبه، ص ۳۱۷؛ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۴۱؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۹۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵؛ به نقل از: خرائج.
- [۶۶۵] صدوق، خصال، ص ۵۰۷.
- [۶۶۶] کفایة الاثر، ص ۲۲۶؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷.

[۶۶۷] اسراء (۱۷) آیه ۶.

[۶۶۸] کافی، ج ۸، ص ۲۰۶؛ تأویل الآيات الظاهره، ج ۱، ص ۲۷۸ و ج ۲، ص ۷۶۲، مختصر البصائر، ص ۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۱؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳ و ج ۵۱، ص ۵۶.

[۶۶۹] ابن حماد، فتن، ص ۱۰۴؛ البدء و التاريخ، ج ۲، ص ۱۸۴؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۶۳.

[۶۷۰] ابن حماد، فتن، ص ۹۹؛ عقد الدرر، ص ۱۴۷؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۵۷.

[۶۷۱] عقد الدرر، ص ۱۴۹.

[۶۷۲] الزام الناصب، ص ۱۹۰؛ تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۱.

[۶۷۳] درباره رجعت امام حسین (ع) به کتاب ستاره درخشان نوشته مرحوم آیه الله والد مراجعه شود.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه‌ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای
 و) راه‌اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه‌سازی، موبایل‌سازی، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت‌کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌رمان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
 وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه‌الله الاعظم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳
 به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است!» یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

